

ترجمہ شواہد

احمد روحانی

موضوع روایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه شواهد

نویسنده:

احمد روحانی

ناشر چاپی:

احمد روحانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
ترجمه شواهد	۷
مشخصات کتاب	۷
اَشْوَاحُ التَّنْزِيلِ	۷
مقدمه مترجم	۷
اشاره	۷
معرفی مؤلف کتاب شواهد التَّنْزِيلِ	۷
انگیزه تألیف کتاب از زبان مؤلف	۸
فصل اول فضایل بی‌شمار علی علیه السلام	۹
اشاره	۹
دیدگاه اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله در تفضیل علی علیه السلام	۹
اشاره	۹
دیدگاه عبد الله ابن عمر بن خطاب در تفضیل علی علیه السلام	۱۰
نظر عکرمه مولی ابن عباس در تفضیل علی علیه السلام	۱۰
نامه عایشه در فضایل علی علیه السلام	۱۰
فصل دوم تقدّم و برتری علی علیه السلام در تلاوت قرآن	۱۱
فصل سوم سبقت بر یاران در جمع‌آوری قرآن	۱۱
فصل چهارم علی علیه السلام عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین کس به تنزیل	۱۲
فصل پنجم کثرت آیات در شأن علی علیه السلام و اولاد	۱۴
فصل ششم معنای یا ایها الذین آمنوا چیست	۱۵
شواهد قرآنی در فضایل علی و اهل بیت علیهم السلام	۱۶
اشاره	۱۶
منظور از آل عمران در آیه شریفه چیست	۲۵

۱۱۷ پاورقی

۱۲۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ترجمه شواهد

مشخصات کتاب

نام کتاب: ترجمه شواهد نویسنده: روحانی احمد موضوع: روایی قرن: پانزدهم زبان: فارسی مذهب: شیعی ناشر: احمد روحانی مکان چاپ: سال چاپ: نوبت چاپ: تحقیق: توضیح: موضوع

[شواهد التنزیل]

مقدمه مترجم

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سپاس خدای بزرگ را که دوستان و اولیای خویش را به انواع کرامات مزین و آنان را رفعت مقام و علو درجات عنایت فرماید. قرآن-۱-۲۷ و بهترین درود و صلوات بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم سرور کائنات باد. کتاب حاضر ترجمه شواهد التنزیل لقواعد التفضیل متعلق به یکی از علمای اهل سنت به نام «حاکم حسکانی است که در قرن پنجم ه. ق می‌زیست و در سال ۴۹۰ ه. ق بدرود حیات گفت کتاب فوق تاکنون ترجمه فارسی نشده است و برای اولین بار به مناسبت سال امیرالمؤمنین علی علیه السلام ترجمه و چاپ می‌شود. در اینکه مجموعه سعی و تلاش گردید در ذکر شماره آیات و روایات از اصل کتاب متابعت شود تا مراجعه به اصل کتاب در هنگام ضرورت آسان‌تر گردد. و در ترجمه کتاب حاضر، روایت‌های مشابه که از یک نفر نقل شده در پاورقی با ذکر شماره آن روایت آورده شد تا موجب طولانی شدن کتاب نگردد. [صفحه ۶] کتاب شواهد التنزیل در دو جلد با ذکر سلسله سند تدوین شده بود که بعلت عدم تطویل سعی شد از ذکر اسامی سند خودداری شده و فقط دو یا سه نفر که متصل به زمان نقل حدیث بودند آورده شود. لذا مجموعه دو جلدی کتاب اصلی در یک جلد ترجمه و تنظیم گردید. اما انگیزه ترجمه اینکه کتاب با توجه به اینکه که کتاب شواهد التنزیل از کتابهای ارزنده و پر محتوا و مستند می‌باشد که از منابع روایی اهل سنت نقل گردیده و هم اینکه که مؤلف کتاب فوق از علمای برجسته و قابل اعتماد اهل سنت و دارای اطلاعات کافی و تحقیق وافیه در علم حدیث و رجال و روایت بوده است و هم اینکه که محتوای کتاب فوق با الهام از آیات قرآنی و روایات نبوی لطف خاصی به فضای معنوی کتاب داده است و مخصوصاً موضوع کتاب فوق درباره شخصیت برجسته و نمونه جهان اسلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که اینکه خصیصه‌ها موجب شد اینکه کتاب در سال امیرالمؤمنین مورد توجه قرار گیرد تا محبان فارسی زبان علی و اهل بیتش علیهم السلام از اندیشه و دیدگاه محدثان و راویان اهل سنت نسبت به امیر مؤمنان آگاه شوند. امید است اینکه مجموعه ارزشمند، علمی و مستند مورد استفاده برادران ارجمند بالاخص برادران اهل تسنن و علاقمندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار گیرد.

معرفی مؤلف کتاب شواهد التنزیل

در معرفی صاحب کتاب بزرگان اهل سنت بیاناتی را ابراز داشته‌اند که از باب نمونه سخنان دو تن از آنان را نقل می‌کنیم سیوطی در کتاب «طبقات حفاظ» در معرفی «حاکم حسکانی می‌گوید: حسکانی محدثی توانا و قاضی زبردست بود نامش به ابن الحذا معروف بود مردی فاضل شیخی دقیق و مدقق که صاحب ذوق و عنایت به علم الحدیث بود در اینکه فن کتاب‌هایی را تدوین و جمع‌آوری کرد. [صفحه ۷] همچنین ذهبی از علمای اهل سنت از کتاب الطبقة جلد ۱۴ می‌گوید: الحسکانی القاضی المحدث ابو

القاسم عبد الله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد حسان القرشي العامري النيشابوري الحنفي الحاكم معروف به ابن الحذاء شیخی مدقق و متقن و صاحب ذوق تام در علم الحديث بود که با عنایت وافر و همت کامل در اینکه فن جد و جهد نمود و کتابهایی را تألیف و تدوین کرد. او از جد و همچنین از ابن ابی الحسن علوی و ابی عبد الله حاکم و ابی طاهر بن محمش و ... حدیث نقل می‌کرد و پیوسته در حال استماع یا افاضه یا جمع آوری حدیث نبوی بود و عمر خویش را در اینکه راه صرف کرد تا در سال ۴۹۰ ه. ق به دار باقی شتافت

انگیزه تألیف کتاب از زبان مؤلف

چنین آورده‌اند که شیخ اجل علی بن حمزه بن علی رشکی خبر داد، فرزند مصنف به نام وهب بن علی حسانی الحذاء نقل کرد: پدرش حاکم امام ابو القاسم حسانی حکایتی شنیدنی در انگیزه تألیف اینکه کتاب ارزشمند را اینکه چنین بیان کرد و گفت بعضی از علمای عوام زده که ریاست بر عوام الناس را دوست داشتند، سخنانی طبق مذاق و میل آنان می‌گفتند. از جمله در روزگار ما در یکی از مجالس پر جمعیت و شلوغ یکی از اصحاب ابن کرام که از اینکه صنف عالمان بود بر کرسی موعظه نشست و با سخنان وقیعانه درباره علویان پیروان خود را گمراه و اغواء می‌کرد. و مبالغت چندان نمود، و سخنان پریشان همی گفت و به عیب‌جویی و مذمت علویان و آباء و اجداد آنان پرداخت چون همدلی و همراهی مستمعین و سکوت حاضرین را مشاهده کرد پا را از گلیم خویش فراتر نهاده درصدد عیب‌جویی سر سلسله علویان یعنی علی بن ابی‌طالب علیه السلام افتاد و گفت هیچ مفسری را ندیدم که گفته باشد سوره هل - قرآن - ۲۴۴-۲۴۹ [صفحه ۸] اتی علی الانسان در شأن علی بن ابی‌طالب علیه السلام و اهل بیت او نازل شده است - قرآن - ۱-۲۱ نه تنها سوره هل اتی بلکه هیچ آیه‌ای از قرآن در فضیلت و کرامات علی علیه السلام و اهل بیتش نازل نشده است ؟ او با جرئت و جسارت به گستاخی خویش ادامه داد و همچنان سخنان پریشان می‌گفت و به تهمت و افترا مبادرت می‌کرد. من از بزرگان مجلس و اکابر علما، توقع داشتم که جوابی سخت و نیکو به او دهند. ولی متأسفانه همه سکوت کرده و کسی اعتراض نکرد مگر قاضی عماد الاسلام ابی العلا صاعد بن محمد [قدس روحه که اعتراض خویش را آشکار کرده و او را از باب امر به معروف و نهی از منکر مورد عتاب و سرزنش قرار داد. من در پایان آن مجلس مصلحت چنان دیدم که باید به اینکه سخنان ناصواب و شبهه خطرناک جوابی نیکو گویم تا اذهان مسلمانان و اصحاب قرآن نسبت به علی بن ابی‌طالب علیه السلام مشوش نگردد لذا در اینکه راستا، به جمع‌آوری آیات قرآنی و روایات نبوی که در شأن علی بن ابی‌طالب علیه السلام بیان شده بود مبادرت کردم تا شخصیت علمی و مجاهدات‌های فرهنگی و فضیلت‌های بی‌شمار آن حضرت مورد شک و تردید نسلهای آینده قرار نگیرد. بر همین اساس هر آیه‌ای که قطعاً یا احتمالاً در شأن علی علیه السلام نازل شد استقصاء [شمارش کردم و روایات مستند را با ذکر سند آن در ذیل آیات نقل کردم که ۲۰۹ آیه و ۱۱۶۳ روایت را در دو جلد کتاب به نام شواهد التنزیل لقواعد التفضیل تدوین کردم تا شاید گوشه‌ای از عظمت و فضیلت بیکران علی بن ابی‌طالب علیه السلام را شناسانده باشم و حسنا الله و نعم الموفق و الوکیل احمد روحانی [صفحه ۹] بسم الله الرحمن الرحيم مؤلف دانشمند، حاکم حسانی قبل از وارد شدن به آیات قرآنی و بیان شأن نزول آنها فصولی را در طلیعه کتاب به عنوان آغاز بحث مطرح کرده است که رابطه تکمیلی با مقاصد کتاب و ارتباط عقلانی با مباحث آن دارد و فصلهای آن به شرح زیر است - قرآن - ۱-۲۷ فصل اول فضائل بی‌شمار علی علیه السلام فصل دوم تقدم و برتری علی علیه السلام در تلاوت قرآن فصل سوم سبقت بر یاران در جمع‌آوری قرآن فصل چهارم عالم‌ترین فرد به تفسیر و عارف‌ترین به تنزیل فصل پنجم کثرت آیات در شأن علی علیه السلام و اولاد فصل ششم معنای یا ایها الذین آمنوا - قرآن - ۳۱۰-۳۳۶ [صفحه ۱۱]

فصل اول فضایل بی‌شمار علی علیه السلام

اشاره

صفات حمیده خصلت‌های پسندیده و فضایل ارزنده امیرالمؤمنین علی علیه السلام به قدری زیاد و فراوان است که اکثر محدثان و دانشمندان شیعه و سنی از متقدمین و متأخرین در کتابهای خویش نقل کردند. در اینکه جا به پاره‌ای از اینکه احادیث که از متقدمین بالاخص عبد الله بن عباس شاگرد تفسیری علی علیه السلام نقل شده است اشاره می‌شود. [۱] روایتی با سند طولانی از حکیم بن جبیر از مجاهد نقل شد که ابن عباس شاگرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان عظمت استادش گفته است لقد کان لعلی بن ابی طالب علیه السلام ثمانیة عشر منقبه لو لم یکن له الا واحده لنجابها، و لقد کانت له ثلاثه عشر منقبه لم تکن لاحد من هذه الائمة -روایت- ۱-۱۷۲ برای علی علیه السلام هجده منقبت وجود دارد که حتی اگر یکی از اینکه هجده منقبت را می‌داشت اهل نجات بود همچنین سیزده منقبت از اینکه هجده کرامت مختص آن سید و سرور است و احدی را در آن نصیبی نیست [۲] مجاهد و عبد الله بن شداد چنین نقل کرده‌اند: [صفحه ۱۲] روزی در حضور عبد الله بن عباس سخنی درباره علی علیه السلام به میان آمد. ابن عباس گفت «لقد کانت لعلی ثمانیة عشر منقبه...» -روایت- ۱-۴۲ از کسی سخن گفتید، که هجده منقبت را به تنهایی داراست که اگر یکی از آن منقبت‌ها را هم می‌داشت اهل رستگاری و نجات بود سیزده صفت و منقبت او مختص به اوست که هیچ یک از امت مصطفی صلی الله علیه و آله غیر از او اینکه منقبت‌ها را ندارد. [۳] حکیم بن جبیر از [مجاهد و عبد الله بن شداد] نقل کرده است ابن عباس بیان کرد: لقد کان لعلی علیه السلام ثمانیة عشر منقبه -روایت- ۱-۵۷ علی علیه السلام را هجده منقبت است اگر یکی از اینکه هجده منقبت را به تنهایی می‌داشت اهل نجات و رستگاری بود حال آن که دارای مناقب هجده گانه است و همچنین برایش دوازده منقبت است که هیچ یک از امت محمد صلی الله علیه و آله دارای اینکه منقبت‌ها نیست و اینکه مناقب اختصاص به علی علیه السلام دارد. [۴] ابو نعیم می‌گوید: کامل بن علا برآیم نقل کرد که مجاهد در مناقب علی علیه السلام گفت ان لعلی علیه السلام سبعین منقبه ما کانت لاحد من اصحاب النبی [ص مثلها و ما من شیء من مناقبهم الا و قد شرکهم فیها -روایت- ۱-۱۴۶ برای علی بن ابی طالب علیه السلام هفتاد فضیلت و منقبت وجود دارد. که هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله در آنها سهمی و نصیبی ندارند. اما منقبتی که اصحاب محمد صلی الله علیه و آله دارند، علی علیه السلام در آن مناقب شریک است [۵] محمد بن عباد از محمد بن معتمر و او از پدر و جدش نقل کرده است کان لعلی بن ابی طالب علیه السلام عشرون و مائه منقبه لم یشرک معه فیها احد من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و قد اشرک فی مناقب الناس -روایت- ۱-۱۷۴ علی علیه السلام را یکصد و بیست منقبت از مناقب مخصوص است که احدی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را در آن مناقب نصیب و سهمی نیست اما علی علیه السلام در مناقب دیگران شریک است یعنی هر منقبتی را که اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله داراست علی علیه السلام نیز همان فضیلت و منقبت را دارد. [صفحه ۱۳]

دیدگاه اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله در تفضیل علی علیه السلام

اشاره

[۶] ابی طفیل از قول بعضی از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله روایت کرده لقد سبق لعلی بن ابی طالب علیه السلام من المناقب ما لو ان واحده منها قسّمت بین الخلق و سعتهم خیراً. -روایت- ۱-۱۲۴ مناقب کثیری برای علی بن ابی طالب علیه السلام است که اگر یکی از آن مناقب را بین جمیع خلائق تقسیم می‌کردند همه آنان را خیر و خوبی و برکت فرا می‌گرفت [۷] محمد بن منصور از

احمد بن حنبل چنین نقل کرده است ما جاء لاحد من اصحاب النبى من الفضائل اكثر مما جاء لعلى بن ابى طالب عليه السلام - روایت- ۱-۱۰۲ برای احدی از صحابه مصطفی صلی الله علیه و آله به اندازه علی بن ابی طالب فضایل و مناقب وارد نشده است [۸] ابو حامد حضرمی و ابو نصر محمد بن احمد گفته‌اند: از محمد بن منصور شنیدیم که او نقل کرد، احمد بن حنبل امام اهل حدیث در فضیلت علی علیه السلام بیان کرده است ما جاء لاحد من اصحاب النبى صلی الله علیه و آله من الفضائل اكثر مما جاء لعلى بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۱۲۹ برای هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله فضایی به اندازه علی علیه السلام وجود ندارد. [۹] حمدان وراق می گوید از احمد بن حنبل شنیدم که گفت ما روی لاحد من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله من الفضائل الصحاح ما روی لعلى بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۱۳۹ روایات صحیحی که در بیان فضایل علی علیه السلام وارد شده برای هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله وارد نشده است [صفحه ۱۴] [۱۰] فطر بن خلیفه می گوید از ابو طفیل شنیدم گفت بعضی از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله در مناقب علی علیه السلام چنین نقل می کردند: لقد كان لعلى عليه السلام من السوابق ما لو ان سابقه منها قسمت بين الخلايق لا وسعتهم خيراً -روایت- ۱-۱۱۲ صفات حمیده و سوابق درخشان علی علیه السلام آن چنان با ارزش است که اگر یکی از آن سوابق برجسته علی علیه السلام بین خلائق تقسیم شود، همه آنان را خیر و خوبی فرا می گرفت [۱۱] محمد بن عیسی از فطر بن خلیفه و او از ابی طفیل روایت کرده که ابن عباس در بیان فضایل علی علیه السلام نقل کرد: لقد سبقت لعلى عليه السلام من السوابق ما لو ان واحدة منها قسمت بين جميع الخلايق لا وسعتهم خيراً -روایت- ۱-۱۱۸ سوابق درخشان علی علیه السلام چنان است که اگر یکی از آنها در بین خلائق تقسیم شود. همه اهل خیر و خوبی می شوند.

دیدگاه عبد الله ابن عمر بن خطاب در تفضیل علی علیه السلام

[۱۲] خلف بن خلیفه بیان کرد: از اباهارون عبدی شنیدم که گفت با عبد الله بن عمر نشسته بودم نافع بن ارقم به جمع ما پیوست او با بی حیایی و گستاخی گفت به خدا سوگند که من دشمن علی علیه السلام هستم و کینه او را در دل دارم ابن عمر گفت ای نافع خداوند دشمن تو باشد تبغض رجلا- سابقه من سوابقه خیر من الدنيا و ما فیها با مردی دشمنی می کنی که یک سابقه از سوابق درخشان او از دنیا و ما فیها بالاتر و برتر است [صفحه ۱۵]

نظر عکرمه مولی ابن عباس در تفضیل علی علیه السلام

[۱۳] عکرمه از ابن عباس چنین روایت کرده است ما فی القرآن آیه الذین آمنوا و عملوا الصالحات -روایت- ۱-۵۵ آلا و علی- امیرها و شریفها و ما من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله رجل الا و قد عاتبه الله و ما ذکر علیا الا بخیر. در قرآن کریم هر آیه‌ای با عنوان الذین آمنوا و عملوا الصالحات ذکر شده است -قرآن- ۴۲-۷۴ علی علیه السلام امیر آن مؤمنان و شریف‌ترین آن صالحان است و از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله کسی نیست که مورد عتاب خدای سبحان قرار نگرفته باشد مگر علی بن ابی طالب علیه السلام که همیشه به خیر و نیکویی توصیف شده است سپس عکرمه گفت در مناقب جلیله و فضایل کثیره علی علیه السلام چیزهایی می دانم که اقطار زمین و آسمان تاب و تحمل شنیدن آنها را ندارند.

نامه عایشه در فضایل علی علیه السلام

[۱۴] عبد الله بن عبد الرحمن قاضی شهر ری نقل کرده که به ابی عبد الرحمن گفتم نامه‌ای از عایشه دریافت کردم که مناقب علی علیه السلام را در آن نوشته است ابی عبد الرحمن در جواب گفت بدان عایشه هر قدر از فضایل علی علیه السلام را یادآور شده

باشد باز هم کم گفته است چون فضایل آن حضرت بیشتر از آن است که قابل شمارش و نگارش باشد اگر عایشه هم فضایی را نقل کرده باشد از دریا قطره‌ای و از خشکی ذره‌ای را متذکر شده است [صفحه ۱۷]

فصل دوم تقدّم و برتری علی علیه السلام در تلاوت قرآن

[۱۵] عاصم از ابی عبد الرحمن سلمی اینکه روایت را ذکر کرده است ما رأیت احداً کان اقرأ للقران من علی علیه السلام -روایت- ۱-۶۴ هیچ کسی را ندیدم در قرائت قرآن از علی علیه السلام برتر و مقدم‌تر باشد سپس عاصم می‌گوید: ابو عبد الرحمن قرائت قرآن را از علی علیه السلام فرا گرفت [۱۶] ابی مالک از ابن عباس نقل می‌کند عبد الرحمن بن عوف چند تن از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله را به نماز جماعت دعوت کرد، چون جمع شدند علی علیه السلام را امام جماعت خویش قرار دادند زیرا آن حضرت قرآن را بهتر از دیگران قرائت می‌کرد. [۱۷] ابن فضیل از عطاء و او از ابو عبد الرحمن سلمی نقل کرده است ما رأیت احداً اقرأ من علی علیه السلام -روایت- ۱-۵۰ احدی را قاری‌تر از علی بن ابی طالب علیه السلام ندیدم یعنی هیچ کسی را ندیدم قرآن را بهتر از علی علیه السلام تلاوت کند. [۱۸] یحیی بن آدم می‌گوید به ابی بکر بن عیاش گفتم [صفحه ۱۸] بعضی از مردم می‌گویند علی علیه السلام قرائت قرآن را نمی‌داند یا نمی‌خواند. در جواب گفت هر کسی چنین گفت دروغ گفته است بلکه علی علیه السلام سرآمد قاریان قرآن است [۱۹] عاصم از ابی نجود و او از عبد الرحمن سلمی چنین نقل می‌کند: ما رأیت احداً اقرأ من علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۶۸ هیچ کسی را در قرائت قرآن تواناتر از علی علیه السلام نیافتم [۲۰] ابی اسحاق از ابی الا-حوص و او از عبد الله بن مسعود که از قاریان معروف قرآن است درباره علی علیه السلام چنین نقل کرده است «افرض اهل المدینه و اقراؤها علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۷۱ داناترین و قاری‌ترین مردم مدینه علی بن ابی طالب علیه السلام بود [۲۱] عبد الله بن عباس گفت عمر بن خطاب همیشه می‌گفت «اعلمنا بالقضاء و اقرؤنا للقرآن علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۷۴ داناترین فرد به علم قضاوت و قاری‌ترین شخص به قرآن علی بن ابی طالب علیه السلام است [صفحه ۱۹]

فصل سوم سبقت بر یاران در جمع‌آوری قرآن

[۲۲] حسن بن دینار از قول ابن سیرین چنین روایت کرده است وقتی ابو بکر بر مسند خلافت نشست و علی علیه السلام خانه‌نشین شد، مردی مغرض به ابو بکر گفت علی علیه السلام از تو اکراه دارد. ابو بکر، علی علیه السلام را فراخواند و گفت آیا درست است که تو از من بیزاری و نسبت به من اکراه داری علی علیه السلام فرمود: من از تو اکراهی ندارم اما چون رسول الله صلی الله علیه و آله به ملکوت اعلی پیوسته و قرآن جمع‌آوری نشده است می‌ترسم چیزی از قرآن کم یا زیاد شود سوگند یاد کرده‌ام جز برای نماز از خانه بیرون نیایم تا قرآن را جمع‌آوری کنم ابو بکر گفت اگر چنین است پس کاری نیکو انجام می‌دهی [۲۳] سدی از عبد خیر نقل کرد: چون علی علیه السلام بعد از وفات نبی صلی الله علیه و آله از بعضی مردم زمانه سبک عقلی و خیره‌سری مشاهده کرد. سوگند یاد کرد تا قرآن را جمع‌آوری نکند ردا بر دوش نیندازد. پس در خانه نشست و قرآن را جمع‌آوری کرد. پس آن حضرت نخستین کسی بود که قرآن را در مصحف جمع‌آوری کرد و از قلبش به [صفحه ۲۰] صورت مکتوب در مصحف نگاشت و مصحف علی علیه السلام اکنون در نزد آل جعفر علیه السلام موجود است [۲۴] ایوب از عکرمه روایت کرد: وقتی بعضی از مردم با ابو بکر بیعت کردند و او خلافت را به عهده گرفت علی علیه السلام در خانه نشست و از بیعت سرباز زد، عمر به سراغ علی علیه السلام رفته با او ملاقات کرد و پرسید: یا علی آیا از بیعت با ابو بکر تخلف می‌کنی علی علیه السلام فرمود: بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله سوگند یاد کردم ردا بر دوش نگذارم مگر برای نمازهای واجب تا قرآن را جمع‌آوری کنم چون می‌ترسم در قرآن تقلبی صورت گیرد و کلام الهی دست خوش تحریف شود. [۲۵] سدی از عبد خیر و او از یمان روایت کرده است زمانی که

رسول الله صلی الله علیه و آله به ملکوت اعلی پیوست علی علیه السلام سوگند یاد کرد که ردا بر دوش نگذارد تا سرانجام تمامی سور قرآن را جمع آوری کند و به صورت مصحف درآورد. و آن بزرگوار ردا بر دوش نگذاشت تا سرانجام قرآن شریف را جمع آوری کرد. [۲۶] ابن عون از محمد بن سیرین چنین نقل می کند که ابن سیرین گفت در مدینه بودم و از ملاقات ابو بکر با علی علیه السلام با خبر شدم ابو بکر به علی گفت یا علی شنیدم از امارت و حکومت من اکراه داری؟ علی علیه السلام گفت خیر بلکه سوگند یاد کرده ام تا قرآن را جمع آوری نکنم ردا بر دوش نگذارم این سیرین ادامه داد و گفت علی علیه السلام قرآن را با شأن نزول آیاتش مکتوب کرد که اگر آن قرآن به دست ما می رسید، به علم کثیر و حکمت های فراوان دسترسی پیدا می کردیم این سیرین می گوید از عکرمه درباره آن قرآن پرسیدم که آن قرآن در کجاست او ساکت شد و سخنی نگفت [۲۷] ایوب از محمد بن سیرین روایتی به اینکه مضمون نقل می کند: وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، علی علیه السلام خانه نشینی را انتخاب کرد، و از خانه بیرون [صفحه ۲۱] نیامد. عده ای به ابو بکر گفتند، علی از خانه بیرون نمی آید. او حتماً به امارت و حکومت تو معترض است و از تو اکراه دارد. ابو بکر، علی علیه السلام را فرا خواند و پرسید: یا علی علی علیه السلام آیا از اینکه که امارت و حکومت به دست من است اکراه داری علی علیه السلام فرمود: از امارت تو کراهت ندارم امّا می ترسم قرآن دستخوش تحریف شود، لذا سوگند یاد کردم تا قرآن را جمع آوری نکنم عبا و ردا بر دوش نگذارم و از منزل بیرون نیام [صفحه ۲۳]

فصل چهارم علی علیه السلام عالم ترین فرد به تفسیر و عارف ترین کس به تنزیل

[۲۸] ابی طفیل از انس بن مالک روایت کرده است که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: علیّ یعلّم الناس بعدی من تأویل القرآن ما لا یعلمون - روایت - ۱-۶۵ علی علیه السلام پس از وفات من تعلیم دهنده تأویل قرآن به مردم است در آنچه نمی دانند «۱». - پاورقی - ۱۰۸-۱۱۰ [۲۹] عمیر بن بشر خثعمی از قول عبد الله بن عمر چنین نقل کرده است علیّ اعلم الناس بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله - روایت - ۱-۷۹ علی بن ابی طالب علیه السلام عالم ترین و عارف ترین مردم به قرآن است [۳۰] سعید بن حنظلّه از علقمه بن قیس روایت کرد علی علیه السلام روزی در مسجد کوفه در خطبه ای فرمود: سلونی یا اهل الکوفه؟ قبل ان لا تسألونی فواللّٰی نفسی بیده ما نزلت - روایت - ۱-۸۴ [صفحه ۲۴] الله آیه الّا و انا اعلم بها اینکه نزلت و فیمن نزلت فی سهل ام فی جبل او فی مسیر ام فی مقام { ای اهل کوفه از مسائل علمی و شرعی و حکمت های الهی از من بپرسید، قبل از آن که نتوانید از من سؤال کنید و من در میان شما نباشم به خدایی که جان علی علیه السلام در قبضه قدرت اوست هیچ آیه ای نازل نشد مگر اینکه که می دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است آیا در درشت نازل شده یا در کوه در مسیر راه یا در منزلگاه و می دانم در تویخ یا تمجید چه کسی نازل شده است پس از من درباره قرآن بپرسید تا دانا شوید. [۳۱] وهب بن عبد الله نقل کرد ابی طفیل گفت علی علیه السلام را در حال خطبه دیدم می فرمود: «سلونی فواللّٰی لا تسألونی عن شیء یكون الی یوم القیامه الّا حدّثکم به - روایت - ۱-۸۹ سلونی عن کتاب الله و الله ما من آیه الّا و انا اعلم اینکه نزلت بلیل او بنهار، او بسهل نزلت أو فی جبل . - روایت - ۱-۱۳۲ ای مردم کوفه از من سؤال های علمی کنید، به خدا سوگند؟ درباره هر چیزی که از حالا تا قیامت مسئله اش را بپرسید، خبرش را به شما می دهم ای مردم از کتاب خدا قرآن بپرسید، آیه ای نیست مگر اینکه که می دانم کجا و کی و چگونه و بر چه کسی و برای چه چیزی نازل شده و آیا در کوه یا در دشت نازل شده است؟ [۳۲] ابی عبد الرحمن سلمی چنین نقل کرده است هیچ کسی را مثل علی علیه السلام عالم به علم قرائت قرآن ندیدم او بود که می فرمود: «سلونی فواللّٰی لا تسألونی عن شیء من کتاب الله الّا حدّثکم بلیل نزلت ام بنهار او فی سهل او فی جبل . - روایت - ۱-۱۳۰ بپرسید تا بگویم از هر چه بپرسید، جواب عالمانه می گویم اگر از آیات ربّانی سؤال کنید، خبر از شأن نزول زمان و مکان نزول آیات را به شما خواهم داد. [صفحه ۲۵] [۳۳] سید الشهداء، حسین بن علی علیه السلام بیان کرد پدرم علی علیه السلام فرمود: ما فی القرآن آیه الّا و قد قراتها علی رسول الله و علّمنی معناها. -

روایت ۱-۷۹ در قرآن هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه که آن را برای رسول الله صلی الله علیه و آله قرائت کردم و آن حضرت معنا و تفسیرش را به من تعلیم داد. [۳۴] زید بن علی علیه السلام از پدرش علی بن حسین علیه السلام و او از پدرش حسین علیه السلام نقل کرد که پدرم علی علیه السلام فرمود: ما دخل نوم عینی و لا غمض رأسی علی عهد رسول الله حتی علمت ذلك اليوم ما نزل به جبرئیل من حلال او حرام او سنّة او کتاب او امر او نهی و فی من نزلت -روایت ۱-۱۹۱ در عهد رسول الله خواب به چشمم راه نمی‌یافت مگر آن که در آن روز علم پیدا می‌کردم که جبرئیل از حلال و حرام از سنّت و کتاب از امر و نهی چه چیزی را آورده و آیات در شأن چه کسی نازل شده است [۳۵] زید بن علی علیه السلام از پدر و جدّش نقل کرد که علی علیه السلام فرمود: ما دخل عینی و لا رأسی حتی علمت -روایت ۱-۴۶ هیچ شبی چشمم به خواب نمی‌رفت مگر اینکه که علم و معرفت به آیات نازل شده در آن روز و از حلال و حرام از امر و نهی از سنّت و کتاب از شأن نزول آیات علم پیدا می‌کردم آن گاه می‌خواهیدم [۳۶] ابو بکر بن عیاش از ثوبان بن ابی فاخته از پدرش نقل کرد که علی علیه السلام فرمود: کان لی لسان سؤل و قلب عقول و ما نزلت آیه الا و قد علمت فیم نزلت و علی من نزلت و بم انزلت -روایت ۱-۱۱۳ برای من زبانی گویا و قلبی عاقل قرار داده شد و هیچ آیه‌ای نازل نشد، مگر اینکه که می‌دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است [۳۷] سعید بن حنظلّه از علقمه بن قیس چنین روایت می‌کند که علی علیه السلام می‌فرمود: ۲- «-روایت ۳- ادامه دارد [صفحه ۲۶] آیه الا و انا اعلم اینکه نزلت و فیم نزلت أفی سهل ام فی جبل ام فی مسیر ام فی مقام . -روایت ۱- از قبل ۱۰۴ [۳۸] سلیمان احمسی از پدرش اینکه روایت را نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: و الله ما نزلت آیه الا و قد علمت فیما نزلت و اینکه نزلت و علی من نزلت -روایت ۱-۸۹ به خدا سوگند، آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم درباره چه کسی و در کجا و برای چه چیزی نازل شده است سپس ادامه داد و فرمود: «لأن الله وهب لی قلباً عقولاً و لساناً طلقاً -روایت ۱-۵۳ برای اینکه که خدای حکیم قلبی عاقل و زبانی گویا و آزاد، به من عنایت کرد.» [۳۹] منهال بن عمرو از عباد بن عبد الله اینکه روایت را نیز نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم آن آیه در کوه یا در دشت در شب و یا در روز نازل شده است و نیز می‌دانم هر آیه‌ای در شأن و منزلت یا مذمت چه کسی نازل شده است [۴۰] عطاء از عایشه چنین نقل کرده است که عایشه گفت علی اعلم اصحاب محمد بما انزل علی محمد. -روایت ۱-۵۱ علی علیه السلام عارف‌ترین و عالم‌ترین اصحاب نبی صلی الله علیه و آله به قرآن کریم است [۴۱] آبان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس هلالی شنیده است که علی علیه السلام فرمود: ما نزلت علی رسول الله صلی الله علیه و آله آیه الا اقرأها علی فاکتبها بخطی و علمنی تأویلها و تفسیرها و ناسخها و منسوخها و محکمها و متشابهها، و دعا الله ان یعلمنی فهمها و حفظها. -روایت ۱-۲۰۶ آیه‌ای نازل نمی‌شد مگر اینکه که مصطفی صلی الله علیه و آله بر من قرائت می‌کرد و من آن را با خط خود می‌نوشتم آن حضرت تأویل تفسیر، ناسخ منسوخ محکم و متشابه آن آیات را به من [صفحه ۲۷] آموخت و به برکت دعای مصطفی صلی الله علیه و آله حتی یک حرف را فراموش نکردم و بر اثر دعای آن حضرت خدای سبحان فهم حفظ و ضبط قرآن را به من عنایت کرد. [۴۲] از قول شعبی نقل شده است علی علیه السلام اعلم اصحاب به قرآن است ۳. -پاورقی ۵۲-۵۴ [۴۴] عبد الملک بن ابی سفیان گفت از عطا سؤال کردم آیا در بین اصحاب و یاران مصطفی صلی الله علیه و آله کسی عالم‌تر از علی علیه السلام یافت می‌شود. در جواب گفت به خدا سوگند کسی عالم‌تر از او نیست ۴. -پاورقی ۴۶-۴۸ [۴۶] محمد بن فضیل می‌گوید از ابن شبرمه شنیدم که می‌گفت هیچ کسی را سراغ ندارم بر منبر بنشیند و بگوید. سلونی عمّا بین اللوحین الا علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت ۱-۷۲ جز علی علیه السلام کسی چنین ادعایی نکرد و نگفت آنچه در قرآن است از من بپرسید. [۴۷] از ابن شبرمه نیز شنیده شده که او گفته است ما کان احد یقوم علی المنبر فیقول سلونی عمّا بین اللوحین الا علی بن ابی طالب -روایت ۱-۹۶ احدی بر منبر نشست و نگفت بپرسید از هر چه می‌خواهید مخصوصاً از قرآن بپرسید تا جواب بگویم مگر علی بن ابی طالب علیه السلام ۵. -پاورقی-

فصل پنجم کثرت آیات در شأن علی علیه السلام و اولاد

[۴۸] سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کند: ما نزل فی احد من کتاب الله ما نزل فی علی علیه السلام - روایت ۱-۷۶ برای هیچ کسی به اندازه علی علیه السلام در قرآن آیه نازل نشده است [۴۹] مجاهد می‌گوید: نزلت فی علی سبعون آیه لم یشرکه فیها احد - روایت ۱-۵۲ در حق علی علیه السلام هفتاد آیه نازل شده که هیچ کسی در آن دخالت و شرکت ندارد [۶۰]. -پاورقی ۱۰۴-۱۰۲ [۵۰] حفص بن غیاث از لیث و او از مجاهد چنین نقل کرده است ما انزل الله آیه فی القرآن الا علی رأسها. -روایت ۱-۵۳ هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده مگر اینکه که علی علیه السلام در رأس آن آیه بوده است [۵۳] ابن اسحاق می‌گوید یزید بن رومان گفت [صفحه ۳۰] ما نزل فی احد من القرآن ما نزل علی بن ابی طالب -روایت ۱-۶۳ هر آیه‌ای که برای اصحاب نازل شده علی علیه السلام هم در آن آیه حظی و شرکتی داشته است [۵۴] محمد بن اسحاق از یزید بن رومان چنین نقل می‌کند: ما انزلت فی احد ما انزل فی علی من الفضل فی القرآن -روایت ۱-۶۷ فضایی که برای علی علیه السلام در قرآن وارد و نازل شده برای احدی از صحابه وارد نشده است [۵۵] عبد الرحمن بن ابی لیلی می‌گوید: لقد نزلت فی علی ثمانون آیه صفواً فی کتاب الله ما یشرکه احد من هذه الامة. -روایت ۱-۹۱ هشتاد آیه اختصاصی در قرآن کریم درباره فداکاری عظمت و حقوق علی علیه السلام نازل شده است که احدی از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام در آن آیات شریک نیست [۵۶] علی بن حسین علیه السلام فرمود: نزل القرآن علينا و لنا کرائمه -روایت ۱-۳۵ قرآن برای ما نازل شد و کرائم قرآن برای ما اهل بیت است [۵۷] ابن عباس نقل می‌کند، روزی از روزها نبی صلی الله علیه و آله دست من و علی علیه السلام را گرفته به شیر برد. ابتدا دو رکعت نماز گزارد، سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت خدایا؟ موسی بن عمران از تو خواهشی کرد و من محمد که برگزیده توأم از تو می‌خواهم به من شرح صدر عنایت فرمایی و کارهایم را آسان گردانی و زبانی گویا و ناطق به من مرحمت فرمایی تا عرب و عجم سخنم را بفهمند. بعد فرمود: و اجعل لی وزیراً من اهلی -روایت ۱-۳۱ علی بن ابی طالب علیه السلام اخی اشد به ازری و اشركه فی امری -قرآن ۳۹-۷۹ خدایا؟ وزیر و معاونی مثل علی بن ابی طالب علیه السلام که از اهل بیت و برادر من است برایم قرار ده تا پشتوانه من در غم‌ها و گرفتاری‌ها و شریک در کارهایم باشد [صفحه ۳۱] ابن عباس ادامه می‌دهد: در پایان سخنان مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم که منادی ندا داد، یا محمد آنچه خواستی به تو عطا کردم آن گاه نبی الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا ابا الحسن دست را به آسمان بلند کن و از خدایت درخواست کن تا آنچه را خواسته باشی به تو عنایت فرماید. علی علیه السلام دست را به سوی آسمان بلند کرد و گفت اللهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک وداً. -روایت ۱-۵۶ و خدای سبحان آیه شریفه ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن وداً را نازل کرد. -قرآن ۲۵-۹۱ سپس نبی صلی الله علیه و آله آن آیه را برای اصحاب خویش تلاوت کرد. وقتی اصحاب از اینکه صحنه تعجب کردند، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای یاران از چه چیزی تعجب می‌کنید؟! بدانید آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت مختص ما اهل بیت است و یک قسمت اختصاص به مذمت دشمنان ما دارد. و یک چهارم درباره حلال و حرام و یک چهارم باقی مانده در واجبات و فرائض است خدای رحمان درباره علی علیه السلام کرائم قرآن را نازل فرمود. [۵۸] زکریا بن میسره از اصبع بن نباته نقل می‌کند که علی علیه السلام فرمود: آیات قرآن چهار قسمت است یک قسمت آن که یک چهارم قرآن است در شأن ما نازل شد و یک چهارم دیگر آن درباره دشمنان ما و توبیخ آنان وارد شده است یک چهارم قرآن هم در تفسیر سنن و بیان مثال و داستان گذشتگان و انبیا نازل شده است یک چهارم دیگر قرآن در بیان فرائض شرعی و واجبات الهی است اما آن ربعی که در شأن ماست از کرائم قرآن است ۷. -پاورقی ۳۹۸-۴۰۰ [۵۹] ابو حمزه ثمالی از ابی یحیی [زکریا بن میسره نقل کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: نزل القرآن اثلاثاً ثلث فینا و ثلث فی عدونا و ثلث فرائض و احکام و -روایت ۱-۷۶ [صفحه ۳۲] الله سنن و امثال

{ آیات قرآن به سه قسمت تقسیم می‌شود یک ثلث در شأن ما اهل بیت است و یک ثلث در توییخ و مذمت دشمنان ماست و ثلث دیگر در توضیح و تبیین واجبات و احکام و سنن و امثال است [۶۰] حسین بن سلیمان از ابی جارود و او از اصبع بن نباته نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: نزل القرآن اربعة ارباع ربع فینا و ربع فی عدونا و ربع حلال و حرام و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن -روایت- ۱-۱۲۳ قرآن در چهار قسمت نازل شده است یک چهارم در شأن ما اهل بیت یک ربع درباره دشمنان یک ربع در تبیین حلال و حرام و ربع آخر در توضیح فرائض و احکام است ولی آن بخشی که مربوط به ماست از کرائم قرآن است ۸. -پاورقی- ۲۴۵-۲۴۷ [۶۲] حبیب بن ابی ثابت گفت یوسف بن ماهک برای ما طعامی مهیا کرد در حالی که مجاهد، طاوس و عطا همراه من بودند. مجاهد لب به سخن گشود و گفت لقد نزلت فی علی سبعون آیه ما شرکه فیها احد. -روایت- ۱-۵۵ در شأن امیر المؤمنین علی علیه السلام هفتاد آیه نازل شده که هیچ کسی در آن آیه‌ها با علی علیه السلام شرکت ندارد. [۶۳] عبید الله بن موسی از عبد العزیز بن سیابه نقل کرده است جماعتی از محدثان و مفسران با یکدیگر سخن می‌گفتند. در آن میان مجاهد گفت لقد نزلت فی علی سبعون آیه ما شرکه فیها احد. -روایت- ۱-۵۵ ای دوستان بدانید هفتاد آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است که احدی در آنها با علی علیه السلام شریک نیست «۹-پاورقی- ۱۵۹-۱۶۱ [صفحه ۳۳] [۶۵] حسین بن سلیمان از ابی جارود و او از اصبع بن نباته روایت کرده که علی علیه السلام فرمود: نزل القرآن اربعة ارباع ربع فینا، و ربع فی عدونا و ربع حلال و حرام و ربع فرائض و احکام و لنا کرائم القرآن -روایت- ۱-۱۲۵ قرآن شریف در چهار قسمت نازل شد. یک چهارم در شأن ما، یک چهارم درباره دشمنان ما و یک چهارم در تبیین حلال و حرام و یک چهارم در تشریع احکام و وجوب فرائض است و کرائم قرآن برای ماست ۱۰. -پاورقی- ۲۱۴-۲۱۶ [صفحه ۳۵]

فصل ششم معنای یا ایها الذین آمنوا چیست

-قرآن- ۱۷-۴۳ در هفتاد موضع از قرآن شریف آیه کریمه یا ایها الذین آمنوا نازل شده است در شرح و توضیح اینکه آیه شریفه روایاتی ذکر شده که نقل می‌شود تا شأن و منزلت علی علیه السلام بیشتر شناخته شود. -قرآن- ۴۸-۷۴ [۶۷] زید بن وهب از حذیفه بن یمان نقل کرده است که طایفه‌ای از مردم با هم مذاکره می‌کردند و می‌گفتند: هر آیه‌ای از قرآن با خطاب یا ایها الذین آمنوا نازل شده خطاب به اصحاب محمد صلی الله علیه و آله است -قرآن- ۳۵-۶۱ حذیفه گفت ای دوستان بدانید هر آیه‌ای که با خطاب یا ایها الذین آمنوا نازل شده علی علیه السلام لب و لباب آن است ۱۱. -قرآن- ۶۳-۹۰-پاورقی- ۱۴۹-۱۵۱ [۷۰] علی بن بذیمه از عکرمه نقل می‌کند که عبد الله بن عباس گفت [صفحه ۳۶] ما انزل الله فی القرآن آیه یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۶۲ الا کان علی امیرها و شریفها، و لقد عاتب الله اصحاب محمد و لم يذكر علیا الا بخیر. هیچ آیه‌ای در قرآن با خطاب یا ایها الذین آمنوا شروع نشده مگر اینکه که علی علیه السلام امیر و سرآمد آن مؤمنان است بدانید که خدای محمد صلی الله علیه و آله همه اصحاب او را مورد عتاب و سرزنش قرار داده مگر علی علیه السلام را و از علی علیه السلام همیشه با نیکی یاد کرده است ۱۲. -قرآن- ۳۵-۶۱-پاورقی- ۳۴۶-۳۴۸ [۷۴] عکرمه از ابن عباس روایت کرده است ما ذکر الله فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۶ الا و علی شریفها و امیرها و لقد عاتب الله اصحاب محمد فی آی من القرآن و ما ذکر علیا الا بخیر. هیچ جای قرآن یا ایها الذین آمنوا ذکر نشده مگر اینکه که علی علیه السلام امیر و شریف آنان است و خدای جبار اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله را در قرآن مورد عتاب قرار داد. ولی علی علیه السلام را در قرآن جز به نیکی یاد نکرده است -قرآن- ۱۶-۴۲ [۷۵] عکرمه از ابن عباس نقل کرده است ما فی القرآن آیه یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۴۹ الا علی سیدها و امیرها و شریفها و ... هر آیه کریمه‌ای که با خطاب یا ایها الذین آمنوا در قرآن عظیم نازل شده علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیر و شریف و سید آنان مورد خطاب خدای سبحان قرار گرفته است هیچ یک از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله نیست که مورد عتاب و سرزنش قرآن واقع نشده باشد به

جز علی علیه السلام که در هیچ جا مورد معاتبه قرار نگرفته است -قرآن- ۳۷-۶۳ [۷۶] عیسی بن راشد از علی بن بذیمه و او از عکرمه نقل کرده است که ابن عباس شاگرد نمونه علی علیه السلام گفت ما نزل فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۰ آلا علی امیرها و شریفها لقد عاتب الله المؤمنین فی القرآن فی غیر آیه ما فیهم علی. [صفحه ۳۷] هر آیه‌ای با کلمات مبارک یا ایها الذین آمنوا نازل شد. علی علیه السلام امیر و شریف آن جماعت مؤمنان است خدای مّان در آیات متعددی مؤمنان را مورد عتاب و سرزنش قرار داد جز علی علیه السلام را که او هرگز مورد مؤاخذه و معاتبه واقع نشد. -قرآن- ۳۲-۵۸ [۷۷] همچنین از علی بن بذیمه از عکرمه و او هم از ابن عباس نقل کرده است ما انزل الله قطّ یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۴۹ آلا علی امیرها و شریفها، و لقد عاتب الله اصحاب محمد صلی الله علیه و آله فی غیر مکان و ما ذکر علیاً الا بخیر. [۱۳-پاورقی- ۱۳۳-۱۳۵] [۷۸] مجاهد از ابن عباس اینکه چنین نقل کرده است «۱۴-پاورقی- ۶۲-۶۴ ما انزل الله آیه یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۴۹ و علی رأسها و امیرها. هر جایی آیه یا ایها الذین آمنوا نازل شده علی علیه السلام امیر و رئیس مؤمنان است -قرآن- ۱۵-۴۱ [۸۱] مجاهد از عبد الله بن عباس چنین روایت کرده است ما انزل الله فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۸ آلا کان علی امیرها و شریفها لانه اول المؤمنین ایماناً. هیچ آیه‌ای در قرآن با خطاب یا ایها الذین آمنوا نازل نشده مگر اینکه که علی علیه السلام امیر و شریف آن مؤمنین است چون او اولین اسلام آورنده و نخستین مؤمن به دین اسلام و آیین محمد صلی الله علیه و آله و کتاب خدا بود -قرآن- ۳۵-۶۱ [۸۲] جماعتی از عیسی بن راشد اینکه حدیث را نقل کرده‌اند: ما انزل الله فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۸ آلا علی امیرها و شریفها، و لقد عاتب الله اصحاب محمد صلی الله علیه و آله فی غیر آیه من القرآن و ما ذکر علیاً الا بخیر. هیچ آیه‌ای با الفاظ یا ایها الذین آمنوا نازل نشد مگر اینکه که علی علیه السلام امیر آن مؤمنان و شریف‌ترین آنان است خدای سبحان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را در آیات متعددی مورد عتاب و سرزنش قرار داد، ولی علی علیه السلام را همیشه به نیکی و خیر یاد کرده است -قرآن- ۲۴-۵۰ [صفحه ۳۸] [۸۳] محمد بن مروان از جعفر بن محمد و او از ابن عباس شاگرد تفسیری علی علیه السلام نقل کرده است ما ذکر الله فی کتابه یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۵ آلا و علی امیرها. خدای سبحان در کتابش هرگاه آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا را ذکر فرمود علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان امیر المؤمنین آن آیه شریفه است -قرآن- ۴۵-۷۱ [۸۴] عبد الله بن خراش از عوام بن حوشب و او از مجاهد روایت کرده است ما کان فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۱ فان لعلی سابقه ذلك و فضیله هر موضعی در قرآن عظیم آیه یا ایها الذین آمنوا ذکر شده است علی بن ابی طالب علیه السلام اولین و با سابقه‌ترین مؤمنان و با فضیلت‌ترین آنان است -قرآن- ۳۵-۶۱ [۸۵] عبد الله بن خراش در مقام علی علیه السلام از عوام و او از مجاهد چنین روایت کرده است کل شیء فی القرآن یا ایها الذین آمنوا -روایت- ۱-۵۱ فان لعلی سبقه و فضله هر جا آیه یا ایها الذین آمنوا در قرآن نازل شده علی علیه السلام را سبقت و فضیلت بر همه آن مؤمنان است -قرآن- ۱۴-۴۰ [صفحه ۳۹]

شواهد قرآنی در فضایل علی و اهل بیت علیهم السلام

اشاره

[صفحه ۴۱] [۱] اهدنا الصراط المستقیم [حمد/ ۶] [خدایا] ما را به راه راست راهبر باش -قرآن- ۵-۲۸ [۸۶] حاکم پدر ابو محمد عبد الله بن احمد با سلسله سند از ابی بریده در تفسیر آیه شریفه اهدنا الصراط المستقیم نقل می‌کند که صراط مستقیم یعنی صراط مصطفی صلی الله علیه و آله و صراط اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله -قرآن- ۱۰۵-۱۲۸ [۸۷] عبد الله بن عباس شاگرد علی علیه السلام در تفسیر آیه اهدنا الصراط المستقیم گفته است ای بندگان خدا بگویند اهدنا به حب نبی صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی‌اش -قرآن- ۷۵-۹۸ [۸۸] سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود یا علی؟ انت

طریق الواضح و انت الصراط المستقیم و انت یعسوب المؤمنین -روایت- ۱-۸۴ « یا علی تو طریق آشکار و صراط مستقیم و سر کرده مؤمنان هستی [۸۹] جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود ان الله جعل علیاً و زوجته و ابنائه حجج الله علی خلقه و هم ابواب العلم -روایت- ۱-۱۰۱ ادامه دارد [صفحه ۴۲] فی امتی من اهتدی بهم هدی الی صراط مستقیم -روایت- از قبل- ۵۳. خدای سبحان علی علیه السلام و همسر و فرزندان را حجت‌های خود بر مردم قرار داده است و آنان باب‌های علم برای امت من هستند. هر کسی در جست و جوی هدایت توسط آنان باشد به صراط مستقیم هدایت می‌یابد. [۹۰] ابی جعفر الباقر علیه السلام از پدر و او از جدش نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: من سرّه من اراد ان یجوز علی الصراط کالزح العاصف و یلج الجنّة بغیر حساب فلیتولّ ولیّ و وصیّ و صاحبی و خلیفتی علی اهلی علی بن ابی طالب علیه السلام و من اراد ان یلج النار -روایت- ۱-۲۱۸ هر کسی مشتاق است که از پل صراط مثل باد تند پاییزی بگذرد و خود را بدون حساب به بهشت جاویدان برساند، ولایت ولیّ و وصیّ و مصاحب و خلیفه من علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرد و بر دل بسپارد. و هر کسی می‌خواهد در آتش جهنّم سرنگون شود، ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را رها کند. به عزّت و جلال پروردگارم سوگند، علی علیه السلام باب الله است هیچ کسی وارد نمی‌شود، مگر از آن باب و او صراط مستقیم است علی علیه السلام آن کسی است که خداوند، در روز قیامت از ولایت او سؤال خواهد کرد. [۹۱] جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود اهتدوا بالشّمس فاذا غاب الشّمس فاهتدوا بالقمر، فاذا غاب القمر فاهتدوا بالزّهرة، فاذا غابت الزّهرة فاهتدوا بالفرقدين -روایت- ۱-۱۲۳ با نور خورشید دنبال هدایت و مطلوب خود باشید، اگر خورشید غایب شد، به وسیله ماه هدایت یابید، اگر ماه پنهان شد به وسیله ستاره زهره راه را بیابید، اگر زهره ناپدید شد به وسیله فرقدين به دنبال هدایت باشید. سؤال شد یا رسول الله شمس قمر، زهره و فرقدان را نمی‌شناسیم بیان فرمایید تا بدانیم اینان کیستند! حضرت فرمود: من خورشید هدایتیم علی علیه السلام قمر عالمتاب است فاطمه علیها السلام ستاره نورانی در شب ظلمانی است حسن و حسین علیهما السلام هم فرقدان اینک جهان هستند. [صفحه ۴۳] [۹۲] سلام بن مستنیر جعفری می‌گوید، روزی در منزل امام باقر علیه السلام به خدمت آن بزرگوار رسیدم و عرض کردم فدایت شوم سؤالی دارم اگر مشقت ندارد جواب دهید. حضرت فرمود: از هر چه دوست داری سؤال کن گفتم اجازه می‌فرمایی از مسائل قرآن بپرسم فرمود: سؤال کن پرسیدم معنی آیه شریفه هذا صراط علیّ مستقیم ۱۵ -قرآن- ۹۴-۱۱۸-پاورقی- ۱۱۹-۱۲۱ فرمود: آن صراط علی بن ابی طالب علیه السلام است پرسیدم آیا صراط علی بن ابی طالب علیه السلام منظور آن است دوباره بیان فرمود: بلی آن صراط علی بن ابی طالب علیه السلام است ۱۶. -پاورقی- ۸۱-۸۳ [۹۳] عبد الله بن سلیمان نقل می‌کند، از ابی عبد الله علیه السلام سؤال کردم منظور از برهان و نور در کلام خداوند: قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً یعنی چه -قرآن- ۱۴۰-۱۹۹ آن بزرگوار فرمود: منظور از برهان محمّد صلی الله علیه و آله و منظور از نور، علی بن ابی طالب علیه السلام است و همچنین منظور از صراط مستقیم علی علیه السلام است ۱۷. -پاورقی- ۲۰۰-۲۰۲ [۹۵] ابو بصیر نقل می‌کند از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم صراطی را که ابلیس گفت لا تعدن لهم صراطک المستقیم منظور کدام راه و صراط است -قرآن- ۱-۳۱ آن حضرت فرمود: منظور از صراط مستقیم صراط علی علیه السلام است -قرآن- ۲۹-۴۱ [۹۶] عبد الله بن ابی جعفر از برادرش نقل می‌کند هذا صراط علیّ مستقیم یعنی صراط امیر المؤمنین علی علیه السلام -قرآن- ۶۱-۸۴ [۹۷] حذیفه بن یمان می‌گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: [صفحه ۴۴] اگر ابو بکر را به ولایت و امارت انتخاب کنم هر چند زاهد در دنیا و راغب به آخرت است امّا ضعیف است و توانایی جسمی ندارد. اگر عمر را بر اینکه کار بگمارم قوی و امین است ولی از ملامت و انتقاد ابایی ندارد. امّا اگر علی بن ابی طالب علیه السلام را ولایت دهم شما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند و به مقصد نهایی می‌رساند ۱۸. -پاورقی- ۱۳۷-۱۳۹ [۱۰۱] حذیفه بن یمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که آن حضرت فرمود: «و ان تولّوا علیاً تجدوه هادياً مهدياً یسلک بکم الطریق المستقیم -روایت- ۱-۷۶ ای مردم اگر علی علیه السلام را به ولایت انتخاب کنید، او را

هادی و مهدی خویش می‌یابید، و شما را به طریق مستقیم سوق می‌دهد» (۱۹). -پاورقی- ۱۵۴-۱۵۶ [۱۰۲] ابی یقظان از ابی وائل و او از حذیفه بن یمان روایت کرد که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: ان تولّوا علیاً و لن تفعلوا تجدوه هادیاً مهدیاً یسلک بکم الطریق المستقیم -روایت- ۱-۹۲ اگر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را بپذیرید که نمی‌پذیرید او را هادی و مهدی می‌یابید، شما را به طریق مستقیم سیر می‌دهد. که هرگز گمراهی در آن نباشد» (۲۰). -پاورقی- ۱۹۶-۱۹۸ [۱۰۵] عبد الرحمن بن زید بن اسلم می‌گوید از پدرم درباره آیه شریفه صراط الّذین انعمت علیهم سؤال کردم پدرم گفت آن صراط نبی صلی الله علیه و آله و پیروانش و همچنین صراط علی علیه السلام و شیعیانش است که خدای منّان به آنان نعمت هدایت را عنایت فرمود. -قرآن- ۸۱-۱۰۸ [صفحه ۴۵] [۲] الم ذلک الکتاب لا- ریب فیه هدی للمتّقین [بقره ۲] الف لام میم اینکه است کتابی که در [حقّانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوا پیشگان است -قرآن- ۵-۵۴ [۱۰۶] ابی صالح از مقاتل و او از ضحاک نقل می‌کند که از عبد الله بن عباس شاگرد تفسیری امیر المؤمنین علی علیه السلام از تفسیر آیه ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتّقین پرسیدیم -قرآن- ۱۶۳-۲۰۷ او در جواب گفت شک نیست که قرآن از جانب خدای رحمان است و در قرآن هدی یعنی هدایت و نور برای متّقین است و بدانید، علی بن ابی طالب علیه السلام که حتی در یک چشم بهم زدن مشرک نشد، و بت را نپرستید و عبادت خالص را برای خدای سبحان به جای آورد. از متّقین است او و شیعیان حقیقی‌اش بدون حساب وارد بهشت می‌شوند» (۲۱). -پاورقی- ۲۴۴-۲۴۶ [۳] اولئک علی هدی من ربّهم و اولئک هم المفلحون [بقره ۵] آنهایند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگاران‌اند. -قرآن- ۵-۵۸ سؤال اینکه است که مفلحون در آیه چه کس یا کسانی هستند سه روایت در تفسیر و تعیین مصداق آیه فوق وارد شده است -قرآن- ۲۵-۳۲ [۱۰۷] عیسی بن عبد الله بن محمّد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام از پدرش و پدرش از جدّش و او از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: [صفحه ۴۶] روزی سلمان فارسی گفت یا علی علیه السلام هر گاه به خدمت پیامبر وارد می‌شدم آن حضرت دست بر کتفم می‌گذاشت و می‌فرمود: یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون -روایت- ۱-۴۶ ای سلمان اینکه مرد علی علیه السلام و حزبش از رستگاران‌اند» (۲۲). -پاورقی- ۷۴-۷۶ [۱۰۸] عمر بن علی بن ابی طالب می‌گوید از پدرم امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم که فرمود: سلمان فارسی رو به من کرد و گفت یا ابا الحسن هر بار که نزد رسول خدا بودم و شما وارد مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شدید، مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرمود: یا سلمان هذا و حزبه هم المفلحون یوم القیامه. -روایت- ۱-۵۸ ای سلمان اینکه مرد و حزبش در روز قیامت از رستگاران‌اند. [۱۰۹] عیسی بن عبد الله بن عبید الله بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام می‌گوید: پدرم از پدرش و او از جدّش نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: سلمان فارسی به من گفت یا علی هر گاه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدم آن حضرت دستش را به شانه‌ام می‌گذاشت و می‌فرمود ای سلمان اینکه شخصیت و شیعیان و حزبش از رستگاران عالم‌اند. [۱۱۰] عیسی بن عبد الله از زبان پدر و جدّش نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود سلمان فارسی گفت فلما اطلعت علی رسول الله صلی الله علیه و آله و انا معه الا ضرب بین کتفی و قال یا سلمان هذا و حزبه المفلحون -روایت- ۱-۱۴۳ یا علی هر گاه در خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله بودم و تو از بیرون به حضور آن حضرت می‌رسیدی رسول الله صلی الله علیه و آله دست بر شانه‌ام می‌زد و می‌فرمود: ای سلمان اینکه شخصیت و حزبش از رستگاران و مفلحان هستند. [صفحه ۴۷] [۴] و إذا قیل لهم آمنوا کما آمن النّاس [بقره ۱۳] و چون به آنان گفته شود: همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید. -قرآن- ۵-۴۹ [۱۱۱] مصادیق جمله مبارک آمنوا کما آمن النّاس چه کسانی هستند. -قرآن- ۲۸-۵۲ از عبد الله بن عباس درباره کلام خدای تعالی «آمنوا کما آمن النّاس سؤال شد. -قرآن- ۶۰-۸۳ ابن عباس در جواب پاسخ داد، آنان علی بن ابی طالب علیه السلام جعفر طیار، حمزه سید الشهداء، سلمان ابو ذر، عمار، مقداد، حذیفه بن یمان و امثال اینکه جماعت از مؤمنان راستین هستند. [۵] و إذا لقوا الّذین ءامنوا قالوا ءامنّا. [بقره ۱۴] و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند ایمان آوردیم

قرآن-۵-۴۶ [۱۱۲] شأن نزول اینکه آیه شریفه را عبد الله بن ثابت مقری از پدرش و پدرش از هذیل و او از مقاتل و او از محمد بن حنفیه فرزند علی علیه السلام چنین بیان می‌کند: روزی پدرم امیر المؤمنین علی علیه السلام با اصحابش سلمان فارسی عمار، صهیب مقداد و ابو ذر از بیرون وارد شهر مدینه می‌شدند که با عبد الله بن ابی بن سلول سر کرده منافقین مدینه و پیروانش رو به رو شدند. چون علی علیه السلام نزدیک شد، عبد الله بن ابی زبان نفاق گشاد و گفت مرحبا بسید بنی هاشم وصی رسول الله و اخیه و ختنه و ابی السربین الباذل له ماله و نفسه علی علیه السلام فرمود: وای بر تو ای ابن ابی؟! ولی من گواهی می‌دهم تو منافقی بی‌دین هستی ابن ابی گفت یا علی آیا اینکه سخنان را درباره من می‌گویی به خدا سوگند، من [صفحه ۴۸] مؤمنی مثل تو و یارانت هستم علی علیه السلام فرمود: ای ابن ابی مادرت به عزایت بنشیند. یقین می‌دانم تو منافق بی‌دینی هستی عبد الله بن ابی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آنچه بین او و پدرم علی علیه السلام گذشته بود اظهار ناراحتی کرد. ابن ابی هنوز در مجلس رسول خدا بود که آیه شریفه و اذا لقوا الذين آمنوا نازل شد. قرآن-۶۱-۸۵ یعنی ابن ابی هر گاه امیر المؤمنین علی علیه السلام را که مؤمن و تصدیق کننده قرآن است ملاقات کند می‌گوید: قالوا آمنا یعنی به محمد صلی الله علیه و آله و قرآن عظیم ایمان راستین داریم قرآن-۱۲۹-۱۴۰ همین‌ها وقتی دوستان منافق و شیاطین خود را می‌بینند اظهار می‌دارند، ما در کفر و شرک با شما هستیم و انما نحن مستهزون ما علی علیه السلام و یارانش را استهزا می‌کنیم قرآن-۱۱۴-۱۳۵ خداوند فرمود: الله يستهزئ بهم خدای تعالی در پاسخ استهزاء به علی علیه السلام و یارانش آنان را در آخرت عذابی دردناک و مجازاتی سخت می‌نماید. قرآن-۱۴-۳۲ [۶] و بشر الذين آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات [بقره ۲۵] و کسانی را که ایمان آورده‌اند، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود قرآن-۵-۶۲ [۱۱۳] از ابن عباس با سلسله سند طولانی آن نقل شده است آنچه از قرآن به طور خاص در حق رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اهل بیتش نازل شد. آیه شریفه و بشر الذين آمنوا و عملوا الصالحات است که در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه سید الشهداء و جعفر طیار و عبیده بن حارث بن عبد المطلب نازل شده است قرآن-۲۰۹-۲۴۸ [صفحه ۴۹] [۷] و اذ قال ربك للملائكة ائني جاعل في الارض خليفة. [بقره ۳۰] و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت قرآن-۵-۶۱ [۱۱۴] خدای تعالی فرمود: ائني جاعل في الارض خليفة من روی زمین خلیفه و جانشین برگزیدم. سؤال اینجاست اینکه خلفا و برگزیدگان چه کسانی هستند؟! از عبد الله بن مسعود روایتی نقل شده است که در قرآن خلافت از جانب خداوند برای سه نفر واقع شده است قرآن-۲۸-۵۷ اول خلافت برای آدم علیه السلام به دلیل قول خدای تعالی در آیه و اذ قال ربك للملائكة ائني جاعل في الارض خليفة. قرآن-۸۵-۱۴۰ دوم خلافت برای داود علیه السلام طبق آیه یا داود انا جعلناك خليفة في الارض ۲۳. قرآن-۵۲-۹۴-پاورقی-۹۵-۹۷ ای داود؟ خلافت سرزمین بیت المقدس را برای تو قرار دادیم سوم خلافت برای مولای متقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام است بر اساس آیه لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذين من قبلهم ۲۴. قرآن-۹۸-۱۵۶-پاورقی-۱۵۷-۱۵۹ [۱۱۵] سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل کرده است که سلمان فارسی گفت روزی در خدمت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بودم آن حضرت فرمود: ای مردم بدانید، وصی و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من دین مرا ادا کند و وعده‌های مرا عمل نماید پسر عم من علی بن ابی طالب علیه السلام است [صفحه ۵۰] [۸] و علم آدم الأسماء كلها [بقره ۳۱] و خدا همه معانی نامها را به آدم آموخت قرآن-۵-۳۱ [۱۱۶] مصطفی صلی الله علیه و آله علم و دانش امیر المؤمنین علی علیه السلام را شبیه آدم قرار داد. ابن راشد از قول ابی حمراء نقل می‌کند، با جماعتی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم به محض اینکه که علی علیه السلام وارد مجلس شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از ورود او مسرور شد و اینکه مطلب را فرمود: من سره ان ينظر الى آدم في علمه و نوح في فهمه و ابراهيم في حلمه فلينظر الى علي بن ابی طالب علیه السلام -روایت-۱-۱۳۵ یعنی هر کسی اراده کند به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم بنگرد به علی بن ابی طالب نظاره کند. [۱۱۷] روایت دیگری از ابی راشد از ابی حمراء به گونه‌ای دیگر نقل شده است من اراد ان ينظر الى آدم في علمه و الى نوح

فی فهمه و الی ابراهیم فی حلمه و الی یحیی فی زهد و الی موسی فی بطشه فلینظر الی علی بن ابی طالب علیه السّلام -روایت- ۱- ۱۹۶ یعنی هر کسی بخواهد به علم آدم و فهم نوح و حلم ابراهیم و زهد یحیی و هیبت و قدرت موسی نظاره کند به علی بن ابیطالب علیه السّلام بنگرد و اینکه صفات را در او مشاهده کند. [۱۱۸] ابو معاویه از اعمش و او از مجاهد نقل می‌کند که ابن عباس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در فضل و علم علی علیه السّلام فرمود: انا مدینه العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فلیأت الباب -روایت- ۱- ۶۵ من شهر علم و علی علیه السّلام در آن است پس هر کسی طالب علم است باید از در علم وارد شود. ابن عباس از شاگردان و نزدیکان علی علیه السّلام می‌گوید: بارها شنیده‌ام که علی علیه السّلام [صفحه ۵۱] می‌گفت در سینه من علم کثیر و معلومات فراوانی جمع است ۲۵. -پاورقی- ۶۷-۶۵ [۱۲۲] سلام بن سلیمان مدائنی و او از عمر بن مثنی و او از ابی اسحاق نقل می‌کند که انس بن مالک گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه علیها السّلام فرمود: ۲۶. -روایت- ۳- ۷۸ ای دختر عزیزم تو را به ازدواج شخصی درآوردم که از نظر همه کمالات معنوی سرآمد روزگار است او را حلمی عظیم و علمی کثیر و سابقه‌ای درخشان در اسلام است و در مسلمانی نخستین فرد است [۱۲۳] حاکم ابو عبد الله حافظ از ابو بکر بن ابی دارم و او از خالد بن خفاف و او از عامر و او از ابن عباس در باب علم علی علیه السّلام روایت جالبی را نقل می‌کند. که چنین است العلم عشرة اجزاء، اعطی علی بن ابی طالب منها تسعة، و الجزء العاشر بین جمیع الناس و هو بذلک الجزء اعلم منهم -روایت- ۱- ۱۲۶ علم ده جزء است نه جزء آن به علی بن ابی طالب علیه السّلام عطا شد، و مختص آن حضرت گردید اما جزء دهم بین همه مخلوقات عالم تقسیم شد. و امیر المؤمنین علیه السّلام در آن یک جزء نیز سرآمد همه عالمیان است ۲۷. -پاورقی- ۲۴۱-۲۴۳ [۹] و أقيموا الصّلاة و اتوا الزّکاة و اركعوا مع الرّاکعین [بقره ۴۳] و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید. -قرآن- ۵- ۶۱ [۱۲۴] ابن عباس درباره آیات قرآن می‌گوید، آنچه از سوره بقره مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّلام و اهل بیت آن حضرت وارد شد همین آیه ۴۳ است که در شأن [صفحه ۵۲] رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّلام در آن هنگام که نخستین نمازگزاران و رکوع کنندگان بودند، نازل شد ۲۸. -پاورقی- ۱۵۵-۱۵۷ [۱۲۵] روایتی مسند با سلسله روات طولانی و مضبوط از قول یحیی بن عقیف کندی از پدر و جدّش نقل شده است جدّ یحیی بن عقیف کندی داستانی را که خودش مشاهده کرد اینکه چنین بیان می‌کند: روزی برای خریدن لباس و عطر به نزد عباس بن عبد المطلب که مردی تاجر پیشه بود رفته در کنارش نشستم و به خانه کعبه نگاه می‌کردم غروب آفتاب فرارسید و قرص خورشید پنهان شد. جوانی خوش سیما را در حالی که به آسمان نگاه می‌کرد دیدم جوان رو به قبله ایستاد. بعد از اندک زمانی نوجوانی آمد و در سمت راست او قرار گرفت بعد از لحظه‌ای بانویی را دیدم که پشت سر آنان ایستاد سپس آن جوان دست به آسمان بلند کرد آن دو نیز دست بلند کردند. آن جوان به رکوع رفت آن دو هم پیروی کردند، و رکوع به جا آوردند. گفتم ای عباس امر عجیبی را مشاهده می‌کنم عباس گفت آیا اینان را می‌شناسی گفتم خیر، نمی‌شناسم آنان را معرفی کن تا بدانم عباس گفت آن جوان محمّد بن عبد الله بن عبد المطلب برادرزاده من است آن نوجوان علی بن ابی طالب است و آن زن خدیجه بنت خویلد، همسر آن جوان است برادرزاده‌ام می‌گوید خدای او خدای زمین و آسمان است و آن خدا او را به اینکه دین و آیین امر کرده است در روی زمین غیر اینکه سه نفر هیچ کسی بر اینکه دین نیست [صفحه ۵۳] [۱۰] و استعینوا بالصّبر و الصّلاه و إنّها لکبیره إلّا علی الخاشعین الذّین یظنون أنّهم ملاقوا ربّهم و أنّهم إلیه راجعون [بقره ۴۵ ۴۶] از شکیبایی و نماز یاری جوید. و به راستی اینکه [کار] گران است مگر بر فروتنان -قرآن- ۶- ۱۳۰ همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت [۱۲۶] کلبی از قول ابی صالح نقل می‌کند، ابن عباس در تفسیر آیه مبارکه استعینوا بالصّبر و الصّلاه و أنّها لکبیره إلّا علی الخاشعین گفت -قرآن- ۸۴- ۱۴۶ به کسی که در نماز تذلل نشان دهد، خاشع گویند و آیه خطابش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّلام است که با خشوع و اخلاص نماز می‌گزارند. همچنین ابن عباس درباره الذّین یظنون أنّهم ملاقوا ربّهم می‌گوید: -قرآن-

۲۸-۶۴ اینکه قسمت از آیه شریفه برای علی بن ابی طالب علیه السّلام و عثمان بن مظعون و عمار یاسر و اصحاب علی علیه السّلام نازل شده است ۲۹». -پاورقی- ۱۵۷-۱۵۹ [۱۱] و الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات أولئک أصحاب الجنّة هم فیها خالدون [بقره ۸۲] و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشت‌اند، و در آن جاودان خواهند ماند. -قرآن- ۶-۸۱ [۱۲۷] از جمله آیاتی که در شأن رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السّلام و اهل بیت آن حضرت نازل شده همین آیه شریفه در سوره بقره است [صفحه ۵۴] ابن عباس از مفسرین معروف در شأن نزول آیه الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات أولئک أصحاب الجنّة هم فیها خالدون می‌گوید: اینکه آیه انحصاراً و فقط برای علی علیه السّلام نازل شده چون او نخستین مؤمن به خدا صلی الله علیه و آله و اولین نمازگزار همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است -قرآن- ۵۲-۱۲۵ [۱۲۸] روایت دیگری از طریق عکرمه نقل شده که از زبان ابن عباس حکایت شد در اینکه روایت ابن عباس می‌گوید: برای علی علیه السّلام چهار خصلت ارزنده و بارز وجود دارد که برای احدی ذکر نشده است علی علیه السّلام نخستین عرب و عجمی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله نمازگزارد. علی علیه السّلام تنها کسی است که در همه جنگ‌ها پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را پیروزمندانه در دست داشت در جنگ احد تنها کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها نگذاشت و فرار نکرد علی علیه السّلام بود علی علیه السّلام تنها صحابی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را غسل داد و او را در قبر گذاشت ۳۰». -پاورقی- ۱۲۱-۱۲۳ [۱۲] و کذلک جعلناکم أمّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس [بقره ۱۴۳] و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد -قرآن- ۶-۶۱ [۱۲۹] از قول سلیم بن قیس نقل شده که وی از امیر المؤمنین علی علیه السّلام در تفسیر آیه کذلک جعلناکم أمّة وسطاً پرسید که چه کسانی مورد نظر هستند! -قرآن- ۱۱۲-۱۳۷ علی علیه السّلام فرمود: منظور خداوند تبارک و تعالی از آیه شریفه فوق ما هستیم تا بر طبق آیه لتکونوا شهداء علی النّاس شاهد بر همه مردم باشیم و رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد بر ماست -قرآن- ۱۱۲-۱۳۸ [صفحه ۵۵] نحن شهداء الله علی النّاس و حجّته فی ارضه ما اهل بیت شاهد خداوند بر جمیع مردم و حجّت او بر زمین هستیم ما کسانی هستیم که خداوند در حق ما فرمود: کذلک جعلناکم أمّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس [۱۳] و ان کانت لکبیره إلّا علی الذّین هدی الله [بقره ۱۴۳] و البته اینکه کار [جز بر کسانی که خدا هدایت [شان کرده سخت گران بود -قرآن- ۱-۵۳ -قرآن- ۵۹-۱۰۹ [۱۳۰] ابو ذر هم از حسن روایت می‌کند: علی بن ابی طالب علیه السّلام نخستین مهتدی و اولین کسی بود که خدای تعالی او را همراه نبی صلی الله علیه و آله هدایت کرد، و اولین یاری بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیوست [۱۳۱] شعبی نقل می‌کند: ما گروهی بودیم در شهر بصره بر حجاج بن یوسف وارد شدیم و حسن هم آخرین نفری بود که وارد مجلس شد. حجاج بن یوسف پیوسته از علی علیه السّلام عیب جویی می‌کرد و از او بد می‌گفت و ما همه از ترس و به منظور برحذر ماندن از شرّش او را همراهی می‌کردیم و حسن هم ساکت بود و چیزی نمی‌گفت حجاج بن یوسف پرسید: ای ابا سعید؟ چرا ساکت نشسته‌ای در مورد ابو تراب بگو، تا بدانم رای و نظر تو چیست حسن گفت خدای تعالی فرمود: و ما جعلنا القبلة الّتی کنت علیها الّا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه و ان کانت لکبیره الّا علی الذّین هدی الله -قرآن- ۳۳-۱۷۸ علی علیه السّلام از کسانی است که خدای تعالی او را هدایت کرده است و از اهل ایمان و یقین قرار داد. او پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسر دختر او و محبوب‌ترین چهره نزد پیامبر صلی الله علیه و آله است دارای سوابق حمیده و فضایل کثیره است که تو و هیچ کس دیگری [صفحه ۵۶] قادر به رد یا منع آن فضایل نیست [۱۳۲] از عبد الله بن عمرو همدادی نقل شده است که حجاج بن یوسف از حسن پرسید: ابو تراب چه کسی است و تو درباره‌اش چه می‌دانی حسن گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام کسی است که خدای تعالی او را از هدایت یافتگان و مهتدین قرار داد. حجاج بن یوسف گفت ای حسن برای سخن خود دلیل بیاور و با برهان سخن بگو. حسن گفت خدای تعالی فرمود: و ما جعلنا القبلة الّتی کنت علیها الّا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه و ان کانت لکبیره الّا علی الذّین هدی الله -قرآن- ۳۳-۱۷۸ علی علیه السّلام نخستین کسی است که خدای تعالی او را همراه نبی صلی الله علیه و آله هدایت کرد.

حجاج بن یوسف بعد از شنیدن فضایل علی علیه السلام از زبان حسن او را از بصره اخراج کرد. [۱۴] و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤف بالعباد. [بقره ۲۰۷] و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به اینکه بندگان مهربان است قرآن-۶-۸۰ [۱۳۳] ابی سعید خدری می‌گوید: شبی که مصطفی صلی الله علیه و آله قصد مهاجرت از مکه به مدینه را داشت و در غار ثور مخفی شد، علی بن ابی طالب علیه السلام برای حفظ جان رسول خدا و خانواده‌اش در بستر آن حضرت خوابید. خداوند بزرگ به جبرئیل و میکائیل فرمود: بین شما دو تن برادری قرار می‌دهم و عمر یکی را طولانی‌تر از دیگری می‌کنم یکی از شما عمر طولانی را [صفحه ۵۷] انتخاب کند، اما هر دو عمر طولانی را برگزیدند، و هر یک عمر طولانی را برای خود می‌خواستند. خدای سبحان فرمود: حالا بنگرید ایثار و از خود گذشتگی علی بن ابی طالب علیه السلام را بدانید بین نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هم برادری برقرار کردم علی علیه السلام در بستر برادرش مصطفی صلی الله علیه و آله خوابیده است هر دو به زمین هبوط کنید و او را از شر دشمنانش حفظ کنید. جبرئیل و میکائیل به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند. جبرئیل در بالای سر علی علیه السلام و میکائیل در پایین پای او قرار گرفت و جبرئیل ندا می‌داد بخ بخ یا بن ابی طالب -روایت- ۱-۳۵ ای پسر ابو طالب مبارک باد بر تو، خدای بزرگ به واسطه ایثار بر ملائکه آسمان‌ها مباحات و افتخار می‌کند. سپس آیه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة الله و الله رؤف بالعباد. در آن شب به پاس از خود گذشتگی علی علیه السلام نازل شد. «۳۱-قرآن-۱۲۵-۱۹۸-پاورقی-۲۷۵-۲۷۷ [۱۳۵] ابن عباس چنین نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب مهاجرت به سوی غار حرکت کرد، علی علیه السلام لباس آن حضرت را پوشید و در بستر او خوابید، قریش برای کشتن نبی صلی الله علیه و آله خانه را محاصره کردند. آن جماعت قصد حمله به علی علیه السلام را داشتند، چون او را نبی صلی الله علیه و آله می‌پنداشتند، اما وقتی با دقت از نزدیک نگاه کردند، دیدند علی علیه السلام است که در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است گفتند: ای علی خود را به شکل صاحب خویش درآوردی و ما را به اشتباه انداختی [۱۳۶] ابن عباس می‌گوید علی علیه السلام در شب هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله جان خود را فروخت و لباس مصطفی صلی الله علیه و آله را پوشید و در بستر آن حضرت آرمید. [۱۳۷] عبد الرحمان بن میمون از پدرش نقل می‌کند که از ابن عباس شنید، علی علیه السلام در شبی که رسول الله صلی الله علیه و آله در غار پنهان شد در بستر آن حضرت خوابید، لحظاتی بعد [صفحه ۵۸] ابو بکر به طلب رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل آن حضرت آمد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام او را از ماجرا با خبر کرد، ابو بکر به تعقیب مصطفی صلی الله علیه و آله پرداخت تا به آن حضرت ملحق شد. قریش تا صبح علی علیه السلام را می‌دیدند و گمان می‌کردند پیامبر صلی الله علیه و آله است اما صبحگاه با روشنی هوا علی علیه السلام را مشاهده کردند. همگی با عصبانیت پرسیدند محمد صلی الله علیه و آله کجاست علی علیه السلام گفت از جایگاه او خبری ندارم گفتند: امر بر ما اشتباه شد. تو را محمد صلی الله علیه و آله پنداشتیم در همین شب آیه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة الله درباره علی علیه السلام نازل شد. «۳۲-قرآن-۲۱-۷۲-پاورقی-۱۱۲-۱۱۴ [۱۳۹] سدی داستان غار را چنین بیان می‌کند: شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم غار بود علی بن ابی طالب علیه السلام را در بستر خویش خوابانید، و به تنهایی به سوی غار به راه افتاد. بعد از مدتی ابو بکر به منزل آن حضرت وارد شد. علی علیه السلام گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج شده است ابو بکر به تعقیب او پرداخت تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله از پشت سر، صدایی شنید و گمان کرد او از مشرکان است ابو بکر بلافاصله لب به سخن گشود و خود را معرفی کرد تا نگرانی آن حضرت بیشتر نشود. پس هر دو به سوی غار حرکت کردند تا اینکه که به داخل غار شدند، از طرف دیگر مشرکان قریش که خانه مصطفی صلی الله علیه و آله را محاصره کرده بودند، به طرف بستر آن حضرت رفتند، علی علیه السلام را در حالی که لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده بود در جای آن حضرت دیدند. ابتدا گمان کردند پیامبر صلی الله علیه و آله است [صفحه ۵۹] بعضی از مشرکان به بعضی دیگر گفتند حمله می‌کنیم و کار محمد صلی الله علیه و آله را تمام می‌سازیم

بعضی دیگر گفتند: صبر می‌کنیم تا بیدار شود. آن‌گاه او را با شمشیر از پای درمی‌آوریم اما چون صبح شد، علی علیه السلام را در بستر نبی صلی الله علیه و آله دیدند، با ناراحتی و عصبانیت گفتند: رفیق تو کجاست؟ علی علیه السلام فرمود: جایگاه او را نمی‌دانم اما آن بی‌دینان یقین پیدا کردند که مصطفی صلی الله علیه و آله به جانب مدینه رهسپار شده است خداوند هم به پاس خدمت علی علیه السلام آیه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاء الله را نازل کرد. -قرآن- ۵۴-۱۰۵ [۱۴۱] حکیم بن جبیر می‌گوید، علی بن حسین علیه السلام فرمود نخستین کسی که جانش را با خداوند معامله کرد علی علیه السلام بود سپس اینکه آیه مبارکه را قرائت فرمود: و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاء الله و ادامه داد اینکه آیه به پاس ایثار علی علیه السلام و جانفشانی او در آن شب نازل شد [۳۳]. -قرآن- ۴۴-۹۵-پاورقی- ۲۰۱-۲۰۳ [۱۴۲] حکیم بن جبیر می‌گوید، از علی بن حسین علیه السلام درباره آیه و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاء الله سؤال شد آن حضرت فرمود: -قرآن- ۸۱-۱۳۲ آن هنگام که علی بن ابی طالب علیه السلام در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله آرامید و آن حضرت غار را پناهگاه خود ساخت آیه شریفه فوق نازل شد و علی علیه السلام نیز اینکه ابیات را می‌خواند: وقیت بنفسی خیر من وصی الحصى و اکرم خلق طاف بالبيت و الحجر و بت‌اراعی منهم ما ینو بنی و قد صبرت نفسی علی القتل و الاسر محید لِمَا خاف ان یمکروا به فَنَجَّاهُ ذُو الطُولِ الْعَظِيمِ مِنَ الْمَكْرِ وَ بَاتَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْغَارِ آمَنًا فَمَا زَالَ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ فِي سِتْرِ -روایت- ۱-۲۸۶ [صفحه ۶۰] [۱۵] و آتی المال علی حَبِّهِ ذَوِ الْقَرْبَى وَ الْيَتَمَى وَ الْمَسْكِينِ وَ إِبْنِ السَّبِيلِ وَ السَّيِّئَاتِ وَ فِي الرِّقَابِ [بقره ۱۷۷] و مال خود را با وجود دوست داشتن به خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن بندگان بدهد. -قرآن- ۶-۱۱۲ [۱۴۳] ابی بکر سیعی از علی بن عباس بن ولید و او از محمد بن مروان غزال و او از ابراهیم بن حکم بن ظهیر و او از پدرش نقل می‌کند که سَدِّی گفت آیه و آتی المال علی حَبِّهِ ذَوِ الْقَرْبَى در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است -قرآن- ۴-۴۲ [۱۶] و مثل الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُوهُ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْثَلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يَصْبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. [بقره ۲۶۵] و مثل [صدقات کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که برفراز پشته‌ای قرار دارد که اگر رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی برای آن بس است، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست -قرآن- ۶-۱۸۶ [۱۴۴] حسن بن محبوب از ابی جعفر احوال و او از سلام بن مستنیر و او از ابن جعفر علیه السلام نقل کرده که درباره آیه مثل الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ... سؤال شد، آن حضرت فرمود: -قرآن- ۱۴۱-۱۷۰ آیه مبارکه در شأن امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شد. [۱۴۵] ابی بصیر نقل کرد ابی عبد الله علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه مثل الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فرمود: -قرآن- ۸۴-۱۳۴ [صفحه ۶۱] علی علیه السلام افضل و برترین مصداق در آیه شریفه است او بود که پیوسته اموالش را برای به دست آوردن رضایت خدای تعالی انفاق می‌کرد. [۱۷] يُوْتَى الْحَكْمَةُ مِنْ يَشَاءُ وَ مِنْ يُوْتَى الْحَكْمَةُ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا. [بقره ۲۶۹] خدا به هر کسی که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کسی حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است -قرآن- ۶-۷۰ [۱۴۶] سفیان ثوری از منصور و او از ابراهیم و او از علقمه و او از عبد الله بن عباس نقل کرده است که عبد الله گفت روزی در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم شخصی از علم و دانش و حکمت علی علیه السلام سؤال کرد. آن حضرت فرمود: قَسَمْتُ الْحَكْمَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءً فَأَعْطَيْتُ عَلَى تِسْعَةِ أَجْزَاءٍ وَ أَعْطَيْتُ النَّاسَ جُزْءًا وَاحِدًا. -روایت- ۱-۷۸ بدانید، حکمت به ده قسمت تقسیم شده است نه قسمت آن به علی بن ابی طالب علیه السلام و یک قسمت آن به بقیه مردم داده شد. [۱۴۷] ابن عباس از رسول خدا روایت کرد: مَنْ ارَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي حَكْمَتِهِ وَ إِلَى يُوسُفَ فِي اجْتِمَاعِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ -روایت- ۱-۱۵۲ [۱۴۸] سفیان ثوری می‌گوید، ربیع بن خثیم گفت در دوستی هیچ کسی را محبوب‌تر از علی علیه السلام در نزد مردم ندیدم و همچنین در دشمنی آن حضرت بعضی‌ها او را مبغوض‌ترین بودند، سپس آیه شریفه و من يؤت الحكمة فقد أوتي خيراً كثيراً را قرائت کرد و گفت و آن علی علیه

السَّلام است که حکمت وافر و خیر کثیر را داراست -قرآن- ۱-۳۱ [۱۴۹] عامر بن مفضل تغلبی می گوید: روزی به نزد حسن بن صالح رفتم و مسائل بسیاری را از او سؤال کردم در جواب هر مسئله‌ای می گفت حکیم الحکماء علی بن ابی طالب علیه السَّلام چنین فرمود و چنان پاسخ داد یعنی او را حکمتی زیاد و علمی فراوان بود که جواب هر مسئله‌ای را می گفت و هرگز در نمی ماند. [۱۵۱]

باز هم عامر نقل می کند: روزی در نزد ربیع بن خثیم ذکری از نام علی علیه السَّلام شد، آهی کشید و گفت از شخصی نام بردید، که دوستان و محبان او را بسیار دوست می داشتند و دشمنان او نیز نسبت به وی بغضی شدید داشتند. سپس گفت ای مردم هیچ کس را در حکمت به اندازه علی علیه السَّلام ندیدم آن گاه آیه و من یؤت الحکمة فقد أوتی خیراً کثیراً را تلاوت کرد. -قرآن- ۱۰۴-۱۴۵ مردم گفتند: ای ربیع تو در حق علی علیه السَّلام مبالغه می کنی البته هر چند مردم نمی فهمیدند چه می گویند، از نزدش متفرق شدند. «۳۴ -پاورقی- ۷۳-۷۵ [۱۵۲] ربیع بن خثیم درباره دوستان و دشمنان علی علیه السَّلام چنین می گوید: مردی که دوستانش در محبت و دوستی او را از همه گرامی تر و محبوب تر دارند، علی بن ابی طالب علیه السَّلام است و همچنین او کسی است که دشمنانش در دشمنی و کینه از هر دشمنی شدیدتر و مبغوض تر هستند. سپس رو به مردم کرد و گفت به خدا سوگند، علی علیه السَّلام عالم به قضاء الهی است چون و من یؤت الحکمة فقد أوتی خیراً کثیراً و او علی علیه السَّلام است که دارای حکمت وافر و علم کثیر است -قرآن- ۱۰۶-۱۴۷ [۱۵۳] طارق بن شهاب می گوید: نزد عبد الله بن عباس حضور داشتم عده‌ای از [صفحه ۶۳]

فرزندان مهاجرین آمدند و پرسیدند، ای ابن عباس علی بن ابی طالب علیه السَّلام چگونه مردی بود ابن عباس گفت ملیء جوفه حکماً و علماً و بأساً و نجدةً و قرابةً من رسول الله -روایت- ۱-۷۲ علی علیه السَّلام یگانه‌ای است که دارای حکمت وافر و علم فراوان و ابهت زیاد است و با رسول خدا صلی الله علیه و آله قرابت دارد «۳۵». -پاورقی- ۱۵۴-۱۵۶ [۱۸] الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیةً فلهم أجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون [بقره ۲۷۴] کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. -قرآن- ۶-۱۲۶ [۱۵۵] محمّد بن سائب از ابی صالح و او از عبد الله بن عباس نقل کرده که آیه شریفه الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیةً ... در تحسین و تمجید علی بن ابی طالب علیه السَّلام نازل شده است -قرآن- ۱۰۶-۱۶۳ چون آن حضرت را چهار درهم نقد موجود بود یک درهم را در شب یک درهم در روز، یک درهم در پنهانی و یک درهم آشکارا در طلب رضای خدای سبحان صدقه داد. وقتی مصطفی صلی الله علیه و آله از او پرسید، چه چیزی باعث اینکه کار شد! علی علیه السَّلام گفت یا رسول الله انگیزه اینکه انفاق آن است که امید دارم خدای تعالی مرا مستوجب وعده‌ها و لطف نیکوی خویش قرار دهد. مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: حقاً که مستحق چنین پاداش نیکویی هستی [صفحه ۶۴] سپس آیه الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیةً بر آن بزرگوار در شأن علی علیه السَّلام نازل شد. -قرآن- ۹-۶۶ [۳۶۵۶] ایوب بن سلیمان می گوید: محمّد بن مروان درباره آیه الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار گفته است اینکه کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب علیه السَّلام نازل شده درست در زمانی که آن بزرگوار چهار درهم داشت یک درهم در شب یک درهم در روز، یک درهم در پنهان و یک درهم آشکارا در راه خدای بزرگ به عنوان صدقه تقدیم کرد. آن گاه آیه فوق نازل شد «۳۶». -قرآن- ۶۴-۱۰۶-پاورقی- ۴۱۵-۴۱۷ [۱۵۹] عبد الزّزاق و برادرش عبد الوهاب از فرزند مجاهد و او از پدرش نقل می کند که از ابن عباس درباره کلام خدا الذین ینفقون أموالهم سؤال شد. -قرآن- ۱۳۵-۱۵۹ ابن عباس گفت علی علیه السَّلام را چهار درهم یا چهار دینار موجود بود یکی را در روز، دیگری را در شب یکی را در سرّ و دیگری را آشکارا انفاق کرد و خدای متعال آن حضرت را با اینکه آیه شریفه ثنا و تحسین کرد «۳۷». -پاورقی- ۲۵۳-۲۵۵ [۱۶۱] سفیان ثوری و او از اعمش و او از ابی صالح نقل می کند که ابن عباس در شأن نزول الذین ینفقون أموالهم گفت اینکه آیه شریفه در حق علی علیه السَّلام نازل شد. آن زمان که علی علیه السَّلام را چهار درهم بیش نبود. -قرآن- ۱۰۶-۱۳۰ یک درهم در روز و درهم دیگر در شب و یک درهم در سرّ و درهم دیگر را آشکارا در راه رضای خدا انفاق کرد. وقتی آیه فوق نازل

شد. علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند فقط چهار درهم داشتم که صدقه دادم و لیکن می‌شنوم خداوند می‌فرماید ینفقون اموالهم از اموال و دارایی خویش انفاق می‌کنند. -قرآن- ۱۴۴-۱۶۰ [صفحه ۶۵] مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی علیه السلام انفاق یک درهم از مقل [بی پول بهتر و افضل از هزار درهم از موسر [ثروتمند] در نزد خدای سبحان است [۱۶۲] عبد الرحمن بن جابر از نصر بن بشار و او از جویر و او از ضحاک نقل می‌کند که عبد الله بن عباس بیان نمود: وقتی آیه للفقراء الذين احصروا فی سبیل الله ۳۸ -قرآن- ۱۲-۵۲-پاورقی- ۵۳-۵۵ و آیه الذين ینفقون اموالهم باللیل و النهار برای هر دو آنان نازل شد، بالنهار یعنی صدقه عبد الرحمن بن عوف که در روز فرستاده شد. و باللیل یعنی صدقه سرّی و شبانه علی علیه السلام -قرآن- ۸-۵۰ [۱۶۳] حبان از کلبی و او از ابی صالح نقل می‌کند که ابن عباس در شأن نزول آیه الذين ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرّاً و علانیة بیان داشت اینکه آیه فقط در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۹۸-۱۵۵ آن زمان علی علیه السلام از مال دنیا فقط چهار دینار بیش نداشت یک دینار را در روز و دینار دیگر را در شب و دینار سوم را در پنهان و دینار چهارم را آشکار در راه رضای خدا انفاق کرد. آن گاه آیه شریفه فوق در حقش نازل شد. [صفحه ۶۶] [۱۹] قل أُوْتِبْتُکُمْ بخیر من ذلکم للذین اتّقوا عند ربّهم جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدين فیها و أزواج مطّهرة و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد. [آل عمران ۱۵] بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغهایی است که از زیر [درختان آنها نهرها روان است در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و نیز خشنودی خدا را دارند و خداوند به [امور] بندگان خود بیناست -قرآن- ۶-۱۶۸ [۱۶۴] حبان از کلبی و کلبی از ابی صالح و او از ابن عباس نقل می‌کند که عبد الله بن عباس درباره آیه قل أُوْتِبْتُکُمْ بخیر من ذلکم گفته است اینکه آیه شریفه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه سید الشهداء و عبیده بن حارث نازل شد. -قرآن- ۱۲۸-۱۵۸ [۲۰] ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین -قرآن- ۶-۸۱ [آل عمران ۳۳] به یقین خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است

منظور از آل عمران در آیه شریفه چیست

ابن مسعود نقل می‌کند آل عمران همان آل محمد صلی الله علیه و آله است [۱۶۵] شقیق از روات حدیث چنین بیان کرده است در مصحف ابن مسعود آیه شریفه فوق را اینکه گونه دیدم [صفحه ۶۷] ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین ۳۹ -قرآن- ۱-۶۰-پاورقی- ۸۹-۹۱ ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و آل محمد علی العالمین حاکم حسکانی می‌گوید: من معتقدم اگر قرائت ابن مسعود و ابن عباس هم تثبیت نشود شکی نیست که آل محمد در تحت عنوان آل ابراهیم داخل می‌شوند. -قرآن- ۱-۵۹ [۲۱] فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکذبین [آل عمران ۶۱] پس هر که در اینکه [بارہ] پس از دانشی که تو را [حاصل آمده با تو] محاجه کند، بگو: -قرآن- ۶-۱۷۸ بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم آیه شریفه فوق در عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت کرام آن حضرت است [۱۶۸] حصین بن عبد الرحمن از قول عمرو بن سعد بن معاذ، داستان آمدن رهبانان مسیحی و پیروانش به مدینه را نقل می‌کند، که آنان در مدینه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند، و گفتند: یا محمد صلی الله علیه و آله شما از صاحب ما در کتاب خود نام می‌بری [صفحه ۶۸] رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: صاحب شما کیست گفتند: صاحب ما، عیسی بن مریم علیه السلام است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او عبد خدا و رسول خدا بود پرسیدند: به ما بگو، خلقت او چگونه بود پیامبر صلی الله علیه و آله سخنی نگفت و از آنان جدا شد. جبرئیل نازل شد و آیه ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ۴۰ -قرآن- ۲۳-۷۷-پاورقی- ۷۸-۸۰ مجدداً روز بعد به حضور آن

حضرت آمدند و گفتند: یا محمد صلی الله علیه و آله آیا بمثل خلقت صاحب ما خلقتی وجود دارد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلی خلقت پیامبر شما مثل خلقت آدم علیه السلام است سپس آیه انّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم را قرائت کرد. -قرآن- ۱۱-۴۸ آن جماعت سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را نپذیرفتند. پس آن حضرت به دستور خداوند بر طبق آیه تعالوا ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم ... مأمور به مباہله با آنان شد. -قرآن- ۴۸-۹۷ در روز مقرر مصطفی صلی الله علیه و آله دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را گرفته فرمود: اینان فرزندان و زنان و جان من هستند. چون آماده مباہله و نفرین شدند. بزرگ و مهتر آنان به پیروانش گفت مباہله با اینکه بزرگان صحیح نیست اگر درگوشه باشند چیزی نصیب و عاید ما نمی‌شوند و اگر صادق باشند و نفرین و مباہله کنند همه ما مسیحیان هلاک می‌شویم پس با رسول خدا صلی الله علیه و آله مصالحه کردند و دادن جزیه را پذیرفتند. در پایان سید آنان گفت قسم به آن کسی که جانم در دست اوست در آنان به قدری عظمت [صفحه ۶۹] دیدم که اگر مباہله و لعنت می‌کردند احدی از ما باقی نمی‌ماند. [۱۶۹] ابن عباس داستان مسیحیان نجران را چنین بیان کرده است عده‌ای از علمای مسیحی به ریاست اسقف خویش که نامش عبدالمسیح بود در مدینه به حضور مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند، و پرسیدند: یا محمد از صاحب ما عیسی مسیح علیه السلام یاد می‌کنی بیان کن کیفیت خلقت او چگونه بود مصطفی صلی الله علیه و آله منتظر ماند تا جبرئیل نازل شد و آیه انّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب را بر پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت کرد. -قرآن- ۱۸۹-۲۴۳ چون مسیحیان لجاجت کردند، دستور مباہله از جانب پروردگار صادر شد و پیامبر صلی الله علیه و آله را مأمور به مباہله و ملاعنه کرد. مسیحیان نیز برای ملاعنه و مباہله آماده شدند. مصطفی صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را گرفت و به وعده گاه آورد و فرمود: اللهم هؤلاء ابناؤنا و نساؤنا و انفسنا. -روایت- ۱-۴۲ چون مصطفی صلی الله علیه و آله آماده مباہله شد، سید مسیحیان گفت با عظمتی که اینکه پنج تن دارند ما هرگز با آنان مباہله نمی‌کنیم زیرا بیم هلاک ما وجود دارد. پس با آن حضرت مصالحه کرده حاضر به پرداخت جزیه سالانه شدند. در همان هنگام رئیس آنان گفت به خدا سوگند اگر اینکه پنج تن با ما مباہله و ملاعنه می‌کردند احدی از ما باقی نمی‌ماند و خداوند ظالمان را هلاک می‌کرد. [۱۷۰] شعبی از جابر بن عبد الله نقل می‌کند: گروهی از علمای مسیحی به حضور نبی صلی الله علیه و آله در مدینه رسیدند، چون آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، گفتند: ما قبل از حضور مسلمان شدیم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در شما موانع مسلمانی را می‌بینم و هنوز مسلمان نشده‌اید، گفتند: یا محمد صلی الله علیه و آله اگر می‌دانی ما را خبر ده مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: حب صلیب و شرب خمر و اکل لحم الخنزیر - روایت- ۱-۴۳ در وجود شماست و اینها موانع مسلمانی شماست [صفحه ۷۰] پس آن حضرت را دعوت به ملاعنه و مباہله کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله بر طبق فرمان یزدان در آیه فقل تعالوا ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين آماده مباہله شد، و روز دیگر را موعد مباہله قرار داد. -قرآن- ۶۷-۱۸۸ چون آن روز فرارسید آن حضرت دست علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را گرفته برای ملاعنه و مباہله حاضر شد. اما آن گروه وقتی عظمت آن پنج تن را دیدند راضی به مباہله نشدند و با پرداخت خراج سالانه راضی به مصالحه شدند. شعبی می‌گوید در آیه ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم منظور از ابناؤنا حسن و حسین علیهما السلام و نساءنا یعنی فاطمه علیها السلام و انفسنا، علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۲۳-۸۴ [۱۷۱] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند، ابن عباس در تفسیر آیه: فقل تعالوا ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين -قرآن- ۷۰-۱۹۱ بیان کرده است آیه در شأن رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با لفظ انفسنا و فاطمه علیها السلام با عبارت نساءنا، و حسن و حسین علیهما السلام با کلمه ابناؤنا است و دعا بر ضد کاذبین از علمای نجران به نام‌های عاقب و سید و عبدالمسیح و اصحاب آنان است [۱۷۲] عامر بن سعد از پدرش نقل کرده است زمانی که آیه ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم نازل شد. رسول خدا صلی

الله علیه و آله علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را فرا خواند، چون جمع شدند، فرمود: خدایا اینان عزیزان و اهل بیت من هستند. -قرآن- ۶۶-۱۲۷ [۱۷۳] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده است دو تن از علمای مسیحی به نام‌های عاقب و سید در مدینه به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند. آن حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد، آن دو نپذیرفتند. نبی صلی الله علیه و آله بر طبق فرمان خدای سبحان در آیه فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم آنان را به مباحله دعوت -قرآن- ۳۰۹-۳۸۲ [صفحه ۷۱] کرد، و در روز موعود به همراه علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام در جایگاه مباحله حاضر شد. اما آن دو حاضر به مباحله نشدند، بلکه به خراج و جزیه راضی شدند، مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که مرا به رسالت فرستاد، اگر به مباحله تن می‌دادند در اینکه بیابان بر آنان آتش می‌بارید. در اینکه جا شعبی از جابر بن عبد الله نقل می‌کند: منظور از انفسنا، علی بن ابی طالب علیه السّلام و ابناءنا، حسن و حسین علیهما السّلام و از نساءنا، فاطمه علیها السّلام است [۱۷۴] حذیفه بن یمان می‌گوید: در مدینه حضور داشتم دو تن از اسقف‌های نجران به نام‌های سید و عاقب به نزد نبی صلی الله علیه و آله رسیدند، و آن حضرت را به مباحله و ملاعنه دعوت کردند چون پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر به ملاعنه شد عاقب به سید گفت ای سید؟ اگر محمد صلی الله علیه و آله با اصحاب و یاران برای ملاعنه حاضر شود، او نبی و پیامبر نیست اگر با اهل بیت و خاندانش حاضر شود پیامبری راستین و فرستاده خداست روز دیگر وقتی پیامبر برای ملاعنه می‌آمد، دیدند علی علیه السّلام در سمت راستش و حسن علیه السّلام در سمت چپ و حسین علیه السّلام در سمت راست علی علیه السّلام و فاطمه علیها السّلام در پشت سر آنان می‌آیند. عاقب به سید گفت با آنان ملاعنه نکن اگر چنین کنی ما و فرزندانمان هرگز رستگار نمی‌شویم و حتماً از بین خواهیم رفت به همین دلیل از مباحله اعراض کردند. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: اگر آنان تن به ملاعنه می‌دادند، به یک چشم به هم زدن هیچ مسیحی در نجران باقی نمی‌ماند. [۱۷۵] محدثین از ابن عباس نقل کرده‌اند که جماعتی از نصاری نجران که در میان آنان سید و حارث و عبد المسيح حضور داشتند در مدینه به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله آمدند، و گفتند: یا محمد چرا از صاحب و پیامبر ما نام می‌بری مصطفی صلی الله علیه و آله پرسید صاحب شما کیست گفتند: عیسی بن مریم که گمان می‌کنی او عبد و بنده خداست [صفحه ۷۲] پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلی چنین است او عبد الله و رسول الله بود گفتند: آیا دیدی یا شنیدی که خدا بنده‌ای مثل او خلق کند! پیامبر صلی الله علیه و آله از سخنان آنان دل‌تنگ شد و از آنها اعراض کرد. جبرئیل آیه انّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ۴۱ -قرآن- ۱۲-۶۶-پاورقی-۶۷-۶۹ خدای تعالی بار دیگر فرمود: فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم بر طبق فرمان رحمان پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به ملاعنه فراخواند، آنان هم آماده ملاعنه با مصطفی صلی الله علیه و آله شدند. -قرآن- ۳۰-۱۵۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام را به همراه خویش در جایگاه مباحله آورد و گفت خدایا؟ اینان جان زن و فرزندان من هستند. چون حارث هیبت و عظمت آن پنج تن را مشاهده کرد، به عبد المسيح گفت اگر اینان صادق باشند که هستند ملاعنه کنیم همه ما هلاک می‌شویم پس به اتفاق هم با نبی صلی الله علیه و آله مصالحه کردند و پذیرفتند که سالانه هزار دست لباس حلّه جزیه بپردازند. پیامبر صلی الله علیه و آله هم فرمود: قسم به خدایی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست اگر منصرف نمی‌شدند، و ملاعنه می‌کردند، خداوند همه آنان را هلاک می‌کرد. [۱۷۶] ابی البختری نقل می‌کند: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد مباحله با اهل نجران را داشت علی حسن حسین و فاطمه علیهم السّلام را همراه خود به جایگاه مباحله برد تا مصداق آیه مباحله تحقّق یابد. «۴۲ -پاورقی- ۲۴۷-۲۴۹ [صفحه ۷۳] [۲۲] و اعتصموا بحبل الله جميعاً [آل عمران ۱۰۳] و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید. -قرآن- ۶-۳۵ [۱۷۷] حسین بن خالد از علی بن موسی الرضا علیه السّلام و آن حضرت از پدران خود تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: من احب ان یرکب سفینه النجاء و یستمسک بالعروة الوثقی و یعتصم بحبل الله

المتین فلیوال علیاً و لیأتهم بالهداه من ولده -روایت- ۱-۱۳۸ هر کسی دوست دارد به کشتی نجات درآید، و به دستگیره محکم درآویزد و به ریسمان محکم الهی اعتصام جوید، ولایت علی علیه السلام و امامت فرزندان او را بپذیرد تا گمراه نشود. [۱۷۸] یحیی بن علی علیه السلام از آبان بن تغلب نقل می‌کند، از جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: ما آن ریسمان محکمی هستیم که خداوند متعال در قرآن فرمود: و اعتصموا بحبل الله جميعاً تمسک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام تمسک به بر و نیکی است هر بنده‌ای که تمسک به ولایت علی علیه السلام کند، مؤمن است و هر کسی ولایت او را ترک کند، در حقیقت ایمان را ترک کرده است و خارج از دایره ایمان شده است ۴۳. -قرآن- ۶۸-۹۷-پاورقی- ۳۸۲-۳۸۴ [۱۸۰] حسن بن حسین از ابو حفص صانع روایتی نقل می‌کند که جعفر بن محمد علیه السلام در تفسیر آیه و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا فرمود: ما اهل بیت پیامبر حبل الله هستیم که اعتصام به آن واجب است -قرآن- ۱۱۷-۱۶۱ [۱۸۱] محمد بن شهاب زهري از نافع نقل کرده که فرزند عمر بن خطاب از رسول [صفحه ۷۴] خدا صلی الله علیه و آله روایتی را چنین بیان کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل امین برایم خبر آورده که «ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» -روایت- ۱-۸۹ «ولایت علی علیه السلام قلعه و پناهگاه امن من است هر کسی داخل اینکه پناهگاه شود از عذاب و خطرات محفوظ خواهد ماند. [۲۳] الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما أصابهم القرح للذين أحسنوا منهم و اتقوا أجر عظیم [آل عمران ۱۷۲] کسانی که در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است -قرآن- ۶-۱۰۹ [۱۸۲] ابی رافع نقل کرده است در جنگ احد که بر اثر سهل انگاری عده‌ای از مسلمانان کشته و عده‌ای نیز زخمی شدند، مشرکین صحنه جنگ را ترک کرده به سوی مکه روان شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را با اینکه که مجروح بود فراخواند و با جمعی از قبیله خزرج به تعقیب مشرکین مکه فرستاد. علی علیه السلام و همراهان منزل به منزل آنان را تعقیب می‌کردند و آنان به سوی مکه گریختند. در آن هنگام خدای سبحان به پاس خدمات علی و همراهان وی آیه الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما أصابهم القرح را بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود. -قرآن- ۷۲-۱۳۵ [۱۸۳] ابن عباس نقل می‌کند، آن کسانی که فرمان خدا و رسولش را اجابت کردند از مصادیق اینکه آیه شریفه الذین استجابوا لله و الرسول هستند، و اینکه آیه در شأن ابو بکر و عمر و علی بن ابی طالب علیه السلام و ابن مسعود نازل شده است -قرآن- ۱۲۳-۱۵۶ [۱۸۴] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس در شأن نزول آیه شریفه الذین -قرآن- ۸۴-۹۳ [صفحه ۷۵] استجابوا لله و الرسول ... گفت اینکه آیه در تحسین و ثنای علی بن ابی طالب علیه السلام و نه نفر از همراهانش که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به تعقیب سپاه ابی سفیان بعد از کوچ کردن فرستاد، نازل شد. -قرآن- ۱-۲۷ چون علی علیه السلام با بدن مجروح دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را اجابت کرد و به تعقیب سپاه ابو سفیان پرداخت مورد تحسین در آیه شریفه قرار گرفت [۱۸۵] ابی مریم از قول ابو عبد الله نقل می‌کند، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را که در جنگ احد مجروح شده بود با ده نفر دیگر به تعقیب مشرکین مکه فرستاد که آیه للذين احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم در تحسین امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۲۲۷-۲۶۶ [۱۸۶] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس درباره کلام خدا الذین استجابوا لله و الرسول بیان کرده است که اینکه آیه شریفه در شأن علی علیه السلام و نه نفر از همراهانشان که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به تعقیب ابو سفیان از مدینه فرستاد، نازل شد و آنان دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و خدای تعالی را اجابت کردند و سپاه ابو سفیان را متواری کردند. -قرآن- ۷۴-۱۰۷ [۲۴] و سیجری الله الشاکرین [آل عمران ۱۴۴] خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. -قرآن- ۶-۳۲ [۱۸۷] محمد بن مروان از جعفر بن محمد نقل می‌کند که ابن عباس از مفسرین بزرگ گفت خدای سبحان در دو جای قرآن از کارهای با ارزش علی بن ابی طالب علیه السلام تشکر و قدردانی فرمود: ۱ و سیجری الله الشاکرین [آل عمران ۱۴۴] ۲ و سنجری الشاکرین [آل عمران ۱۴۵] [۱۸۸] از قول حذیفه بن یمان از اصحاب نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل

شده است -قرآن-۵-۳۱-قرآن-۵۵-۷۴ [صفحه ۷۶] در جنگ احد درست در گرما گرم نبرد، وقتی اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله منهزم و متواری شدند، و آن حضرت را تنها گذاشتند، علی بن ابی طالب علیه السلام با شمشیرش به همراهی ابودجانه انصاری از جان نبی صلی الله علیه و آله دفاعی جانانه کردند و مشرکین را از اطراف آن حضرت پراکنده نمودند. در آن هنگام آیه‌های و لقد کنتم تَمْتُون الموت ... تا آیه سیجری الله الشاکرین ۴۴ -قرآن-۲۶-۵۲-قرآن-۶۶-۹۰-پاورقی-۹۱-۹۳ همچنین آیه و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر کثیر همان ده نفری که به دستور خدا و رسول صلی الله علیه و آله به تعقیب مشرکین مکه پرداختند هستند. -قرآن-۱۴-۵۷ و الله یحب الصّابرين ۴۵ -قرآن-۱-۲۵-پاورقی-۲۶-۲۸ [۲۵] ثواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب و ما عند الله خیر للابرار. -قرآن-۶-۵۷-قرآن-۵۸-۹۱ [آل عمران ۱۹۸ ۱۹۵] ثواب از جانب خدا و پاداش نیکو نیز نزد خداست و آنچه در نزد خداست برای نیکان از همه چیز بهتر و ارزشمندتر است [۱۸۹] اصبح بن نباته از دوستان و اصحاب نزدیک علی علیه السلام می گوید «۴۶». -پاورقی-۸۳-۸۵ از امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله دستم را گرفت و گفت ای برادرم آیا معنی کلام خدای تعالی ثواباً من عند الله و الله عنده حسن الثواب و ما عند الله خیر للابرار را می دانی که ثواب عند الله و ابرار چیست -قرآن-۱۷۴-۲۲۵-قرآن-۲۲۷-۲۵۵ [صفحه ۷۷] عرض کردم بفرمایید تا بدانم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انت الثواب و شیعتهک الابرار» -روایت-۱-۳۴ یعنی تو ثواب هستی و شیعیانت ابرارند. [۱۹۰] حسین بن سعید از بعضی از اصحاب از قول محمد بن زریع روایت کرده است اصبح بن نباته از علی علیه السلام نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر و معنی آیه ثواباً من عند الله فرمود: -قرآن-۲۲۰-۲۴۲ یا علی علیه السلام انت الثواب و اصحابک الابرار -روایت-۱-۶۳ تو ثوابی و اصحاب تو ابرارند. [۲۶] یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون [آل عمران ۲۰۰] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. -قرآن-۶-۸۹ [۱۹۱] انس بن مالک می گوید، ابن عباس مفسّر معروف قرآن در کتاب تفسیرش بیان کرده است که یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا یعنی در محبت علی بن ابی طالب علیه السلام پایدار و صبور باشید و اتقوا الله و از خدا بترسید و پروا داشته باشید در محبت داشتن نسبت به علی علیه السلام و فرزندان او و هرگز آنان را تنها نگذارید. -قرآن-۱۰۵-۱۴۷-قرآن-۲۲۵-۲۴۰ [۱۹۲] کلبی از ابی صالح نقل می کند که ابن عباس در تفسیر کلام خدا گفت [اصبروا] یعنی صبور باشید نزد خودتان [و صابروا] در مقابله با دشمن صبور باشید، [و رابطوا] در راه خدا جهاد کنید و آیه و اتقوا الله لعلکم تفلحون در شأن مصطفی صلی الله علیه و آله و مرتضی علیه السلام و حمزه سید الشهداء نازل شده است که چنین اوصافی داشتند. -قرآن-۸۸-۹۶-قرآن-۱۲۸-۱۳۸-قرآن-۱۷۵-۱۸۵-قرآن-۲۱۸-۲۴۹ [صفحه ۷۸] [۲۷] و لا تقتلوا انفسکم إنّ الله کان بکم رحیماً. [نساء/ ۲۹] و خودتان را نکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است -قرآن-۶-۵۷ [۱۹۳] ابی صالح از ابن عباس نقل می کند که ابن عباس در تفسیر آیه شریفه و لا تقتلوا انفسکم گفته است منظور از اینکه آیه یعنی اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله را نکشید. -قرآن-۸۶-۱۰۷ [۱۹۴] ابی صالح می گوید، ابن عباس در توضیح کلام خدا در آیه و لا تقتلوا انفسکم بیان کرده است که یعنی اهل بیت پیامبران را نکشید، و اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله بر طبق آیه -قرآن-۷۴-۹۵ تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و فاطمه علیها السلام از ابناءنا و نساءنا هستند و نفس علی علیه السلام و نبی صلی الله علیه و آله به منزله واحد در نظر گرفته شده است که با تعبیر انفسنا در آیه ذکر شد. -قرآن-۱-۶۸ [۲۸] أم یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله [نساء/ ۵۴] بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند. -قرآن-۶-۶۰ [۱۹۵] یحیی بن یعلی ربعی از ابان بن تغلب نقل می کند: از جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله شنید که آن حضرت در بیان کلام خدا ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله فرمود: -قرآن-۱۶۰-۲۱۴ نحن المحسودون -روایت-۱-۱۸ یعنی ما خاندان نبوت از محسودون هستیم که به جهت فضایل زیاد و صفات پسندیده مورد حسد حسودان واقع شده و می‌شویم [۱۹۶] ابو سعید مودب

نقل می‌کند ابن عباس درباره ام یحسدون الناس گفت ما بستگان پیامبر از محسودون هستیم -قرآن- ۵۵-۷۴ چون فضیلت نبوت و افتخار رسالت در بین ما خاندان بنی هاشم قرار داده شد، به همین جهت به ما حسد برده می‌شود. [صفحه ۷۹] [۱۹۷] محمد بن فضیل نقل می‌کند: ابی صباح گفت روزی جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: ای ابا صباح آیا کلام خدا ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله را شنیده‌ای -قرآن- ۳۱-۸۵ عرض کردم بلی یابن رسول الله اینکه آیه را شنیده‌ام بفرماید تا درباره آن بدانم آن جناب فرمود: نحن و الله هم نحن و الله المحسودون -روایت- ۱-۴۷ به خدا سوگند ما خاندان پیامبر از محسودون هستیم به سبب فضایل کثیر که از جانب خدای عز و جل به ما عنایت شده مورد حسد حسودان واقع شده‌ایم [۱۹۸] عباس بن هشام از قول پدرش چنین نقل کرده است روزی خزیمه بن ثابت به چهره علی علیه السلام نگاه کرد. علی علیه السلام فرمود: ای خزیمه آیا می‌نگری که چگونه به من حسد برده می‌شود، به سبب جایگاهی که در نزد نبی صلی الله علیه و آله و علمی که خداوند روزیم کرد، مورد حسد حسودان واقع شدم [۲۹] فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب و الحکمة و آتیناهم ملکاً عظیماً [نساء/ ۵۴] در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم -قرآن- ۶-۶۹ [۱۹۹] محمد بن ابی عمر ازدی از هشام بن حکم نقل می‌کند. جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله در توضیح و تفسیر و آتیناهم ملکاً عظیماً فرمود: -قرآن- ۶۵-۸۸ جعل فیهم ائمة من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله -روایت- ۱-۷۸ خداوند سبحان در بین آل ابراهیم امامانی قرار داد. هر کسی آنان را اطاعت کند خدا را اطاعت و متابعت کرده است و هر کسی از آنان تمرد، و نافرمانی و عصیان کند، خدا را عصیان کرده است [۲۰۰] ابی خالد کابلی می‌گوید از ابی جعفر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه و آتیناهم ملکاً -قرآن- ۸۷-۱۰۵ [صفحه ۸۰] عظیماً سؤال کردم اینکه ملک عظیم که بیان شد چیست -قرآن- ۱-۸ ابی جعفر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل امامانی در بین مردم قرار داد هر کسی آنان را فرمانبرداری و متابعت و اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کسی آنان را عصیان کند خدای بزرگ را تمرد و نافرمانی کرده است ملک عظیم همین امامان هستند [۴۷]. -پاورقی- ۲۸۵-۲۸۷ [۳۰] یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و أولی الامر منکم [نساء/ ۵۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. -قرآن- ۶-۸۴ [۲۰۲] ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم به من فرمود: اولی الامر که خدای تعالی او را در کنار نام خویش و رسولش در آیه یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم قرار داده است و در منازعات مردم را رجوع به آنان داد آیا می‌دانی کیستند! -قرآن- ۵۴-۱۰۵ -قرآن- ۲۰۵-۲۸۳ عرض کردم یا رسول الله آنان چه کسانی هستند! فرمود: یا علی تو اولین نفر از آنان هستی [۲۰۳] مجاهد در تفسیر آیه شریفه گفته است یا ایها الذین آمنوا یعنی ای کسانی که تصدیق به توحید دارید اطیعوا الله اطاعت کنید خدا را در فرایض و واجباتش و اطیعوا الرسول اطاعت کنید رسول صلی الله علیه و آله را در سنتش و اولی الامر منکم و اطاعت -قرآن- ۵۰-۷۶ -قرآن- ۱۲۴-۱۳۷ -قرآن- ۱۸۷-۲۰۲ -قرآن- ۲۶۷-۲۸۶ [صفحه ۸۱] کنند از امیر المؤمنین علی علیه السلام که ولی امر مسلمین است در جنگ تبوک مصطفی صلی الله علیه و آله مرتضی علیه السلام را جانشین خویش در مدینه قرار داد و خود آن حضرت فرماندهی لشکر را به عهده گرفت تا به سرزمین تبوک حرکت کند. وقتی علی علیه السلام به خدمت نبی صلی الله علیه و آله رسید و گفت یا رسول الله آیا مرا در بین اطفال و زنان وامی‌گذاری حضرت فرمود: یا علی آیا راضی نمی‌شوی که برای من به منزله هارون برای موسی باشی زمانی که موسی به برادرش هارون گفت اخلفنی فی قومی و اصلح و تو ولی امر و جانشین من هستی و [اولی الامر منکم علی بن ابی طالب علیه السلام است که خدای سبحان او را ولایت امر در زمان حیات محمد صلی الله علیه و آله زمانی که او را جانشین خویش در مدینه گذاشت عنایت فرمود، و همچنین بندگان را امر به اطاعت و ترک مخالفت او فرمان داد. -قرآن- ۱۴۷-۱۷۳ -قرآن- ۲۱۰-۲۳۰ [۲۰۴] ابی بصیر می‌گوید از ابو جعفر علیه السلام درباره معنای کلام خدای تعالی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم سوال کردم ابو جعفر علیه السلام فرمود: آیه برای

اطاعت از علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن- ۱-۵۱ گفتم مردم می‌گویند چه چیزی باعث شده تا خدای تعالی اسم علی علیه السّلام و اهل بیت را صریح و روشن در قرآن بیان نکند. ابو جعفر علیه السّلام فرمود: به مردم بگویند، خدای سبحان امر به نماز فرمود اما بیان تعداد رکعت‌ها که ۳ رکعت باشد یا ۴ رکعت به اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود خدای تعالی امر به مناسک حج فرمود، اما تفسیر و بیان تعداد اشواط به اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشته شد. خدای تعالی فرمود: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم که اینکه کلام در شأن علی و حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. -قرآن- ۲۱-۷۲ و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: [صفحه ۸۲] اوصیکم بکتاب الله و اهل بیتی انی سألت الله ان لا یفرق بینهما حتی یوردهما علی الحوض فاعطانی ذلک -روایت- ۱-۱۲۲ یعنی شما را به کتاب خدا و اهل بیت خویش توصیه می‌کنم بین آن دو جدایی نیندازید تا در حوض کوثر بر من وارد شوید، چون خدای یکتا آن دو ثقل را به من عطا فرمود. [۲۰۵] ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص از پدرش سعد بن وقاص نقل می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در لشکرکشی به سرزمین تبوک برای جنگ با رومیان علی علیه السّلام را جانشین خویش در مدینه قرار داد و با انبوه جمعیت عازم تبوک شد. علی علیه السّلام در حالی که سلاح خویش را به همراه داشت در سرزمین جرف به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله رسید. و گفت یا رسول الله در اینکه جنگ مرا جانشین خویش قرار دادی و حال اینکه که در گذشته در هیچ نبردی چنین اتفاق نیفتاد و منافقین مرا بر اینکه کار مذمت می‌کنند. سعد بن وقاص می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: یا علی اما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی فارجع فاخلفنی فی اهلی و اهلک -روایت- ۱-۱۳۱ یا علی به جانشینی من راضی باش تو به منزله هارون نسبت به موسی برای من هستی جزء اینکه که بعد از من پیامبری وجود ندارد. پس برگرد و جانشین من در مدینه برای اهل من و خانواده خود باش [۳۱] و من یطع الله و الرسول فأولئک مع الذین أنعم الله علیهم من التّیین و الصّٰدِیقین و الشّٰهداء و الصّٰلِحین و حسن اولئک رفیقاً [نساء/ ۶۹] و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته یعنی با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان‌اند و آنان چه نیکو همدان هستند. -قرآن- ۶-۱۵۱ [صفحه ۸۳] [۲۰۶] ابی صالح نقل می‌کند: عبد الله بن عباس در تفسیر اینکه آیه شریفه چنین شرح می‌دهد: من یطع الله و الرسول یعنی کسانی که خدای تعالی را در فرایض اطاعت می‌کنند، و رسول صلی الله علیه و آله را در سنتش پیروی می‌نمایند. -قرآن- ۱۰۴-۱۳۱ فأولئک مع الذین انعم الله علیهم من التّیین یعنی آنان با محمّد صلی الله علیه و آله که از انبیاء الهی [و الصّٰدِیقین یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که اولین تصدیق کننده نبی صلی الله علیه و آله بود [و الشّٰهداء] یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و جعفر طیار و حمزه سید الشهداء و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام که از سروران و سادات شهیدان هستند، [و الصّٰلِحین یعنی سلمان و اباذر و صهیب و بلال و خباب بن ارت و عمار یاسر [و حسن اولئک رفیقاً] یعنی اینکه یازده نفر از صّٰدِیقین و شهدا و صالحین در بهشت در کمال رفقات در کنار یکدیگرند. -قرآن- ۱-۵۷ -قرآن- ۱۳۵-۱۴۹ -قرآن- ۲۵۹-۲۷۱ -قرآن- ۴۳۹-۴۵۳ -قرآن- ۵۲۵-۵۴۳ [۲۰۷] ابو احمد داوود بن سلیمان می‌گوید، علی بن موسی الرضا از پدرانش نقل می‌کند تا می‌رسد به علی علیه السّلام که آن حضرت فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در آیه فأولئک مع الذین انعم الله علیهم من التّیین ... فرمود از من التّیین محمّد صلی الله علیه و آله و من الصّٰدِیقین علی بن ابی طالب علیه السّلام و من الشّٰهداء حمزه سید الشهداء و من الصّٰلِحین حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام و حسن اولئک رفیقاً یعنی قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله و مهدی امت مورد نظر است ۴۸. -قرآن- ۵۲-۱۰۹ -قرآن- ۱۲۵-۱۴۰ -قرآن- ۱۸۴-۱۹۵ -قرآن- ۲۴۱-۲۴۹ -قرآن- ۲۷۴-۲۸۴ -قرآن- ۳۳۰-۳۴۹ -پاورقی- ۴۳۱-۴۳۳ [۲۰۹] حذیفه بن یمان از یاران صمیمی و اصحاب با وفای رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گوید، روزی که آیه فأولئک مع الذین انعم الله علیهم من التّیین و الصّٰدِیقین و الشّٰهداء و الصّٰلِحین و حسن اولئک رفیقاً نازل شد، به خدمت آن حضرت رسیدم -قرآن- ۱۳۰-۲۴۵ مصطفی صلی الله علیه و آله آیه را برایم قرائت فرمود. پرسیدم یا نبی الله صلی الله علیه و آله اینان چه کسانی هستند که خداوند اسامی آنان را کنار هم آورده است رسول

اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: ای حذیفه؟ من آن نبی هستم که خدای تعالی فرمود من -قرآن- ۱۰۶-۱۱۰ [صفحه ۸۴] التّٰبین الذّٰین انعم اللّٰه علیهم که اول آنان در نبوّت و آخرشان در بعثت هستم و از صدّیقین علی بن ابی طالب علیه السّلام است چون زمانی که خدای سبحان مرا به رسالت برانگیخت او اولین تصدیق کننده رسالت بود و از شهداء، حمزه سید الشهداء و جعفر طیّار هستند و از صالحین حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام سیّد جوانان اهل بهشت هستند. و [و حسن اولنک رفیقاً] مهدی زمان خویش است -قرآن- ۱۱-۳۹-قرآن- ۳۹۶-۴۱۷ [۳۲] الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً. [مائده ۳] امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم -قرآن- ۶-۸۲ [۲۱۰] ابی هریره می گوید، هر کسی روز هجده ذی حجّه را روزه بگیرد خدای تعالی برای او روزه شصت ماه را می نویسد. و آن روزی است که در غدیر خم نبی صلی اللّٰه علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفته و در بین حاضرین بلند کرد و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه -روایت- ۱-۳۵ ای مردم هر کسی من مولای اویم علی هم مولای اوست و عمر بن خطّاب در آن هنگام برخاست و علی را بدین گونه تهنیت و تبریک گفت [بخ بخ لک یا بن ابی طالب علیه السّلام یعنی ای فرزند ابی طالب اینکه ولایت بر تو مبارک باشد] [۲۱۱] ابی سعید خدری از صحابه رسول صلی اللّٰه علیه و آله چنین نقل می کند: پس از معرفی ولایت علی علیه السّلام در غدیر خم آیه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً نازل شد. -قرآن- ۱۵۲-۲۲۸ رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله با شنیدن آیه شریفه از جبرئیل فرمود: [صفحه ۸۵] اللّٰه اکبر؟ بر اكمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی علیه السّلام بعد از من مجدداً فرمود: ۴۹ -روایت- ۳-۱۲۰ [۲۱۳] از لسان ابی هریره اینکه روایت نقل شده است هر کسی روز هجدهم ذی الحجّه روزه بگیرد خداوند روزه شصت ماه را برای او ثبت می کند، و آن روز، روز غدیر خم است روزی که نبی صلی اللّٰه علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفت در میان جمعیت ایستاد و فرمود: [ألست ولیّ المؤمنین] -روایت- ۱-۲۷ ای مردم آیا من ولیّ مؤمنین نیستم همگی یکصدا گفتند: بلی یا رسول اللّٰه چنین است سپس فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه -روایت- ۱-۳۵ هر کسی من مولای اویم علی بن ابی طالب علیه السّلام مولای اوست عمر بن خطاب برای تهنیت برخاست و گفت بخ بخ یابن ابی طالب اصبح مولای و مولا کل مؤمن ای پسر ابو طالب اینکه ولایت بر تو مبارک باد؟ مولای من و مولای هر مؤمنی هستی بعد از اینکه مراسم بود که آیه الیوم اکملت لکم دینکم نازل شد. -قرآن- ۴۱-۶۶ [۲۱۴] سعید بن جبیر می گوید: ابن عباس گفت روزی در طواف کعبه رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: آیا علی بن ابی طالب در میان شماست عرض کردیم بلی یا رسول اللّٰه آن حضرت او را به خود نزدیک کرد و دستش را بر کتف او زد و فرمود: طوبی لک یا علی هم اکنون آیه ای برایم نازل شد که نام من و تو در آن به طور مساوی ذکر شده است و آن آیه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام -قرآن- ۱۳-۸۳ [صفحه ۸۶] دینا است -قرآن- ۱-۴ خداوند فرمود: دین را با نبی صلی اللّٰه علیه و آله کامل کردم و با علی نعمت را به پایان رساندم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم [۲۱۵] عطاء از سعید و سعید از ابن عباس روایتی نقل می کند که نبی صلی اللّٰه علیه و آله در موسم حج و در مکه مکرّمه متوجه علی علیه السّلام شد و فرمود: گوارا باد بر تو یا ابا الحسن خداوند بر من آیه ای محکم و صریح نازل فرمود که نام من و تو به طور مساوی در آن ذکر شده و آن اینکه آیه است الیوم اکملت لکم دینکم ... -قرآن- ۳۵۴-۳۷۹ [۳۳] انّما ولیکم اللّٰه و رسوله و الذّٰین آمنوا الذّٰین یقیمون الصّلاه و یؤتون الزّکاة و هم راکعون [مائده ۵۵] ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. -قرآن- ۶-۱۰۷ [۲۱۶] ابن عباس از مفسرین قابل اعتماد اهل سنت می گوید: آیه شریفه انّما ولیکم اللّٰه و رسوله و الذّٰین آمنوا در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن- ۷۷-۱۲۲ [۲۱۷] ابن طاووس می گوید، پدرم گفت روزی نزد ابن عباس نشسته بودم مردی غریب وارد شد، و از عبد اللّٰه بن عباس مفسر معروف قرآن پرسید، مرا از آیه انّما ولیکم اللّٰه و رسوله ... با خبر ساز که درباره چه کسی است -قرآن- ۱۷۰-۱۹۹ ابن عباس گفت بدان اینکه آیه شریفه

در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شده است «۵۰- پاورقی- ۱۱۳-۱۱۵ [۲۲۱] سعید بن جبیر می‌گوید ابن عباس مفسّر قرآن درباره آیه اَنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ و رسولہ گفت یعنی ناصر و معین شما خدا و رسولش محمد صلی اللہ علیہ و آلہ هستند. -قرآن- ۶۶-۹۵ [صفحه ۸۷] و الَّذِینَ آمَنُوا یعنی علی علیه السّلام که از بین مؤمنان فقط علی بن ابی طالب علیه السّلام را اختصاص داد. و فرمود: الَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ یعنی آنان که وضو و قرائت و رکوع و سجود را با خشوع انجام می‌دهند و و یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ و هم را کعون قضیه چنین است که روزی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ نماز ظهر را به جماعت گزارد و همه رفتند، غیر علی علیه السّلام کسی در مسجد نبود، فقری از فقرای مسلمین وارد مسجد شد، علی علیه السّلام را در حال نماز دیده به سویش رفت و گفت ای برادر نبی؟ آنچه ممکن و مقدور شماست به من عنایت فرماید. -قرآن- ۱-۱۵-قرآن- ۱۳۸-۱۶۱-قرآن- ۲۴۱-۲۷۲ آن بزرگوار انگشتر عقیق سرخ یمنی را که فقط در نمازها در انگشت دست راست می‌کرد، از انگشت خارج و به سائل اهدا کرد. بلافاصله جبرئیل به نزد نبیّ صلی اللہ علیہ و آلہ آمد و بعد مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ علی را فراخواند و فرمود: یا علی علیه السّلام امروز خدای سبحان به وجود کریمانه تو بر ملائکه آسمان مباحثات می‌کند، سپس آیه اَنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ و رسولہ و الَّذِینَ آمَنُوا ... را برای علی علیه السّلام قرائت کرد. -قرآن- ۱۱۸-۱۶۳ [۲۲۲] انس بن مالک داستان سائل را اینکه گونه نقل می‌کند. مسکینی وارد مسجد شد، و گفت چه کسی اینکه تهی دست و بیچاره را با قرض دادن نوازش می‌کند. علی علیه السّلام در حال رکوع با دستش به سائل اشاره کرد که بیا و اینکه انگشتر را از دستم بیرون آر. رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: ای عمر؟ واجب شد؟ عمر گفت یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ چه چیزی واجب شد! فرمود: به خدا سوگند بهشت بر او واجب شد و انگشتر از دست او بیرون نیامد مگر اینکه که همه گناهان و خطاهای او محو شد. عمر پرسید: آیا برای اینکه عمل کوچک اینک پاداش داده شد! [صفحه ۸۸] رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: بلی اینکه پاداش برای کسی است که اینکه کار را از سر اخلاص برای یکی از افراد ائمتّ انجام داد. [۲۲۳] انس بن مالک چنین نقل می‌کند: مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ بعد از نماز ظهر از مسجد خارج شد، و به منزل خویش رفت علی علیه السّلام در نماز ایستاده بود سائلی وارد مسجد شد و چنان از بیچارگی خود نالید که قلب علی علیه السّلام به درد آمد. آن حضرت در حال رکوع با دست راست خود به سائل اشاره کرد تا انگشتری را از انگشت او خارج کند، و آن سائل انگشتری را گرفت و رفت علی علیه السّلام در پایان نماز عازم منزل خود شد. مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ کسی را فرستاد و علی علیه السّلام را احضار کرد و چون حاضر شد. فرمود: یا علی چه کار زیبایی بین خود و خدایت انجام دادی علی علیه السّلام داستان فقیر و اهدای انگشتر را بیان کرد. نبی صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: یا ابا الحسن بر تو گوارا باشد خدای عزّ و جلّ در شأن تو آیه اَنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ و رسولہ و الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ و یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ و هم را کعون را نازل فرمود. -قرآن- ۱۱۶-۲۱۷ [۲۲۴] محمّد بن حنفیّه فرزند علی علیه السّلام قضیه خاتم علی علیه السّلام را چنین حکایت کرد: سائلی مسکین در مسجد رسول صلی اللہ علیہ و آلہ تقاضای مساعدت کرد، غیر از علی علیه السّلام کسی او را به عطایی نخواست چون رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ از مسجد خارج شد از سائل پرسید، آیا چیزی دریافت کردی گفت غیر از مردی که در حال رکوع بود و انگشتری به من اهدا کرد، چیزی دریافت نکردم نبی صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: آیا او را می‌شناسی گفت خیر، نمی‌شناسم آن گاه آیه و الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ و یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ و هم را کعون در شأن -قرآن- ۱۴-۸۵ [صفحه ۸۹] علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد «۵۱». -پاورقی- ۴۸-۵۰ [۲۲۶] عطاء بن سائب درباره آیه اَنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ و رسولہ ... گفته است اینکه آیه در شأن علی علیه السّلام هنگامی که انگشتری خویش را در حال رکوع به سائل داد نازل شد. -قرآن- ۳۶-۶۵ [۲۲۷] عبد الملک بن جریج مکی درباره نزول آیه اَنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ و رسولہ ... گفته است -قرآن- ۵۶-۸۵ وقتی نبیّ صلی اللہ علیہ و آلہ به سوی مسجد می‌رفت سائلی را در مسجد مشاهده کرد که طلب کمک می‌کرد. بعد از مدّتی رسول خدا پرسید: آیا کسی چیزی به تو اهدا کرد. سائل گفت بلی مردی که او را نمی‌شناسم مرا مورد لطف قرار داد. حضرت پرسید: عطایش چیست سائل گفت اینکه انگشتری را عنایت کرد. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ انگشتری را شناخت و فهمید

صاحب آن علی بن ابی طالب علیه السّلام است آن گاه آیه فوق در شأن آن حضرت نازل شد. [۲۲۸] عبد الملک بن ابی سلیمان می گوید از ابو جعفر علیه السّلام در مورد آیه انّما ولیکم الله و رسوله و الذّین امنوا الذّین یقیمون الصّلاه ... پرسیدم آنان چه کسانی هستند! -قرآن- ۹۰-۱۶۴ آن حضرت فرمود: اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله هستند، گفتم مردم می گویند علی علیه السّلام است گفت علی علیه السّلام هم از آنان است ۵۲ -پاورقی- ۵۱-۵۳-قرآن- ۳۹۰-۴۶۱ [صفحه ۹۰] نازل شد. و آن حضرت فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه -روایت- ۱-۷۷ [۲۳۲] جابر بن عبد الله انصاری از اصحاب خاص رسول الله صلی الله علیه و آله می گوید: روزی در زیر درختی نشسته بودیم عبد الله بن سلام به همراهی عده‌ای خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، از کناره گیری مردم و منزوی کردنش بعد از مسلمان شدن شکوه و گله کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد، در اینکه حوالی بگردید و سائلی را بیابید و نزد من آورید. ما داخل مسجد شدیم مسکینی را در گوشه مسجد یافتیم او را نزد نبی صلی الله علیه و آله بردیم حضرت از او پرسید آیا کسی چیزی به تو عطا کرده یا خیر! سائل گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله مردی که در حال نماز بود انگشتی خود را به من عنایت کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: بروید و ببینید او کیست ما همگی رفتیم دیدیم که علی علیه السّلام در حال نماز است سائل گفت همین آقا بود که بزرگواری کرد. به خدمت رسول صلی الله علیه و آله برگشتیم که آیه انّما ولیکم الله و رسوله ... هم بر آن حضرت نازل شد. -قرآن- ۶۶-۹۵ [۲۳۳] فرزندان علی علیه السّلام از قول پدرشان نقل کرده‌اند که علی علیه السّلام فرمود: آیه انّما ولیکم الله و رسوله و الذّین امنوا ... در خانه رسول الله صلی الله علیه و آله بر آن حضرت نازل شد. -قرآن- ۶-۵۱ رسول الله صلی الله علیه و آله برخاست و به مسجد رفت عده‌ای از مردم در حال رکوع و عده‌ای در حال سجود بودند. در همین اثنا رسول خدا صلی الله علیه و آله سائلی را دیدند، پرسیدند ای سائل آیا کسی چیزی به تو عطا کرده است [صفحه ۹۱] سائل گفت یا نبی الله غیر از اینکه راکع که انگشتی خود را به من داد کسی چیزی نداد و آن شخص علی بن ابی طالب علیه السّلام بود [۲۳۴] مقداد بن اسود کندی می گوید: روزی در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم یک عرب بدوی وارد شد. علی علیه السّلام در بین نماز ظهر و عصر در وسط مسجد به نماز ایستاده بود آن حضرت به درخواست سائل انگشتی خود را به وی اهدا کرد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی بخ بخ بخ و جبت الغرفات -روایت- ۱-۴۷ یعنی ای علی مبارک باد مبارک باد مبارک باد بر تو غرفه‌های بهشت در همین اثنا جبرئیل به زمین آمد، و آیه انّما ولیکم الله و رسوله و الذّین امنوا الذّین ... را بر مصطفی صلی الله علیه و آله خواند. -قرآن- ۴۸-۱۰۲ [۲۳۵] اعمش از عبایه بن ربیع نقل می کند که عبد الله بن عباس در کنار چاه زمزم نشسته بود و احادیث نبوی را برای مردم نقل می کرد و می گفت قال رسول الله صلی الله علیه و آله ... ائما زمانی که مردی عمامه دار را می دید، در نقل حدیث توقف می کرد. در همین هنگام مردی ژنده پوش نزدیک آمد و گفت قال رسول الله صلی الله علیه و آله ابن عباس متعجب شد، از او پرسید، تو را به خدا سوگند می دهم کیستی آن ناشناس عمامه را از صورت برگرفت و گفت من ابوذر غفاری هستم ای مردم از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: شما را به اینکه دو رکن سفارش می کنم و همچنین آن حضرت فرمود: «علی قائد البررة و قاتل الکفرة، منصور من نصره و مخذول من خذله . -روایت- ۱-۷۶ ای دوستان گوش کنید تا از علی علیه السّلام بگویم روزی با رسول الله صلی الله علیه و آله به نماز ظهر ایستاده بودیم در پایان نماز، سائلی در مسجد تقاضای کمک کرد، احدی او را پاسخ نگفت سائل دست به آسمان بلند کرد و گفت خدایا؟ شاهد باش در مسجد رسول الله کسی حاجت مرا برآورده نکرد و چیزی به من عطا نکرد. علی علیه السّلام که در حال رکوع [صفحه ۹۲] بود چون صدای او را شنید. با دست اشاره کرد تا انگشت را از انگشت وی بیرون آورد. و آن سائل چنین کرد. اینکه ایثارگری علی علیه السّلام در حضور نبی صلی الله علیه و آله بود پس دست را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا؟ برادرم موسی علیه السّلام از تو درخواست کرد. ربّ اشرح لی صدري و یسر لی امري و احلل عقدی من لسانی و اجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخي اشدد به ازری و اشرکه فی امری ۵۳. -قرآن- ۵۹-۱۲۱-قرآن- ۱۲۲-

۲۰۱- پاورقی-۲۰۲-۲۰۴ و تو در پاسخ او فرمودی سنشد عضدک باخیک و خواسته او را برآورده کردی -قرآن-۲۹-۴۷ خدایا من نبی و برگزیده توام و از تو چنین درخواست می کنم «اللهم فاشرح لی صدری و یسر لی امری و اجعل لی وزیرا من اهلی علیاً اخی اشدد به ازری . -روایت-۱-۱۰۵ به خدا سوگند، هنوز کلام مصطفی صلی الله علیه و آله پایان نیافته بود که جبرئیل به زمین هبوط کرد و به نزد آن حضرت حاضر شد و گفت یا محمد گوارا باد بر تو به آنچه خدا درباره برادرت علی علیه السلام به تو عطا کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله پرسید: ای جبرئیل آن نوید چیست . جبرئیل گفت خدای تعالی ائمت را به ولایت برادرت تا روز قیامت امر فرموده است و آیه انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون را برای نازل کرد. -قرآن-۱۰۳-۲۰۴ [۲۳۶] ابن عباس مفسر مشهور درباره آیه انما ولیکم الله و رسوله ... بیان کرده است -قرآن-۴۲-۷۱ جماعتی از مسلمانان که قبلاً اهل کتاب و از دین یهود بودند، مثل عبد الله بن سلام و اسید و ثعلبه که به دستور خدای عز و جل از یهود و نصاری قطع رابطه کردند. از آن جایی که در حاشیه شهر مدینه سکونت داشتند به خدمت مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند [صفحه ۹۳] و گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله چون فاصله ما با مساجد و منازل شما دور است حضور یافتن در مجالس شما برای ما سخت و مشکل است از طرفی هم با یهودیان و هم با مسیحیان قطع رابطه کرده ایم در همان اثنا که مشغول شکوه و گله بودند. آیه انما ولیکم الله و رسوله ... نازل شد. -قرآن-۲۹۹-۳۲۸ مصطفی صلی الله علیه و آله اینکه کلام یزدان را بر آنان قرائت کرد. آنان گفتند: رضینا بالله و برسوله و بالمؤمنین یعنی راضی به دستور خدای سبحان و رسول گرامی و مؤمنین هستیم همان وقت بلال حبشی بانگ اذان را سر داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز به مسجد رفت مردم در حال رکوع و سجود بودند، و مسکینی در بین نمازگزاران می گشت و تقاضای کمک می کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله او را فراخواند و پرسید آیا کسی چیزی به تو عطا کرد! گفت بلی به من یک انگشتی دادند. حضرت پرسید: چه کسی اینکه انگشتی را به تو داد! آن مسکین گفت آن جوان که به نماز ایستاده است چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالب علیه السلام است سپس پرسید: در چه حالتی اینکه انگشتی را به تو عطا کرد. گفت آن جوانمرد، آن را در حال رکوع به من عنایت کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله با شادی اینکه آیه شریفه را تلاوت کرد. انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون - قرآن-۸۳-۱۸۴ [۲۳۷] اینکه روایت از طریق روات دیگری که نام ابی صالح در میان آنان است مجدداً نقل شد. که تقریباً مشابه روایت ۲۳۶ است که ابن عباس داستان را اینکه گونه نقل می کند: عبد الله بن سلام و چند نفر از هم مسلکانش که پیرو دین یهود بوده و به اسلام [صفحه ۹۴] پیوستند به حضور نبی صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله منازل ما دور از منزل های شماست ما همنشین و هم صحبت نداریم اقوام ما چون فهمیدند مسلمان شده ایم ازدواج و مجالست و تکلم با ما را تحریم کرده اند و اینکه تنهایی برای ما مشکل است مصطفی صلی الله علیه و آله در جواب آنان آیه انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین ... را تلاوت و سپس به سوی مسجد حرکت کرد. -قرآن-۵۵-۱۰۸ در مسجد عده ای در حال رکوع و عده ای در حال سجود بودند. سائلی هم در بین آنان تقاضای کمک می کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله از سائل پرسید آیا کسی کمکی به تو کرده یا خیر! سائل گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله یک انگشتی به من داده شد. حضرت پرسید: چه کسی آن را به تو داد! سائل گفت آن جوان که ایستاده است و اشاره به علی بن ابی طالب علیه السلام کرد حضرت پرسید: در چه حالتی انگشتی را به تو داد. سائل گفت آن را در حالت رکوع به من عنایت کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله تکبیر بلندی گفت سپس آیه شریفه و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون ۵۴ را قرائت فرمود «۵۵». -قرآن-۶۹-۱۴۷-پاورقی-۱۴۸-۱۵۰- پاورقی-۱۶۹-۱۷۱ [۲۳۹] عبد الله بن محمد بن حنفیه از نوادگان علی علیه السلام درباره جدش علی علیه السلام می گوید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نماز ایستاده بود سائلی تقاضای کمک از جمعیت حاضر در مسجد کرد، علی علیه السلام با اشاره به سائل انگشتی خود را اعطا کرد، سائل به خدمت نبی صلی الله علیه و آله آمد. آن حضرت پرسید: آیا کسی چیزی به تو داده یا

خیر! سپس آیه انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا... بر آن حضرت نازل شد. -قرآن- ۹-۵۴ [صفحه ۹۵] [۲۴۰] ابن عباس از مفسران مشهور و قابل اعتماد می‌گوید: آیه انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا... فقط به طور اختصاصی در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. و آیه و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا... هم در حق علی علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۶-۵۹-قرآن- ۱۵۰-۱۹۵ و همچنین آیه شریفه بلغ ما انزل الیک... هم در حق علی علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۲۱-۴۲ آن زمان که خدای تعالی مصطفی صلی الله علیه و آله را امر به ابلاغ فرمود. آن سید و سرور دست علی علیه السلام را گرفت به میان مردم آورد و فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه -روایت- ۱-۳۲ یعنی هر که من مولای او هستم علی مولای اوست و همچنین کلام خدا لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم در شأن علی و اصحابش مثل عثمان بن مظعون و عمار یاسر نازل شد که شهوات و لذات را بر خویشان تحریم کرده بودند. -قرآن- ۲۲-۶۴ [۳۴] و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون [مائده ۵۶] و هر کسی خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بداند [پیروز است چرا که حزب خدا همان پیروزمندانند. -قرآن- ۶-۸۴ [۲۴۱] هذیل از مقاتل و او از ضحاک روایتی را ذیل آیه فوق از ابن عباس نقل می‌کند. او می‌گوید ابن عباس گفت «و من یتول الله ورسوله یعنی کسی که خدای سبحان و رسول مکرم صلی الله علیه و آله را دوست دارد. «و الذین آمنوا» یعنی کسی که دوستی و حب علی علیه السلام را دارد. اینان حزب الله هستند. «فان حزب الله هم الغالبون و پیروان دستور خدا و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و شیعه علوی علیه السلام غالب و برترند و بر جمیع مخالفان علو و -قرآن- ۳۵-۶۳-قرآن- ۱۵۵-۱۷۲-قرآن- ۲۶۵-۲۹۶ [صفحه ۹۶] برتری دارند. ابن عباس می‌گوید: خدای تعالی در آیه شریفه اول خود را ثنا و ستایش کرد، سپس مصطفی صلی الله علیه و آله و آن گاه علی علیه السلام را ستود. وقتی آیه و من یتول الله ورسوله... نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: -قرآن- ۱۰-۳۹ «رحم الله علیاً اللهم ادر الحق معه حیث دار.» -روایت- ۱-۵۶ خداوند علی علیه السلام را رحمت کند، خدایا حق را دور علی علیه السلام بگردان هر جا که او باشد ابن عباس همچنین می‌گوید: ابن مؤمن قائل است هیچ اختلافی بین مفسرین نیست که آیه شریفه و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا... در مقام و شأن امیر المؤمنین علی علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۱۰۵-۱۵۰ [۲۴۲] ابن عباس در شأن نزول آیه و من یتول الله ورسوله چنین می‌گوید «۵۶»: -قرآن- ۳۹-۶۸-پاورقی- ۸۴-۸۶ عبد الله بن سلام و جماعتی از اهل کتاب [یهودی که مسلمان شده بودند نزدیک اذان ظهر به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند، و گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله منازل ما دور از مسجد شماس و مسجدی هم در آن جا نداریم اقوام و همکیشان سابق ما هم وقتی شنیدند که به آیین اسلام درآمدم عداوت و کینه را نسبت به ما آشکار کردند و مجالست و معاشرت و معامله با ما را تحریم کردند و با ما سخن نمی‌گویند و ما در مشقت هستیم در اثنای گله و شکوه از احوال خود آیه انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین... و آیه و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون نازل شد. -قرآن- ۴۷-۱۰۰-قرآن- ۱۱۱-۱۸۹ حضرت اینکه آیات را برای آنان قرائت کرد و آنان راضی و خشنود شدند. آن گاه [صفحه ۹۷] رسول خدا صلی الله علیه و آله با صدای اذان بلال حبشی به سوی مسجد حرکت کرد. جماعتی در نماز ایستاده بودند، طایفه‌ای در رکوع و جمعی در سجود مشغول عبادت بودند. سائلی در بین آنان می‌گشت و تقاضای کمک داشت پیامبر صلی الله علیه و آله آن مسکین را فراخواند و پرسید. آیا تا به حال کمکی دریافت کرده‌ای سائل گفت انگشتی نقره‌ای به من داده شد. حضرت پرسید: از چه کسی دریافت کردی سائل گفت آن جوان که ایستاده است چون حضرت نگاه کرد، دید علی بن ابی طالب علیه السلام است حضرت پرسید: آن انگشتی را در چه حالی به تو عنایت کرد. سائل گفت در حال رکوع از دستش بیرون کشیدم مصطفی صلی الله علیه و آله تکبیر بلندی گفت سپس فرمود: و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون -قرآن- ۶۶-۱۴۴ [۳۵] یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس [مائده ۶۷] ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی پیامش را نرسانده‌ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. -قرآن- ۶-۱۲۶ [۲۴۴] ابی هریره از

رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: در شب معراج آن هنگام که به آسمان سیر می کردم ندایی جذّاب از زیر عرش بگو شم رسید که چنین می گفت انّ علیّاً رایة الهدی و حبیب من یؤمن بی بلّغ یا محمّد؟ -روایت ۱-۶۷ به درستی که علی علیه السّلام علم هدایت و حبیب و محبوب مؤمن به من است ای محمّد؟ پیامت را ابلاغ کن [صفحه ۹۸] چون مصطفی صلی الله علیه و آله به زمین بازگشت اینکه پیام را سرّی نگه داشت و کتمان کرد. تا اینکه که خدای سبحان آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک ... را درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل فرمود. -قرآن- ۳۷-۹۱ و در ادامه فرمان فرمود: ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله یعصمک من النّاس -قرآن- ۲۷-۹۰ و همچنین ابی سعید خدری روایت کرد که آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. -قرآن- ۴۸-۱۰۲ [۲۴۵] ابن عباس می گوید: اینکه کلام سبحان یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک در شأن علی علیه السّلام نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله چون اینکه فرمان را شنید برخاست و دست علی علیه السّلام را گرفت و در میان جمعیت ایستاد و فرمود: -قرآن- ۴۹-۱۰۳ من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه . -روایت ۱-۷۹ ای مردم و ای مسلمانان هر کسی که من مولای او هستم علی هم مولای اوست خدایا دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن باش «۵۷-پاورقی- ۶۷-۶۹ [۲۴۷] عبد الله بن ابی اوفی می گوید: در روز غدیر خم شنیدم مصطفی صلی الله علیه و آله آیه شریفه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله یعصمک من النّاس را تلاوت می کرد، سپس دست خود را بلند کرد و فرمود: -قرآن- ۱۱۷-۲۳۷ «الا من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه . -روایت ۱-۸۵ آن گاه سر به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا؟ تو شاهد باش امروز پیام تو را به اینکه جمعیت ابلاغ کردم [۲۴۸] علی بن محمّد بن سلیمان نوفلی از پدرش نقل می کند که پدرش از زیاد بن منذر اینکه حکایت را شنید: روزی در نزد ابی جعفر محمّد بن علی علیه السّلام حضور داشتیم و آن جناب برای مردم [صفحه ۹۹] سخن می گفت در میان سخن مردی از اهل بصره به نام عثمان اعشی پیاخاست و گفت یابن رسول الله صلی الله علیه و آله فدایت شوم حسن بصری به ما خبر داده است که آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک درباره فردی نازل شده است اما آن فرد را معرفی و بیان نکرد. -قرآن- ۱۹۸-۲۵۲ ابی جعفر علیه السّلام فرمود: ای عثمان اگر حسن بصری بخواهد می تواند از آن مرد خبر دهد، و لیکن او می ترسد. پس گوش کن تا برایت شرح آن را بیان کنم در یک فرصتی جبرئیل به خدمت نبی صلی الله علیه و آله رسید و گفت خدای تعالی امر می فرماید امت را به نماز و آداب آن راهنمایی کن پس آن جناب آداب نماز را تعلیم داد. بار دیگر جبرئیل آمد و گفت خدای سبحان فرمان داده تا وجوب زکات و شرایط آن را برای پیروان بیان کنی آن حضرت نیز چنین کرد. بار سوم جبرئیل آمد و گفت خدای تعالی دستور فرمود، امت خود را به روزه و آداب آن راهنمایی کن و آن بزرگوار چنان کرد. بار دیگر جبرئیل پیام آورد، خدای عزّ و جلّ فرمود، امت خود را بر حج و آداب آن راهنمایی فرما. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان که مرضیّ خدا بود انجام داد. بار دیگر جبرئیل به خدمت رسید، گفت خدایت فرمان داد ولیّ را بر امت معرفی کن همان گونه که نماز و روزه و زکات و حج را بیان کردی تا حجت بر آنان تمام شود و عذر و بهانه‌ای نداشته باشند. مصطفی صلی الله علیه و آله عرض کرد: خدایا؟ تو می دانی قوم و قبیله من قریب العهد به دوران جاهلیت هستند و در میان آنان فخر و مباهات جاهلیت هنوز ریشه دارد و اگر چنین کنم شاید نپذیرند و من از اینکه کار خوف دارم و خدای عزّ و جلّ آیه یا ایّها الرّسول بلّغ ما انزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله یعصمک من النّاس را بر آن حضرت فرو فرستاد -قرآن- ۲۲-۱۴۲ [صفحه ۱۰۰] رسول گرامی صلی الله علیه و آله چون ضمانت و عصمت از خداوند را دریافت کرد، دست علی بن ابی طالب علیه السّلام را گرفته در میان جمعیت بلند کرد و فرمود: «یا ایّها النّاس من کنت مولاه فعلیّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصر و اخذل من خذله و احب من احبه و ابغض من ابغضه -روایت ۱-۱۷۳ ای مردم هر که را من مولای اویم علی بن ابی طالب علیه السّلام مولای اوست خدایا؟ هر کسی او را دوست دارد دوست بدار و هر کسی او را دشمن دارد دشمن بدار، نصرت کننده او را یاور و معین باش و خوار کننده او

را خوار و ذلیل کن و هر کسی علی را دوست دارد دوست بدار و آن که نسبت به او کینه و بغض دارد. او را مبعوض بدار. [۲۴۹]

کلبی از ابی صالح و او از ابن عباس و جابر بن عبد الله نقل می‌کند که اینکه دو نفر صحابی معروف گفتند: خدای تعالی به مصطفی صلی الله علیه و آله امر فرمود تا علی علیه السلام را به ولایت نصب کند و مردم را از ولایت او با خبر گردانند. آن حضرت از ترس و خوف اینکه که مردم نگویند پسر عم خویش را به جانشینی انتخاب و منصوب کرد و همچنین از طعنه بی جا و ناروای آنان اینکه امر مهم را به تأخیر انداخت تا اینکه که خداوند وحی فرستاد: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ... در اینکه هنگام که در غدیر خم بود مصطفی صلی الله علیه و آله برخاست و ولایت مرتضی علیه السلام را به همگان خبر داد. -قرآن- ۲۳۲-۲۸۶ [۲۵۰] عبد الله بن عباس پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و از مفسرین قرآن کریم از زبان آن حضرت نقل می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله داستان معراج را بیان می‌کرد تا رسید به اینکه که خداوند در شب معراج فرمود: ای برگزیده من من هیچ نبی‌ای را مبعوث نکردم مگر اینکه که برایش وزیری قرار دادم تو ای محمد صلی الله علیه و آله رسول من هستی و علی علیه السلام وزیر توست [صفحه ۱۰۱] ابن عباس بیان می‌کند: چون رسول الله از آسمان فرود آمد، اکراه داشت برای مردم چیزی از اینکه حدیث را نقل کند چون مسلمانان را قریب العهد به زمان جاهلیت می‌دانست و شرایط را مناسب نمی‌دید. تا اینکه که آیه شریفه فلعلک تارک بعض ما یوحی الیک ... بر آن حضرت نازل شد. -قرآن- ۲۵۲-۲۸۶ باز هم پیامبر صلی الله علیه و آله تحمل کرد و چیزی آشکار نکرد تا آیه شریفه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ... نازل شد و تکلیف را نهایی کرد. -قرآن- ۸۹-۱۴۳ در اینکه زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلال حبشی مؤذن اختصاصی امر فرمود اذان بگوید تا همه مردم در غدیر خم جمع شوند. چون همه جمع شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بلندی ایستاد و فرمود: ای مردم خدای سبحان مرا به رسالت برگزید و فرمان داد تا علی علیه السلام را به ولایت معرفی کنم اما در اینکه کار درنگ کردم چون خوف داشتم مرا متهم کنید و ترسیدم در ابلاغ ولایت پسر عم خود مرا تکذیب کنید. تا اینکه که خدای رحمان مرا مورد عتاب قرار داد و ابلاغ ولایت علی علیه السلام را بر من فرمان داد. و فرمود: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک سپس دست علی علیه السلام را گرفت در میان جمعیت حاضر، بلند کرد به گونه‌ای که زیر بغل‌های او مکشوف شد. آن گاه فرمود: -قرآن- ۹-۶۳ «ایها الناس الله مولای و انا مولا-کم فمن کنت مولا-ه فعلى مولا-ه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله . -روایت- ۱-۱۵۶ در پایان مراسم معارفه بر رسول الله صلی الله علیه و آله آیه شریفه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نازل شد. -قرآن- ۸۵-۱۲۶ [صفحه ۱۰۲] [۳۶] یا ایها الذین آمنوا لا- تحرموا طیبات ما أحل الله لکم [مأئده ۸۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای استفاده شما حلال کرده حرام شمارید و از حد مگذرید. -قرآن- ۶-۷۵ [۲۵۱] ابی صالح می‌گوید از ابن عباس مفسر قرآن و یار و یاور علی علیه السلام درباره کلام خداوند: لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم سؤال شد. در جواب گفت -قرآن- ۱۱۲-۱۵۴ اینکه آیه در شأن علی علیه السلام و یاران او مثل عثمان بن مظعون و عمار یاسر، آن هنگام که تصمیم گرفتند از لذات دنیوی و شهوات حلال کناره‌گیری کنند نازل شد. [۲۵۲] محمد بن ابراهیم بن حرث تمیمی درباره آیه شریفه فوق گفت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عثمان بن عفان عثمان بن مظعون و یک نفر دیگر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله با یکدیگر هم عهد و پیمان شدند تا روزها را روزه و شب‌ها را بیدار بمانند، با زنان خود همبستر نشوند و گوشت و غذای لذیذ تناول نکنند و در تهذیب نفس بکوشند چون اینکه خبر به مصطفی صلی الله علیه و آله رسید. از طرف دیگر هم خداوند رحمان آیه یا ایها الذین آمنوا لا- تحرموا طیبات ما أحل الله لکم نازل کرد و تکلیف آنان را روشن تر کرد. -قرآن- ۳۸-۱۰۷ [۲۵۳] سدی از مفسران قرآن درباره قول خدا یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم گفت «۵۸» -قرآن- ۵۲-۱۲۱-پاورقی- ۱۲۹-۱۳۱ [صفحه ۱۰۳] تحریم کرده‌اند و جماعتی در روز غذا نمی‌خورند، و بعضی‌ها نیز خواب را بر خویش ممنوع کرده‌اند. و طایفه‌ای همبستر شدن با زنان را تعطیل کردند. بعد از اینکه سخنان خدای مهربان آیه لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم را نازل کرد. رسول الله صلی الله

علیه و آله دستور داد همه حاضر شوند آن گاه فرمود: -قرآن- ۲۰۴-۲۴۶ ما بال قوم حَرَمُوا النِّسَاءَ وَ الطَّعَامَ وَ التَّوَمَ الا اَنَّى انام و اقوم و افطر و اصوم و انكح النِّسَاءَ، فمن رغب عَنِّي فليس مِنِّي -روایت- ۱-۱۳۸ اینکه چه کاری است که انتخاب کردید. من که پیامبر شمایم می‌خواهم و استراحت می‌کنم هم روزه می‌گیرم و هم با زنان ازدواج می‌کنم و هر کسی مثل من رفتار نکند از من نیست [۳۷] و اذا جاءك الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ. [انعام ۵۴] و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده است -قرآن- ۶-۹۱ [۲۵۴] حسن بن حسن از حَبَّان بن علی و او از کُلبی و او از ابی صالح نقل می‌کند: از ابن عباس درباره آیه شریفه و اذا جاءك الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا ... سؤال شد. -قرآن- ۱۳۸-۱۷۳ ابن عباس در جواب گفت اینکه کلام خدا در شأن علی بن ابی طالب علیه السَّلام حمزه سید الشَّهَداء، جعفر طیار و زید نازل شد. [صفحه ۱۰۴] [۳۸] الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ [انعام ۸۲] کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان در امن و امان بوده و از راه یافتگان‌اند. -قرآن- ۶-۸۴ [۲۵۵] سفیان ثوری از منصور و او از مجاهد نقل می‌کند عبد الله بن عباس مفسِّر قرآن درباره اینکه آیه شریفه چنین بیان کرده است [الَّذِينَ آمَنُوا] یعنی کسانی که تصدیق به توحید کردند و حال اینکه اولین موحِّد علی بن ابی طالب علیه السَّلام است و لم یلبسوا ایمانهم یعنی ایمان خود را با باطل مخلوط و ممزوج نکردند، و نظیر اینکه آیه لم تلبسوا الحقَّ بالباطل ۵۹، -قرآن- ۱-۱۶ -قرآن- ۱۳۱-۱۵۳ -قرآن- ۲۳۵-۲۶۳ -پاورقی- ۲۶۴-۲۶۶ [بظلم یعنی به شرک ابن عباس تأکید می‌کند، که به خدا سوگند همه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بت‌پرستی را رها کرده و به خدا و پیامبر ایمان آورده‌اند و از وادی بی‌برکت کفر و شرک به وادی پر برکت اسلام گرایش پیدا کردند و لیکن علی بن ابی طالب علیه السَّلام حتی در یک چشم به هم زدن مشرک نشد، و هرگز مشرک نبود و از اوّل موحّد بود أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ اینان از آتش جهنّم و عذاب آن ایمن هستند، و بدون حساب به بهشت راه می‌یابند. و علی علیه السَّلام اولین ایمان آورنده است در حالی که کودکی هفت ساله بود به دین و آیین پیامبر صلی الله علیه و آله پیوست -قرآن- ۱-۳۴ [صفحه ۱۰۵] [۳۹] وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رَجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ [اعراف ۴۶] و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو دسته را از سیمایشان می‌شناسند. -قرآن- ۶-۵۰ [۲۵۶] اصْبَغْ بِنَبَاتٍ از یاران صمیمی علی علیه السَّلام می‌گوید: روزی در کنار علی بن ابی طالب علیه السَّلام نشسته بودم عبد الله بن کوّاء وارد مجلس شد و گفت یا امیر المؤمنین مرا از معنای آیه و علی الاعراف رجال يعرفون کُلًّا بِسِيمَاهُمْ با خبر فرما. -قرآن- ۱۶۰-۲۰۴ علی علیه السَّلام فرمود: وای بر تو ای ابن کوّاء؟ نحن نوقف يوم القيامة بين الجنة و النار، فمن ينصرنا عرفناه بسيماء فادخلناه الجنة و من ابغضنا عرفناه بسيماء فادخلناه النار. -روایت- ۱-۱۴۰ آن مردان ما هستیم که در قیامت بین بهشت و جهنّم می‌ایستیم هر بنده‌ای ما را نصرت کرده باشد او را به چهره و سیمایش می‌شناسیم و به بهشت می‌بریم و هر کسی با ما دشمنی و عداوت داشت او را هم با سیمایش می‌شناسیم و در جهنّم داخل می‌کنیم [۲۵۷] ضَحَّاك نقل کرده است که از ابن عباس ۶۰ -پاورقی- ۵۴-۵۶ -قرآن- ۷۴-۹۶ [صفحه ۱۰۶] [۴۰] وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ. [اعراف ۴۳] و هر گونه کینه‌ای را از سینه‌هایشان می‌زداییم از زیر [قصرهای شان نهرها جاری است -قرآن- ۶-۶۶ [۲۵۹] عبد الله بن ملیل می‌گوید، از امیر المؤمنین علی علیه السَّلام درباره مصداق آیه نزعنا ما فی صدورهم من غلّ سؤال کردم -قرآن- ۱۰۳-۱۳۵ آن بزرگوار فرمود: اینکه آیه شریفه در شأن ما اهل بیت نازل شده است [۲۶۰] عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش و او از سفیان و او از ابی موسی و ابی موسی از حسن بن علی علیه السَّلام نقل کرده است که پدرش علی بن ابی طالب فرمود: به خدا سوگند آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ در شأن ما اهل بیت پیامبر نازل شد. -قرآن- ۲۲۴-۲۵۸ [۴۱] فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ [اعراف ۴۴] پس آواز دهنده‌ای میان آنان آواز می‌دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد. -قرآن- ۶-۶۰ [۲۶۱] مُحْصِدٌ بن حنفیه از پدرش علی بن ابی طالب علیه السَّلام حکایت می‌کند، که امیر المؤمنین علی علیه السَّلام فرمود: در آیه فَأَذِّنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ آن مؤذّن که در کلام خداوند جلیل آمده است من هستم -قرآن- ۱۴۹-۲۰۳ [۲۶۲] ابن عباس یکی از صحابه پیامبر

صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، برای امیر المؤمنین علی علیه السلام در کتاب خدا اسم‌هایی است که مردم آنها را نمی‌شناسند. از جمله آن اسم‌ها در آیه شریفه فَأَذِّنْ مَوْذِنٌ بَيْنَهُمْ است که نام نیک علی علیه السلام به عنوان مؤذن آورده شده است -قرآن- ۲۳۶-۲۵۶ و امیر المؤمنین علی علیه السلام در تفسیر بقیه آیه و إِنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ فرمود: یعنی لعنت خداوند بر کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق و مقام مرا سبک شمردند. -قرآن- ۶۱-۹۶ [صفحه ۱۰۷] [۲۶۳] محمد بن فضیل از ابن اذینه درباره فَأَذِّنْ مَوْذِنٌ بَيْنَهُمْ گفت مؤذن در آیه شریفه امیر المؤمنین علی علیه السلام است -قرآن- ۵۲-۷۲ [۲۶۵] ابن اذینه از حرمان و او از ابی جعفر علیه السلام درباره آیه فوق بیان کرد: مؤذن امیر المؤمنین علی علیه السلام است «۶۱-پاورقی- ۱۵۱-۱۵۳ [۴۲] و مَن خَلَقْنَا أَمِيَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ» و به یعدلون [اعراف ۱۸۱] و از میان کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. -قرآن- ۶-۵۴ [۲۶۶] مجاهد می‌گوید ابن عباس در توضیح و تفسیر کلام خداوند و مَن خَلَقْنَا أَمِيَّةً گفت -قرآن- ۶۶-۸۴ یعنی خلق کردیم امت محمد صلی الله علیه و آله را و از آن میان علی بن ابی طالب علیه السلام را که مردم را به حق هدایت می‌کند یهدون بالحق در حالی که [و به یعدلون مردم بعد از تو از خلافت او عدول و سرپیچی می‌کنند. -قرآن- ۱۶۴-۱۷۸-قرآن- ۱۹۵-۲۱۱] [۲۶۷] در کتاب فهم قرآن متعلق به امام جعفر صادق علیه السلام در بیان آیه و مَن خَلَقْنَا أَمِيَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ و به یعدلون فرمود: -قرآن- ۹۲-۱۴۰ اینکه آیه شریفه در شأن آل محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت است که مردم را به حق رهنمون و هدایت می‌کنند و حال اینکه که مردم از آنان عدول می‌کنند [صفحه ۱۰۸] [۴۳] یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ [انفال ۲۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید. -قرآن- ۶-۸۱ [۲۶۸] در کتاب تفسیر عتیق یونس بن بکار از پدرش و پدر او از ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام در بیان آیه شریفه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ می‌فرماید: در حالی که می‌دانید آل رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت از امانت‌های الهی هستند، به آنان خیانت نکنید». -قرآن- ۱۴۳-۲۱۸ [۴۴] وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً. [انفال ۲۵] و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید. -قرآن- ۶-۵۷ [۲۶۹] ابن عباس می‌گوید: وقتی آیه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً نازل شد. محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: -قرآن- ۳۸-۹۰ من ظلم علیاً مقعدی هذا بعد وفاتی فکأنما جحد نبوتی و نبوة الانبیاء قبلی -روایت- ۱-۸۷ هر کسی در حق علی علیه السلام که وصی و جانشین من است در بعد از وفاتم ظلم کند، مثل اینکه است که نبوت من و جمیع انبیای قبلی را منکر شده باشد [۲۷۰] زبیر بن عوام نقل می‌کند، وقتی آیه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً نازل شد، همه متعجب شدید که چه فتنه‌ای فرا خواهد رسید. و چه حادثه عجیبی رخ خواهد داد تا اینکه که آن فتنه را دیدیم که در جنگ جمل رخ داد. -قرآن- ۴۷-۹۹ [۲۷۱] عَقَبَهُ بِه صُهَبَانُ گفتم از زبیر بن عوام شنیدم می‌گفت سال‌ها آیه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً -قرآن- ۸۱-۹۶ [صفحه ۱۰۹] لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ... را قرائت می‌کردم اما نمی‌دانستم که من از جمله مصادیق آن هستم که اهل فتنه و آشوب می‌شوم -قرآن- ۱-۲۲ [۲۷۲] سفیان از جویبر و او از ضحاک بن مزاحم درباره آیه شریفه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً می‌گوید: اینکه آیه برای اصحاب نبی صلی الله علیه و آله نازل شد و خبر داد که بعضی بعد از حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله فتنه ایجاد می‌کنند و چنین هم کردند. -قرآن- ۷۶-۱۲۸ [۲۷۳] سدی از اصحابش نقل می‌کند: آیه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً ... به اهل بدر که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند توصیه می‌کند، گرد فتنه نچرخند، اما فتنه در جنگ جمل ظاهر شد که همانا بعضی از اهل بدر جزء فتنه‌گران شدند و جنگ و خونریزی بر ضد علی علیه السلام به راه انداختند. -قرآن- ۴۳-۶۰ [۲۷۴] حسن بن دینار از حسن و او از زبیر بن عوام نقل می‌کند که زبیر یک بار آیه وَ اتَّقُوا فِتْنَةً ... تا آخر را در اثنای جنگ جمل قرائت کرد، آن گاه گفت نمی‌فهمیدیم اینکه کلام خدا برای ما فتنه‌گران آمده و ما را توصیه به خویشستن داری کرده است تا اینکه که در جنگ جمل و محاربه با علی علیه السلام فهمیدیم مورد خطاب کلام خداوند سبحان ما هستیم -قرآن- ۹۶-۱۱۳ [۲۷۵] حسن می‌گوید زبیر بن عوام گفت ما همدیگر را از فتنه بر حذر می‌داشتیم اما نمی‌دانستیم

کدام یک از ما تخلف می‌کند و به دنبال فتنه می‌رود. سپس آیه و اتَّقُوا فِتْنَةً ... را قرائت کرد. -قرآن- ۱۸۱-۱۹۸ بعضی از همراهانش گفتند: سبحان الله پس تو را چه شد که جنگ را آغاز می‌کنی زیر گفت وای بر شما ما به فتنه آگاهی و بصیرت داریم اما صبر و شکیبایی نداریم [۲۷۶] شداد بن سعید از غیلان بن جریر و او از مطرف نقل می‌کند که به زیر گفتم یا ابا عبد الله شما حق- خلیفه عثمان را تضييع کردید تا کشته شد. و اکنون خون او را از علی علیه السلام مطالبه می‌کنید. زیر گفت ما در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و ابو بکر و عمر آیه و اتَّقُوا فِتْنَةً لا- تصیین- را -قرآن- ۸۷-۱۱۳ [صفحه ۱۱۰] قرائت می‌کردیم اما نمی‌دانستیم اهل فتنه ما هستیم تا اینکه که آن واقعه به دست ما اتفاق افتاد. [۲۷۷] ضحاک نقل می‌کند که ابن عباس درباره اینکه کلام خدا و اتَّقُوا فِتْنَةً لا تصیین- الذين ... بیان کرد: -قرآن- ۷۰-۱۰۴ خدای سبحان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را از مقاتله و جنگ با علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از حیات پیامبر بر حذر داشته و منع کرد. «۶۲» -پاورقی- ۱۷۵-۱۷۷ [۲۷۹] سدی- در مصداق آیه و اتَّقُوا فِتْنَةً لا تصیین- الذين ظلموا منکم خاصه گفت اهل فتنه اصحاب جمل بودند که بر ضد امیر المؤمنین علی علیه السلام جنگ جمل را به راه انداختند. -قرآن- ۳۱-۸۳ [۲۸۰] ابی عثمان نه‌دی نقل می‌کند: علی علیه السلام را در جنگ جمل دیدم که آیه و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: -قرآن- ۵۹-۹۸ به خدا سوگند، اهل اینکه آیه از بعد نزول تا به امروز مقاتله و جنگ نکردند، مگر امروز و اینکه آیه شامل حال آنان می‌شود که به جنگ ما برخاستند. [۲۸۱] عثمان بن مؤذن می‌گوید: یک سال کامل مصاحب امیر المؤمنین علی علیه السلام بودم آن حضرت در طول اینکه مدت کلامی در دوستی یا بی‌زاری از سران جمل نفروم مگر اینکه که از زبان مبارک آن حضرت می‌شنیدم می‌گفت فلان و فلان چه عذری دارند؟ آن دو با میل و رغبت و بدون اکراه بیعت کردند، سپس بدون دلیل و تقصیری پیمان شکستند. به خدا سوگند اهل اینکه آیه و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم قتال نکردند مگر امروز که در مقابل من ایستادند. «۶۳» -قرآن- ۳۸۵-۴۲۴ -پاورقی- ۴۸۰-۴۸۲ [صفحه ۱۱۱] [۴۵] و اذ یمکر بک الذين کفروا لیثتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین [انفال ۳۰] و [یاد کن هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا از مکه اخراج کنند، و نیرنگ می‌زدند، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیر کنندگان است -قرآن- ۶-۱۱۶] [۲۸۳] ابن عباس در تفسیر کلام خدا و اذ یمکر بک الذين کفروا ... می‌گوید: طائفه‌ای از قریش مکه تصمیم خطرناکی درباره مصطفی صلی الله علیه و آله گرفتند. تا آن تصمیم را در یک شب اجرا کنند. بعضی از آنان گفتند: محمد صلی الله علیه و آله را بکشیم عده‌ای گفتند: او را از شهر بیرون کنیم دسته‌ای دیگر گفتند: او را سخت مجازات کنیم -قرآن- ۴۲-۶۹ خداوند خبیر، مصطفی صلی الله علیه و آله را از ثیبات پلید آنان مطلع گردانید. آن شب مرتضی علیه السلام در بستر مصطفی جای گرفت تا فدایی برادرش شود. محمد صلی الله علیه و آله از شهر خارج شد و در غار پناه گرفت مشرکین هم خانه را محاصره کرده سخت از آن مراقبت می‌کردند تا مبادا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن خارج شود غافل از اینکه که علی علیه السلام در خانه نبی صلی الله علیه و آله آرمیده است چون در سحرگاه آن شب علی علیه السلام را دیدند، فهمیدند، فریب خورده‌اند. پس پرسیدند: یا علی رفیق و مصاحب تو کجاست علی علیه السلام فرمود: نمی‌دانم در کجاست آن جماعت مشرک به تعقیب رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافتند، و رد پای آن حضرت را تا پای کوه دنبال کردند، وقتی به دهانه غاری که آن جا بود رسیدند، بر در آن تار عنکبوت را بافته دیدند. گفتند اگر محمد صلی الله علیه و آله داخل غار می‌شد، تار عنکبوت باید از [صفحه ۱۱۲] بین می‌رفت در نهایت از رفتن به داخل غار منصرف شدند، و به بالای کوه شتافتند «۶۴». - پاورقی- ۹۴-۹۶ [۲۸۶] عثمان بن جزری از مقسم نقل می‌کند که ابن عباس در تفسیر آیه و اذ یمکر بک الذين کفروا ... گفت - قرآن- ۸۰-۱۰۷ قریش به مشورت نشستند که چون سحرگاهان شود، نبی صلی الله علیه و آله را سخت مجازات کنند. اما صبح آن روز، علی علیه السلام را در جای رسول صلی الله علیه و آله دیدند. به تعقیب آن حضرت پرداختند تا به غار رسیدند، چون دهنه غار را تار عنکبوت پوشانده بود به داخل غار نرفتند و سه روز در کنار آن غار منتظر ماندند. [۲۸۷] عبد الرزاق از پدرش و او از

عکرمه درباره کلام خدا و اذیمکر بک‌الذین کفروا... نقل می‌کند. -قرآن- ۷۲-۹۹ زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و ابو بکر به غار پناه بردند، علی علیه السلام در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیده بود و مشرکین آن شب به حراست و محافظت بیت پیامبر مشغول بودند و هرگاه نگاه می‌کردند، و به نظرشان می‌رسید که او در بستر آرمیده است پس کاری نداشتند و منتظر بودند تا صبح شود چون روشنی صبح فرا رسید، ناگهان با علی علیه السلام مواجه شدند. پرسیدند: یا علی رفیق و مصاحب تو کجاست علی فرمود: نمی‌دانم خدا بهتر می‌داند؟ پس با همه امکانات به تعقیب پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند ولی او را نیافتند. [۲۸۸] مجاهد از ابن عباس نقل می‌کند: زمانی که قریش در دار الندوه برای رهایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله تجمع کردند ابلیس به شکل شیخ جلیل‌القدری بر آنان عرضه شد. سران قریش از همدیگر پرسیدند: اینکه شیخ کیست او گفت شیخی از اهل نجد [صفحه ۱۱۳] هستم چون شنیدم درباره امر مهمی تصمیم می‌گیرید به حضور رسیدم گفتند پس داخل شو. در آن روز اشراف و سران قریش از همه قبایل حضور داشتند. و هر قبيله برای رهایی از رسالت مصطفی صلی الله علیه و آله و آیین او سخن می‌گفت و پیشنهادی می‌کرد. بعضی گفتند: او را زندانی کنید و به او آب و نان ندهید تا جان دهد. دیگری گفت او را از شهر و دیار خویش بیرون کنیم تا به هر جا که می‌خواهد برود. در آن میان شیخ نجدی [ابلیس برخاست و گفت به خدا سوگند اینکه رأی و اندیشه شما نیکو نیست مگر حسن کلام و حلاوت گفتار و حسن خلق و منطق نیکو و غلبه بر قلوب مردم را از او نمی‌بینید؟ اگر او را به هر کجا بفرستید، و به هر سرزمینی تبعید کنید، مردم را به خود جذب و پیروان زیادی جمع‌آوری می‌کند، و امور را از دست شما می‌رباید. از اینکه اندیشه در گذرید. ابو جهل گفت مرا اندیشه و رأی دیگری است قریش گفتند: بیان کن تا بدانیم ابو جهل گفت قبایل ما بسیارند، از هر قبيله جوانی رشید و چالاک انتخاب می‌کنیم و در دست هر یک شمشیری برنده می‌دهیم آنان به صورت گروهی بر محمد صلی الله علیه و آله یورش آورند و هر کدام یک ضربه شمشیر بر او زنند تا از دین و آیین او نجات یابیم اگر قبایل مختلف در خون او شریک باشند. بنو عبد مناف قادر به جنگ با همه قبایل نیستند. پس به ناچار به خون بها، و ديه راضی می‌شوند. شیخ نجدی [ابلیس گفت احسنت بر تو؟ رأی رأی اینکه مرد است با وجود اینکه رأی هیچ تصمیمی مطلوب نیست پس همه قبایل بر اینکه رأی و اندیشه اتفاق کردند و متفرق شدند. [صفحه ۱۱۴] در آن هنگام پیک وحی جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از تصمیم خطرناک قریش خبر داد. و گفت یا نبی الله امشب در بستر خویش نخواب چون شب فرا رسید. آن جماعت مشرک جوانان خویش را بر طبق عهد و میثاقی که بسته بودند در اطراف خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستادند. تا نقشه خود را عملی کنند. وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را در گرد خانه خویش دید، به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی امشب در بستر من بخواب و اینکه جامه سبز را بر روی خود بینداز تا اینکه که هیچ آسیبی به تو نرسد. و آن جامه‌ای بود که نبی صلی الله علیه و آله به هنگام خواب بر روی خویش می‌انداخت تا اینجا پایان روایت است اما یونس بن بکر از قول ابن اسحاق اینکه مطالب را اضافه کرد و گفت زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در بستر خویش قرار داد، که آن جماعت نااهل بر در منزل ایستاده بودند در همان هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خارج شد. حضرت به هنگام خروج مشتی خاک از زمین برداشت و بر سر آنان پاشید و با خواندن آیات یس و القرآن الحکیم... تا فاعشیناهم فهم لا یبصرون منزل را ترک کرد. بدون اینکه که هیچ کسی آن حضرت را ببیند چون صبح فرا رسید، خدای تعالی به رسولش اذن خروج از مکه را داد و آخرین فردی هم که وارد مدینه شد. علی بن ابی طالب علیه السلام بود زیرا مصطفی صلی الله علیه و آله او را امر فرمود در بسترش بخوابد، و سه روز در مکه توقف کند، تا دیون و امانات را مسترد کند، سپس به آن حضرت ملحق شود و او هم چنین کرد. و آیه شریفه در اینکه خصوص نازل شد و مکر کفار قریش را بدین وسیله دفع کرد. -قرآن- ۹۸-۱۲۰-قرآن- ۱۳۰-۱۵۸ [صفحه ۱۱۵]

[۴۶] و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون و لكن اکثرهم لا یعلمون -قرآن- ۶-۸۴ [انفال ۳۴] «آنان را هیچ رابطه دوستی با خدا نیست که دوستان خدا جز اهل تقوا نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند.» [۲۸۹] قتاده از حسن نقل می‌کند ابن عباس در تفسیر آیه و ما

كانوا اولياؤه ... گفت -قرآن- ۶۳-۸۷ یعنی کفار مکه اولیاء و دوستان پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند بلکه ان اولیاءه الا المتقون دوستان و اولیای او کسانی هستند که از شرک و گناه کبیره پاک‌اند و از متقین می‌باشند و آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه و جعفر و عقیل هستند، که دوستان حقیقی و راستین پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. -قرآن- ۸۲-۱۱۰ لکن اکثرهم لا يعلمون اما اکثر آنان نمی‌دانند. -قرآن- ۱-۲۶ [۲۹۰] انس بن مالک از خدمتکاران نبی صلی الله علیه و آله بود او بیان می‌کند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آل محمد کلّ تقی» -روایت- ۱-۲۵ اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله همگی از پاکان و متقین هستند. [۲۹۱] سدی از قول یاران خودش صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در بیان آیه ان اولیاءه الا المتقون گفتند مصداق آیه فوق اصحاب محمد صلی الله علیه و آله هستند. -قرآن- ۹۷-۱۲۵ [۴۷] و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمس و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل [انفال ۴۱] و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان است -قرآن- ۶-۱۲۱ [۲۹۲] عمرو بن عبد الجبار بن عمرو می‌گوید: پدرم از علی بن موسی بن جعفر بن [صفحه ۱۱۶] محمد صلی الله علیه و آله و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السلام که آن حضرت فرمود: آیه و اعلموا انما غنمتم من شیء ... مخصوص ما اهل بیت است و خمس اموال اختصاص به ما دارد. -قرآن- ۶-۳۷ و خدای سبحان به سبب کرامت و احترام ما، صدقات را برای ما اهل بیت قرار نداد بلکه برای احترام و اکرام ما، چرک و اوساخ دست مسلمین را از ما دفع کرد و به جای آن خمس را برای ما مقرر فرمود. [۲۹۳] عبد الله بن عبید الله بن عباس از عکرمه نقل می‌کند، که فاطمه علیها السلام فرمود: روزی علی و عباس و اسامه بن زید در مجلس پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله حضور داشتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای دوستان هر یک از شما چیزی از من درخواست کند. عباس گفت یا رسول الله از شما فلان مقدار مال می‌خواهم حضرت فرمود: آن مال از آن تو باشد من گفتم پدر جان فدایت شوم هر چه عموی من عباس تقاضا کرد، به همان اندازه درخواست می‌کنم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا فاطمه قبول است آن مال تو باشد اسامه بن زید گفت یا رسول الله زمین فلان منطقه را به من برگردان حضرت فرمود: برگردانم آن مال تو باشد آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی تو نیز چیزی بخواه علی علیه السلام گفت یا رسول الله از آن جناب خمس اموال را درخواست می‌کنم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خمس از آن تو باشد خدای تعالی آیه و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمس را نازل کرد. -قرآن- ۲۰-۶۹ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: درباره خمس چنین آیه‌ای نازل شد. علی علیه السلام فرمود: خمس از آن من است که خداوند متعال برای من آن را واجب کرد. سپس هر چه نیزه سالم و نیزه شکسته را غنیمت گرفته بودند، آوردند، رسول [صفحه ۱۱۷] خدا صلی الله علیه و آله ۴/۵ آنها را نگه داشت و بقیه را به علی علیه السلام واگذار کرد. [۲۹۴] عبد الرحمن بن ابی لیلی می‌گوید از امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم فرمود: روزی به اتفاق عباس و فاطمه علیها السلام و زید بن حارثه در حضور مصطفی صلی الله علیه و آله نشسته بودیم عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله گفت یا رسول الله سن من بالا رفته و استخوان‌هایم سست شده است و خرج زندگی‌ام نیز زیاد است امر فرما تا فلان مقدار از مال و طعام برایم آماده شود. مصطفی صلی الله علیه و آله خواهش او را اجابت کرده آنچه خواسته بود برایش مهیا کرد. سپس فاطمه علیها السلام گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله دستور فرما آنچه برای عموم عباس در نظر گرفتی برای من نیز فراهم شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بلی اجابت کردم زید بن حارثه گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله زمینی که امرار معاش فرزندانم از آن بود و از من گرفتی به من برگردان پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن زمین از آن تو باشد من عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله مسئولیت و تولیت تقسیم حقم را از خمس که خداوند در کتابش برایم در نظر گرفت در حیات مشخص و معین فرما تا بعد از شما کسی در اینکه حق با من منازعه نکند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چنین خواهم کرد. و سهم مرا از خمس معین فرمود و در زمان حیات آن حضرت سهم مرا به من تحویل دادند. تا اینکه که ابو بکر حکومت را عهده‌دار شد او نیز سهم مرا به من واگذار

کرد. سپس عمر حاکم مسلمین شد، او در آخر عمرش مال زیادی از غنائیم به دست آورد. حقّ مرا جدا کرد و برایم فرستاد و گفت یا علی علیه السّلام اینکه حق و سهم توست آن را تحویل بگیر. گفتم با اینکه سهمیه خمس از مردم بی‌نیازیم و مسلمین هم به آن نیازمندند. بعد از آن سال هیچ کس حقّم را از خمس غنائیم پرداخت نکرد تا اینکه که به مقام خود رسیدم و [صفحه ۱۱۸] حکومت و ولایت را عهده‌دار شدم عباس عمویم گفت یا علی علیه السّلام از ما حقّی را گرفتند که هرگز به ما بر نخواهد گشت [۲۹۵] مجاهد درباره اینکه کلام خدا فانّ لله خمس و للرسول و لذی القربی و .. بیان کرد، لذی القربی اقارب و بستگان نبی صلی الله علیه و آله هستند که گرفتن صدقه برای آنان حلال نیست -قرآن- ۴۰-۸۷ [۲۹۶] مجاهد در تفسیر آیه شریفه بیان می‌کند، [ذی القربی اقارب و فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله هستند چون بر نبی صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت صدقه حلال و مباح نیست خداوند خمس را برای آن بزرگواران قرار داد] «۶۵». -پاورقی- ۲۷۱-۲۷۳ [۴۸] هو الذی اُتدک بنصره و بالمؤمنین [انفال ۶۲] او همان بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند کرد. -قرآن- ۶-۴۴ [۲۹۹] کلبی از ابی صالح و او از ابی هریره نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج وقتی به آسمان سیر داده شدم در عرش ملکوتی دیدم نوشته بود لا اله الا انا وحدی لا شریک لی و محمّد عبدی و رسولی ائیده بعلی -روایت- ۱-۸۱ خدای واحدی جز من نیست و شریکی ندارم محمّد بنده و رسول من است او را به واسطه علی علیه السّلام تأیید و تقویت کردم و اینکه آیه شریفه هو الذی اُتدک بنصره و بالمؤمنین همان معنای نوشته بر عرش است -قرآن- ۲۳-۶۱ [۳۰۰] انس بن مالک می‌گوید: نبی صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج بر ساق عرش مکتوبی دیدم که روی آن نوشته شده است [صفحه ۱۱۹] لا اله الا الله محمّد رسول الله صلی الله علیه و آله ائیده بعلی نصرته بعلی -روایت- ۱-۱۰۰ خدایی جز الله نیست محمّد صلی الله علیه و آله رسول من است او را به علی علیه السّلام تأیید کردم و یاری دادم [۳۰۱] انس بن مالک نقل می‌کند: روزی بر مصطفی صلی الله علیه و آله گرسنگی شدید عارض شد. جبرئیل از جانب ربّ جلیل به نزد آن حضرت حاضر شد و یک لوزه سبز [چیزی مانند بادام از بهشت تقدیم نبی صلی الله علیه و آله کرد و گفت یا رسول الله آن را بگشا. مصطفی صلی الله علیه و آله آن را گشود، مکتوبی دید که روی آن نوشته بود «بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمّد رسول الله ائیده بعلی و نصرته بعلی». -روایت- ۱-۱۱۰ به نام مهربان مهربانان خدایی جز الله نیست محمّد رسول من است او را به علی علیه السّلام تأیید کردم و نصرت دادم [۳۰۲] جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای یاران و پیروان من بدانید. دو هزار سال قبل از خلقت زمین و آسمان بر در بهشت نوشته بود لا اله الا الله محمّد رسول الله ائیده بعلی». -روایت- ۱-۶۴ یعنی معبودی غیر از الله نیست محمّد رسول خداست من صلی الله علیه و آله او را به علی تأیید کردم و یاری دادم «۶۶» -پاورقی- ۱۴۰-۱۴۲ [۳۰۴] ابی حمزه ثمالی از سعید بن جبیر و او از ابی حمراء نقل می‌کند که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج و در سیر و سفر آسمان در سمت راست ساق عرش نوشته‌ای را دیدم که نوشته بود [صفحه ۱۲۰] لا اله الا الله محمّد رسول الله ائیده بعلی و نصرته به -روایت- ۱-۷۵ هیچ خدایی جز الله نیست و محمّد صلی الله علیه و آله رسول خداست او را به واسطه علی علیه السّلام تأیید کردم و یاری دادم [۴۹] یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین [انفال ۶۴] ای پیامبر، خدا و کسانی که پیرو تو را بس است -قرآن- ۶-۶۹ [۳۰۵] جعفر بن محمّد صلی الله علیه و آله از پدرش در شأن نزول آیه یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین می‌فرماید: -قرآن- ۸۱-۱۴۵ اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. که از پیروان راستین رسول خدا صلی الله علیه و آله بود [۳۰۶] قاسم و عبد الله از فرزندان حسین بن زید از پدرشان و پدرشان از ابی جعفر و آن حضرت از پدرش در مورد آیه یا ایها النبی حسبک الله ... فرمود: -قرآن- ۱۳۵-۱۶۹ اینکه آیه شریفه در حقّ علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد. [۵۰] و اذان من الله و رسوله الی الناس يوم الحج الأكبر أن الله بریء من المشرکین [توبه ۳] و اینکه آیات اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند. -قرآن- ۶-۹۹ [۳۰۷] حکیم بن جبیر از علی بن حسین علیه السّلام نقل می‌کند:

برای علی بن ابی طالب علیه السلام در کتاب الله [قرآن اسم‌های متعددی قرار داده شد که [صفحه ۱۲۱] مردم با آن اسم‌ها بیگانه و ناشناس هستند. عرض کردم یابن رسول الله آن اسم‌ها کدام است بیان فرمایید. فرمود: در آیه و اذان من الله و رسوله ... به خدا سوگند، علی علیه السلام اذان در روز حج اکبر است -قرآن- ۱۸-۴۶ [۳۰۸] ابن عباس بیان می‌کند بین نبی صلی الله علیه و آله و قبایل عرب عهد و پیمانی وجود داشت خدای تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان داد تا همه عهد و میثاق را کنار بگذارد. مگر آن قبایلی که نمازهای مکتوب را به جای می‌آورند و زکات مفروض را ادا می‌کنند. رسول الله صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فراخواند، هفت آیه متوالی از اول سوره براءت را به او سپرد و امر فرمود تا در عید قربان که روز حج اکبر است لغو پیمان با قبایل غیر مسلمانان را اعلام کند و از میثاق خود با آنان بیزاری جوید. علی علیه السلام با شجاعت تمام و عزم راسخ و دلی قوی آیات فوق را در سرزمین منی و در کنار جمره بزرگ برای تمام مردم و قبایل قرائت کرد. [۳۰۹] انس بن مالک از خدمتکاران رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: مصطفی صلی الله علیه و آله هفت آیه اول سوره براءت را به ابو بکر سپرد و او را مأمور کرد تا بر اهل مکه و قبایل اطراف بخواند، چون ابو بکر به ذو الحلیفه رسید پیک مصطفی صلی الله علیه و آله به او رسید و او را برگرداند، و سپس آن حضرت فرمود: لا یذهب به الا رجل من اهل بیتی -روایت- ۱-۴۴ باید فردی از اهل بیت من حامل پیام و اجرا کننده فرمان یزدان باشد چون ابو بکر اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله نبود پس علی بن ابی طالب علیه السلام را به سوی مکه اعزام کرد. تا به نحو احسن و اکمل انجام وظیفه کند [۶۷]. -پاورقی- ۱۸۳-۱۸۵ [۳۱۰] انس بن مالک نقل می‌کند، مصطفی صلی الله علیه و آله ابو بکر صدیق را با آیات براءت اعزام مکه کرد، بعد از اینکه که مسافتی را طی کرده او را فرا خواند، و فرمود: لا ینبغی ان یتلغ من اهل بیت من انجام پذیرد. آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام را احضار فرمود، و آیات براءت را به او سپرد و به جانب مکه روانه کرد. [۳۱۲] سَمَاک بن حرب از انس بن مالک روایت می‌کند رسول الله صلی الله علیه و آله ابو بکر را برای قرائت آیات اول سوره براءت به جانب مکه اعزام کرد. بعد از چندی علی علیه السلام را احضار و او را برای ابلاغ آیات فوق به مکه مأمور کرد و فرمود: لا یتلغها الا رجل من اهل بیت من -روایت- ۱-۳۷ تبلیغ آیات سوره براءت صورت نمی‌گیرد مگر توسط فردی از اهل بیت من [۶۸]. -پاورقی- ۷۸-۷۶ [۳۱۵] سَمَاک بن حرب از انس بن مالک نقل می‌کند: مصطفی صلی الله علیه و آله اول ابو بکر را برای ابلاغ آیات براءت به جانب مکه اعزام کرد، سپس او را فرا خواند و آیات را از او گرفته به علی علیه السلام واگذار کرد تا در جمع مشرکین و قبایل اطراف مکه در سرزمین منی قرائت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: لا یؤدی عنی الا انا و رجل من اهل بیتی . -روایت- ۱-۵۸ [۳۱۹] سَمَاک از حنش [جیش و او از علی علیه السلام حکایت اعزام به مکه و قرائت آیات براءت را چنین روایت کرده است که علی علیه السلام فرمود: به نبی صلی الله علیه و آله گفتم یا رسول الله من از نظر سن و ایراد خطبه مناسب اینکه مأموریت بزرگ نیستم فرد دیگری را مأمور اینکه کار نماید. آن بزرگوار فرمود: یا علی به ناچار تو یا من باید اینکه سفر را انتخاب کنیم و اینکه مأموریت مهم را انجام دهیم عرض کردم اگر چنین باشد به خدمتگزاری آماده‌ام و مرا برای اینکه سفر بفرست نبی صلی الله علیه و آله فرمود: به سوی مکه حرکت کن خدای سبحان زبانت را محکم و قلبت را [صفحه ۱۲۳] آرام کند و تو را هادی باشد سپس دستش را بر دهانم گذاشت و گفت برخیز، به جانب مکه برو و آیات براءت را برای مشرکین و مردم بخوان [۳۲۰] عامر شعبی روایت کرد، امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله مرا در موسم حج برای ابلاغ آیات براءت فرستاد. در روز حج اکبر بپا خاستم و گفتم ای مردم آگاه باشید، بعد از امسال هیچ مشرکی حق انجام دادن مراسم حج را ندارد. و هیچ کسی مجاز به طواف عریان نیست ای مردم بدانید، غیر از مسلمانان کسی داخل بهشت نمی‌شود. آنان که قبلاً با محمد صلی الله علیه و آله پیمان بستند، میثاقشان تا پایان مدّت معتبر است آگاه باشید، «ان الله بریء من المشرکین و رسوله یعنی خدا و رسول صلی الله علیه و آله از مشرکین بیزارند» [۶۹]. -قرآن- ۱۲۸-۱۶۸-پاورقی- ۲۴۰-۲۴۲ [۳۲۲] ابن عباس داستان ابلاغ آیات

برائت را اینکه گونه بیان می‌کند: نبی صلی الله علیه و آله ابو بکر را به جانب مکه فرستاد و امر فرمود تا آیات برائت را برای آنان بیان و ابلاغ کند، سپس علی علیه السلام را به دنبال او اعزام کرد. زمانی که ابو بکر در مسیر راه صدای نعره شتر رسول الله را شنید، گمان کرد، آن حضرت از پشت سر می‌آید چون شتر سوار نزدیک شد، دید علی علیه السلام است آن حضرت نامه رسول الله و آیات برائت را از ابو بکر گرفت هر دو به سوی مکه رهسپار شدند، ابو بکر در مراسم حج شرکت کرد و علی بن ابی طالب علیه السلام آیات برائت را با صدای رسا در ایام تشریق در سرزمین منی به سمع قبایل عرب رسانید و به آنان گفت ای مردم رسول الله صلی الله علیه و آله از هر مشرکی اعلام برائت می‌کند پس چهار ماه مهلت دارید تا تکلیف خود را مشخص کنید و از شرک و کفر رهایی یابید. [صفحه ۱۲۴] رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید هیچ کسی حق ندارد، عریان به طواف بیت الله بپردازد و بداند سعی و تلاش شما ضایع است و به جز مؤمن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله احدی وارد بهشت نمی‌شود. [۳۲۳] مصعب بن سعد از پدرش سعد چنین نقل می‌کند: نبی صلی الله علیه و آله ابو بکر را با آیات برائت به سوی مکه فرستاد، چون او به ضحجان رسید، علی علیه السلام را در پی وی فرستاد، ابو بکر وقتی صدای شتر رسول الله صلی الله علیه و آله را شنید، گمان کرد، آن حضرت به جانب مکه می‌آید. چون نزدیک شد. علی علیه السلام را مشاهده کرد. علی علیه السلام آیات سوره برائت را از ابو بکر گرفت و به مکه رفت و برای مشرکین خواند. [۳۲۴] ابو هریره یا ابو سعید خدری یکی از اینکه دو نقل کرده است که در ابتدا رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو بکر را برای قرائت آیات برائت به جانب مکه اعزام کرد، وقتی او به ضحجان رسید، از پشت سر صدای ناقه رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنید، گمان کرد آن حضرت است چون نزدیک شد علی علیه السلام را دید که بر شتر رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته است و به طرف مکه می‌آید. ابو بکر پرسید: چه خبر جدید داری علی علیه السلام فرمود: خیر است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمان داد تا آیات برائت را من در بین مشرکین بخوانم و تو فقط در مراسم حج شرکت کنی پس هر دو به جانب مکه روان شدند و هر یک طبق دستور نبی صلی الله علیه و آله وظیفه خود را پایان بردند، چون برگشتند و به خدمت رسول صلی الله علیه و آله رسیدند. ابو بکر پرسید: چه اتفاقی افتاد که سلب مأموریت شدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو برای ما خیر هستی و مصاحب در غار و مصاحب من در حوض کوثر هستی امّا «آنّه لا یبلغ عنی غیری او رجل منی . - روایت ۱-۵۱ چون اینکه مأموریت و ابلاغ آن کار فوق العاده‌ای بود باید یا خودم شخصاً [صفحه ۱۲۵] عهده‌دار آن می‌شدم یا مردی از اهل بیت من آن را انجام می‌داد. [۳۲۵] ابی سعید و ابی هریره می‌گویند: نبی صلی الله علیه و آله ابو بکر را با آیات برائت به مکه اعزام کرد، او در ضحجان صدای نعره شتر مصطفی صلی الله علیه و آله را شنید، چون نگاه کرد، علی علیه السلام را دید که بر شتر سوار است پرسید: چه شده است علی علیه السلام گفت خیر است جای نگرانی نیست رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا برای اعلام برائت فرستاد. ابو بکر از نیمه راه برگشت به حضور پیامبر رسید، پرسید: یا رسول الله چه خبر شده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خیر است تو رفیق من در غار بودی و مصاحب من در حوض کوثر هستی امّا اینکه مأموریت با عظمت را باید یا خود یا شخصی از خودم انجام می‌داد. و تو خودی نیستی [۳۲۶] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد: نبی صلی الله علیه و آله بعد از مراجعت از حج عمره ابو بکر را به سوی مکه فرستاد. ما همراه او بودیم در وادی عرج در وقت نماز صبح صدای نعره شتر رسول صلی الله علیه و آله را شنیدیم گمان کردیم رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی ما می‌آید، چون شتر نزدیک شد، علی علیه السلام روی آن شتر سوار بود ابو بکر پرسید: یا علی آیا امیری یا رسولی علی علیه السلام فرمود: رسولم مصطفی صلی الله علیه و آله مرا برای ابلاغ و قرائت آیات برائت به مکه فرستاده است آن دو به مکه رفتند، روز قبل از ترویبه ابو بکر برخاست و در میان جمعیت ایستاد و خطبه‌ای خواند، و از اعمال حج و مناسک آن سخن گفت سپس علی بن ابی طالب علیه السلام بپاخواست و آیات اول سوره برائت را با صدایی رسا برای آن جماعت مشرک قرائت فرمود. [صفحه ۱۲۶] همچنین در روز عرفه و روز عید قربان و روز کوچ کردن در بین جمعیت ایستاد و آیات برائت را برای مشرکین خواند. [۳۲۷] ابن عباس از مفسرین و از اصحاب رسول الله

و از یاران علی علیه السلام نقل می‌کند که مصطفی صلی الله علیه و آله ابو بکر را فراخواند و آیات اول سوره براءت را به او سپرد و فرمان داد تا آن آیات را برای مردم شرکت کننده در مراسم حج قرائت کند، ابو بکر به قصد مکه به راه افتاد و بعد از طی مسافتی جبرئیل به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت «انه لا یؤدی عنک الا انت او علی». -روایت ۱-۴۹ یا رسول الله صلی الله علیه و آله اینکه کار را باید یا خود یا علی علیه السلام به پایان برسانید و از دیگری پذیرفته نیست بلافاصله رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به دنبال ابو بکر برای اعلام براءت به سوی مکه اعزام کرد. ابو بکر در بین راه صدای نعره شتر نبی صلی الله علیه و آله را شنید، چون نگاه کرد علی علیه السلام را بر شتر آن حضرت دید. سؤال کرد یا علی علیه السلام در پشت سرت چه خبر است آیا چیزی درباره من نازل شد! علی علیه السلام فرمود: خیر، نگران نباش و لیکن رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است که آیات براءت را به من واگذار کنی چون اعلام براءت کار تو نیست و پیامبر فرمود: لا- یؤدی عنی الا انا او علی» -روایت ۱-۴۲. علی علیه السلام آن آیات را گرفت و در موسم حج شرکت کرد و با شجاعت و صلابت در میان مشرکین ایستاد و چندین بار و در روزهای متوالی آن آیات را قرائت کرد. [صفحه ۱۲۷] [۵۱] أ جعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر [توبه ۱۹] آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند [نه اینکه دو] نزد خدا یکسان نیستند. -قرآن ۶-۸۴ [۳۲۸] شعبی می‌گوید، آیه شریفه فوق در مورد علی علیه السلام و عمویش عباس زمانی که با هم گفت و گو می‌کردند نازل شد «۷۰». -پاورقی ۱۳۸-۱۴۰ [۳۳۰] وکیع از اسماعیل بن ابی خالد و او از شعبی روایت کرده است آیه أ جعلتم سقایة الحاج... در شأن علی علیه السلام و عباس نازل شد «۷۱». -قرآن ۶-۳۲-پاورقی ۸۲-۸۴ [۳۳۲] ابن سیرین روایت خویش را چنین نقل می‌کند: روزی علی علیه السلام از مدینه وارد مکه شد، به عمویش عباس گفت ای عموی رسول خدا چرا مهاجرت نمی‌کنی و به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق نمی‌شوی عباس گفت عمارت و آبادانی مسجد الحرام و پرده‌داری بیت الله را به عهده دارم و اینکه کاری ارجمند است و نمی‌توانم آن را رها کنم و به مدینه مهاجرت نمایم خدای سبحان در پاسخ عباس آیه شریفه أ جعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله و الله لا یهدی القوم الظالمین را بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود. -قرآن ۴۱-۲۰۶ [۳۳۳] عروہ بن زبیر در شأن نزول اینکه آیه شریفه چنین نقل می‌کند: دو تن از بزرگان مکه به نامهای عباس بن عبد المطلب و شیبۀ بن عثمان مسلمان شدند، اما به مدینه مهاجرت نکردند تا به رسول الله صلی الله علیه و آله ملحق شوند. البته عباس [صفحه ۱۲۸] مسئولیت سقاییت و آب دادن حاجیان را به عهده داشت و شیبۀ هم پرده‌داری بیت الله را عهده‌دار بود روزی عباس به جهت داشتن منصب سقاییتی حاجیان به علی علیه السلام فخر فروخت و گفت یا علی علیه السلام فضیلت من از تو بیشتر است چون ساقی حاجیان هستم علی علیه السلام فرمود: برتری و تفضیل از آن من است چون کلام آن دو بالا گرفت خدای بزرگ آیه أ جعلتم سقایة الحاج... را نازل فرمود تا مشخص شود کدام برترند. -قرآن ۴۸-۷۴ [۳۳۴] حسن از مفسرین قرآن چنین نقل می‌کند: آیه أ جعلتم سقایة الحاج در مورد علی علیه السلام و عباس و شیبۀ بن عثمان هنگامی که با هم احتجاج می‌کردند، نازل شد. -قرآن ۴-۲۶ [۳۳۵] سدی از قول اصحاب و یاران خودش در مورد کلام خدا أ جعلتم سقایة الحاج حکایت می‌کند. -قرآن ۶۷-۸۹ علی علیه السلام و عباس و شیبۀ هر یک به اعمال خود افتخار می‌کردند و خود را از دیگری برتر می‌دانستند. عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله گفت چون ساقی حاجیان هستم از شما بالاتر و برترم علی علیه السلام فرمود: یا مصطفی صلی الله علیه و آله هجرت کردم در کنارش مجاهدت نمودم بنابراین برتری و تفضیل از آن من است شیبۀ گفت عمران و آبادی مسجد خدا با من است چون مسجد را فضیلت بسیار است عامر مسجد را نیز فضیلت بی‌کران است خداوند متعال با نزول آیه أ جعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام... برتری علی علیه السلام و تفضیل او را بر آن دو نفر اعلام فرمود. -قرآن ۲۹-۷۴ [۳۳۶] ابن عباس در شأن نزول آیه أ جعلتم سقایة الحاج... بیان می‌کند. -قرآن ۳۹-۶۵ عباس بن عبد المطلب خود را از علی علیه

السلام برتر می دانست او به علی علیه السلام گفت یا [صفحه ۱۲۹] علی من عم رسول الله صلى الله عليه وآله و ساقی حاجیان هستم با اینکه دو خصیصه از تو برترم شبیه نیز گفت من عمارت و تعمیر مسجد الحرام را به عهده دارم و برتری از آن من است علی علیه السلام بعد از شنیدن سخنان آن دو گفت من از هر دوی شما برترم چون هم مهاجر الی الله و هم مجاهد فی سبیل الله هستم - قرآن- ۲۴۱-۲۵۸ بعد از اینکه مقال آیه أ جعلتم سقایة الحاج نازل شد، یعنی آیا عباس که طبق آیه شریفه سقایة حاجیان را به عهده داشت و شبیه که طبق آیه و عمارة المسجد الحرام عمارت مسجد الحرام را به عهده دارد کمن آمن بالله و اليوم الآخر ... مثل علی علیه السلام هستند؟! هرگز چنین نیست بلکه علی علیه السلام بر آن دو برتری کامل دارد. قرآن- ۳۱-۵۳-قرآن- ۱۵۸-۱۸۰-قرآن- ۲۲۲-۲۵۸ [۳۳۷] انس بن مالک روایت کرده است روزی عباس بن عبد المطلب و شبیه کنار هم نشسته بودند و بر شغل و مسؤولیت خویش فخر می فروختند و افتخار می کردند، در آن هنگام که علی علیه السلام از کنارشان عبور کرد، عباس گفت ای فرزند برادرم توقف فرما. علی علیه السلام ایستاد، عباس گفت شبیه بر من فخر می فروشد و گمان می کند شریف تر و برتر از من است علی علیه السلام فرمود: شما چه می گویی عباس گفت من می گویم چون عموی پیامبر صلى الله عليه وآله و وصی پدرش و ساقی حاجیان هستم از او برترم سپس علی علیه السلام به شبیه گفت تو چه می گویی و دلیل چیست شبیه گفت من برترم چون امین خدا بر بیت او هستم و عمارت آن را عهده دارم علی علیه السلام فرمود: آیا راضی می شوید من افتخارات خود را بیان کنم آن دو گفتند: بلی یا علی بیان فرما. علی علیه السلام فرمود: من از هر دوی شما برتر و فضیلت بیشتر است چون نخستین ایمان آورنده و مهاجر همراه رسول الله و مجاهد فی سبیل الله هستم -قرآن- ۶۵-۸۲ [صفحه ۱۳۰] سپس هر سه به خدمت مصطفی صلى الله عليه وآله رفتند تا فرد برتر را معرفی فرماید. چون هر یک افتخارات خود را بیان کردند آن حضرت سخنی نفرمود و به منزل خویش رفت بعد از چند روز پیک وحی آیه ای را تقدیم رسول الله صلى الله عليه وآله کرد. مصطفی صلى الله عليه وآله آن سه تن را احضار و آیه أ جعلتم سقایة الحاج تا ده آیه بعدی را برای آنان قرائت فرمود و برتری علی علیه السلام را بر آنان به ثبت رسانید. قرآن- ۶۴-۸۶ [۳۳۸] عثمان بن سلیمان از ابن بریده و او از پدرش نقل کرده است در مجلسی شبیه و عباس بن عبد المطلب به یکدیگر تفاخر می کردند، از علی علیه السلام که از کنار آنان می گذشت پرسید: به چه چیزی با یکدیگر تفاخر می کنید! عباس گفت فضیلتی که به من داده شده به احدی عنایت نشده است علی علیه السلام پرسید: چه موهبتی نصیب تو شده است گفت ساقی حاجیان در موسم حج هستم علی علیه السلام رو به شبیه کرد و گفت ای شبیه تو چه فضیلت و موهبتی داری شبیه گفت عمارت مسجد الحرام با من است و اینکه فضیلتی عظیم است علی علیه السلام فرمود: ای شیخین مرا فضیلتی است که شرم دارم آن را بیان کنم آن دو گفتند: آن فضیلت چیست بیان کن علی علیه السلام فرمود: فضیلت من آن است که شمشیر بر پشت گردن شما دو نفر گذاشتم تا به خدا و رسولش صلى الله عليه وآله و آله ایمان آوردید. عباس از سخن علی علیه السلام دلتنگ و ناراحت شد و با همان عصبانیت به حضور پیامبر رفت آن حضرت پرسید: ای عباس چه حادثه ای تو را ملول کرده است عباس گفت آیا نمی بینی طفلی خود را بر ما مقدم می دارد! رسول خدا صلى الله عليه وآله پرسید: آن طفل کیست [صفحه ۱۳۱] عباس گفت علی بن ابی طالب علیه السلام پیامبر علی علیه السلام را فرا خواند و گفت چرا عمویت عباس را ناراحت و دلتنگ کردی علی علیه السلام گفت یا رسول الله او از حرف حق ناراحت شد. می خواهد راضی باشد یا غضبناک شود. در همان اثنا جبرئیل نازل شد و گفت یا رسول الله خدای سبحان بر تو سلام رسانید. و فرمود: اینکه آیه را برای آنان قرائت کن أ جعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله و اليوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لا یستوون عند الله -قرآن- ۱-۱۲۸ عباس چون اینکه آیه را استماع کرد سه بار گفت راضی شدم و فهمیدم علی بن ابی طالب علیه السلام را برتری و فضیلتی بسیار است «۷۲-پاورقی- ۱۵۰-۱۵۲ [۵۲] ثم انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین [توبه ۲۶] آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرو آورد. قرآن- ۶-۶۲ [۳۴۰] ضحاک بن مزاحم در شأن نزول آیه ثم انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین گفت اینکه آیه درباره کسانی که در جنگ حنین در کنار مصطفی

صلی الله علیه و آله ثابت قدم ماندند و متواری نشدند، مثل علی علیه السلام و عباس و ابو سفیان بن حارث بن عبد المطلب و عده قلیلی از بنی هاشم نازل شد. -قرآن- ۴۶-۱۰۲ [۳۴۱] صالح بن عبد الله ترمذی از حسین بن محمد و او از مسعودی و مسعودی از [صفحه ۱۳۲] حکم بن عتیبه نقل می کند: آیه شریفه ثم انزل الله سکینه علی رسوله و علی المؤمنین بی شک برای چهار تن از ثابت قدمان جنگ حنین نازل شد و علی بن ابی طالب علیه السلام مقاوم ترین آن چهار تن است -قرآن- ۱۳-۶۹ [۵۳] و السابقون الاولون من المهاجرین و الأنصار و الذین اتبعوهم یا حسن رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنّات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم [توبه ۱۰۰] و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و آنان [نیز] از او خشنود، و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه اند. اینکه است همان کامیابی بزرگ -قرآن- ۶-۱۹۳ [۳۴۲] عبد الرحمن بن عوف در شأن نزول آیه و السابقون الاولون ... بیان کرد: اینکه آیه در مورد شش تن از قریش که نخستین کسانی بودند که اسلام آوردند، نازل شده است از میان اینکه شش تن اولین و سابقه دارترین آنان علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۵۳-۷۹ [۳۴۳] ضحاک نقل می کند ابن عباس در توضیح قول خدای تعالی السابقون الاولون ... بیان کرد. -قرآن- ۶۹-۹۳ اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه سید الشهداء و عمار و ابو ذر و سلمان و مقداد نازل شد «۷۳». -پاورقی- ۱۲۹-۱۳۱ [۳۴۵] سلیم بن قیس نقل می کند: [صفحه ۱۳۳] روزی حسن بن علی علیه السلام ابتدا حمد و ثنای خدا به جا آورد و سپس آیه شریفه السابقون الاولون ... را قرائت فرمود و گفت همان طور که برای سابقین در اسلام و مسلمانی فضیلت و اعتباری است برای پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام فضیلتی بالاتر از سابقه داران است زیرا که او اولین آنان است -قرآن- ۹۲-۱۱۶ [۳۴۶] ابن عباس در شأن نزول آیه السابقون الاولون ... می گوید اینکه کلام ربّانی در تحسین و تمجید علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. که در ایمان به خدا و رسول از همه مردم سبقت گرفته بود و به طرف دو قبله نماز گزارد و دوبار بیعت نمود و دوبار مهاجرت کرد. -قرآن- ۴۰-۶۴ [۳۴۷] عمر بن ابی سلمه از پدرش نقل می کند، که اسامه بن زید گفته است روزی علی علیه السلام و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله پشت در خانه پیامبر بودند و اجازه ورود می خواستند، پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: آیا می دانی برای چه چیزی می آیند. عرض کردم خیر یا رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت فرمود: اما من می دانم برو در را باز کن هنگامی که آن دو وارد مجلس شدند. علی علیه السلام پرسید: یا رسول الله محبوب ترین فرد از اهل بیت شما کیست حضرت فرمود: فاطمه علیها السلام علی علیه السلام گفت منظورم از مردان است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من انعم الله علیه و انعمت علیه -روایت- ۱-۴۲. علی علیه السلام گفت سپس چه کسی است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تو یا علی علیه السلام عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله زبان به اعتراض گشود و گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: تو یا علی علیه السلام عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام با هجرت از تو سبقت گرفت [صفحه ۱۳۴] [۳۴۸] عمر بن ابی سلمه از پدرش روایت کرد که اسامه بن زید حکایت کرد: روزی داخل مسجد شده با علی علیه السلام و عباس روبه رو شدم آن دو گفتند ای زید؟ از رسول الله صلی الله علیه و آله اجازه ملاقات بگیر. به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله و عباس پشت در منزل اند و اجازه ملاقات می خواهند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: حاجت شان چیست و چه کاری دارند! گفتم یا رسول الله نمی دانم چه کاری دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: راست می گویی امّا من می دانم چه می خواهند. اجازه بده داخل شوند. چون داخل شدند در کنار آن حضرت نشستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه مطلبی شما را به اینکه جا آورد! علی علیه السلام گفت یا رسول الله آمدیم تا پرسیم محبوب ترین اهل بیت شما کیست پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم فاطمه علیها السلام علی علیه السلام گفت بعد از فاطمه علیها السلام چه کسی محبوب تر است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من انعم الله علیه و انعمت علیه -روایت- ۱-۴۲. علی علیه السلام پرسید: سپس چه کسی محبوب تر است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو یا علی عباس گفت یا رسول الله

عمویت را آخرین نفر قرار دادی پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عباس بن عبد المطلب علی علیه السلام از تو به جهاتی برتری دارد که از جمله آنها سبقت او در هجرت است [صفحه ۱۳۵] [۵۴] یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین [توبه ۱۱۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید. -قرآن- ۶-۷۰ [۳۵۰] محمد بن صلت از پدرش حدیثی را نقل کرد که جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: اتقوا الله و کونوا مع الصادقین یعنی با محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام باشید و از آنان جدا نشوید. -قرآن- ۱-۳۷ [۳۵۱] کلبی از ابی صالح نقل می‌کند: ابن عباس در شأن نزول آیه شریفه اتقوا الله و کونوا مع الصادقین گفت اینکه کلام خداوند درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۸۱-۱۱۸ [۳۵۲] باز هم از طریق روات دیگر از ابن عباس مفسر قرآن نقل شده است که آیه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین درباره علی علیه السلام و اصحاب آن بزرگوار نازل شد. -قرآن- ۹۳-۱۵۷ [۳۵۳] مفصل بن صالح از جابر و جابر از ابی جعفر امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: کونوا مع الصادقین یعنی با آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و از آنان جدا نشوید. -قرآن- ۱۲۶-۱۴۷ [۳۵۴] ضحاک از ابن عباس روایت کرد: به طایفه‌ای از انصار سفارش و موعظه شد در جنگ‌ها همراه علی بن ابی طالب علیه السلام باشند و بر طبق دستورات او تأدیب و تربیت شوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نام آن عده را معرفی فرمود. [۳۵۵] ابان بن تغلب نقل کرده است ابی جعفر علیه السلام فرمود: اتقوا الله و کونوا مع الصادقین یعنی با علی بن ابی طالب علیه السلام باشید. و دامان او را رها نکنید. -قرآن- ۱-۳۷ [۳۵۶] ابن عباس درباره آیه شریفه اتقوا الله و کونوا مع الصادقین می‌گوید یعنی با علی علیه السلام و همراه اصحاب علی باشید و از آنان کناره‌گیری نکنید. -قرآن- ۴۰-۷۷ [۳۵۷] مالک بن انس از نافع نقل می‌کند که عبد الله بن عمر در شرح اینکه آیه شریفه [صفحه ۱۳۶] چنین گفت «اتقوا الله یعنی خدای بزرگ به همه اصحاب محمد صلی الله علیه و آله فرمان داد، تقوا پیشه کنند و کونوا مع الصادقین یعنی همیشه با محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش باشند و از آنان هرگز جدا نشوند. -قرآن- ۱-۱۶ -قرآن- ۱۱۶-۱۳۹ [۵۵] و الله یدعوا الی دار السلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم [یونس ۲۵] و خدا شما را به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. -قرآن- ۶-۷۶ [۳۵۸] اینکه روایت با سلسله روات طولانی از عبد الله بن عباس در تفسیر آیه شریفه چنین نقل شده است که ابن عباس در تفسیر و الله یدعوا الی دار السلام گفت -قرآن- ۱۵۳-۱۸۶ یعنی خدای تعالی بندگانش را به جنت و باغ بهشت می‌خواند. و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم و همچنین مسلمانان را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام هدایت و ارشاد می‌کند. -قرآن- ۶۹-۱۰۵ [۳۵۹] فضیل بن زبیر از زید بن علی علیه السلام در تفسیر آیه و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم نقل می‌کند، خداوند بندگانش را به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام هدایت و راهنمایی می‌کند. -قرآن- ۷۴-۱۱۰ [صفحه ۱۳۷] [۵۶] أفمن یهدی الی الحق أحق ان یتبع أمّن لا یهدی إلّا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون ۷۴. -قرآن- ۶-۱۰۴ -پاورقی- ۱۰۵-۱۰۷ [۳۶۱] در تفسیر عتیق از ابن عباس نقل شده است در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله بین طایفه‌ای خصومت و اختلاف پیش آمد آن جماعت به حضور مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند تا بین آنان حکم کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به بعضی از اصحابش امر فرمود تا قضاوت و حکم کنند. چون آن افراد حکم کردند، آن طایفه تسلیم دادرسی آنان نشدند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمان داد تا بین آن جماعت به عدل حکم کند و اختلاف را خاتمه دهد. چون امیر المؤمنین علی علیه السلام حکم به انصاف صادر فرمود، همگان از قضاوت او راضی شدند. بعضی از منافقین به متخاصمین گفتند: شما چه قوم بدی هستید؟ فلان کس حکم کرد راضی نشدید اما به قضاوت علی علیه السلام تن دادید و تسلیم شدید. خدای عزّ و جلّ برای کوبیدن منافقین و حقانیت علی علیه السلام در قضاوت آیه أفمن یهدی الی الحق أحق ان یتبع ... را نازل فرمود. به همین سبب است که علی علیه السلام قضاوتش همیشه مطابق واقع است بدون اینکه که تعلیمی در قضاوت دیده باشد -قرآن- ۸۹-۱۳۲ [۳۶۲] ابراهیم بن حیان از قول ابی جعفر علیه السلام چنین نقل می‌کند: دو نفر در زمان حکومت عمر برای رفع خصومت به حضورش آمدند. عمر آن دو را نزد علی علیه السلام فرستاد تا بین آنان

قضاوت کند. آن حضرت بین آنها قضاوت و حکم [صفحه ۱۳۸] صادر کرد. شخص محکوم لب به اعتراض گشود و گفت اینکه کیست که بین ما قضاوت کند. من قضاوت او را قبول ندارم عمر از اینکه سخن ناراحت شد، و گریان او را سخت گرفت و گفت وای بر تو؟ چه می‌دانی اینکه مرد کیست او علی بن ابی طالب علیه السلام است هذا مولای و مولی کل مؤمن فمن لم یکن مولاه فلیس بمومن اینکه آقا مولای من و مولای هر مؤمنی است هر کسی علی علیه السلام مولایش نباشد مؤمن نیست؟ [۵۷] و یستنبئک أ حقّ هو قل إی و ربّی إنّه لحقّ و ما أنتم بمعجزین [یونس ۵۳] و از تو خبر می‌گیرند، آیا آن راست است بگو آری سوگند به پروردگارم که آن قطعاً راست است و شما نمی‌توانید خدا را درمانده کنید. قرآن- ۳۵۶-۴۲۸ [۳۶۳] یحیی بن سعید از جعفر صادق علیه السلام و آن حضرت از پدرش بیان فرمود: و یستنبئک أ حقّ هو یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله اهل مکه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام می‌پرسند، آیا او امام است یا نه قرآن- ۱-۲۳ در پاسخ آنان بگو به خدا سوگند، امامت او حق است ۷۵. -پاورقی- ۶۱-۶۳ [صفحه ۱۳۹] [۵۸] قل بفضل الله و برحمته فبذلك فلیفرحوا هو خیر ممّا یجمعون قرآن- ۶-۷۰ [یونس ۵۸] بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان باید شاد شوند. و اینکه از هر چه گرد می‌آورند بهتر است [۳۶۵] ابن عباس ۷۶. - پاورقی- ۱۹-۲۱ قرآن- ۸۶-۱۱۲ بفضل الله یعنی نبی صلی الله علیه و آله و برحمته یعنی علی علیه السلام منظور نظر است قرآن- ۱-۱۲ قرآن- ۵۳-۶۲ [۵۹] ألا انّ أولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون [یونس ۶۲] آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. قرآن- ۶-۶۶ [۳۶۶] ابو هریره نقل می‌کند رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: در بین بندگان خدا کسانی هستند که دارای مقام والا و آبروی بالا هستند، انبیا به مقام آنان غبطه می‌خورند. آنان بدون مال و دارایی دنیا، محبوب قلوب انسان‌ها هستند. دارای چهره‌های نورانی و قلبی مطمئن هستند، در جایی که خلاق را خوف و ترس است آنان اندوهی در دل ندارند، و هنگامی که انسان‌ها محزون شوند حزنی در دل آنان نیست آیا می‌دانید! آنان چه کسانی هستند! گفتند یا رسول الله آنان کیستند، بیان فرمایید تا بشناسیم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام حمزه سید الشهداء، جعفر و عقیل از آن کسان هستند [صفحه ۱۴۰] سپس آیه شریفه الا انّ أولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون را قرائت فرمود. قرآن- ۱۸-۷۸ [۶۰] و انّ استغفروا ربکم ثمّ توبوا الیه یمتّعکم متاعاً حسناً الی اجل مسمی و یؤت کلّ ذی فضل فضله [هود/ ۳] و اینکه که از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، تا اینکه که شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته‌ای نعمتی از کرم خود عطا کند. قرآن- ۶-۱۱۳ [۳۶۷] در کتاب فهم قرآن متعلق به جعفر بن محمد علیه السلام در ذیل آیه و یؤت کلّ ذی فضل فضله بیان فرمود: ذی فضل همان امیر المؤمنین علی علیه السلام است قرآن- ۹۱-۱۱۷ قرآن- ۱۳۱-۱۳۹ [۶۱] فلعلّک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک ان یقولوا لولا انزل علیه کتّر او جاء معه ملک انما انت نذیر و الله علی کلّ شیء وکیل [هود/ ۱۲] و مبدا برخی از آنچه به تو وحی می‌شود ترک گویی و سینه‌ات بدان تنگ شود که می‌گویند: چرا گنجی بر او فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامد! تو فقط هشدار دهنده‌ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است قرآن- ۶-۱۵۹ [۳۶۸] جابر بن ارقم از قول برادرش زید بن ارقم چنین نقل می‌کند: جبرئیل امین در بعد از ظهر روز عرفه در سرزمین عرفات خبر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را به مصطفی صلی الله علیه و آله اعلام و ابلاغ کرد. آن حضرت از جهت انکار طایفه‌ای از منافقان و اهل افترا و تهمت نگران و دل‌تنگ بود [صفحه ۱۴۱] حضرت رسول صلی الله علیه و آله جماعتی از اصحاب نزدیک و صمیمی را برای مشورت فرا خواند که از جمله آنان من بودم ما نمی‌دانستیم به نبی صلی الله علیه و آله چه جوابی بدهیم در آن میان پیامبر صلی الله علیه و آله گریان شد. جبرئیل گفت ای رسول خدا آیا از فرمان خدای عزّ و جلّ جزع و بی‌تابی می‌کنی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز اینکه چنین نیست بلکه پروردگار من آگاه است و می‌داند از قبایل قریش چه مشکلاتی را تحمّل کردم آنان رسالت و نبوت مرا نپذیرفتند تا خدایم مرا امر به جهاد و جنگ با آنان کرد و با سربازانی از آسمان مرا نصرت داد تا از ترس شمشیر اقرار به رسالتم کردند، اکنون چگونه اقرار و اعتراف به ولایت علی علیه السلام می‌کنند؟! جبرئیل به آسمان رفت و سپس

بازگشت و آیه فلعلکم تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک را قرائت کرد. -قرآن- ۴۶۳-۵۱۶ [۳۶۹] محمد بن عمر از عبادۀ حدیثی را از جعفر بن محمد علیه السّلام نقل کرد که او از پدر بزرگوارش چنین نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از پروردگارم درخواست کردم تا بر اخلاص قلب علی علیه السّلام بیفزاید، و پشتیبان و مددکار او در هر ناملازمات باشد خداوند منّان بر من منّت گذاشت و اینکه خواهش مرا اجابت فرمود. مرد جاهلی چون اینکه سخن را شنید گفت اگر محمد صلی الله علیه و آله یک صاع خرما از خدایش طلب می کرد، بهتر و نیکوتر بود چون اینکه خبر به نبی صلی الله علیه و آله رسید، دلتنگ شد. بلافاصله جبرئیل آیه فلعلکم تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک را بر پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت کرد و به حضرت تسکین خاطر داد. -قرآن- ۲۳-۷۶ [۳۷۰] حاکم حسکانی می گوید در تفسیر عتیق روایتی را از طریق جابر بن یزید از ابی جعفر محمد بن علی علیه السّلام دیدم آن روایت چنین بود [صفحه ۱۴۲] رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از خدای خویش برادری و دوستی علی بن ابی طالب علیه السّلام را خواسته بودم پروردگارم همان دم آنچه را خواسته بودم اجابت فرمود. مردی از قریش چون دعای مرا در حق علی علیه السّلام شنید گفت به خدا سوگند یک صاع خرما در نزد ما بهتر است از آنچه محمد صلی الله علیه و آله از خدای خویش خواسته است چون سخن آن مرد قریشی به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، بر او سخت گران آمد و دلتنگ شد. خدای سبحان آیه فلعلکم تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرک ... را برای تسکین و شاد کردن آن حضرت فرستاد. -قرآن- ۱۷-۷۰ [۳۷۱] ابی جارود از ابو جعفر علیه السّلام حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سالت ربّی مواخاه علی و موازرته و اخلاص قلبه و نصیحتۀ فاعطانی -روایت- ۱-۷۴ از خدای خویش برادری علی و پشتیبانی او و اخلاص قلبش و نصیحتش را درخواست کردم پس آنچه از پروردگار خواستم به من عطا فرمود. مردی از قریش چون اینکه سخن را شنید گفت عجب دارم از محمد صلی الله علیه و آله که چنین دعاها می کند، و الله یک صاع خرما در نزد ما محبوب تر از آنچه او خواسته است ای مردم پس چرا محمد صلی الله علیه و آله دعا نکرد تا فرشته و ملکی او را در مقابل دشمنانش یاری دهد. یا طلا- و نقره طلب نکرد تا با آن قوی شود و بر دشمنانش غالب گردد. چون اینکه سخنان بیهوده به گوش رسول الله صلی الله علیه و آله رسید، ملول و غمگین شد. و آن گاه خدای سبحان آیه فلعلکم تارک بعض ما یوحی الیک ... تا آخر آیه را بر آن بزرگوار نازل فرمود. -قرآن- ۳۰-۶۴ با شنیدن آیه شریفه قلب مبارک مصطفی صلی الله علیه و آله تسلّی یافت و شاد شد. [صفحه ۱۴۳] [۶۲] أ فمن کان علی بیئنه من ربّه و یتلوه شاهد منه [هود/ ۱۷] آیا کسی که از جانب پروردگار بر حجّتی روشن است و شاهدی از [خویشان او پیرو آن است -قرآن- ۶-۶۱] عبّاد بن عبد الله حدیثی را نقل کرد و گفت امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: منظور از أ فمن کان علی بیئنه من ربّه رسول الله صلی الله علیه و آله است که با بیئنه و برهان از جانب ربّ کریم به رسالت برگزیده شد. -قرآن- ۱۱-۴۶ و یتلوه شاهد منه منظور از شاهد من هستم که آیه شریفه مرا به عنوان شاهد ذکر فرمود «۷۷». -قرآن- ۲-۲۱-پاورقی- ۹۸-۱۰۰ [۳۷۳] عبّاد بن عبد الله می گوید در کنار امیر المؤمنین علی علیه السّلام در سرزمین رجه حضور داشتم مردی از جا برخاست و گفت یا امیر المؤمنین رأی و نظر شما در تفسیر آیه أ فمن کان علی بیئنه من ربّه و یتلوه شاهد منه چیست -قرآن- ۲۰۶-۲۶۱ علی علیه السّلام فرمود: قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد مثل ما، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در میان شما مثل سفینه نوح در میان قومش و مانند باب حطّه در بین بنی اسرائیل است اما آیه أ فمن کان علی بیئنه من ربّه و یتلوه شاهد منه را که قرائت کردی بدان که در اینکه آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله بیئنه و برهان ربّ جلیل است و من پیرو او و شاهد از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله هستم -قرآن- ۱۱-۶۶ [۳۷۷] ابی طفیل نقل می کند: روزی علی بن ابی طالب علیه السّلام بر منبر کوفه خطبه ای بلیغ ایراد فرمود. ابن کوّاء از میان جمعیت برخاست و گفت یا علی علیه السّلام آیا آیه ای در شأن تو نازل شده است که [صفحه ۱۴۴] احدی با تو در آن شریک نباشد! امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: آیا آیه شریفه أ فمن کان علی بیئنه من ربّه و یتلوه شاهد منه را قرائت کردی -قرآن- ۵۸-۱۱۳ بدان طبق اینکه کلام

خدا نبی صلی الله علیه و آله بینه پروردگار بر آدمیان است و من شاهد او هستم [۳۷۸] جابر جعفی از طریق عبد الله بن نجی نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای مردم من نه گمراه شدم و نه موجب گمراهی کسی را فراهم کردم هرگز عهدی که از من گرفته شد فراموش نکردم من بر بینه‌ای که خدای تعالی آن را بر نبی صلی الله علیه و آله قرار داد هستم و بدانید من بر طریق واضح و صراط بین هستم [۳۷۹] عبد الله بن نجی گفت از علی علیه السلام شنیدم فرمود: و الله تا به حال نه دروغ گفتم و نه دروغ شنیدم هرگز در شبهه نیفتادم و هیچ گاه نسیان و فراموشی بر من عارض نشد. بدانید من بینه‌ای هستم که خدای تعالی برای نبی صلی الله علیه و آله بیان فرمود. من بر طریق آشکار و صراط مبین هستم «۷۸-پاورقی-۱۴۱-۱۴۳ [۳۸۱] از ابن عباس مفسر مشهور درباره قول خدای تعالی أ فمن كان على بينة من ربه ... سؤال شد. -قرآن- ۶۴-۹۹ ابن عباس در پاسخ گفت مصطفی صلی الله علیه و آله بینه خدای بزرگ بر بندگان است و علی علیه السلام شاهد بر آن است [۳۸۲] کلبی از ابی صالح روایت کرد، ابن عباس در توضیح آیه شریفه أ فمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه گفت -قرآن- ۷۸-۱۳۳ رسول الله صلی الله علیه و آله بینه پروردگار است و علی علیه السلام شاهد از طرف اوست [صفحه ۱۴۵] [۳۸۳] انس بن مالک درباره کلام خدای تعالی أ فمن كان على بينة من ربه چنین توضیح می‌دهد که منظور از بینه رسول الله صلی الله علیه و آله است و منظور از شاهد در يتلوه شاهد منه علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۵۱-۸۶-قرآن- ۲۰۱-۲۱۸ به خدا سوگند که علی علیه السلام زبان گویای نبی صلی الله علیه و آله در فسخ پیمان با مشرکین مکه بود که آیات برائت را با شهادت و صلابت تمام در مراسم حج بر مشرکین قرائت فرمود. [۳۸۴] حبيب بن يسار حدیثی را نقل کرد که زاذان از هم عصران علی علیه السلام گفته است امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: لو ثبت لي الوسادة فجلست عليها لحكمت بين اهل التوراة بتوراتهم و بين اهل الانجيل بانجيلهم و بين اهل الزبور بزبورهم و بين اهل الفرقان بفرقانهم بقضاء يزهر يصعد الى الله ...». -روایت- ۱-۲۰۴ اگر کرسی برایم گذاشته شود تا بر آن بنشینم و برای خلافتی حکم کنم می‌توانم در بین اهل تورات طبق قانون تورات و در میان پیروان انجیل به کتاب انجیل و در بین طرفداران زبور به کتاب زبور و در بین پیروان فرقان به قرآن قضاوت و حکم کنم به خدا سوگند، هر آیه‌ای که در شب یا روز در بیابان یا کوه در خشکی یا دریا نازل شده است به اندازه‌ای درباره آن آیات مرا علم و عرفان است که می‌دانم در چه روز و ساعت و در شأن چه کسی نازل شده است هیچ مرد قریشی نیست مگر اینکه که در کتاب خدا جایگاه او را که در نار یا نور است مشخص کرده است در اینکه میان مردی برخاست و پرسید: یا امیر المؤمنین چه آیه‌ای در شأن تو نازل شده است علی علیه السلام فرمود: آیه أ فمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه را حتماً قرائت کردی -قرآن- ۳۳-۸۸ بدان محمد صلی الله علیه و آله بینه خدای سبحان است و من شاهد از طرف او و پیروی کننده حکمت و آثار او هستم [۳۸۵] حدیث قبل از طریق ابو جارود چنین نقل شده است که علی علیه السلام فرمود: اگر به [صفحه ۱۴۶] قضاوت بین خلائق بنشینم بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل تورات به تورات و بین اهل زبور به زبور و بین امت محمد صلی الله علیه و آله به قرآن قضاوت می‌کنم به گونه‌ای که ذره‌ای خطا نداشته باشد مردی از میان جمعیت برخاست و گفت یا علی علیه السلام چه آیه‌ای در شأن تو نازل شده است امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیه أ فمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه در شأن من و مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شد که رسول خدا بینه خدای سبحان است و من شاهد از جانب مصطفی صلی الله علیه و آله هستم -قرآن- ۵۰-۱۰۵ [۳۸۶] باز از ابو جارود از حبيب بن يسار و او از زاذان دو روایت قبل از طریق راویان دیگری اینکه گونه نقل کرده است روزی علی علیه السلام فرمود: اگر بخواهم بین ملل مختلف و ادیان متعدد بر طبق کتاب آسمانی آنان حکم کنم قادرم چنین کنم حتی در مورد کلام ربّانی و آیات قرآنی می‌توانم بگویم کدام آیه در شب یا روز و چه آیه‌ای در دشت یا دمن و کدام آیه در دریا یا خشکی نازل شده است حتی مرا معرفت آن گونه است که شأن نزول همه آیات را می‌توانم بیان کنم خدای تعالی مرا تا آن جا علم عنایت فرمود که بتوانم بگویم مردان و زنان قریش بر طبق کدام آیات به بهشت یا جهنم سوق داده می‌شوند. چون سخن بدین جا رسید مردی از آن میان برخاست و گفت یا امیر المؤمنین

کدام آیه در حقّ شما نازل شده است علی علیه السّلام فرمود: در آیه اُفمن کان علی بینه من ربّه و یتلوه شاهد منه مصطفی صلی الله علیه و آله بینه الهی است و من شاهد از طرف مصطفی صلی الله علیه و آله هستم - قرآن - ۴۰-۹۵ [۳۸۷] ابن عباس در توضیح آیه شریفه فوق می گوید: و یتلوه شاهد منه شاهد در اینکه آیه فقط علی بن ابی طالب علیه السّلام است - قرآن - ۱-۱۹ [صفحه ۱۴۷] [۶۳] و انا لموفّوهم نصیبهم غیر منقوص [هود/ ۱۰۹] و ما بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد. - قرآن - ۶-۴۳ [۳۸۸] کلبی از ابی صالح نقل کرده است که ابن عباس مفسّر قرآن در توضیح کلام خداوند بزرگ و انا لموفّوهم نصیبهم غیر منقوص بیان کرد: منظور و مقصود آیه شریفه بنی هاشم هستند که خداوند در آیه شریفه می فرماید سهم و نصیب بنی هاشم را بدون کم و کاست تحویل می دهم - قرآن - ۱۰۸-۱۴۵ [۶۴] فلو لا - کان من القرون من قبلکم اولوا بقیّة ینھون عن الفساد فی الارض [هود/ ۱۱۶] پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را از فساد در زمین باز دارند! - قرآن - ۶-۸۸ [۳۸۹] زیاد مدینی از زید بن علی علیه السّلام در شأن نزول آیه شریفه بالا چنین می گوید: فلو لا کان من القرون من قبلکم ... در شأن ما خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است - قرآن - ۱۰۲-۱۴۱ [۶۵] قل هذه سبیلی أدعوا الى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی [یوسف ۱۰۸] بگو: اینکه است راه من ، که من و هر کسی پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم - قرآن - ۶-۷۳ [۳۹۰] عبد الحمید از ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: آیه شریفه قل هذه سبیلی ادعوا الى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی در حقّ - قرآن - ۱۳-۸۰ [صفحه ۱۴۸] امیر المؤمنین علی علیه السّلام نازل شد. اگر اینکه آیه نازل نمی شد، شفاعت جَدّم شامل هیچ کسی نمی شد. [۳۹۷۹] احمد بن محمّد بن ابی نصر از ثعلبّه بن میمون نقل می کند که نجم می گوید: از ابی جعفر علیه السّلام در تفسیر آیه قل هذه سبیلی ... و من اتبعنی سؤال کردم آن بزرگوار فرمود: من اتبعنی یعنی هر کسی از علی علیه السّلام اطاعت و متابعت کند. «۷۹ - قرآن - ۱۴۱-۱۷۷ - قرآن - ۲۱۱-۲۲۶ - پاورقی - ۲۹۳-۲۹۵ [۳۹۳] سلّم الحدّا از زید بن علی علیه السّلام نقل کرد که از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم در تفسیر آیه قل هذه سبیلی ادعوا الى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی فرمود: من و اهل بیتم مصداق اینکه آیه شریفه هستیم که یکی پس از دیگری امامت را به عهده می گیرند و شما را به سبیل الله فرا می خوانیم - قرآن - ۱۳۳-۲۰۰ [۳۹۴] از ابان بن تغلب نقل شده است که جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ادعوا الى الله على بصيرة فرمود: - قرآن - ۱۱۳-۱۴۳ به خدا سوگند منظور از آیه ولایت ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است که جز گمراهان و ضالّین کسی ولایت ما را منکر نمی شود. و علی علیه السّلام را جز ضالّین و گمراهان کسی عیب جویی نمی کند. [۶۶] و فی الارض قطع متجاورات و جنّات من أعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان [رعد/ ۴] و در زمین قطعاتی است کنار هم و باغ هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می شوند، و با اینکه همه برخی از آنها را در میوه از حیث مزه و نوع و کیفیت بر برخی دیگر برتری می دهیم - قرآن - ۶-۹۳ بی گمان در اینکه [امر نیز] برای مردمی که تعقل می کنند دلایل [روشنی است] [صفحه ۱۴۹] [۳۹۵] جابر بن عبد الله الانصاری صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله گفت در حضور مصطفی صلی الله علیه و آله بودم دیدم آن حضرت به امیر المؤمنین علی علیه السّلام رو کرد و فرمود: «یا علی النّاس من شجرة شتی و انا و انت من شجرة واحدة» - روایت - ۱-۷۲ یا علی مردم از درختان پراکنده و مختلف اند اما من و تو از شجره واحد هستیم سپس مصطفی صلی الله علیه و آله و جنّات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحد را قرائت فرمود. - قرآن - ۴۵-۱۱۸ [۳۹۶] هارون عبدی نقل کرد از ابو سعید خدری که از اصحاب نزدیک رسول الله صلی الله علیه و آله است درباره مقام و منزلت علی بن ابی طالب علیه السّلام پرسیدم ابو سعید خدری گفت روزی در نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودم از آن حضرت شنیدم فرمود: «خلق النّاس من اشجار شتی و خلقت انا و علی من شجرة واحدة فانا اصلها و علی فرعها فطوبی لمن استمسک باصلها و اکل من فرعها» - روایت - ۱-۱۴۱ مردم از اشجار مختلف و متعدّدند اما من و علی از درخت واحد هستیم من اصل درختم و علی فرع آن است خوشا به حال کسی که به اصل چنگ زند و از

فرعش تناول کند. [۳۹۷] جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: در سرزمین عرفات در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که علی علیه السلام دورتر از مصطفی صلی الله علیه و آله ایستاده بود رسول الله فرمود: یا علی نزدیک تر بیا و خمس خود را در خمس من در آمیز آن گاه فرمود: «یا علی؟ خلقت انا و انت من شجرة، انا اصلها و انت فرعها و الحسن و الحسین اغصانها، یا علی من تعلق بغصن منها ادخله الله الجنة». -روایت- ۱-۱۵۷ یا علی من و تو از درخت واحد هستیم من اصل و تو فرع آن هستی حسن و حسین علیه السلام شاخه‌های آن درخت‌اند، ای علی هر کسی به شاخه اینکه درخت چنگ زند خدای بزرگ او را وارد بهشت می‌کند. [صفحه ۱۵۰] [۶۷] انما انت منذر و لكل قوم هاد [رعد/۷] تو فقط هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی رهبری است -قرآن- ۶-۳۸ [۳۹۸] سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرد. هنگامی که آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من منذر و علی علیه السلام هادی بعد از من است -قرآن- ۷۱-۱۰۳ سپس دست خود را بر سینه علی علیه السلام گذاشت و بار دیگر فرمود: یا علی انت الهادی بعدی یا علی بک یهتدی المهتدون -روایت- ۱-۶۸ تو هادی امت بعد از من هستی به سبب تو تشنگان هدایت و جویندگان حقیقت هدایت می‌یابند. [۳۹۹] عطاء بن سائب از سعید بن جبیر نقل کرده است ابن عباس پسر عم رسول الله درباره آیه فوق گفت وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد را دریافت کرد. با دست به سینه خویش اشاره کرد و فرمود: -قرآن- ۱۶۸-۲۰۰ «انا المنذر» -روایت- ۱-۱۵ یعنی من منذر امت هستم سپس با دست به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «یا علی؟ بک یهتدی المهتدون بعدی» -روایت- ۱-۴۵ یا علی به وسیله تو طالبان حقیقت هدایت می‌یابند» ۸۰. -پاورقی- ۶۰-۶۲ [۴۰۱] سعید بن جبیر از قول ابن عباس نقل کرد وقتی آیه انما انت منذر ... نازل شد. -قرآن- ۶۵-۸۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله ابتدا دست خود را به روی سینه‌اش گذاشت و فرمود من منذر برای بندگان خدا هستم سپس با دست به کتف علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «یا علی؟ بک یهتدی المهتدون». -روایت- ۱-۴۰ ای علی به واسطه تو تشنگان حقیقت هدایت می‌شوند. ۸۱ -پاورقی- ۵۷-۵۹ [۴۰۳] سعید بن جبیر از ابن عباس صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: [صفحه ۱۵۱] از رسول الله صلی الله علیه و آله شنید فرمود در شب معراج هر درخواست و دعایی کردم همه به اجابت رسید و رب جلیل همه درخواست‌های مرا به من عطا فرمود. همچنین از پشت سر شنیدم منادی ندا سر داد و گفت «یا محمد؟ انت منذر و لكل قوم هاد -روایت- ۱-۴۴». گفتم من منذر امت هستم پس هادی چه کسی است ندا آمد، علی هادی و مهتدی است و رهبر امت به سوی بهشت رضوان است [۴۰۴] ابن عباس در تفسیر آیه و لكل قوم هاد بیان کرد: -قرآن- ۳۶-۵۲ منظور از هادی در آیه شریفه علی بن ابی طالب علیه السلام است که هدایت امت محمد صلی الله علیه و آله را بعد از او به عهده می‌گیرد. [۴۰۵] ابی برزه می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم آیه شریفه انما انت منذر را قرائت کرد و دست به روی سینه خویش گذاشت سپس ادامه آیه و لكل قوم هاد را تلاوت کرد و با دست به علی بن ابی طالب علیه السلام اشاره کرد و فرمود: هادی قوم من اوست -قرآن- ۶۳-۷۸ -قرآن- ۱۴۹-۱۶۵ [۴۰۶] سعید بن مسیب از ابی هریره نقل کرد. انما انت منذر یعنی رسول الله که منذر امت است اما از ادامه آیه و لكل قوم هاد از مصطفی صلی الله علیه و آله پرسیدم منظور چه کسی است آن حضرت فرمود: هادی و هدایت‌گر اینکه امت علی بن ابی طالب علیه السلام است ۸۲. -قرآن- ۵۰-۶۵ -قرآن- ۱۳۱-۱۴۷ -پاورقی- ۳۰۹-۳۱۱ [۴۰۷] ابی برزه اسلمی گفت رسول الله صلی الله علیه و آله آیه انما انت منذر را قرائت کرد و با دست به سینه خود اشاره کرد یعنی من منذر و سپس ادامه آیه و لكل قوم هاد را قرائت کرد و اشاره به علی بن ابی طالب علیه السلام کرد ۸۳. -قرآن- ۴۷-۶۲ -قرآن- ۱۵۷-۱۷۳ -پاورقی- ۲۴۶-۲۴۸ [۴۰۹] عمر بن عبد الله بن یعلی بن مژه از پدر و جدش نقل کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله آیه شریفه انما انت منذر، و لكل قوم هاد را قرائت کرد و گفت -قرآن- ۱۳۵-۱۶۸ [صفحه ۱۵۲] «انا المنذر و علی الهادی» -روایت- ۱-۳۱ من منذر و انذار دهنده مردم هستم و علی هدایت‌گر مردم است ۸۴. -پاورقی- ۶۵-۶۷ [۴۱۳] عباد بن عبد الله روایت کرده است امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای مؤمنین هیچ آیه‌ای از قرآن شریف نازل نشد مگر اینکه که می‌دانم برای چه کسی و به چه

منظوری نازل شده است در آن میان مردی پرسید: یا علی چه آیه‌ای در شأن شما نازل شد! علی علیه السلام فرمود: اگر اینکه مطلب را سؤال نمی‌کردی هرگز از خویشتن سخن نمی‌گفتم سپس فرمود: در بیان مسئولیت من آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد نازل شد بدانید منذر رسول الله صلی الله علیه و آله است و هادی و هدایت‌گر به قرآن من هستم - قرآن - ۴۳-۷۵ [۴۱۴] حکیم بن جبیر از ابی برزه اسلمی نقل کرده است که روزی رسول الله صلی الله علیه و آله برای طهارت و وضو طلب کرد بعد از طهارت دست علی بن ابی طالب علیه السلام را که در کنارش نشسته بود گرفت و بر سینه‌اش گذاشت و فرمود: انما انت منذر سپس همان دست را بر روی سینه علی علیه السلام گذاشت و ادامه آیه که لكل قوم هاد بود قرائت کرد. و فرمود: - قرآن - ۲۸۴-۲۹۹-قرآن - ۳۸۵-۳۹۹ « یا علی انک منارة الانام و غایة الهدی و امیر القراء » -روایت - ۱-۶۷. ای علی شاهد باش و تو اینکه گونه هستی که می‌گویم [۴۱۵] عبد الله بن عامر که از مخالفین علی علیه السلام است چنین نقل می‌کند که زرقاء کوفی بعد از وفات علی علیه السلام از کوفه به شام نزد معاویه رفت معاویه پرسید: نظر تو درباره علی بن ابی طالب علیه السلام چیست زرقاء اینکه دو بیت را در بیان عظمت و تمجید امیر المؤمنین علی علیه السلام انشاد کرد و خواند: [صفحه ۱۵۳] صلی الاله علی قبر تَضَمَّنَه || نور فاصبح فيه العدل مدفونا من حالف العدل و الايمان مقتراً || فصار بالعدل و الايمان مقروناً معاویه گفت چرا از علی علیه السلام با عظمت یاد می‌کنی زرقاء گفت از خدای سبحان در قرآن شنیدم فرمود انما انت منذر و لكل قوم هاد بدان ای معاویه منذر نبی صلی الله علیه و آله است و هادی امت او علی علیه السلام ولی الله است - قرآن - ۵۵-۸۷ [۶۸] الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب [رعد / ۲۹] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان و سرانجام نیکویی دارند. - قرآن - ۶-۶۲ [۴۱۷] حصین بن مخارق از موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر و پدران‌ش چنین نقل کرده است از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال شد. طوبی در آیه شریفه چیست مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: هی شجرة اصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنة -روایت - ۱-۵۳ طوبی درختی است که اصل و ریشه آن در خانه من و شاخه‌های آن در بهشت است دوباره سؤال شد، طوبی چیست آن حضرت فرمود: آن درختی است که در بیت علی علیه السلام است سؤال کننده متعجب شد و گفت یا رسول الله اینکه چگونه است که دو گونه سخن گفته شد. مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: بدان منزل و مسکن من و علی در بهشت در مکانی واحد است پس دوگانه سخن نگفتم [۴۱۸] جابر بن عبد الله انصاری از ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است [صفحه ۱۵۴] از رسول الله صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه طوبی لهم و حسن مآب سؤال شد. - قرآن - ۶۴-۸۷ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هی شجرة فی الجنة اصلها فی داری و فرعها علی اهل الجنة». -روایت - ۱-۶۹ طوبی درختی است در بهشت که ریشه آن در منزل من و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است مجدداً سؤال شد، طوبی چیست پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هی شجرة فی الجنة اصلها فی دار علی» و فرعها علی اهل الجنة». -روایت - ۱-۷۳ طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در منزل علی علیه السلام و شاخه‌های آن در منازل اهل بهشت است حاضران در مجلس تعجب کردند و گفتند: یا رسول الله اول فرمودی طوبی درختی است که اصل آن در خانه من است دوباره بیان کردی اصل آن در خانه علی و شاخه‌های آن بر روی اهل بهشت است ؟ مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: برای اینکه که خانه من و خانه علی در بهشت واحد و در یک مکان است ۸۵ -پاورقی - ۳۵۱-۳۵۳ در بهشت درختی تنومند وجود دارد که هیچ قصر و منزل و مجلسی نیست مگر اینکه که شاخه‌های اینکه درخت بر روی آن سایه می‌اندازد و اصل و تنه اینکه درخت در منزل من است از اینکه سخن مصطفی سه روز گذشت تا اینکه که مجدداً آن بزرگوار در جمع اصحاب لب به سخن گشود و فرمود: ای عمر؟ در بهشت درختی بزرگ وجود دارد که بر روی تمامی قصرها و منازل [صفحه ۱۵۵] و خانه‌ها و مجالس سایه می‌اندازد و شاخه‌های آن بر روی اینکه اماکن می‌افتد. اما بدانید اصل اینکه درخت در بیت علی علیه السلام است عمر با تعجب گفت یا رسول الله چند روز قبل فرمودی اصل درخت در منزل شماست و امروز می‌فرمایی اصل آن در خانه علی علیه السلام است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اما علمت ان منزلی و منزل علی فی الجنة واحدة، و قصری و قصر علی فی الجنة

واحد و سریری و سریر علی فی الجنة واحد. -روایت- ۱-۱۳۳ آیا نمی‌دانی منزل من و علی در بهشت در مکان واحد است و قصر من و کاخ علی علیه السلام در جای واحد است و تخت من و تخت علی در مکانی واحد است ؟ [۶۹] قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب [رعد/ ۴۳] و کسانی که کافر شدند می‌گویند: [تو فرستاده نشده‌ای بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد -قرآن- ۱۸۳-۲۴۷ [۴۲۲] ابو سعید خدری یکی از اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که از مصطفی صلی الله علیه و آله پرسیدم یا رسول الله منظور از و من عنده علم الكتاب کیست - قرآن- ۳۳-۵۸ حضرت در جواب فرمود: کسی که علم کتاب نزد اوست برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام است [۴۲۳] سعید بن جبیر نقل کرده است ابن عباس مفسر قرآن و صحابی پیامبر درباره قول خداوند و من عنده علم الكتاب بیان کرد، که منظور، علی علیه السلام است که علم کتاب در نزد اوست -قرآن- ۵۹-۸۴ [۴۲۴] ابی عمر زاذان از ابن حنفیه در توضیح کلام خدا و من عنده علم الكتاب نقل کرد که مصداق آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۶۵-۹۰ [صفحه ۱۵۶] [۴۲۵] عبد الله بن عطاء حکایت کرد: روزی در خدمت ابی جعفر علیه السلام در مسجد نشسته بودیم دیدم فرزندان و نوادگان عبد الله بن سلام در قسمت دیگر مسجد نشسته‌اند. به ابی جعفر علیه السلام گفتم یا بن رسول الله اینان گمان می‌کنند در نزد پدرشان عبد الله بن سلام علم کتاب موجود بود -قرآن- ۱۲۰-۱۳۲ ابی جعفر علیه السلام فرمود: خیر اینکه گونه نیست علم کتاب در نزد علی علیه السلام جد ماست -قرآن- ۵۷-۶۹ [۴۲۶] اسماعیل بن ابی خالد حدیثی از زبان ابی صالح نقل کرد که او در توضیح آیه و من عنده علم الكتاب گفت مردی از قریش بیان کرد مصداق بارز و آشکار آیه شریفه فوق علی بن ابی طالب علیه السلام است اُمّیا ما نام او را ذکر نمی‌کنیم -قرآن- ۹۷-۱۲۲ [۴۲۷] از ابی صالح در تفسیر و توضیح آیه شریفه و من عنده علم الكتاب سؤال شد. آن مرد فرزانه گفت مصداق آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است که عالم به تفسیر و تاویل ناسخ و منسوخ حلال و حرام قرآن شریف بود -قرآن- ۵۶-۸۱ [۷۰] أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بَاذِنٌ رَّبُّهَا وَيُضْرَبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ [ابراهيم ۲۴ و ۲۵] آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مثلها را برای مردم می‌زند، شاید که پند گیرند. -قرآن- ۶-۱۸۰ [۴۲۸] سلام خنعمی در توضیح آیه شریفه گفت روزی به حضور محمد بن علی علیه السلام رسیدم و عرض کردم یا بن رسول الله تفسیر کلام خدای تعالی در کلمه طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ چیست - قرآن- ۱۲۳-۱۸۰ [صفحه ۱۵۷] فرمود: ای سلام شجره طَيِّبَةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ است و فرع آن شجره علی علیه السلام امیر المؤمنین علیه السلام و ثمره و میوه آن حسن و حسین علیه السلام و شاخه آن درخت فاطمه علیها السلام است و شعبه‌های مختلف آن شاخه ائمه معصومین از فرزندان فاطمه علیها السلام هستند و برگ‌های سبز آن درخت شیعیان و محبان اهل بیت و علی علیه السلام هستند. هرگاه یک شیعه از ما از دنیا برود، ورقی از درخت می‌افتد و هر زمان مولودی محب اهل بیت به دنیا بیاید، یک ورق سبز بر اینکه درخت روئیده می‌شود. سؤال کردم یا بن رسول الله پس توتی اكلها كل حين باذن ربها به چه معناست -قرآن- ۳۸-۷۱ فرمود: یعنی ائمه معصومین که حکم حلال و حرام را در مراسم حج و عمره به شیعیانشان فتوی می‌دهند، و بیان می‌کنند. [۴۲۹] مینا غلام عبد الرحمن بن عوف نقل می‌کند، عبد الرحمان به من گفت ای مینا؟ آیا می‌خواهی حدیثی برایت نقل کنم که حق را از باطل بازشناسی سپس به من رو کرد و گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله در توضیح و تفسیر آیه كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ ... شنیدم فرمود: -قرآن- ۱۸۸-۲۱۱ انا شجرة و فاطمة فرعها و علی لقاحها و حسن و حسین ثمرها و محبوه من امتی ورقها، هم فی جنة عدن و الذي بعثني بالحق. -روایت- ۱-۱۳۴ یعنی من درخت و شجره در اینکه آیه شریفه هستم فاطمه فرع آن شجره است و علی لقاح و بارور کننده درخت است حسن و حسین علیهما السلام میوه‌های آن هستند، محبان و شیعیان ما برگ‌های سبز اینکه درخت هستند، سوگند به خدایی که مرا مبعوث کرد شیعیان ما در بهشت رضوان مأوا خواهند گرفت [۴۳۰] از روات دیگری از قول مینا،

غلام عبد الرحمن بن عوف چنین روایت شد که عبد الرحمن بن عوف به غلامش مینا گفت از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: من آن شجره‌ام که در آیه کَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ... ذکر شده است و فاطمه فرع و تنه آن شجره است دو فرزندم - قرآن - ۸۸-۱۳۲ [صفحه ۱۵۸] حسن و حسین علیه السّلام میوه‌های آن هستند، شیعیان ما برگ‌های آن درخت هستند. اصل و ریشه درخت در بهشت عدن است و سایر قسمت‌های درخت در سایر بهشت‌هاست «۸۶- پاورقی- ۱۷۷-۱۷۹ [۴۳۳] زیاد بن منذر نقل کرد از ابی جعفر علیه السّلام شنیدم فرمود: مثلنا اهل البيت كمثل شجرة قائمة على ساق من تعلق بغصن من اغصانها كان من اهلها - روایت - ۱-۹۵ مثل ما اهل بیت مثل درختی است که بر ساق و پایه‌ای استوار باشد هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های اینک درخت آویزان شود. جزء و اهل آن مجموعه خواهد شد. پرسیدم یابن رسول الله ساق و پایه آن کیست فرمود: پایه آن علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۷۱] يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ. [ابراهیم ۲۷] خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخنی استوار ثابت می‌گرداند. قرآن - ۶-۸۴ [۴۳۴] کلبی از ابی صالح روایتی را از ابن عباس مفسّر معروف در توضیح آیه شریفه يَثْبُتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ... نقل کرد. قرآن - ۹۹-۱۴۳ که ابن عباس گفت منظور از بالقول الثابت ولایت علی بن ابی طالب است و خدای سبحان مؤمنان را با ولایت علی علیه السّلام ثابت قدم نگه می‌دارد. قرآن - ۳۵-۵۱ [صفحه ۱۵۹] [۷۲] و اجنبی و بنی أن تعبد الأصنام [ابراهیم ۳۵] [خدایا] مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. قرآن - ۶-۴۳ [۴۳۵] عبد الله بن مسعود صحابی معروف و قاری مشهور قرآن گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: أنا دعوة أبي ابراهيم عليه السّلام - روایت - ۱-۴۰ ما به دعا و دعوت پدرمان ابراهیم علیه السّلام هستیم گفتیم یا رسول الله صلی الله علیه و آله شما چگونه به دعوت و دعای ابراهیم علیه السّلام هستید. فرمود: آن هنگام که خدای سبحان به ابراهیم علیه السّلام وحی فرستاد، اَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا ابراهیم بسیار شاد و خوشحال شد و از خداوند سؤال کرد. قرآن - ۸۰-۱۰۷ آیا در ذریه من هم امامت را قرار می‌دهی همان‌گونه که برای من مقرر فرمودی خدای عزّ و جلّ فرمود: ای ابراهیم عهدی که قابل اجرا نباشد به تو وعده نخواهم داد. ابراهیم گفت خدایا؟ آن چیست و چرا قابل اجرا نیست خدای تعالی فرمود: عهد من به ظالمان از ذریه تو عطا نمی‌شود ابراهیم عرض کرد: خدایا؟ چه طایفه‌ای از فرزندان من ظالم‌اند که که قابلیت عهد و میثاق تو را ندارند. خدای تعالی فرمود: آن کسانی که بت و صنم را تعظیم و سجده کرده باشند اهلیت امامت و قابلیت عهد و پیمان مرا ندارند. ابراهیم تقاضا کرد: و اجنبی و بنی ان نعبد الاصنام ربّ انهنّ اضللن كثيراً من الناس در نتیجه دعای ابراهیم علیه السّلام به کرسی اجابت نشست من و برادرم علی علیه السّلام ثمره و نتیجه دعای ابراهیم علیه السّلام هستیم که لحظه‌ای بت را سجده نکردیم آن‌گاه خدای سبحان مرا نبی و علی را وصی من قرار داد. قرآن - ۲۰-۹۶ [صفحه ۱۶۰] [۷۳] و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سرر متقابلین [حجر/ ۴۷] و آنچه کینه [شائبه‌های نفسانی در سینه‌های آنان است بر کنیم برادرانه بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند. قرآن - ۶-۶۸ [۴۳۶] سفیان ثوری از کلبی و او از ابی صالح و او از ابن عباس نقل می‌کند: آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً ... در حق بزرگوارانی چون امیر المؤمنین علی علیه السّلام حمزه سید الشهداء، جعفر طیار، عقیل ابو ذر، سلمان فارسی عمّار یاسر، مقداد، حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام نازل شد. که خداوند از قلوب آنان غلّ و حسد را برداشته است قرآن - ۱۰-۵۲ [۴۳۷] عبد الله بن ملیل بیان کرد: از علی بن ابی طالب علیه السّلام شنیدم آن جناب فرمود: آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سرر متقابلین در حق سه طایفه از قریش [بنی هاشم بنی تیم بن مرّه و بنی عدی بن کعب نازل شد. قرآن - ۱۲۱-۱۸۳ [۴۳۸] ابو موسی بصری از حسن بصری نقل کرده است امیر المؤمنین علی علیه السّلام آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ ... را تلاوت کرد و فرمود اینک کلام خدا فقط در حق ما اهل بیت و جنگجویان بدر نازل شد. قرآن - ۹۷-۱۳۱ [۴۳۹] ربیع بن حراش نقل کرده است روزی در حضور علی علیه السّلام نشسته بودم فرزند طلحه وارد مجلس شد، بر امیر المؤمنین علی علیه السّلام سلام کرد. علی علیه السّلام بعد از پاسخ سلام به او خوش آمد گفت آن‌گاه فرزند طلحه گفت یا علی تو پدرم را کشتی و اموالم را

مصادره کردی علی علیه السلام فرمود: اموال تو را به بیت المال ملحق کردم برخیز و برو دارایی خویش را بستان اما در کشتن پدرت چاره‌ای در نابودی او نبود. امیدوارم خدای رحیم من و [صفحه ۱۶۱] پدرت را از مصادیق اینکه آیه قرار دهد. که در قرآن فرمود: و نزعنا ما فی صدورهم من غل... قرآن-۷۲-۱۰۶ در پایان سخن علی علیه السلام مردی از قبیله همدان گفت یا علی علیه السلام خداوند عادل تر است که تو را مصداق اینکه کلام خویش قرار دهد. علی علیه السلام چنان فریادی بر سرش کشید که دار الاماره به لرزه درآمد. آن گاه فرمود: وای بر تو؟ اگر ما آن کسان نباشیم که غل از سینه‌هایشان برچیده شود، پس آنان چه کسانی خواهند بود؟ [۴۴۰] ربعی بن حراش نقل کرده است از علی علیه السلام شنیدم فرمود: امید کامل و رجاء واثق دارم که من طلحه و زبیر از مصادیق بارز آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غل... باشیم قرآن-۷۸-۱۱۲ مردی از قبیله همدان برخاست و گفت یا علی خدا عادل تر است که شما را از آن کسان قرار دهد؟ علی علیه السلام بر سرش فریادی زد که دار الاماره به لرزه درآمد سپس فرمود اگر ما آن کسان نباشیم پس چه کسانی لایق چنین عنایتی هستند؟! [۴۴۱] قیصه نقل کرد: از سفیان ثوری شنیدم در شأن نزول آیه شریفه و نزعنا ما فی صدورهم من غل-اخواناً... گفت اینکه کلام ربانی در حق علی علیه السلام ابو بکر، عمر، عثمان و ابن مسعود نازل شد. قرآن-۳۵۵-۳۹۷ [۴۴۲] محمد بن یوسف از سفیان ثوری نقل کرد که کلبی در شأن نزول آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غل... بیان کرد، اینکه کلام الهی در حق ابو بکر، عمر، عثمان علی علیه السلام سعید و عبد الله بن مسعود نازل شد. قرآن-۸۶-۱۲۰ [۴۴۳] حسن بصری نقل کرده است علی علیه السلام فرمود: آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غل... درباره ما اهل بدر که جنگجویان نخستین نبرد با کفار بودیم نازل شد. قرآن-۴-۳۸ [صفحه ۱۶۲] [۴۴۴] از قول حسن بصری نقل شده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود آیه و نزعنا ما فی صدورهم من غل... در اکرام و احترام ما نازل شد. قرآن-۹۹-۱۳۳ [۷۴] ان فی ذلک لآیات للمتوسمین [حجر/ ۷۵] به یقین در اینکه [کیفر] برای هوشیاران عبرت‌هاست [۴۴۵] ابی مریم از حکم در تفسیر و توضیح آیه ان فی ذلک لآیات للمتوسمین گفت به یقین محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از متوسمین [هوشیاران] هستند. قرآن-۶-۴۰-قرآن-۱۶۴-۱۹۸ [۴۴۶] عبد الله بن بنان نقل کرد، از جعفر بن محمد علیه السلام در تفسیر آیه ان فی ذلک لآیات للمتوسمین سؤال کردم که متوسمین چه کسانی هستند! قرآن-۹۶-۱۳۰ فرمود: اول آنان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است بعد از او امیر المؤمنین علی علیه السلام و دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام سپس علی بن حسین علیه السلام و بعد از او محمد بن علی علیه السلام است بعد از او خدا عالم است چه کسی از متوسمین است پرسیدم یابن رسول الله صلی الله علیه و آله فما بالک انت ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله چرا از خودت نمی‌گویی فرمود: ان الرجل ربما کتی عن نفسه -روایت-۱-۳۷ یعنی گاهی انسان از خودش با کنایه سخن می‌گوید. [۴۴۷] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد ابی جعفر علیه السلام فرمود: روزی امیر المؤمنین علی علیه السلام در مسجد کوفه نشسته بود و به شکایات مردم رسیدگی می‌کرد، زنی از همسرش شکایت کرد و تظلم نمود. آن بزرگوار به نفع شوهرش قضاوت کرده حکم صادر فرمود. زن گفت یا علی علیه السلام حکمی که صادر کردی به حق نیست تو در بین رعیت به عدالت رفتار نمی‌کنی و قضاوت تو مرضی خدا نیست [صفحه ۱۶۳] علی علیه السلام به او نگریست و گفت ای زن دروغگو و نابکار؟ گستاخی را به غایت رساندی و سخنان ناروا می‌گویی زن چون چنین دید پا به فرار گذاشت عمرو بن حریث به تعقیب او پرداخت وقتی او را دستگیر کرد، به او گفت ای زن گستاخ علی علیه السلام به حق سخن راند و به نرمی و ملاطفت رفتار کرد اما تو سخنان درشت می‌گویی زن که ترسیده بود گفت به خدا سوگند، علی علیه السلام به حق حکم کرد اما من از زمانی که با همسرم ازدواج کردم مطلبی را از او کتمان می‌کردم عمرو بن حریث به نزد علی علیه السلام بازگشت و آنچه شنیده بود باز گفت سپس پرسید، یا علی علیه السلام آیا علم کهنات می‌دانی که چنین حکمی صادر فرمودی؟ علی علیه السلام فرمود: وای بر تو؟ مرا به کهنات چه ارتباط است و اینکه از کهنات نیست به خدا سوگند خدای تعالی در قرآن فرمود ان فی ذلک لآیات للمتوسمین که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخستین متوسم بود و بعد از ایشان من هستم و بعد از من هم ائمه هدی

از ذریه‌ام متوسّس مین و هوشیاران هستند. -قرآن- ۳۴۰-۳۷۴ ای عمرو؟ چون در سیمای آن زن نگاه کردم دانستم او ناحق می‌گوید. «۸۷- پاورقی- ۷۷-۷۹ [۴۴۹] ابی مریم از حکم بن عتیبه درباره آیه انّ فی ذلک لآیات للمتوسّسین گفت -قرآن- ۵۲-۸۶ متوسّسین یعنی متفرّسین و ابو جعفر علیه السّلام از جمله متوسّسین است [۴۵۰] محمّد بن مسلم نقل کرد ابو جعفر علیه السّلام در توضیح آیه انّ فی ذلک لآیات للمتوسّسین فرمود: -قرآن- ۷۴-۱۰۸ متوسّسین ائمه معصومین علیهم السّلام هستند و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود «اتّقوا فراسه المؤمن فانّه ينظر بنور الله -روایت- ۱-۴۹ از فراست و زیرکی مؤمن بر حذر باشید که او در شعاع نور خدا حقایق و [صفحه ۱۶۴] واقعیت‌ها را می‌نگرد و می‌بیند. [۴۵۱] جابر بن یزید جعفری اینکه روایت را نقل کرده است که ابو جعفر علیه السّلام گفت روزی امیر المؤمنین علی علیه السّلام در مسجد کوفه نشسته بود زنی از شوهرش شکایت کرد چون آن حضرت به حق حکم کرد. زن غضبناک شد و سخنان پریشان و ناروا گفت تا اینکه که علی علیه السّلام فرمود: بر اساس آیه انّ فی ذلک لآیات للمتوسّسین رسول الله و من از متوسّسین و هوشیاران هستیم -قرآن- ۶۲-۹۶ [۷۵] فو ربّک لنستلّهم اجمعین عمّا کانوا یعملون فاصدع بما تؤمر. [حجر/ ۹۴] پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید. از آنچه انجام می‌دادند پس آنچه بدان مأموری آشکار کن -قرآن- ۶-۷۲ [۴۵۲] سفیان ثوری از سدی درباره آیه فو ربّک لنستلّهم اجمعین نقل کرده است در قیامت و روز حساب از ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام سؤال می‌شود که به اوامر و نواهی او چگونه عمل کردید؟! و همچنین اعمال و افعال بندگان محاسبه می‌شود. -قرآن- ۴۲-۶۹ ابن عباس در تفسیر آیه فاصدع بما تؤمر بیان کرده است -قرآن- ۲۹-۴۶ خدای تعالی به مصطفی صلی الله علیه و آله فرمان داد تا پیام قرآن و کلام یزدان را برای مشرکان و بی‌دینان اظهار کند و همچنین فضایل زیاد و مناقب با ارزش اهل بیت را همانند قرآن برای مردم اظهار و معرفی فرماید تا عذر و بهانه‌ای برای آنان باقی نماند. [صفحه ۱۶۵] [۷۶] و علامات و بالنّجم هم یهتدون [نحل ۱۶] و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرارداد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی راه‌یابی می‌کنند. -قرآن- ۶-۳۹ [۴۵۳] محمّد بن یزید از پدرش نقل کرده است که پدرش از ابو جعفر علیه السّلام در تفسیر آیه و بالنّجم هم یهتدون سؤال کرد که منظور از نجم چیست -قرآن- ۱۰۹-۱۳۲ آن جناب فرمود: منظور از نجم امیر المؤمنین علی علیه السّلام است که مانند ستاره نجم در میان خلایق می‌درخشد. [۴۵۴] آبان بن تغلب گفت از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام در شرح و تفسیر کلام خدا و علامات و بالنّجم هم یهتدون سؤال کردم منظور از علامات و نجم چیست که موجبات هدایت مردم را فراهم می‌کنند. -قرآن- ۱۰۷-۱۴۰ آن بزرگوار فرمود: منظور از نجم مصطفی صلی الله علیه و آله است و مقصود از علامات اوصیا و جانشینان محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله هستند که علی بن ابی طالب علیه السّلام و فرزندان او هستند. [۷۷] و ان تعدّوا نعمه الله لا تحصوها، انّ الله لغفور رحیم [نحل ۱۸] و اگر نعمت [های خدا را شماره کنید، آنها را نمی‌توانید بشمارید. قطعاً خدا آمرزنده مهربان است -قرآن- ۶-۶۸ [۴۵۵] مجاهد نقل کرده است که ابن عباس صحابی نوجوان رسول الله صلی الله علیه و آله گفت در دار النّیوه در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم آن حضرت از علی علیه السّلام پرسید: یا علی نخستین نعمتی که خدای تعالی به تو عنایت فرمود کدام است علی علیه السّلام گفت یا نبی الله اینکه که مرا مرد خلق کرد. نبی صلی الله علیه و آله فرمود: نعمت دوم کدام است [صفحه ۱۶۶] علی علیه السّلام گفت نعمت هدایت و مسلمانی که به من عنایت فرمود. نبی صلی الله علیه و آله فرمود: نعمت سوم چیست علی علیه السّلام آیه و ان تعدّوا نعمه الله لا تحصوها را قرائت کرد. یعنی یا رسول الله خداوند نعمت‌های بی‌شماری به من عنایت فرمود که قابل شمارش نیستند. -قرآن- ۲۶-۶۳ نبی صلی الله علیه و آله دستش را بر کتف علی علیه السّلام گذاشت و فرمود: احسنت -روایت- ۱-۸ بر تو یا علی دشمن تو جز منافق نیست [۷۸] و اذا قیل لهم مّا اذا انزل ربکم قالوا اسطیر الاولین [نحل ۲۴] و چون به آنان گفته شود: پروردگارتان چه چیزی نازل کرده است می‌گویند: -قرآن- ۶-۶۴ افسانه‌های پیشینیان را [۴۵۶] ابی حمزه ثمالی نقل می‌کند که جعفر صادق علیه السّلام فرمود: جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله آیه و اذا قیل لهم مّا اذا انزل ربکم را قرائت کرد. یعنی اگر به مشرکان گفته شود خدای سبحان در شأن و مقام و منزلت علی علیه السّلام چه چیزهایی

را نازل فرمود! -قرآن- ۵۰-۸۶ آن کافر کیشان و مشرکان در جواب می‌گویند: اساطیر الاولین یعنی داستان‌های اساطیری و بدون واقعیت را فرستاده است -قرآن- ۴۸-۶۴ [صفحه ۱۶۷] [۷۹] و اقساموا بالله جهداً ایمانهم لا یبعث الله من یموت [نحل ۳۸] و با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگیزد -قرآن- ۶-۶۴ [۴۵۷] ابی حمزه ثمالی می‌گوید از برید بن اصرم شنیدم گفت علی علیه السلام بن ابی طالب فرمود آیه و اقساموا بالله جهداً ایمانهم لا یبعث الله من یموت در شأن من نازل شده است -قرآن- ۱۱۸-۱۷۶ [۸۰] و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوتنهم فی الدنیا حسنة و لأجر الآخرة اکبر. [نحل ۴۱] و کسانی که پس از ستم‌دیدگی در راه خدا هجرت کرده‌اند، در اینکه دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود -قرآن- ۶-۱۰۴ [۴۵۸] در شأن نزول آیه و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا ... از عبد الله بن عباس مفسر مشهور قرآن سؤال شد: منظور چه کسانی هستند که در راه خدای بزرگ هجرت کردند! -قرآن- ۲۹-۷۸ ابن عباس در جواب گفت علی بن ابی طالب علیه السلام و جعفر طیار و عقیل از مهاجرانی هستند که بر اثر ظلم و بیداد مکیان مهاجرت کردند، و اینکه آیه در تمجید و تحسین آنان است [صفحه ۱۶۸] [۸۱] و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحی الیهم فسالوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون [نحل ۴۳] و پیش از تو هم جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جویا شوید. -قرآن- ۶-۹۷ [۴۵۹] سفیان ثوری از سدی روایت کرد که حارث گفت از امیر المؤمنین علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه فاسألوا اهل الذکر ... پرسیدم اهل ذکر چه کسانی هستند! -قرآن- ۱۲۳-۱۴۶ علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند ما اهل ذکر، معدن علم و عارف به تأویل و تزیل هستیم رسول الله صلی الله علیه و آله در حق من فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأته من بابه . -روایت- ۱-۷۲ من شهر علم و علی علیه السلام در ورودی آن شهر است هر کسی طالب علم و تشنه معرفت است از در آن علم باید وارد شود. [۴۶۰] یحیی بن یمان از اسرائیل و او از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد که جابر گفت از ابو جعفر علیه السلام در توضیح آیه فاسألوا اهل الذکر سؤال کردم -قرآن- ۱۵۴-۱۷۳ آن جناب فرمود: اهل الذکر، ما خاندان پیامبر و اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم که در معرفت دین و کسب علوم باید از ما بپرسند. [۸۸ -پاورقی- ۱۶۰-۱۶۲] [۴۶۳] موسی بن عثمان حضرمی از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد که جابر گفت محمد بن علی علیه السلام حکایت کرد آن هنگام که آیه فاسألوا اهل الذکر نازل شد، از پدرم سؤال کردم «اهل الذکر» که در قرآن امر به سؤال از آنان شده است چه کسانی هستند! -قرآن- ۱۶۰-۱۷۹ علی علیه السلام فرمود: اهل ذکر که خدای سبحان در قرآن امر به پرسش از آنان کرد، ما اهل [صفحه ۱۶۹] بیت مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم که معدن علم و سرچشمه حکمت هستیم [۴۶۴] جابر بن عبد الله انصاری از ابو جعفر علیه السلام روایت کرد که آن جناب در توضیح آیه فاسألوا اهل الذکر فرمود اهل ذکر ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله هستیم -قرآن- ۱۱۱-۱۳۰ [۴۶۵] سعد اسکاف از محمد بن علی علیه السلام درباره کلام خدا فاسألوا اهل الذکر نقل کرد آن جناب فرمود: اهل ذکر، ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله هستیم -قرآن- ۷۸-۹۷ [۴۶۶] فضیل بن یسار از ابو جعفر علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در تفسیر آیه فاسألوا اهل الذکر فرمود: -قرآن- ۱۰۳-۱۲۲ اهل ذکر امامان معصوم از عترت و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله هستند و سپس آیه و انزلنا علیکم ذکراً رسولاً را تلاوت کرد. [۸۲] و آت ذا القربى حقه و المسکین و ابن السبیل و لا تبذر تبذیراً [اسراء ۲۶] و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن و ولخرجی و اسراف مکن -قرآن- ۶-۷۷] [۴۶۷] فضیل بن مرزوق از عطیه و او از ابی سعید خدری نقل کرد: زمانی که آیه مبارکه و آت ذا القربى حقه نازل شد. مصطفی صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را فراخواند، و باغ و بستان فدک را به عنوان حق ذی القربى به او واگذار کرد. -قرآن- ۲۶-۴۷ [۴۶۸] باز هم از سلسله روایات دیگری از ابی سعید خدری نقل شده است وقتی آیه و آت ذا القربى حقه نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه را فراخواند و فدک را به دخت گرامی خویش به عنوان حق ذو القربى عطا فرمود. -قرآن- ۹۰-۱۱۲ [۴۶۹] علی بن هاشم از داود طائی از فضیل بن مرزوق از عطیه و او از

ابی سعید خدری نقل کرده است [صفحه ۱۷۰] وقتی آیه و آت ذا القربی حقه به وسیله پیک وحی نازل شد «۸۹». -قرآن- ۱۳-۳۵- پاورقی- ۶۶-۶۸ [۴۷۱] معاویه بن هشام قصار، حدیثی را از طریق فضیل بن مرزوق از عطیه از ابی سعید خدری روایت کرد که ابی سعید خدری گفت بلافاصله پس از نزول آیه شریفه و آت ذا القربی حقه مصطفی صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را فراخواند و سرزمین فدک را به او واگذار فرمود. -قرآن- ۳۹-۶۱ [۴۷۲] بکر بن اعتق از عطیه عوفی از ابو سعید خدری روایت کرد: چون آیه شریفه و آت ذا القربی حقه بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به حضور طلبید، و سرزمین فدک و عوالی را به صدیقه طاهره عطا کرد، سپس فرمود: اینکه سهم توست که خدای سبحان برای تو و فرزندان مقرر کرده است -قرآن- ۱۵-۳۷ [۴۷۳] ابان بن تغلب از جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدرش تا می‌رسد به علی علیه السلام که آن حضرت فرمود: وقتی آیه شریفه و آت ذا القربی حقه نازل شد، بلافاصله رسول الله صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه را فراخواند و سرزمین فدک را به عنوان سهمیه ذو القربی به او تقدیم فرمود. -قرآن- ۱۷-۳۹ [۸۳] أولئك الذين يدعون يبتغون الى ربهم الوسيلة أيهم اقرب و يرجون رحمتهم و يخافون عذابه ان عذاب ربك كان محذورا. [اسراء / ۵۷] آن کسانی که ایشان می‌خوانند خود به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند تا بدانند کدام یک از آنان به او نزدیک‌ترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است -قرآن- ۶-۱۳۳ [صفحه ۱۷۱] [۴۷۴] علی بن مسهر می‌گوید: علی بن بذیمه از قول عکرمه مفسر قرآن نقل کرد: مصداق آیه شریفه أولئك الذين يدعون يبتغون الى ربهم الوسيلة نبی صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند که خدای تعالی را می‌جویند و می‌خوانند. -قرآن- ۲۰-۷۰ [۸۴] و استفرز من استطعت منهم بصوتك و أجب عليهم بخيلك و رجليك و شاركهم في الأموال و الاولاد و عدهم و ما يعدمهم الشيطان الا غرورا [اسراء / ۶۴] و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنان بتاز و با آنها در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده‌ای نمی‌دهد. -قرآن- ۶-۱۴۸ [۴۷۵] ابی هارون عبدی روایت کرد جابر بن عبد الله انصاری گفت روزی در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودم مردی را در حال رکوع و سجود و تضرع و خشوع دیدم گفتم یا رسول الله چه نماز نیکویی می‌خواند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه همان کسی است که پدر شما آدم را از بهشت بیرون کرد. در همین زمان علی علیه السلام از کنارش می‌گذشت چون او را دید به سوی وی رفت و استخوان‌هایش را در هم پیچید. و به او گفت ای حیل‌گر؟ تو را خواهم کشت ابلیس گفت تو قادر نیستی مرا بکشی چون مرا در نزد خدا اجلی معلوم است که از او مهلت گرفتم پس چگونه می‌توانی مرا بکشی اما ای علی به خدا سوگند هیچ کسی دشمن تو نمی‌شود مگر اینکه که نطفه من زودتر از نطفه پدرش وارد رحم مادرش شود. [صفحه ۱۷۲] یا علی من در اموال و اولاد دشمنان تو شریک هستم چون خداوند در قرآن به من فرمود: و شاركهم في الأموال و الاولاد و عدهم و ما يعدمهم الشيطان الا غرورا. -قرآن- ۱۰۴-۱۸۰ آن گاه نبی صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی اینکه ملعون هر چه گفت راست گفته است « یا علی؟ لا يبغضك من قریش الا سفاحيا و لا من الانصار الا يهوديا و لا من العرب الا دعيا و لا من سائر الناس الا شقيا و لا من النساء الا سلقلقه و هي التي تحيض من دبرها -روایت- ۱-۲۱۷ سپس رو به انصار کرد و گفت ای انصار؟ فرزندان‌تان را با محبت علی علیه السلام تربیت کنید. جابر می‌گوید، ما بعد از اینکه ماجرا فرزندانمان را با حب علی علیه السلام تربیت می‌کردیم اگر هر یک از فرزندانمان محبه علی علیه السلام بود یقین داشتیم اولاد ماست و هر فرزندی را دشمن علی علیه السلام می‌یافتیم می‌دانستیم خللی در نطفه اوست [۴۷۶] مسلم ملائی از حبه عنری روایت کرد از امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم فرمود یک وقت به ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله رفتم که هیچ گاه آن موقع به خدمت او نرفته بودم دیدم مردی عجیب الخلقه که دارای چهره‌ای مشوش است در کنار او نشسته که قبل از اینکه او را ندیده بودم چون مرا دید از کنار آن حضرت دور شد. گفتم یا رسول الله اینکه مرد کیست که تا به حال او را ندیده‌ام فرمود: اینکه چهره ابلیس بود از خدای سبحان

خواسته بودم او را به من نشان دهد. تاکنون غیر از من و تو، کسی او را با اینکه چهره مشوّش و زشت ندیده است علی علیه السّلام فرمود: او را تعقیب کردم تا در کنار احجار الزیت او را یافتم گریانش را گرفتم و سیلی محکمی به صورتش نواختم سپس او را بر زمین زدم و روی سینه‌اش نشستم ابلیس گفت یا علی از جان من چه می‌خواهی گفتم می‌خواهم تو را بکشم ابلیس گفت تو قدرت و تسلّط نداری که مرا بکشی چون خدای تو تا روز [صفحه ۱۷۳] قیامت به من مهلت داده است پس رهایم کن من بر ضد تو و فرزندان اسباب و ابزاری در اختیار دارم تا دشمنی را دامن بزمن علی علیه السّلام فرمود: آن اسباب و وسایل چیست گفت یا علی بغض و کینه تو و فرزندان را فقط کسانی به دل می‌گیرند که من در رحم مادرهایشان شریک شده باشم مگر خدای تو در قرآن نگفت و شارکهم فی الاموال و الاولاد؟! [۴۷۷] عبد الرّحمان بن کثیر نقل کرد از جعفر بن محمّد علیه السّلام شنیدم فرمود: اگر خواستید، با زنانان همبستر شوید، قبل از نزدیکی و جماع اینکه دعا را بخوانید: -قرآن- ۱۶۵-۱۹۸ اللهمّ بامانتک اخذتها و بکلمتک استحللت فرجها اللهم فان جعلت فی رحمها شیئاً فاجعله باراً تقیاً مؤمناً سوياً لا تجعل فیه شرکاً للشیطان -روایت- ۱-۱۵۷ عرض کردم یا جعفر بن محمّد آیا شیطان را در هنگام مجامعت نصیبی و شراکتی است فرمود: بلی مگر کلام خدای تعالی را به ابلیس نشنیدی و شارکهم فی الاموال و الاولاد -قرآن- ۱-۳۳ پرسیدم چگونه فهمیده می‌شود شیطان در آن شرکت داشته است فرمود: به حب و بغض ما اهل بیت وضع آن مشخص می‌شود «۹۰». -پاورقی- ۶۲-۶۴ علی علیه السّلام تصمیم گرفت با عصا بر سرش بکوبد. نبی صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی آرام باش و دست نگه‌دار، آن ابلیس است او مأمور است در رحم مادران دشمنان و مخالفان تو شراکت داشته باشد و اینکه به سبب کلام خداست که فرمود: و شارکهم فی الاموال و الاولاد ... -قرآن- ۲۲۱-۲۵۴ [صفحه ۱۷۴] [۸۵] و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً [اسراء / ۸۰] و بگو: پروردگارا، مرا در هر کاری به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار داده -قرآن- ۶-۹۴ [۴۷۹] عمرو بن دینار از پدرش و پدرش از عطاء نقل کرد: عبد الله بن عباس در توضیح آیه شریفه و قل ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی ... گفت -قرآن- ۱۰۹-۱۷۱ به خدا سوگند، خدای سبحان دعای مصطفی صلی الله علیه و آله را مستجاب کرد، و علی بن ابی طالب علیه السّلام را برای یاری و نصرت بر ضد دشمنانش به او عطا فرمود. تا با شمشیر کوبنده در جنگها بر سر دشمنان بکوبد و به نصرت آن حضرت پردازد. [۸۶] و قل جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً. [اسراء / ۸۱] و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری باطل همواره نابود شدنی است -قرآن- ۶-۶۳ [۴۸۰] ابی هریره از جابر بن عبد الله انصاری حکایت کرده است که جابر گفت همراه رسول الله صلی الله علیه و آله در فتح مکه حضور داشتم به اتفاق آن حضرت وارد بیت الله الحرام شدیم سیصد و شصت بت و صنم در داخل و بیرون خانه کعبه آویزان بود به دستور نبی الله صلی الله علیه و آله همه آن بتها را با صورت روی زمین انداختیم در داخل بیت بتی بزرگ و طویل به نام هبل وجود داشت نبی صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام نگاهی کرد و سپس فرمود: یا علی یا بر دوش من بایست یا من بر دوش تو می‌ایستم تا آن بت را سرنگون کنیم [صفحه ۱۷۵] وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله بر دوش علی علیه السّلام ایستاد. علی علیه السّلام گفت یا رسول الله سنگینی رسالت و نبوت تاب و تحمّل مرا گرفته است و دیگر توانایی مقاومت ندارم نبی صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی پس تو بر دوش من بایست و با خنده از دوش علی علیه السّلام فرمود آمد. علی علیه السّلام گفت چون بر دوش آن حضرت ایستادم چنان جایگاه رفیعی یافتم به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، اگر اراده می‌کردم که آسمان را لمس کنم می‌توانستم با دستم آن را لمس کنم آن گاه بت هبل را سرنگون کردم و بر پشت کعبه انداختم بلافاصله خدای با عظمت آیه و قل جاء الحقّ و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً یعنی شعار توحید لا اله الا الله و نام محمّد رسول الله را به صحنه آورد. -قرآن- ۳۴۷-۴۰۴ و زهق الباطل یعنی بت پرستی از میان رفت -قرآن- ۱-۱۴ و انّ الباطل کان زهوقاً یعنی باطل را ثباتی نیست و از بین رفتنی است -قرآن- ۲-۲۷ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله داخل بیت الله شد و دو رکعت نماز شکر گزارد. [۴۸۱] از عبد الله بن مسعود حدیثی اینکه

گونه حکایت شده است «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را بر پشتش سوار کرده نشسته به راه افتاد و گفت «نعم المطیٰ مطیکما و نعم الزاکبان انتما. و ابو کما خیر منکما» -روایت- ۱-۶۸ یعنی بهترین مرکب مرکب شماست و بهترین سوار شما دو نفر هستید اما پدران از شما دو تن برتر و بهتر است [۸۷] و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القرآن من کلّ مثل فأبی اکثر النّاس الّا کفوراً. [اسراء/ ۸۹] و به راستی در اینکه قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم ولی بیشتر مردم جز سرانکار ندارند. -قرآن- ۶-۹۱ [صفحه ۱۷۶] [۴۸۲] محمّد بن فضیل از ابی حمزه ثمالی نقل کرد ابو جعفر محمّد بن علی بن حسین علیه السلام در تفسیر آیه فابی اکثر النّاس الّا کفوراً فرمود: -قرآن- ۱۲۸-۱۵۸ اکثر حاضران در غدیر خم ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را در آن روز که رسول الله صلی الله علیه و آله او را به ولایت معرفی کرد ابا و اکراه داشتند و اینکه آیه شریفه آنان را ملامت می‌کند. [۴۸۳] ابو حمزه ثمالی نقل کرده است که از ابو جعفر علیه السلام درباره آیه و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القرآن ... سؤال کردم آن حضرت فرمود: -قرآن- ۹۰-۱۲۹ «لقد صرّفنا یعنی لقد ذکرنا علیاً فی کلّ قرآن -روایت- ۱-۵۴ نام علی علیه السلام را در تمام قرآن ذکر کردیم فما یزیدهم الّا نفوراً در حالی که جز گریز و فرار برای آنان سود دیگری نداشت -قرآن- ۶۱-۸۴ [۴۸۴] جابر بن عبد الله انصاری گفت از ابو جعفر علیه السلام در شرح آیه شریفه و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للنّاس ... سؤال کردم آن بزرگوار فرمود: -قرآن- ۹۶-۱۳۵ خداوند تعالی می‌فرماید نام علی علیه السلام را در هر آیه‌ای ذکر کردم اما از ولایت علی علیه السلام ابا کردند و گریزان شدند «فما یزیدهم الّا نفوراً» و فایده‌ای جز فرار برای آنان نداشت -قرآن- ۱۴۹-۱۷۳ [۸۸] إنا جعلنا ما علی الارض زینةً لها لنبلوهم أتیهم أحسن عملاً. [کهف ۷] در حقیقت ما آنچه بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. -قرآن- ۶-۷۰ [۴۸۵] قتاده از عطاء نقل کرده است که عبد الله بن مسعود، صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و قاری مشهور مدینه در شرح آیه شریفه إنا جعلنا ما علی الارض زینةً لها گفت -قرآن- ۱۶۰-۱۹۶ زیور و زینت زمین به مردان روی آن است و زینت مردان روی زمین علی بن ابی طالب علیه السلام است [صفحه ۱۷۷] [۴۸۶] ابی مریم روایت کرد، عمّار یاسر گفت رسول الله صلی الله علیه و آله در بیان فضایل علی علیه السلام فرمود: یا علی؟ انّ الله زینک بزینة لم یزین العباد بأحسن منها، بغض الیک الدّین و زهّدک فیها و حبّ الیک الفقراء، فرضیت بهم اتباعاً و رضوبک اماماً. -روایت- ۱-۱۷۰ یا علی خدای سبحان تو را به زینتی نیکو مزین کرد که احدی آن گونه مزین نشد، بغض و کینه دنیا نسبت به تو و زهد تو نسبت به دنیا از جمله آن است قلب فقرا جایگاه توست و قلب تو راضی به اطاعت و متابعت آنان است امامت تو را به جان خریدارند و به آن رضایت کامل دارند. [۸۹] هنالك الولاية لله الحقّ هو خیر ثواباً و خیر عقباً. [کهف ۴۴] در آنجا [آشکار شد که یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش دهنده و] اوست بهترین فرجام دهنده -قرآن- ۶-۶۱ [۴۸۷] ابو حمزه ثمالی می‌گوید ابو جعفر محمّد بن علی علیه السلام در تفسیر و شرح آیه شریفه هنالك الولاية لله الحقّ ... فرمود: منظور از ولایت در آیه شریفه ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام است و هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام -قرآن- ۱۰۷-۱۳۴ [۹۰] و جعلنا لهم لسان صدق علیاً. [مریم ۵۰] و ذکر خیر بلندی بر ایشان قرار دادیم -قرآن- ۶-۳۷ [۴۸۸] ابو القاسم اسماعیل بن علی خزاعی از پدرش نقل کرد که علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش و او هم از پدرش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السلام که آن حضرت فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله داستان شب معراج را اینکه گونه برایم بیان فرمود: [صفحه ۱۷۸] یا علی در شب معراج بر بال راست جبرئیل نشسته بودم و او در حالی که مرا به سوی آسمان سیر می‌داد، در مسیری آوازی شنیدم که به من گفت یا محمّد چه کسی را جانشین خود در زمین قرار دادی گفتیم «خیر اهلها لها اهلاً علی بن ابی طالب علیه السلام حبیبی و صهری و ابن عمّی . -روایت- ۱-۹۲ بهترین اهل زمین علی بن ابی طالب علیه السلام حبیب و داماد و پسر عمّ خویش را جانشین خود قرار دادم آن‌گاه خدای تعالی به من فرمود: یا محمّد؟ آیا او را دوست داری گفتم بلی یا رب العالمین او را بسیار دوست دارم خدای سبحان فرمود: احبّه و مر امتک بحبّه فانّی انا العلیّ الاعلیّ اشتقت من اسمائی اسماً فسّمیته علیاً. -روایت- ۱-

۹۸ یا محمّد او را دوست بدار و امت را امر کن او را دوست بدارند، من علیّ اعلی هستم و نام او را از نام خویش مشتق کردم و او را علی نامیدم سپس جبرئیل به نزد آمد و گفت یا رسول الله صلی الله علیه و آله خدایت سلام فرستاد و فرمود بخوان گفتم چه چیز را بخوانم جبرئیل آیه وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیاً را قرائت کرد و گفت اینکه آیه را بخوان -قرآن- ۱۴-۶۹ [۹۱] إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا. [مریم ۹۶] «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای رحمان برای آنان محبتی در دلها] قرار می‌دهد.» -قرآن- ۶-۷۲ [۴۸۹] جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی با خدای رحمان مناجات کن و اینکه گونه دعا کن و بگو، خدایا؟ محبت و مودّت [صفحه ۱۷۹] مرا در قلوب مؤمنان جای ده خدایا؟ برای من در نزد خودت عهد و پیمانی قرار ده خدایا؟ مودّت مرا در نزد خود قرار ده بعد از مناجات علی علیه السلام جبرئیل فرود آمد و آیه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان وداً را برای نبی صلی الله علیه و آله قرائت کرد. -قرآن- ۶۷-۱۳۴ آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست که در سینه‌اش مودّت و محبت علی علیه السلام و اهل بیت من نباشد. [۴۹۰] براء بن عازب ۹۱- «پاورقی- ۲۳-۲۵ یا علی علیه السلام بگو. «اللّهم اجعل لی عندک عهداً، و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّة». -روایت- ۱-۷۴ چون علی علیه السلام اینک دعا را خواند. خدای سبحان آیه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن وداً را در حقّ علی علیه السلام نازل فرمود. -قرآن- ۷۰-۱۳۵ [۴۹۴] ابی اسحاق سیعی از براء بن عازب روایت کرد، روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی علیه السلام بگو «اللّهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی فی قلوب المؤمنین مودّة». -روایت- ۱-۷۴ خدایا؟ در نزد خودت عهد و در قلوب مؤمنان مودّت را برایم قرار ده پس از اینکه دعا، خدای تعالی آیه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن وداً را در شأن علی علیه السلام نازل فرمود. و آنچه علی علیه السلام از خدا خواسته بود به آن حضرت عنایت فرمود. -قرآن- ۴۱-۱۰۶ [۴۹۵] باز هم از براء بن عازب نقل شد. مصطفی صلی الله علیه و آله به مرتضی علیه السلام فرمود: یا علی بگو: «اللّهم اجعل لی عندک عهداً، و اجعل لی عندک وداً، و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّة». -روایت- ۱-۱۰۰ چون علی علیه السلام اینک دعا را به پایان برد، آیه شریفه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات -قرآن- ۷۴-۱۱۱ [صفحه ۱۸۰] سیجعل لهم الرّحمن وداً در جواب علی علیه السلام نازل شد. و مودّت علی علیه السلام را در قلوب مؤمنین قرار داد. -قرآن- ۱-۲۷ [۴۹۶] محمّد بن عبید الله بن ابی رافع از پدر و جدّش نقل کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی علیه السلام بگو: «اللّهم ثبت لی الودّ فی قلوب المؤمنین و اجعل لی عندک وداً و عهداً». -روایت- ۱-۸۲ چون علی علیه السلام بر طبق دستور مصطفی صلی الله علیه و آله دعا کرد. نبی صلی الله علیه و آله فرمود: به خدای کعبه آنچه علی خواسته بود تثبیت شد. سپس آیه شریفه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات نازل شد. -قرآن- ۱۸-۵۵ و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه آیه برای کسانی که هم قسم با رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستند نازل شد. [۴۹۷] جابر بن عبد الله انصاری از محمّد بن علی علیه السلام نقل کرد که مصطفی صلی الله علیه و آله به مرتضی علیه السلام فرمود: یا علی دوست داری تو را چیزی بیاموزم علی علیه السلام عرض کرد: بلی یا رسول الله پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بگو «اللّهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک وداً» -روایت- ۱-۵۸ چون اینکه دعا از جانب علی علیه السلام به پایان رسید، آیه قرآنی انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمان وداً در شأن علی علیه السلام نازل شد. و مودّت را برای آن حضرت در سینه‌های مؤمنین تثبیت و تقریر فرمود. -قرآن- ۸۱-۱۴۷ [۴۹۸] جابر بن عبد الله انصاری از ابی جعفر علیه السلام روایتی را نقل کرد. که نبی صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی بگو: «اللّهم اجعل لی عندک عهداً و فی صدور المؤمنین وداً». -روایت- ۱-۶۳ چون علی علیه السلام بر طبق تعلیم رسول الله صلی الله علیه و آله دعا کرد. آیه شریفه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات در پاسخ خواسته علی علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۱۰۵-۱۴۲ [صفحه ۱۸۱] [۵۰۰] ضحاک روایت کرد. ابن عباس در شرح و تفسیر آیه شریفه انّ الذّین آمنوا

و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّاً بیان کرد که خدای سبحان محبت علی علیه السّلام را در قلوب مؤمنین تثبیت کرد و اینکه آیه شریفه درباره علی علیه السّلام نازل شد. -قرآن- ۶۷-۱۳۱ [۵۰۹۲] عون بن سلام هاشمی نقل کرد، آیه شریفه انّ الذّین آمنوا ... سیجعل لهم الرّحمن ودّاً در شأن علی علیه السّلام نازل شد. و خدای سبحان محبت او را در قلوب مؤمنین قرار داد. «۹۲- قرآن- ۵۰-۹۹-پاورقی- ۲۰۳-۲۰۵ [۵۰۳] کلبی از ابی صالح نقل کرد، ابن عبّاس گفت کلام خدای تعالی سیجعل لهم الرّحمن ودّاً در اعطای دوستی و محبت علی علیه السّلام نازل شد و آیه لتبشّر به المتّقین هم اختصاصاً در شأن علی علیه السّلام نازل شد و آیه شریفه و تنذر به قوماً لدّا در مذمت بنی امیه و بنی مغیره نازل شد. -قرآن- ۷۹-۱۰۶-قرآن- ۱۷۳-۱۹۴-قرآن- ۲۶۵-۲۸۷ [۵۰۴] ابی سعید خدری روایت کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله به مرتضی علیه السّلام فرمود: یا ابا الحسن اینکه دعا را بخوان «اللّهم اجعل لی عندک عهداً و اجعل لی عندک ودّاً و اجعل لی فی صدور المؤمنین مودّه. -روایت- ۱-۹۸ امیر المؤمنین علی علیه السّلام همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم فرمود دعا کرد. در پایان دعا خدای سبحان آیه شریفه انّ الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّاً را بر محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل فرمود. -قرآن- ۴۳-۱۰۷ سپس مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ مؤمنی را نمی‌یابی که در سینه‌اش حب علی علیه السّلام نباشد. [۵۰۵] محمّد بن حنفیه فرزند امیر المؤمنین علی علیه السّلام در توضیح کلام سبحان سیجعل لهم الرّحمان ودّاً گفت هیچ مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی مگر اینکه که در سینه و قلبش محبت و مودّت علی علیه السّلام و فرزندانش نهفته است «۹۳-قرآن- ۹۳-۱۲۰-پاورقی- ۲۶۲-۲۶۴ [صفحه ۱۸۲] [۵۰۶] ابی عمر غلام بشر بن غالب از قول محمّد بن علی بن حنفیه در شرح و تفسیر آیه شریفه سیجعل لهم الرّحمن ودّاً گفت هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر اینکه که قلبش مالا مال از مهر و مودّت علی علیه السّلام است «۹۴-قرآن- ۱۰۷-۱۳۴-پاورقی- ۲۴۶-۲۴۸ پس هیچ مؤمنی دیده نمی‌شود مگر اینکه که مهر و محبت علی و فرزندانش در سینه او نهفته باشد [۵۰۹] مقاتل از محمّد بن حنفیه روایت کرد که محمّد حنفیه گفت از پدرم علی علیه السّلام از تفسیر و معنای آیه سیجعل لهم الرّحمن ودّاً سؤال کردم -قرآن- ۱۳۲-۱۵۹ به من جواب فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله درباره اینکه آیه فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای یافت نمی‌شود مگر اینکه که در قلبش مودّت و محبت علی و اهل بیتش نهفته است [۹۲] و اجعل لی وزیراً من اهلی هارون اخی اشدد به ازری و اشركه فی امری [طه ۳۲] و برای من دستیاری از کسانم قرار ده هارون برادرم را پشتم را به او استوار کن و او را شریک کارم گردان -قرآن- ۶-۸۳ [۵۱۰] ابی طفیل از قول حذیفه بن اسید نقل کرد، مصطفی صلی الله علیه و آله دست علی علیه السّلام را گرفت و فرمود: یا علی بشارت باد تو را که موسای کلیم علیه السّلام از خدای حکیم درخواست کرد تا وزیری از اهلش که هارون باشد برایش قرار دهد. اما من از پروردگارم خواستم علی را که از اهل بیت و برادرم است وزیرم قرار دهد. تا با او پشتم را قوی گرداند، و او را شریک در مسئولیت سنگین من قرار دهد. [۵۱۱] از اسماء بنت عمیس ۹۵- -پاورقی- ۲۹-۳۱ «اللّهم -روایت- ۱-۱۲ [صفحه ۱۸۳] الله اقول کما قال اخی موسی اللّهم اجعل لی وزیراً من اهلی علیاً اخی و اشدد به ازری و اشركه فی امری. {خدایا؟ همان گونه که برادرم موسی گفت من نیز می‌گویم خدایا؟ علی را که از اهل بیت من و برادرم است وزیر من قرار ده و با او پشتوانه‌ام را محکم گردان و سنگینی بار مسئولیت را کم‌تر گردان و او را شریک در کارهایم قرار ده [۵۱۲] جعفر احمر از عمران بن سلیمان و او از حصین نقل کرده است که اسماء بنت عمیس روایت کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود مثل برادرم موسی علیه السّلام برای پشتیبانی خود از خدای مّنان اینکه گونه درخواست می‌کنم «ربّ اشرح لی صدّری و یسرّ لی امری و اجعل لی وزیراً من اهلی. -قرآن- ۳-۳۹-قرآن- ۴۰-۶۸ بدین وسیله علی بن ابی طالب را برای پشتوانه و حمایت از خود تقاضا می‌کنم [۵۱۳] عطاء از ابن عبّاس نقل کرد، اسماء بنت عمیس حکایت کرد که از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: خدایا؟ همان گونه که موسی علیه السّلام هارون برادرش را برای پشتیبانی از خود تقاضا کرد. من هم می‌گویم «اللّهم اجعل لی وزیراً من اهلی علی بن ابی طالب اشدد به ازری و اشركه فی امری. -روایت- ۱-۱۰۰ خدایا؟ از اهل بیت من علی بن ابی طالب علیه السّلام را وزیرم قرار ده به وسیله او پشت و

پشتوانه‌ام را قوی گردان و او را شریک در کارهای من قرار ده [۵۱۴] عبد الله بن حارث بن نوفل بن عبد المطلب از قول ابن عباس نقل می‌کند علی علیه السلام فرمود: وقتی آیه شریفه و انذر عشیرتک الاقرین نازل شد. مصطفی صلی الله علیه و آله مرا به حضور خواند و فرمود: یا علی خدای سبحان مرا به انذار و تبلیغ عشیره‌ام امر فرمود. تو می‌دانی که آنان از دعوت و رسالت من اکراه دارند و گریزانند سپس سکوت کرد تا اینکه که جبرئیل برای بار دوم نازل شد و گفت یا محمد اگر مأموریت خود را انجام ندهی توبیخ می‌شوی هر چه زودتر وظیفه انذار خویش را به انجام برسان -قرآن- ۱۴۴-۱۶۸ [صفحه ۱۸۴] رسول الله صلی الله علیه و آله مرا احضار کرد و گفت یا علی یک صاع طعام و یک ران گوسفند و یک ظرف شیر برای پذیرایی مهیا کن و فرزندان عبد المطلب را دعوت نما تا با آنان صحبت کنم و امر خدایم را ابلاغ نمایم چون بنی هاشم جمع شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله سخن آغاز کرد گفت ای بنی عبد المطلب در میان عرب بهترین و برترین آیین را برایتان آوردم که خیر دنیا و سعادت آخرت در آن است خدایا سبحان مرا امر فرمود تا شما را دعوت به دین و آیین کنم و به سوی او بخوانم چه کسی مرا در اینکه کار پشتیبانی می‌کند تا برادر و وصی و ولی و خلیفه من در میان شما شود! آن جماعت چون سخنان مصطفی صلی الله علیه و آله را شنیدند، سخنی نگفتند. من که در میان آنان از همه کوچک‌تر بودم گفتم یا رسول الله من وزیر تو در اینکه کار می‌شوم آن قوم برخاستند و جماعتی به ابو طالب با حالت استهزا گفتند ای ابو طالب برخیز و از فرزندت علی علیه السلام اطاعت کن [۵۱۵] انس بن مالک نقل کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: انّ اخی و وزیر و خلیفتی فی اهلی و خیر من اترک بعدی یقضی دینی و ینجز موعدی علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۱۲۹ ای مردم برادر و وزیر و جانشین و خلیفه و بهترین کسی که بعد از من دینم را ادا کند و وعده‌های مرا وفا نماید علی بن ابی طالب علیه السلام است [۵۱۶] باز هم از انس بن مالک نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «انّ خلیلی و وزیر و خلیفتی فی اهلی و خیر من اترک بعدی ینجز موعدی و یقضی دینی علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۱۳۳ [صفحه ۱۸۵] اوست وزیر و خلیفه در میان اهل بیتم و بدانید بهترین کسی که وعده‌های مرا وفا کند و قرض و دینم را ادا نماید علی بن ابی طالب علیه السلام است [۵۱۷] عبد الله بن ملیل می‌گوید از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم گفت مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: «انّه لم یکن نبی الا قد اعطی سبعة رفقاء نجباء وزراء و انّی قد اعطیت اربعة عشر» -روایت- ۱-۹۵. هیچ پیامبری نبود مگر اینکه که خدای مَنان برایش هفت رفیق و هفت وزیر قرار داد اما برای من چهارده رفیق و وزیر قرار داد که عبارت‌اند از حمزه جعفر طیار، علی بن ابی طالب علیه السلام حسن علیه السلام حسین علیه السلام ابو بکر، عمر، عبد الله بن مسعود، ابو ذر، مقداد، حذیفه عمار، سلمان و بلال حبشی [۹۳] و انّی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثم اهتدی [طه ۸۲] و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست رهسپار شود. -قرآن- ۶-۶۴ [۵۱۸] شمال بن اسحاق نقل کرده است جابر جعفری گفت از ابو جعفر علیه السلام در توضیح کلام خدای تعالی ثم اهتدی پرسیدم -قرآن- ۱۲۴-۱۳۵ آن جناب فرمود: خدای سبحان فرموده است من غفّار و بخشنده کسانی هستم که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح به جای آرند و به ولایت ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت یابند. [۵۱۹] از جابر جعفری روایت شد که از ابو جعفر علیه السلام در شرح آیه و انّی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثم اهتدی سؤال شد. آن حضرت فرمود: خدای سبحان بخشنده کسانی است که به ولایت ما اهل بیت پیامبر هدایت یابند. -قرآن- ۸۲-۱۳۹ [۵۲۰] ثابت بنانی در تفسیر و توضیح قول خدای سبحان و انّی لغفّار لمن تاب و آمن -قرآن- ۵۸-۸۹ [صفحه ۱۸۶] و عمل صالحاً ثم اهتدی گفت کسی که به ولایت اهل بیت گرایش یابد، هدایت می‌شود. -قرآن- ۱-۲۶ [۵۲۱] عبد الله بن جعفر بن محمد بن فیض از پدرش نقل کرد. ابو جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام از پدر و جدّش روایت کرده است روزی رسول الله صلی الله علیه و آله که از منزلش بیرون می‌رفت فرمود: «خدای سبحان می‌فرماید: انّی لغفّار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثم اهتدی یا علی علیه السلام هر کسی به سبب ولایت تو هدایت شود مورد غفران و عفو قرار می‌گیرد. -قرآن- ۲۶-۸۱ [۵۲۲] ابی ذر در تفسیر و توضیح کلام خدای سبحان و انّی لغفّار لمن تاب ...

گفت یعنی ایمان به آنچه مصطفی صلی الله علیه و آله آورده بیاورد و فرائض و واجبات را ادا کند. هر کسی چنین کند به حب آل محمد صلی الله علیه و آله رهنمون گردد و با محبت اهل بیت هدایت شود. -قرآن- ۵۴-۷۸ [۹۴] و من أعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً و نحشره يوم القيامة اعمى [طه ۱۲۴] و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ «و سختی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محصور می کنیم -قرآن- ۶-۷۹ [۵۲۳] ابان بن تغلب از ابی جعفر علیه السلام و او از علی بن حسین علیه السلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السلام و او از پدرش علی علیه السلام نقل کرد. مصطفی صلی الله علیه و آله در جمع مهاجرین و انصار فرمود: «احبوا علياً لحبي و اكرموه لكرامتي و الله ما قلت لكم هذا من قبلي و لكن الله امرني بذلك...» -روایت- ۱۱۷-۱. [صفحه ۱۸۷] ای مهاجر و انصار؟ علی علیه السلام را دوست بدارید همان گونه که مرا دوست دارید و او را اکرام و احترام کنید همان اندازه که مرا اکرام می کنید. اینکه توصیه گفتار من نیست بلکه فرمان خدای سبحان است که در تکریم علی علیه السلام گفتم ای دوستان عرب من ابغض علیاً من بعدی حشره الله يوم القيامة اعمى ليس له حجة. -روایت- ۱-۸۰ هر کسی کوردل و بی بصیرت باشد و بغض و کینه علی علیه السلام را در دل بگیرد، خدای علی او را در روز قیامت کور و نابینا و بی بصر و بصیرت محصور کند در حالی که هیچ عذر و بهانه‌ای از او پذیرفته نمی شود. [۵۲۴] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده است در خطبه‌ای از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم آن حضرت فرمود: من ابغضنا اهل البيت حشره الله يوم القيامة يهودياً. -روایت- ۱-۶۳ هر کسی از روی عناد نسبت به اهل بیت من بغض و کینه در دل پرورد، خدای سبحان او را در روز قیامت یهودی برانگیزد. [۵۲۵] کامل از ابی صالح نقل کرد. ابن عباس مفسر مشهور قرآن در شرح و توضیح آیه کریمه و من اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً و نحشره يوم القيامة اعمى بیان کرد. هر کسی ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام را منکر شود و نپذیرد. خدای قادر او را در روز حساب کور و کر محصور کند و از قبر نابینا برانگیزاند. -قرآن- ۱۰۱-۱۷۴ [۹۵] و أمر أهلك بالصلوة و اصطر عليها. [طه ۱۳۲] و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش [۵۲۶] ابو حمرا، خادم رسول الله صلی الله علیه و آله گفت هنگامی که آیه کریمه و امر اهلك بالصلوة و اصطر عليها به نبی صلی الله علیه و آله نازل شد. آن حضرت هر روز در وقت نماز به جلو خانه -قرآن- ۶-۴۱ -قرآن- ۲۱۶-۲۵۰ [صفحه ۱۸۸] علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام می آمد و می گفت الصلوة رحمکم الله -روایت- ۱-۲۳ و سپس آیه شریفه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت را تلاوت می کرد و آن گاه برای نماز به مسجد می رفت -قرآن- ۲۰-۷۰ [۹۶] فستعلمون من اصحاب الصراط السوي و من اهتدى [طه ۱۳۵] بگو: [همه در انتظارند. پس در انتظار باشید]. زود باشد که بدانید یاران راه راست چه کسانی هستند و چه کسی راه یافته است -قرآن- ۶-۵۸ [۵۲۷] معاوية بن اعمش از ابی صالح روایتی را بیان کرده است که ابن عباس در تفسیر آیه شریفه فوق بیان کرد: به خدا سوگند اصحاب الصراط السوي محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی اش هستند، سؤال شد پس و من اهتدی یعنی هدایت یافتگان چه کسانی هستند! -قرآن- ۱۴۷-۱۷۰ -قرآن- ۲۴۷-۲۶۰ ابن عباس در جواب گفت آنان اصحاب و یاران محمد صلی الله علیه و آله هستند. [۹۷] ان الذين سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها مبعدون [انبیاء / ۱۰۰] بی گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن آتش دور داشته خواهند شد. -قرآن- ۶-۶۳ [۵۲۸] حسن بن راشد از جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدر و پدراناش تا می رسد به علی علیه السلام که آن حضرت فرمود: از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم به من فرمود: یا علی؟ آیه شریفه ان الذين سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها مبعدون برای تو و درباره تو نازل شده است -قرآن- ۲۳۴-۲۹۱ [۵۲۹] باز هم علی علیه السلام فرموده است رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی آیه کریمه [صفحه ۱۸۹] لا يحزنهم الفزع الاكبر [۹۶] -قرآن- ۱-۲۷ -پاورقی- ۲۸-۳۰ [۵۳۰] ابی عمر نعمان بن بشیر [۹۷] -پاورقی- ۳۳-۳۵ -قرآن- ۱۲۰-۱۷۷ [۹۸] هذان خصمان اختصموا في ربهم [حج ۱۹] اینکه دو [گروه که در دین خدا با هم به جدال پرداختند، دشمنان یکدیگرند. -قرآن- ۶-۳۸ [۵۳۲] قیس بن عبّاد روایت کرده است علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: من نخستین کسی هستم که برای مخاصمه با دشمنان از قبر برانگیخته می شوم

سپس قیس بن عباد در ادامه گفت آیه شریفه هذان خصمان اختصموا فی ربهم در شأن مبارزان جنگ بدر مثل علی علیه السلام حمزه ابو عبیده، از جانب موافقان دین خدا و شیبۀ بن ربیعۀ عتبۀ بن ربیعۀ و ولید بن عتبۀ از جانب مخالفان دین خدا نازل شد. که سه تن مخالفین به دست مبارزین اسلام به هلاکت رسیدند. -قرآن- ۴۹-۸۱ همین روایت را بخاری در جامع صحیح از طریق روات دیگری نقل کرده است [۵۳۳] قیس بن عباد از ابو ذر و ابو سعید خدری در شأن نزول آیه هذان خصمان ... -قرآن- ۷۵-۹۱ گفت اینکه آیه درباره علی علیه السلام و همراهانش از سپاه رسول الله و عتبۀ بن ربیعۀ و همراهانش از سپاه مشرکان در جنگ بدر نازل شد. که علی و همراهان او در کسب [صفحه ۱۹۰] رضای رب مبارزه کردند. [۵۳۴] قیس بن عباد می گوید: از ابو ذر شنیدم سوگند یاد می کرد که آیه هذان خصمان اختصموا فی ربهم در تحسین علی علیه السلام و همزمانش از لشکر رسول الله صلی الله علیه و آله که در مقابل عتبۀ و همراهانش از مخالفان رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر نبرد کردند نازل شد «۹۸». -قرآن- ۴۶-۷۸-پاورقی- ۲۹۸-۳۰۰ [۵۳۷] قیس بن عباد گفت از ابو ذر صحابی معروف رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم سوگند یاد می کرد که آیه شریفه هذان خصمان اختصموا فی ربهم برای اینکه شش نفر حمزه سید الشهداء، ابو عبیده و علی علیه السلام از لشکر مسلمانان و شیبۀ و عتبۀ و ولید بن عتبۀ از جانب کفار که با یکدیگر خصومت داشتند و پیکار کردند نازل شد. -قرآن- ۱۳۷-۱۶۹ [۵۳۸] با سلسله سند دیگر از قیس بن عباد نقل شده است که گفت از ابو ذر شنیدم سوگند یاد کرد، آیه شریفه هذان خصمان اختصموا فی ربهم درباره متخاصمین جنگ بدر نازل شد. که علی علیه السلام حمزه و ابو عبیده با مشرکان به نبرد پرداختند و سرانجام سه نفر مبارزان مشرک با شمشیر سه تن از دلاوران اسلام به هلاکت رسیدند «۹۹». -قرآن- ۱۲۲-۱۵۴-پاورقی- ۳۶۲-۳۶۴ [۵۴۱] حارثۀ بن مضرب از علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: بعد از مهاجرت مصطفی صلی الله علیه و آله به مدینه در آن شهر زندگی می کردیم میوه ها رسیده بودند، رسول الله صلی الله علیه و آله از بدر کسب خبر می کرد تا اینکه که در آن حوالی دو نفر از قریش را دستگیر کردند از آن دو درباره عدۀ مشرکین و تعداد اسلحه و ابزار آنان سؤال شد. گفتند عدۀشان زیاد و تجهیزاتشان عظیم است اما آمار و ارقام درست را نمی دانستند سپس آن دو را نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آوردند. آن حضرت پرسید: هر روز چند شتر برای غذا نحر می کنند. گفتند: روزی ده شتر. [صفحه ۱۹۱] رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: عدۀ آنان هزار نفر است زیرا برای هر صد نفر یک شتر ذبح می کنند. پس به سوی چاه های بدر حرکت کردیم لشکر مشرکین برای جنگ به پیش آمدند و سه تن از آنان که از همه مغرورتر بودند به نام های عتبۀ بن ربیعۀ و شیبۀ بن ربیعۀ و ولید بن عتبۀ به میدان آمدند و گفتند، چه کسی را جرأت مبارزه است تا با ما نبرد کند؟! مردی انصار از اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله پا به میدان گذاشت آن سه تن گفتند: نیازی به مبارزه تو نیست ما فرزندان قریش را به مبارزه می خوانیم رسول الله صلی الله علیه و آله و آله فرمود: یا علی برخیز، ای حمزه و ای عبیده برخیزید و جواب آنان را بدهید. ما سه تن به نبرد آنان رفتیم حمزه حریف خود عتبۀ را هلاک کرد و من هم شیبۀ را به خاک انداختم ولید و عبیده هنوز گرم پیکار بودند من به ولید نزدیک شدم و او را با ضربت شمشیری به هلاکت رساندم در آن روز هفتاد نفر را اسیر و هفتاد نفر را هلاک کردیم در پایان جنگ مردی از انصار، عباس بن عبد المطلب را به اسارت نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آورد. عباس گفت یا رسول الله قبل از اینکه که من به دست اینکه مرد گرفتار شوم به دست مردی خوش سیما که بر اسبی ابلق نشسته بود اسیر شدم اما اکنون آن مرد را در میان اصحاب شما نمی بینم مرد انصاری گفت یا رسول الله من او را اسیر کردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مرد انصاری ساکت باش خدای تعالی به وسیله فرشتگان کریم ما را نصرت و یاری داد و آنان را مغلوب و مفلوک و اسیر گردانید. [۵۴۲] قیس بن عباد نقل کرد، علی علیه السلام فرمود: آیه هذان خصمان اختصموا فی ربهم ... در شأن مبارزه ما با کفار و مشرکین در جنگ بدر نازل شد «۱۰۰». -قرآن- ۶۹-۱۰۱-پاورقی- ۱۷۱-۱۷۳ [صفحه ۱۹۲] [۹۹] ان الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنّات تجری من تحتها الانهار یحلّون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤاً و لباسهم فیها حریر. [حج ۲۳] خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در

باغ‌هایی که از زیر [درختان آنها نه‌رها روان است داخل شوند. در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند، و لباسشان از پرنیان است -قرآن- ۶-۱۵۵ [۵۴۶] محمد بن یزید خدمتکار جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده که آن حضرت از پدرش و جدش روایت کرده است که کلام خدای تعالی ان الله يدخل الذين آمنوا ... الى صراط الحميد در شأن علی علیه السلام و حمزه و عبیده بن حارث سلمان فارسی ابو ذر، و مقداد است که خدای کریم آنان را وارد بهشت زیبا می‌کند. -قرآن- ۱۵۷-۱۸۸- قرآن- ۱۸۹-۲۱۰ [۵۴۷] کلبی از ابی صالح نقل کرده است ابن عباس مفسر معروف قرآن در توضیح آیه کریمه ان الله يدخل الذين آمنوا ... بیان کرد. مصداق الذين آمنوا علی و حمزه و عبیده هستند که در جنگ بدر جان را در کف گذاشته و از آیین محمد صلی الله علیه و آله دفاع کردند و خدای بزرگ چنین پاداشی را به پاس خدمات آنان بر ایشان منظور کرد. -قرآن- ۱۰۳-۱۳۴- قرآن- ۱۵۷-۱۷۰ [۵۴۸] اصبح بن نباته و ابی مریم هر دو گفته‌اند از عمار یاسر در صفین شنیدیم که مصطفی صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ۱۰۱ «-روایت- ۳-۲۰۸ [۵۴۹] اصبح بن نباته از عمار یاسر نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله به ولی الله علیه السلام فرمود: [صفحه ۱۹۳] یا علی ان الله زينك بزينه لم يتزين الخلاق بزينه احب الى الله منها، الزهد في الدنيا، و جعل الدنيا لا تنال منك شيئاً. -روایت- ۱-۱۵۱ یا علی خدای سبحان تو را به زیوری گرانها آراست که محبوب‌تر از آن زینت در نزد خداوند نیست و آن زهد تو در دنیا است که میل و رغبتی به دنیا نداری و دنیا نیز نمی‌تواند به تو امیدوار باشد و تو را به خود جذب و جلب کند. [۱۰۰] و بشر المختبين الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و الصابرين علی ما أصابهم و المقيمي الصلوة و ممّا رزقهم ينفقون [حج ۳۵] فروتنان را بشارت ده همانا که چون [نام خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه کنند و بر پا دارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کند. -قرآن- ۷-۱۳۴ [۵۵۰] زبیر بن عدی از ضحاک نقل کرد. ابن عباس در شأن نزول آیه شریفه و بشر المختبين الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و الصابرين علی ما أصابهم و المقيمي الصلوة و ممّا رزقهم ينفقون گفت اینکه کلام ربّانی درباره علی علیه السلام و سلمان فارسی است که از مخلصین و مختبین هستند و مختبین یعنی کسانی که متواضع و خاشع‌اند. -قرآن- ۸۶-۲۱۲ [۱۰۱] اذن للذين يقتلون بأنهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدير [حج ۳۹] به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست -قرآن- ۷-۷۴ [۵۵۱] زیاد مدینی از قول زید بن علی علیه السلام نقل کرد که زید بن علی علیه السلام آیه شریفه اذن -قرآن- ۱۱۵-۱۲۱ [صفحه ۱۹۴] للذين يقاتلون بأنهم ظلموا ... را قرائت کرد. و سپس گفت اینکه کلام ربّانی درباره ما فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. -قرآن- ۱-۳۲ [۱۰۲] الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا أن يقولوا ربنا الله [حج ۴۰] همان کسانی که بنا حق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنان گناهی نداشتند] جز اینکه که می‌گفتند: پروردگار ما خداست -قرآن- ۷-۷۴ [۵۵۲] محمد بن زید از پدرش نقل کرد که پدرش گفت از ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام پرسیدم یا بن رسول الله «الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق...» چه کسانی هستند! -قرآن- ۱۴۵-۱۸۱ فرمود: آیه شریفه در شأن علی علیه السلام و حمزه و جعفر طیار نازل شد و برای حسین علیه السلام نیز اینکه آیه جریان دارد. [۵۵۳] زیاد مدینی نقل کرده زید فرزند علی بن حسین علیه السلام در توضیح و شأن نزول آیه شریفه اذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا و همچنین الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق... گفت اینکه کلام الهی برای ما خاندان رسول الله نازل شد. -قرآن- ۱۱۲-۱۴۷- قرآن- ۱۵۸-۱۹۵ [۱۰۳] الذين ان مكنتهم في الارض أقاموا الصلوة و اتوا الزكوة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنكر و لله عقبه الامور. [حج ۴۱] همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و دیگران را به کارهای پسندیده و می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست -قرآن- ۷-۱۲۹ [۵۵۴] ابان بن تغلب از ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام نقل کرد. آن بزرگوار فرمود: [صفحه ۱۹۵] به خدا سوگند آیه شریفه الذين ان مكنتهم في الارض ... برای ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شد. -قرآن- ۳۰-۶۴ [۵۵۵] ابی خلیفه می‌گوید روزی من و ابو عبیده حدّاء به خدمت ابو جعفر

علیه السلام رسیدیم ابو جعفر علیه السلام فرمود: بیاید در کنار من بنشینید. عرض کردم یا بن رسول الله همین جا می‌نشینم فرمود: یا ابا خلیفه بدان اکرام را کسی رد نمی‌کند مگر اینکه حمار و چهار پا باشد پس عرض کردم چگونه می‌توانیم صاحب عصر و امام زمان را بشناسیم فرمود: به کلام خدا الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر او را بشناسید. اگر مردی را با مشخصات اینکه آیه ربانی یافتید از او متابعت کنید و بدانید او صاحب الامر شماسست قرآن-۲۴-۱۲۵ [۵۵۶] فضیل بن زبیر از زید بن علی نقل کرد که زید بن علی علیه السلام در توضیح آیه شریفه گفت هر گاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند در بین مردم می‌ایستد و می‌گوید: ای مردم آن کسی که خدای کریم در قرآن مبین فرمود: الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ما هستیم و خویشان را با اینکه آیه معرفی می‌کند. -قرآن- ۶۲-۱۶۳ [۱۰۴] و ان الذین لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناکبون [مؤمنون ۷۴] و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه [درست سخت منحرف‌اند. -قرآن- ۷-۶۴ [۵۵۷] سعد اسکاف از اصبع بن نباته نقل کرد که امیر المؤمنین علی علیه السلام در شرح آیه کریمه ان الذین لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناکبون فرمود: -قرآن- ۱۱۵-۱۷۰ [صفحه ۱۹۶] کسانی که به ولایت ما ایمان و اعتقاد نداشته باشند. از صراط سقوط می‌کنند. [۵۵۸] اصبع بن نباته نقل کرد: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: [و ان الذین لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لناکبون یعنی کسانی که از ولایت ما دورند از صراط منحرف شده و به مقصد نمی‌رسند. -قرآن- ۸۲-۱۳۸ [۱۰۵] قل رب اقمیا ترینی ما یوعدون رب فلا- تجعلی فی القوم الظلمین و انا علی أن نریک ما نعدهم لقدرون [مؤمنون ۹۵ ۹۳] بگو: پروردگارا، اگر آنچه از عذاب به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی -قرآن- ۷-۱۲۵ پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده و به راستی که ما توانایم آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم [۵۵۹] عبد الله بن عباس و جابر بن عبد الله انصاری هر دو نقل کرده‌اند در حجة الوداع [آخرین حج در سرزمین منی از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدیم فرمود: ای مردم بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایی و بعضی از شما گردن دیگری را نزنند. به خدا سوگند اگر چنین کنید. با من روبه‌رو هستید، در همین هنگام جبرئیل از پشت سر، دست بر شانه راست من گذاشت و گفت «علی» او علی». -روایت- ۱-۲۲ سپس آیه شریفه قل رب اقمیا ترینی ما یوعدون ... را برایم قرائت کرد]. -قرآن- ۱۷-۵۰ [۵۶۰] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد که خدای سبحان به مصطفی صلی الله علیه و آله خبر داد، امت او بعد از ارتحالش فتنه پیا خواهند کرد. سپس آیه شریفه قل رب اقمیا ترینی ما یوعدون نازل شد. -قرآن- ۱۸۱-۲۱۴ جابر در ادامه می‌گوید در حجة الوداع در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودم از آن حضرت شنیدم فرمود: ای مردم بعد از من به کفر و بی‌دینی رجعت نکنید و بعضی از شما گردن دیگری را نزنند. [صفحه ۱۹۷] آگاه باشید اگر چنین کنید مرا بار دیگر می‌بینید که در جانب دیگر صف و در مقابل شما قرار می‌گیرم و بار دیگر برای اسلام با شما پیکار خواهم کرد. پس جبرئیل دست بر شانه من گذاشت چون به سوی او برگشتم گفت یا محمد صلی الله علیه و آله بگو، به خاطر علی بن ابی طالب علیه السلام با شما مقاتله می‌کنم آن حضرت به طرف ما برگشت و فرمود: پس با علی علیه السلام دشمنی و مخالفت نکنید. [۵۶۱] در کتاب عتیق ابی صالح از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد: جبرئیل نبی صلی الله علیه و آله خبر آورد پیروان و امت تو بعد از تو با علی علیه السلام به جنگ و جدال بر می‌خیزند. آن گاه آیه؟ قل رب اقمیا ترینی ما یوعدون رب فلا- تجعلی فی القوم الظالمین «۱۰۲ -قرآن- ۱۵-۹۰-پاورقی- ۹۲-۹۴ و آیه فامیا نذهبن بک فانما منهم منتقمون او نریک الذی وعدناهم فانما علیهم مقتدرون ۱۰۳» -قرآن- ۸-۹۸-پاورقی- ۹۹-۱۰۱ مصطفی صلی الله علیه و آله رو به یاران و اصحاب کرد و فرمود: ای مردم بار دیگر کافر نشوید تا بعضی از شما گردن دیگری را با شمشیر بزنند. و قتل و خون‌ریزی به راه افتد. «۱۰۴» -پاورقی- ۱۹۴-۱۹۶ [صفحه ۱۹۸] [۱۰۶] فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون [مؤمنون ۱۰۱] پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال یکدیگر نمی‌پرسند. -قرآن- ۷-۷۲ [۵۶۴] سفیان ثوری از ابن جریج از عطاء نقل کرد ابن عباس صحابی نوجوان گفت از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود:

«کل-حسب و نسب يوم القيامة منقطع الا حسبي و نسبي -روایت- ۱-۵۹ همه رابطه‌های فامیلی اعم از حسبی و نسبی در روز قیامت منقطع می‌شود مگر حسب و نسب من که ارتباطش قطع نمی‌شود. اگر دوست دارید. آیه شریفه فاذا نفخ فی الصور فلا أنساب بینهم یومئذ و لا یتسألون را تلاوت کنید. -قرآن- ۱۵۶-۲۱۹ [۱۰۷] انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون [مومنون ۱۱۱] من هم امروز به [پاس آن که صبر کردند، به آنان پاداش دادم آری ایشان هستند که از رستگاران اند. -قرآن- ۷-۶۱ [۵۶۵] علقمه نقل کرده است عبد الله بن مسعود قاری مشهور قرآن کریم و صحابی معروف رسول الله صلی الله علیه و آله در تفسیر و توضیح آیه کریمه انی جزیتهم الیوم بما صبروا گفت پاداش نیکو و جنت رضوان به کسانی داده می‌شود که بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و محبت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام پایداری کرده و صبور بوده‌اند. -قرآن- ۱۷۰-۲۰۲ و همچنین در انجام دادن طاعات و فرایض مطیع و فرمانبردار بوده بر فقر و گرسنگی ناشکیبائی نکرده‌اند، به معاصی نزدیک نشده و به هنگام بلا و گرفتاری بی‌تابی نکرده‌اند و انهم هم الفائزون یعنی اینکه طایفه که اینکه گونه‌اند اهل نجات‌اند و از حساب و محاسبه رهایی می‌یابند. -قرآن- ۱۸۶-۲۰۷ [صفحه ۱۹۹] [۱۰۸] فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة یخافون یوماً تتقلب فیہ القلوب و الابصر. [نور/ ۳۷] در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند. -قرآن- ۷-۲۲۷ مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند. [۵۶۶] ابی داود از ابی برزه نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آیه شریفه فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ ... فرمود منظور از بیوت در آیه بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است -قرآن- ۱۱۶-۱۶۹ سؤال شد، یا رسول الله آیا بیت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هم از آن جمله است فرمود: بلی بلکه از افضل آن بیوت است [۵۶۷] ابان بن تغلب از نفع بن حارث نقل کرد که انس بن مالک و بریده گفته‌اند: چون مصطفی صلی الله علیه و آله آیه کریمه فی بیوت اذن الله ان ترفع ... را در میان جمعیت قرائت فرمود مردی از آن میان برخاست و پرسید: اینکه «خانه‌ها» که در آیه تلاوت فرمودید کدام خانه‌ها و از خانه‌های چه طایفه‌ای است -قرآن- ۱۴۶-۱۷۹ مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: آن خانه‌های انبیاست که دارای چنین منزلتی است ابو بکر از میان جمعیت برخاست و با دست اشاره به بیت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام کرد و پرسید: یا رسول الله آیا اینکه خانه هم از آن خانه‌هایی است که با آیه ان ترفع فیها اسمہ یسبح له ... ارتباط دارد! -قرآن- ۸۶-۱۲۱ [صفحه ۲۰۰] مصطفی صلی الله علیه و آله با تأکید فرمود: بلی اینکه بیت از بهترین بیوتی است که به اینکه آیه شریفه ارتباط پیدا می‌کند. [۵۶۸] انس بن مالک و بریده نقل کردند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان جماعتی از روات آیه فی بیوت اذن الله ان ترفع را قرائت کرد. -قرآن- ۷۶-۱۰۹ مردی از آن میان برخاست گفت بیوتی که اینکه چنین با ارزش هستند بیوت چه کسانی است مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: آن بیوت انبیاست ابو بکر پرسید! یا رسول الله آیا بیت فاطمه و علی علیهما السلام هم از جمله آن بیوت هستند! حضرت فرمود: بلی بلکه از افضل آن بیوت بیت فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام است [۱۰۹] و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فأولئک هم الفائزون [نور/ ۵۲] و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند آنان‌اند که خود کامیاب‌اند. -قرآن- ۷-۸۰ [۵۶۹] ضحاک از ابن عباس مفسر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه نقل کرد و من یطع الله و رسوله و یخش الله ... یعنی کسانی که خدا و رسول را اطاعت می‌کنند و از گناهان و خطاهای گذشته خویش خائف‌اند، و نفس خویش را برای آینده کنترل و مراقبت می‌کنند. فاولئک هم الفائزون آنان رستگار و اهل نجات‌اند و وارد بهشت می‌شوند. -قرآن- ۸۴-۱۲۵ -قرآن- ۲۸۹-۳۱۱ ابن عباس در ادامه سخن گفت اینکه آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد که دارای چنین صفاتی بوده است [صفحه ۲۰۱] [۱۱۰] وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض -قرآن- ۷-۸۱ [نور/ ۵۵] خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند،

و عده داده است که حتماً آنان را در اینکه سرزمین جانشین خود قرار دهد. [۵۷۰] ابی صادق از حنش روایت کرد علی علیه السلام فرمود: سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، خدای سبحان قرآن را بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به صدق و عدل نازل کرد تا با اینکه آیه شریفه مهربانی و عطوفت خویش را به کمال برساند و صالحان را وارثان زمین گرداند. [۵۷۱] سدی از ابن عباس در شأن نزول آیه کریمه وعد الله الذین آمنوا ... گفت اینکه کلام یزدان در شأن آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شد. که آن بزرگواران را وعده خلافت بر روی زمین داده است - قرآن - ۶۰-۸۴ [۵۷۲] عبد الرحمن از قاسم بن عوف حکایت کرد، شنیدم عبد الله بن محمد ۱۰۵ - -پاورقی - ۸۹-۹۱-قرآن - ۱۳۳-۱۸۲ آن کسانی که خدای سبحان به آنان وعده خلافت و جانشینی در زمین را داده است ما اهل بیت و خاندان مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم [۱۱۱] و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً و کان ربک قدیراً. [فرقان ۵۴] و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست - قرآن - ۷-۸۴ [صفحه ۲۰۲] [۵۷۳] حکیم بن ظهیر حدیثی از سدی نقل کرد، که وی گفته کلام ربانی هو الذی خلق من الماء بشراً ... درباره نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نازل شد. آن هنگام که پیامبر فاطمه علیها السلام دختر خویش را به تزویج پسر عم خود درآورد. که در اینکه ازدواج هم رابطه نسبی و هم سببی وجود دارد. که علی علیه السلام هم پسر عموی نبی صلی الله علیه و آله و هم داماد آن حضرت است و آیه شریفه به اینکه معنی اشاره کرده است - قرآن - ۸۰-۱۱۳ [۵۷۴] ابوقتیبه تیمی گفت از ابن سیرین شنیدم در توضیح آیه شریفه فجعله نسباً وصهراً بیان کرد: قرآن - ۸۰-۱۰۰ آن مرد بزرگی که افتخار پیوند نسبی و سببی را پیدا کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام است که هم پسر عم و هم داماد مصطفی صلی الله علیه و آله است و خدای سبحان او را فامیل نسبی و سببی یعنی پسر عم و داماد نبی صلی الله علیه و آله قرار داد. [۱۱۲] و اجعلنا للمتقین اماماً [فرقان ۷۴] و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده - قرآن - ۷-۳۲ [۵۷۵] ابان بن تغلب گفت از جعفر بن محمد علیه السلام در توضیح کلام رحمان الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قره عین و اجعلنا للمتقین اماماً سؤال کردم - قرآن - ۹۵-۱۸۴ آن جناب فرمود: ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم که مورد تقاضا قرار گرفتیم تا امام و پیشوای متقین شویم [۵۷۶] ابی هارون از ابی سعید خدری در تفسیر آیه شریفه ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا ... نقل کرده است که مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: از جبرئیل پرسیدم منظور از «ازواجنا» کیست جبرئیل گفت خدیجه کبری - قرآن - ۶۴-۱۰۱-قرآن - ۲۰۱-۲۱۰ پرسیدم منظور از ذریاتنا چیست [صفحه ۲۰۳] جبرئیل گفت فاطمه علیها السلام سؤال کردم پس قره عین چه کسانی هستند! - قرآن - ۵۶-۶۶ جبرئیل گفت حسن و حسین علیهما السلام هستند. آن گاه سؤال کردم و اجعلنا للمتقین اماماً کیست - قرآن - ۲۳-۴۸ جبرئیل گفت علی بن ابی طالب علیه السلام که امام متقین و مؤمنین است [۱۱۳] ان نشأ ننزل علیهم من السماء ایة فظلت اعناقهم لها خاضعين [شعراء/ ۴] اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم تا در برابر آن گردن‌هایشان خاضع شود. - قرآن - ۷-۷۵ [۵۷۷] ابی صالح از عبد الله بن عباس در توضیح و تفسیر آیه کریمه فوق چنین نقل کرده است که ابن عباس گفت اینکه کلام الهی درباره ما و بنی امیه نازل شد. دولت و حکومت برای ما خواهد بود و بنی امیه بعد از عزت سلطنت به ذلت کشیده می شوند و سپس آیه ان نشأ ننزل علیهم من السماء ... را قرائت کرد. - قرآن - ۳۰۵-۳۴۴ [۱۱۴] فما لنا من شافعیین ولا صدیق حمیم [شعراء/ ۱۰۱] در نتیجه نه شفاعت کننده و نه دوست نزدیکی داریم - قرآن - ۷-۴۷ [۵۷۸] عباد بن یعقوب از عیسی و او از پدرش نقل کرد جعفر بن محمد علیه السلام از قول پدر بزرگوارش فرمود: آیه فما لنا من شافعیین ولا صدیق حمیم در شأن ما اهل بیت و شیعیان حقیقی ما نازل شده است - قرآن - ۶-۴۵ [صفحه ۲۰۴] چون خدای سبحان به ما و شیعیانمان فضیلت شفاعت عنایت کرد تا در جای خودش که قیامت باشد از آنان شفاعت کنیم کسانی که در صحنه قیامت حاضر شوند، و از شفیع و شفاعت آگاه شوند، با حسرت می گویند فما لنا من شافعیین یعنی برای ما شفیعی نیست «۱۰۶» - قرآن - ۹۵-۱۱۵-پاورقی - ۱۴۸-۱۵۰-قرآن - ۱۵۷-۱۸۱-قرآن - ۲۷۹-۳۰۳ رسول الله صلی الله علیه و آله فرزندان عبد المطلب را که در آن روز چهل نفر بودند دعوت کرد. به علی علیه السلام فرمود: که ران

گوسفندی را بریان کرده غذایی مهیا کن آن گاه آنان را با نام خدا فرا بخوان آنان ده نفر ده نفر بر سر سفره نشستند و همگان از آن غذا تناول کردند و سیر شدند. ابو لهب شروع به سخن کرد و گفت اینکه مرد چه ساحر ماهری است نبی صلی الله علیه و آله ساکت بود و سخنی نمی گفت روز بعد نیز همان طعام را مهیا کردند و پس از خوردن پیامبر صلی الله علیه و آله برای انداز آنان پیام خدای سبحان را ابلاغ کرد و فرمود: ای فرزندان عبد المطلب من نذیر و بشیر به سوی شما هستم دنیا و آخرت را برای شما ارمغان آوردم مسلمان شوید. و از من متابعت و اطاعت کنید تا هدایت شوید و نجات یابید. سپس فرمود: من یواخینی و یوازرنی یکون ولیی و وصی بعدی و خلیفتی فی اهل و یقضی دینی. -روایت ۱-۹۳ [صفحه ۲۰۵] «امروز هر کسی برادر و وزیر و پشتوانه کارهای من شود، ولی و وصی و جانشین من در میان اهل و خانواده‌ام می شود و دین مرا ادا می کند» در پاسخ به تقاضای رسول الله صلی الله علیه و آله همه قوم ساکت ماندند و کسی سخنی نمی گفت رسول الله صلی الله علیه و آله پیام خویش را سه بار تکرار کرد، و آنان همچنان ساکت بودند و سخنی نمی گفتند، اما در هر بار علی علیه السلام می گفت یا رسول الله من تو را اطاعت و اجابت می کنم مصطفی صلی الله علیه و آله می فرمود: یا علی ساکت و آرام باش بعد از سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله جماعت برخاستند. در حالی که به ابو طالب می گفتند: برو از پسر علی علیه السلام اطاعت کن چون محمد صلی الله علیه و آله او را امیر تو قرار داده است [۱۱۶] من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فرع يومئذ آمنون و من جاء بالسئية فكبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون [نمل ۹۰] هر کسی نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمن اند. هر کسی بدی به میان آورد، به رو در آتش [دوزخ سرنگون شود. آیا جز آنچه می کردید سزا داده می شوید! -قرآن- ۷-۱۴۹] محمّد بن زید نقل کرد پدرش از ابو جعفر صادق علیه السلام شنید که آن جناب فرمود: روزی ابو عبد الله جدلی به حضور امیر المؤمنین علی علیه السلام رسید. علی علیه السلام به او فرمود: یا ابا عبد الله آیا می خواهی تو را از راز و رمز و حقیقت آیات کریمه من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فرع يومئذ آمنون و من جاء بالسئية فكبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون مطلع کنم -قرآن- ۸۴-۲۲۶ ابو عبد الله گفت بلی یا امیر المؤمنین بفرمایید تا آگاه شوم علی علیه السلام فرمود: منظور و مقصود از «حسنه» در آیه شریفه حب و دوستی ما اهل [صفحه ۲۰۶] بیت است و منظور از سئیه بغض و کینه نسبت به ماست [۵۸۲] فضیل بن زبیر از ابی داود سیعی نقل کرد که ابی عبد الله جدلی گفت روزی به خدمت علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم آن بزرگوار فرمود: یا ابا عبد الله آیا می خواهی تو را از حسنه‌ای که اگر کسی انجام دهد خدا او را به بهشت داخل می کند و از سئیه‌ای که انجام دهنده آن با پیشانی در آتش افکنده شود و هیچ عملی با آن سئیه پذیرفته نشود، خبر دهم گفتم بلی یا امیر المؤمنین آن حضرت فرمود: «حسنه» حب ما اهل بیت و «سئیه» بغض و کینه نسبت به ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است [۵۸۳] جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی اگر اتمم آن قدر روزه بگیرند تا مثل «میخ شوند و شب و روز در حال نماز باشند تا مثل کمان منحنی شوند با اینکه همه نماز و روزه اگر دشمن تو باشند و کینه تو را در دل داشته باشند خدای جبار، آنان را با صورت و [بینی در آتش جهنم می اندازد. [۵۸۴] عطیه از ابو سعید خدری نقل کرد در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه شخصی به دست فردی کشته شد. مصطفی صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: هر کسی با اهل بیت من دشمن باشد خدای عزّ و جلّ او را با صورت در آتش جهنم می افکند. [۵۸۵] جابر بن عبد الله و انس بن مالک گفتند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی لو انّ امّتی ابغضوک لا کبهم الله علی مناخرهم فی النار». -روایت ۱-۷۳ یا علی هر کسی از اتمم با تو دشمنی کند. خدای سبحان او را با صورت و بینی در آتش جهنم سرنگون می کند. [۵۸۶] عطاء بن ابی رباح از قول ابن عباس نقل کرده است که روزی مصطفی صلی الله علیه و آله در جمع بنی هاشم فرمود: ای بنی هاشم من سه چیز از خدای مّان برای شما خواستم [صفحه ۲۰۷] به جاهل بنی هاشم علم و حکمت و به عالم ثبات قدم عنایت کند و نسبت به شما رحمت کند و شما را نجابت عطا فرماید. و بدانید اگر کسی بین رکن و مقام را لانه خود سازد

و در آن جا به عبادت پردازد ولی دشمنی و بغض بنی هاشم را در دل داشته باشد خدای تعالی او را با صورت در آتش جهنم واژگون می‌کند. [۵۸۷] فضیل رسان از ابی داود سیعی نقل کرد، ابو عبد الله جدلی از قول علی علیه السلام حدیثی را روایت کرد که امیر المؤمنین علی علیه السلام به من فرمود: یا ابا عبد الله آیا خبر دهم تو را از آن حسنه‌ای که خدای سبحان دارندگان آن حسنه را در روز قیامت در رفاه و آسایش قرار می‌دهد! بدان که آن حسنه محبت و دوستی ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله است و آن سیئه‌ای که موجب سرنگونی در جهنم است دشمنی و کینه نسبت به ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است سپس آیه کریمه و من جاء بالسَّيِّئَةِ فَكَبُتْ وَجْهُهُمْ فِي النَّارِ را تلاوت کرد. -قرآن- ۱۶-۶۲ [۵۸۸] ابی امامه باهلی گفت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: انَّ الله خلق الانبياء من شجر شتى و خلقنى و علياً من شجرة واحدة، فانا اصلها و على فرعها و الحسن و الحسين ثمارها و اشياعنا اوراقها. فمن تعلق بغصن من اغصانها نجى و من زاع هوى و لو انَّ عابداً عبد الله الف عام ثم الف عام ثم الف عام ثم لم يدرك محبتنا اهل البيت اكبه الله على منخريه فى النار. -روایت- ۱-۳۴۹ خدای سبحان پیامبران را از درخت‌های مختلف و پراکنده خلق کرد. اما من و علی علیه السلام را از درخت واحد خلق کرد. من اصل شجره هستم و علی علیه السلام فرع آن است حسن و حسین علیه السلام میوه‌های اینکه درخت هستند. شیعیان ما برگ‌های سبز اینکه درخت‌اند. هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های اینکه درخت بچسبد و آویزان شود، نجات می‌یابد و هر کسی از آن جدا شود و فاصله گیرد هلاک گردد. [صفحه ۲۰۸] اگر عابدی سه هزار سال عبادت کند و حال اینکه که محبت ما اهل بیت را درک نکند، خدای رحمان او را با صورت در آتش جهنم سرنگون کند. سپس اینکه آیه شریفه قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة فى القربى را تلاوت کرد. -قرآن- ۲۶-۸۱ [۱۱۷] و نريد أن نمْن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين [قصص ۴] و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت گذاریم و آنان را پیشوایان [مردم گردانیم و ایشان را وارث [زمین قرار دهیم -قرآن- ۷-۹۵ [۵۸۹] محمد بن سنان از مفضل بن عمر نقل کرد، که او گفت از جعفر بن محمد صادق علیه السلام شنیدم فرمود: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به علی حسن و حسین علیهم السلام نظر انداخت و شروع به گریه کرد و اشک ریخت سپس فرمود: شما مستضعفین بعد از من هستید. مفضل گفت پرسیدم یابن رسول الله معنی اینکه کلام پیامبر صلی الله علیه و آله چیست فرمود: یعنی مصطفی صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین علیهم السلام گفت بعد از من ائمه و امام هستید، و خدای سبحان می‌فرماید: و نريد أن نمْن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين و اینکه آیه کریمه درباره ما اهل بیت و امامان امت تا قیامت جریان دارد. -قرآن- ۱-۸۹ [۵۹۰] ربيع بن ناجذ گفت علی علیه السلام فرمود: ليعطفن علينا الدنيا عطف الضروس علی ولدها -روایت- ۱-۴۹ ، سپس آیه و نريد ان نمْن على الذين ... را تلاوت کرد. -قرآن- ۱۳-۴۴ [۵۹۱] ابی صادق از حش نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: هر کسی بخواهد از کارها و ارتباط ما با مردم و قوم قریش سؤال کند، بداند که ما و شیعیانمان از [صفحه ۲۰۹] روزی که خدای سبحان زمین و آسمان را خلق کرد بر سنت و سیره موسی علیه السلام و پیروان او بودیم و هستیم و دشمنان ما هم از روز خلقت زمین و آسمان بر مرام و مسلک و سنت فرعون و اتباع و پیروانش بودند و هستند. سپس اینکه دو آیه شریفه را تلاوت کند ان فرعون علا- فى الارض و نريد ان نمْن على الذين استضعفوا -قرآن- ۴۵-۷۳ -قرآن- ۷۴-۱۱۴ آن گاه فرمود: سوگند به خدای سبحان که بر موسی علیه السلام کتابی از سر صدق و عدل نازل شد که اینکه مطلب را خبر داده بود ليعطفن عليكم هولاء الآيات عطف الضروس علی ولدها. -روایت- ۱-۵۷ [۵۹۲] عبد الجبار از عثمان اعشى ثقفی و او از ابی صادق نقل کرد علی علیه السلام فرمود: آیه شریفه و نريد ان نمْن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين برای ما و درباره ماست «۱۰۷ -قرآن- ۱۱۷-۲۰۴-پاورقی- ۲۳۲-۲۳۴ [۵۹۵] عبد الله بن محمّد بن عقیل از قول جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا بنی هاشم انتم المستضعفون المقهورون المستذلون بعدی -روایت- ۱-۶۹ ای بنی هاشم بعد از من حق شما را تضعیف و شما را مقهور قرار می‌دهند، و آن عزّتی که در زمان حیات من

داشتید، به ذلت و خواری تبدیل می‌کنند. [۵۹۷] عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت حسین علیه السلام و او از پدرش حسین بن علی علیه السلام نقل کرده‌اند که ابا عبد الله الحسین علیه السلام فرمود: «نحن المستضعفون ونحن المقهورون ونحن عتره رسول الله فمن نصرنا فرسول الله نصر و من خذلنا فرسول الله خذل -روایت- ۱-۱۲۵ به یقین ما به سبب حمایت نشدن مستضعف و مقهور قرار گرفتیم ما عترت مصطفی صلی الله علیه و آله هستیم هر مسلمانی ما را یاری و نصرت دهد رسول الله صلی الله علیه و آله را یاری داده [صفحه ۲۱۰] است و هر کسی ما را خوار گرداند، رسول الله صلی الله علیه و آله را خوار کرده است بدانید ما و دشمنانمان در روزی که یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً ... -قرآن- ۴۰-۸۳ تجمع می‌کنیم آنان به سزای دشمنی خویش می‌رسند. [۱۱۸] قال سنشد عضدک بأخیک و نجعل لکما سلطاناً. [قصص ۳۵] فرمود: به زودی بازویت را به [وسیله برادرت نیرومند خواهیم کرد و به شما هر دو قدرت می‌دهیم -قرآن- ۷-۵۲] منذر از ابان بن تغلب و او از انس بن مالک خدمتکار رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرد، در یک سرزمینی که عده‌ای به تجاوز و نافرمانی پرداختند، آن حضرت عده‌ای از اصحاب را به فرماندهی فردی به نام مصدق برای سرکوبی آنان فرستاد، آن متجاوزان مصدق را به قتل رساندند. چون خبر کشتن او به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید، خیلی متأثر و ناراحت شد. بلافاصله علی مرتضی علیه السلام را به فرماندهی عده‌ای از اصحاب به سرکوبی و تنبیه آنان اعزام کرد. علی علیه السلام مثل صاعقه بر سر آن یاغیان فرود آمد. جنگجویان آنان را کشت و فرزندان‌شان را اسیر گرفت و به سوی مدینه بازگشت وقتی خبر پیروزی به مصطفی صلی الله علیه و آله رسید، بسیار مسرور و دلشاد شد. علی علیه السلام چون به نزدیک مدینه رسید. نبی صلی الله علیه و آله به استقبال وی آمد و او را در آغوش گرفت و معانقه کرد. سپس بین دو چشم او را بوسید. و فرمود: «یا علی بابی انت و امی من شد عضدی به کما شد عضد موسی بهارون. -روایت- ۱-۸۶ [صفحه ۲۱۱] پدر و مادرم فدای آن یار و یآوری که خدای تعالی بازوان مرا به وسیله او تقویت کرد. همان طور که بازوی موسی را به وسیله هارون محکم کرد. [۱۱۹] أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه کمن متعناه متاع الحیاة الدنیا ثم هو یوم القیمه من المحضرين [قصص ۶۱] آیا کسی که وعده نیکو به او داده‌ایم و او به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از زندگی دنیا بهره‌مندش کرده‌ایم پس او روز قیامت از [جمله] احضار شدگان در آتش است -قرآن- ۷-۱۱۶ [۵۹۹] ابان بن تغلب از قول مجاهد در شأن نزول آیه کریمه أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه ... بیان کرد: -قرآن- ۶۹-۱۰۶ اینکه آیه درباره علی علیه السلام و حمزه سید الشهداء و ابی جهل نازل شد که در قیامت به علی علیه السلام و حمزه وعده نیکو و به ابو جهل وعده عذاب داده خواهد شد. [۶۰۰] ابان بن تغلب از مجاهد درباره آیه شریفه أ فمن وعدناه وعداً حسناً فهو لاقیه ... گفت اینکه آیه در شأن علی علیه السلام و حمزه نازل شد که پیوسته مورد لطف و عنایت خدای سبحان هستند، و در اینکه آیه وعده نیکو به آنان داده است -قرآن- ۵۶-۹۳ و ادامه آیه کمن متعناه متاع الحیاة الدنیا در مذمت ابو جهل و توبیخ او نازل شده است -قرآن- ۱۵-۴۹ [۶۰۱] ابی صالح از عبد الله بن عباس در توضیح اینکه آیه شریفه بیان کرد که ابن عباس گفت أ فمن وعدناه وعداً حسناً در شأن علی علیه السلام جعفر طیار و حمزه سید الشهداء نازل شد، چون که خدای سبحان در دنیا از زبان نبی صلی الله علیه و آله به آنان وعده نیکو داد و اینکه سه تن اخیر در قیامت پاداش‌های نیکوی خویش را دریافت می‌کنند. -قرآن- ۱۱۶-۱۴۲ و منظور از دنباله آیه کمن متعناه متاع الحیاة الدنیا ابو جهل بن هشام است که به -قرآن- ۲۶-۶۰ [صفحه ۲۱۲] واسطه متاع چند روزه دنیا راه طغیان و مخالفت بر ضد محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را با اصرار ادامه داد، و او طبق آیه ثم هو یوم القیمه من المحضرين از کسانی است که در جهنم معذب است -قرآن- ۱۵۲-۱۸۸ [۱۲۰] الم أ حسب الناس أن یتروکوا أن یقولوا آمناً و هم لا یفتنون [عنکبوت ۲] الف لام میم آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند! -قرآن- ۷-۷۶ [۶۰۲] عیید الله بن حسین از پدرش و پدر او از جدش و جد او از حسین بن علی علیه السلام نقل کرده است که علی علیه السلام فرمود: وقتی آیه کریمه الم أ حسب الناس أن یتروکوا أن یقولوا آمناً و هم لا یفتنون بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد از آن حضرت پرسیدم یا رسول الله

اینکه چه فتنه و آزمایشی است که در کلام خدای جلیل ذکر شد! -قرآن- ۱۸۰-۲۵۰ فرمود: «یا علی؟ اَنِّکَ مبتلی و مبتلی بک - روایت- ۱-۴۴ یعنی یا علی تو مورد آزمایش واقع می‌شوی و مردم هم به سبب تو آزمایش می‌شوند و در فتنه می‌افتند و مفتون می‌شوند. [۶۰۳] ابی معاذ بصری نقل می‌کند، همراه امیر المؤمنین علی علیه السّلام در جنگ جمل بودم وقتی بصره را فتح کرد، نماز ظهر را با مردم و لشکریان به جماعت اقامه کرد. در پایان نماز رو به مردم کرد و فرمود: ای مردم آنچه می‌خواهید برسید! عتّاب بن قیس برخاست و گفت یا علی آیا در مورد فتنه از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤالی کردی! علی علیه السّلام فرمود: بلی آن هنگام که آیه الم أ حسب الناس ان یترکوا ... بر پیامبر نازل شد. اطراف آن حضرت جمع شدیم و گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای وجود نازنینت اینکه فتنه‌ای که امت تو به آن مبتلا می‌شوند چیست -قرآن- ۵۷-۸۹ [صفحه ۲۱۳] رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی از آنچه در ذهن داری سؤال کن گفتم یا رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تو برای چه چیزهایی جهاد و تلاش کنیم فرمود: علی الاحداث یا علی -روایت- ۱-۳۰ پرسیدم یا رسول الله فیّنها لی -روایت- ۱-۳۵. فرمود: کل شیء یخالف القرآن و سنتی -روایت- ۱-۳۶ با هر چیزی که مخالف قرآن و سنت من است مخالفت و مقابله کنید. [۱۲۱] أم حسب الذين یعملون السّیئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون من کان یرجوا لقاء الله فان أجل الله لات و هو السّميع العليم و من جاهد فإنما یجاهد لنفسه انّ الله لغنی عن العالمین و اللّذین آمنوا و عملوا الصّالحات لنکفرنّ عنهم سیّئاتهم و لنجزینهم أحسن الذّی کانوا یعملون [عنکبوت ۴۸] آیا کسانی که کارهای بد می‌کنند، می‌پندارند که بر ما پیشی خواهند جست چه بد داوری می‌کنند. کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که اجل او از سوی خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا. -قرآن- ۷-۳۱۳ و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهیم [۶۰۴] ابی صالح نقل کرد، ابن عبّاس در توضیح آیه شریفه أم حسب اللّذین یعملون السّیئات بیان کرد. اینکه قسمت آیه شریفه در مذمت عتبه و شیبیه و ولید بن عتبه که به مبارزه علی علیه السّلام و حمزه و عبیده در جنگ بدر حاضر شدند نازل شد. -قرآن- ۶۶-۱۰۰ و آیه من کان یرجوا لقاء الله فان أجل الله لات و هو السّميع العليم و من جاهد فإنما یجاهد لنفسه در ۶-۱۰۲ [صفحه ۲۱۴] یجاهد لنفسه در تحسین و تمجید علی علیه السّلام و حمزه سید الشهداء و ابو عبیده نازل شد که به امید ثواب و توقّع لقاء پروردگار در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به میدان جهاد رفتند. -قرآن- ۱-۱۴ [۶۰۵] کلبی از ابی صالح نقل کرد، عبد الله بن عباس مفسّر مشهور در توضیح شأن نزول آیه شریفه گفت و اللّذین آمنوا و عملوا الصّالحات یعنی علی علیه السّلام و حمزه و ابو عبیده لنکفرنّ عنهم سیّئاتهم که گناهان آنان را به پاس خدماتشان در جنگ بدر محو و نابود می‌کنیم و آنان را مورد لطف و نوازش و بخشش قرار می‌دهیم -قرآن- ۱۱۶-۱۵۰ -قرآن- ۲۰۱-۲۲۵ و لنجزینهم به آنان ثواب و اجر اخروی که بهشت باشد می‌دهیم -قرآن- ۱-۱۲ اینان کسانی بودند که بهترین اعمال را در دنیا انجام دادند، و اینکه سه آیه در شأن علی علیه السّلام و دو مصاحبش نازل شد. سپس شامل هر کسی که بر اینکه صفت باشد نیز می‌شود. [۱۲۲] و اللّذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا و انّ الله لمع المحسنین [عنکبوت ۶۹] و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است -قرآن- ۷-۷۴ [۶۰۶] زیاد بن منذر نقل کرد، ابی جعفر علیه السّلام فرمود: کلام خدای سبحان و اللّذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا درباره ما اهل بیت نازل شد. -قرآن- ۲۰-۵۸ [۶۰۷] ابان بن تغلب روایت کرد. ابو جعفر علیه السّلام فرمود: آیه کریمه و اللّذین جاهدوا فینا لنهذینهم سبلنا و انّ الله لمع المحسنین در حق ما اهل بیت نازل شد. و مصداق کامل آیه شریفه ما هستیم -قرآن- ۱۳-۸۰ [صفحه ۲۱۵] [۲۱۳] فآت ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السّبیل [روم ۳۸] پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده -قرآن- ۷-۵۶ [۶۰۸] سفیان ثوری از واصل احذب و او از عطاء نقل کرد ابن عباس در تفسیر و توضیح اینکه آیه گفت وقتی آیه فات ذا القربی حقّه نازل شد. رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السّلام را فرا خواند و سرزمین فدک را تقدیم و تسلیم او فرمود و مقصود از [المسکین گرسنه‌ای است که تقاضای طعام می‌کند و باید او را طعام دهند و

منظور از ابن السبیل مهمانی است که برای ضیافت به منزل کسی می‌رود، باید سه روز به عنوان مهمان او را اکرام و احترام کرد. - قرآن-۱۰-۳۱-قرآن-۱۸۱-۱۹۱-قرآن-۲۷۵-۲۹۰ سپس خدای بزرگ به رسولش خطاب می‌فرماید: یا محمد اگر اینکه خدمات را به ذوالقربی و مسکین و ابن سبیل انجام می‌دهی به قصد قربت و وجه الله انجام ده «و اولئك هم المفلحون . یا رسول الله تو و هر کسی اینکه حسنات را انجام دهد، در آخرت از آتش جهنم نجات می‌یابد و فائز و رستگار وارد بهشت خواهد شد. -قرآن-۳-۲۵- [۱۲۴] و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی [لقمان ۲۲] و هر کسی خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند، قطعاً به ریسمان استوارتری چنگ زده است -قرآن-۷-۷۹- [۶۰۹] انس بن مالک در توضیح و شرح کلام خدا و من یسلم وجهه الی الله ... گفت -قرآن-۵۴-۸۵ اینکه آیه درباره شأن و مقام علی علیه السلام نازل شده است آن حضرت نخستین مؤمن به [صفحه ۲۱۶] خدای سبحان و اولین مخلص لله بود که همه وجودش را در اختیار یزدان قرار داده و تسلیم خدای سبحان بود هو محسن یعنی او مؤمن و مطیع پروردگار بود و به عروة الوثقی مستمسک شد فقد استمسک بالعروة الوثقی که عروة الوثقی کلمه توحید و شعار لا-اله الا-الله است و علی علیه السلام در طول عمر، چنین خصوصیتی داشت -قرآن-۱-۱۰-قرآن-۸۳-۱۱۰- [۱۲۵] أ فمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستوون [سجده ۱۸] آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است -قرآن-۷-۵۷- [۶۱۰] کلبی از ابی صالح نقل کرده است که ابن عباس در توضیح آیه أ فمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستوون گفت - قرآن-۸۱-۱۳۱ منظور از مؤمن علی بن ابی طالب علیه السلام و مقصود از فاسق ولید بن عقبه است که علی علیه السلام سمبل ایمان و ولید بن عقبه معروف در فسق و فجور بود [۶۱۱] عبد الله بن عباس حکایت کرد. ولید بن عقبه در مقام خود ستایی در مقابل علی علیه السلام بر آمده و با آن حضرت به مناظره و مشاجره پرداخت و گفت «یا علی انا احد منک سناناً و اسلط منک لساناً و املاً منک حشواً فی الکتیبه». یا علی نیزه من از نیزه تو بزنده‌تر، فصاحت من از تو بیشتر و قوت من از تو افزون‌تر است علی علیه السلام فرمود: خاموش باش ای فاسق و ای بی مقدار؟ تو را نرسد که خود را با من مقایسه یا برتر بدانی سپس اینکه آیه کریمه بر مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شد. و صحت سخنان علی علیه السلام را تأیید و تأکید فرمود که مؤمنی مثل علی علیه السلام با فاسقی مثل ولید هرگز قابل مقایسه نیستند. [۶۱۲] ابی صالح از قول ابن عباس نقل کرد: [صفحه ۲۱۷] روزی ولید بن عقبه به علی علیه السلام گفت «انا ابسط منک لساناً و احد منک سناناً و املاً منک حشواً فی الکتیبه». یا علی زبان من از تو گویاتر و بزنده‌تر و نیزه من از نیزه تو تیزتر و قوت من از تو بیشتر است علی علیه السلام فرمود: ساکت باش و سخن گزاف مگو، تو فاسقی بیش نیستی و سخنان هرزه می‌گویی؟ سپس آیه شریفه أ فمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستوون بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. یعنی آیا مؤمنی پاک سیرت [مثل علی بن ابی طالب علیه السلام با فاسقی بد طینت [مثل ولید بن عقبه با هم یکسان‌اند! و هرگز [ولید با علی علیه السلام قابل مقایسه نیست -قرآن-۱۸-۶۸- [۶۱۳] عکرمه از ابن عباس نقل کرد آیه کریمه أ فمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً درباره علی علیه السلام و ولید نازل شد. -قرآن-۵۲-۸۹ که علی علیه السلام به عنوان مؤمن و ولید بن عقبه مصداق بارز فسق و فاسق است که هرگز با هم قابل مقایسه نیستند. [۶۱۴] ابی صالح از عبد الله بن عباس در شأن نزول آیه کریمه بیان کرد: أ فمن كان مؤمناً یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و کمن كان فاسقاً یعنی ولید بن عقبه بن ابی معیط لا یستوون هرگز با هم مساوی و برابر نیستند. علی علیه السلام مؤمن و الانسب و ولید بن عقبه فاسقی بد سرشت است -قرآن-۸۷-۱۰۶-قرآن-۱۵۴-۱۷۱-قرآن-۲۱۰- ۲۲۲ و ادامه آیه شریفه فلهم جنّات المأوی برای علی علیه السلام است که مسکنش در جنت است -قرآن-۲۲-۴۲ فمأواهم النار درباره ولید بن عقبه است که جای فاسقی مثل ولید در آتش سوزان است -قرآن-۱-۱۵- [۶۱۵] عمرو بن دینار از عبد الله بن عباس روایت کرد. آیه شریفه أ فمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا یستوون بعد از مجادله علی علیه السلام و ولید بن عقبه بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. -قرآن-۱۱-۶۱ پس مؤمن در آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است و فاسق ولید بن عقبه که خدای [صفحه ۲۱۸] سبحان باطن هر دو را روشن و مقام و فضیلت هر یک را بیان کرد. که مؤمنی مثل علی هرگز با فاسقی مثل ولید برابر

نیست ۱۰۸». -پاورقی- ۶۳-۶۵ [۶۱۹] محمد بن مغیره با سلسله سندش نقل کرده است اُفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستون مؤمن یعنی مصدق و فاسق یعنی منافق که با هم در ایمان دنیایی و ثواب آخرتی نزد خدا هرگز مساوی نیستند. -قرآن- ۱-۵۰ این عباس در فلسفه نزول آیه کریمه فوق چنین گفت بین علی علیه السّلام و ولید بن عقبه نزاع لفظی در گرفت و ولید در خودستایی مبالغه بسیاری کرد. و سخنان آن دو به تندی و خشونت کشید. آن گاه آیه شریفه نازل شد. که مرام و مسلک و ایمان و فسق هر یک را مشخص فرمود. تا بار دیگر ولید بن عقبه لاف بیهوده نزنند. [۶۲۰] بعضی از صحابه از قول عطاء بن یسار نقل کرده‌اند. سوره سجده به جز سه آیه آن در مکه نازل شد. که اینکه سه آیه درباره علی علیه السّلام و ولید بن عقبه است و در مدینه نازل شد. آن هنگام که ولید بن عقبه در مقابل علی علیه السّلام ایستاد و گفت من از تو شجاع‌تر و سخن‌ورتر و برترم علی علیه السّلام فرمود: ساکت باش تو فاسقی بیش نیستی و خود را با من مقایسه نکن آن گاه خدای سبحان آیه اُفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً را درباره آن دو نازل فرمود، تا همگان بدانند مؤمن یا فاسق کیست -قرآن- ۲۷-۶۴ [۶۲۲] ابو قتیبه نقل کرده است از محمد بن سیرین شنیدم در توضیح آیه شریفه اُفمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستون گفت مؤمن یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام و فاسق همان ولید بن عقبه است -قرآن- ۸۸-۱۳۸ [صفحه ۲۱۹] [۱۲۶] و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا لَمَّا صبروا و کانا بآیاتنا یوقنون [سجده ۲۴] «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را هدایت می‌کردند].» -قرآن- ۷-۷۵ [۶۲۴] ابو حمزه ثمالی از قول ابو جعفر علیه السّلام نقل کرده است که آن جناب فرمود: آیه شریفه و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا ... درباره فرزندان فاطمه علیها السّلام نازل شده است -قرآن- ۱۱۲-۱۴۵ آنان امامانی هستند که به امر پروردگار، بندگان خدا را به هدایت رهنمون می‌کنند. [۶۲۵] جابر بن عبد الله انصاری از ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد. آیه کریمه و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا منحصرراً در حق فرزندان فاطمه علیها السّلام نازل شد خدای سبحان از فرزندان زهرا علیها السّلام امامانی را قرار داد که به امر یزدان به هدایت بندگان مبادرت می‌نمایند. -قرآن- ۹۱-۱۲۴ [۶۲۶] عطاء بن یسار از ابن عباس مفسر مشهور قرآن در توضیح و تفسیر آیه شریفه و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا بیان کرده است -قرآن- ۹۰-۱۲۳ خدای تعالی بعد از موسی کلیم و هارون برای بنی اسرائیل هفت نفر از فرزندان هارون را امام آن جماعت قرار داد. همچنین بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله هفت نفر را به عنوان امام نصب و معرفی کرد. که علی علیه السّلام و شش نفر از فرزندان او هستند. سپس بعد از هفت نفر فرزندان هارون پنج نفر دیگر را به عنوان امام نصب و معرفی کرد. و آنان را به دوازده نفر رسانید. و همچنین بعد از شش نفر فرزندان علی علیه السّلام پنج تن دیگر از فرزندان او را به امامت برگزید و عده آنان را به دوازده نفر رسانید تا طبق آیه و جعلنا منهم ائمةً یهدون بامرنا امامت امت را به عهده گرفتند. -قرآن- ۱۷۶-۲۰۹ [صفحه ۲۲۰] [۱۲۸] من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً. [احزاب ۲۳] از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین انتظارند و] هرگز عقیده خود را تبدیل نکردند [تغییر ندادند]. -قرآن- ۷-۱۲۱ [۶۲۷] ابی اسحاق از علی علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: آیه کریمه رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه ... در شأن و منزلت ما نازل شد، به خدا سوگند من از منتظران شهادت در راه عهد و پیمانی که با خدای یگانه بستم هستم و تبدیل و تغییری هم در آن نیست -قرآن- ۱۱-۴۷ [۶۲۸] مقاتل از ضحاک نقل کرد عبد الله بن عباس در شرح و توضیح آیه شریفه من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه بیان کرد یعنی علی علیه السّلام حمزه و جعفر که از مؤمنان صادق در پیمان با خدا هستند، فمنهم من قضی نحبه از میان آن سه تن حمزه و جعفر طیار در راه پیمان با خدا استقامت و ایثار کردند تا به لقاء الله رسیدند. -قرآن- ۹۱-۱۴۱ -قرآن- ۲۴۹-۲۷۱ و منهم من ینتظر فقط علی علیه السّلام است که منتظر شهادت در راه خدا و وفای به عهد است به خدا سوگند در پایان عمرش خدای سبحان شهادت را نصیب آن حضرت کرد. -قرآن- ۱-۱۸ [۱۲۹] و کفی الله المؤمنین القتال [احزاب ۲۵] و خدا [زحمت جنگ را از مؤمنان برداشت -قرآن- ۷-۳۸ [۶۲۹] سفیان ثوری از زبیر و او از مَرَّة

نقل کرد «۱۰۹» - پاورقی - ۵۶-۵۸ [صفحه ۲۲۱] صحابی معروف مصطفی صلی الله علیه و آله آیه شریفه و کفی الله المؤمنين القتال را قرائت می کرد و می گفت خدای سبحان در جنگ ها به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از مؤمنین و مسلمین دفاع می کرد و فتنه کفار بر ضد مسلمانان را با دست توانای علی علیه السلام سرکوب و خاموش می کرد. - قرآن - ۶۰-۹۱ [۶۳۳] مقاتل از ضحاک نقل کرد، عبد الله بن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و کفی الله المؤمنين القتال بیان کرد: - قرآن - ۹۱-۱۲۲ خدای قادر در جنگ خندق خطر کفار و شرارت عمرو بن عبد ود را به وسیله علی بن ابیطالب علیه السلام دفع کرد. [۶۳۴] حذیفه بن یمان از اصحاب نزدیک رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت مفصّلی را از جنگ خندق نقل می کند که چنین است عمرو بن عبد ود از خندق عبور کرد و در مقابل لشکر مصطفی صلی الله علیه و آله ایستاد و با صدایی بلند و فریادی مستانه مبارز طلبید. رسول خدا به یاران خود فرمود: چه کسی صدای او را خاموش می کند! هیچ کسی از جایش تکان نخورد و حرکت نکرد و همگان خاموش بودند، در آن هنگام علی علیه السلام برخاست و گفت یا رسول الله من آماده جانبازی هستم رسول خدا فرمود: یا علی صبر کن و در جای خود بنشین دوباره رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: چه کسی به مبارزه عمرو مبادرت می کند! باز هم کسی سخنی نگفت و همگی ساکت نشستند بار سوم مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: آیا کسی در میان شما هست که نعره عمرو را خاموش کند و شر او را دور گرداند. باز هم کسی را جرات سخن گفتن نبود، همه ساکت بودند و حتی بعضی خود را پنهان می کردند. علی علیه السلام از جا برخاست و گفت یا رسول الله من کمر همت بر میان بسته و آماده [صفحه ۲۲۲] رزم و پیکار با عمرو هستم مصطفی صلی الله علیه و آله او را به نزد خویش فرا خواند و فرمود: یا علی علیه السلام او عمرو بن عبد ود است که در شجاعت بی نظیر است امیر المؤمنین علی علیه السلام گفت یا رسول الله من هم علی بن ابی طالب هستم که پهلوانی را از اجداد خویش آموختم رسول الله صلی الله علیه و آله زره خود را بر تن او پوشاند و عمامه اش را بر سرش بست و ذو الفقار، شمشیر مخصوص خود را به دست او داد سپس فرمود: خدایا؟ علی را از چپ و راست و از جلو و عقب حفظ فرما. علی علیه السلام به سرعت و با چابکی خود را به عمرو بن عبد ود رساند و به او گفت کیستی و نامت چیست عمرو گفت گمان نمی کردم کسی مرا شناسد؟ مرا عمرو بن عبد ود می گویند. اما نام تو چیست گفت من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم عمرو گفت نوجوانی بودی که در حجره ابو طالب تو را دیدم من از کشتن تو اکراه دارم و به قتل تو راضی نیستم علی علیه السلام فرمود: امّا من نه تنها در کشتن تو اکراهی ندارم بلکه در نابودی تو بسیار راغبم و لیکن شنیدم دست در پرده کعبه انداختی و عهد کردی هر که سه خواسته از تو داشته باشد حتماً یکی را اجابت می کنی عمرو گفت درست است من چنین عهدی کردم علی علیه السلام فرمود: ای عمرو؟ حالا - که چنین است بیا از جنگ دست بردار و از همان راهی که آمدی برگرد. عمرو گفت اینکه محال است علی علیه السلام فرمود: دین و آیین ما، را بپذیر آنچه برای ماست برای تو نیز خواهد بود [صفحه ۲۲۳] عمرو گفت اینکه را هم نمی پذیرم علی علیه السلام فرمود: تو سواره‌ای و من پیاده‌ام و اینکه سزاوار نیست عمرو با عصبانیت گفت تاکنون چنین درخواستی را نشنیده‌ام اسب خود را تازیانه زده از میدان دور کرد. آن گاه به نبرد پرداخت عمرو که مردی قوی هیکل بود در اثنای مبارزه شمشیری را بر فرق علی علیه السلام فرود آورد. ضربه چنان محکم بود که علاوه بر سپر، سر را شکافت و خط شمشیر بر پیشانی مبارک آن حضرت ماند. علی علیه السلام درست در آن هنگام با شمشیر از پایین پاهای عمرو را هدف گرفت و دو پای او را قطع کرد، عمرو بر زمین افتاد، و صدای تکبیر پیروزی علی علیه السلام در فضای میدان طنین انداز شد. رسول الله صلی الله علیه و آله با شنیدن صدای تکبیر فرمود: به خدا سوگند، علی علیه السلام پیروز شد، و عمرو کشته شد. عمر بن خطاب نخستین کسی بود که خود را به او رساند، دید علی علیه السلام شمشیر خود را با سپر عمرو پاک می کند، عمر با صدای بلند تکبیر گفت و عرض کرد: یا رسول الله آسوده خاطر باش که عمرو بن عبد ود کشته شد. پیامبر صلی الله علیه و آله رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: یا علی «فلو وزن اليوم عملک بعمل امّیه محمّد صلی الله علیه و آله لرجح عملک بعملهم و ذلک انه لم یبق بیت من بیوت المشرکین الا و قد دخله و هن بقتل

عمرو و لم یبق بیت من بیوت المسلمین الا و قد دخله عزّ بقتل عمرو». -روایت- ۱-۲۶۰ اینکه پیروزی و ثواب آن بر تو مبارک باد. اگر عمل امروز تو با اعمال امت محمد صلی الله علیه و آله مقایسه و موازنه شود، همین یک عمل تو برتر و با فضیلت‌تر از همه اعمال امت من است چون هیچ خانه‌ای از مشرکان و هیچ قلبی از آنان نیست که با کشتن عمرو بن عبدود، سستی و یأس و نومی‌دی در آن راه نیافته باشد [صفحه ۲۲۴] و از طرف دیگر هیچ خانه‌ای از مسلمانان نیست که با کشتن عمرو بن عبدود، شادی و سرور و عزّت در آن داخل نشده باشد پس عمل واحد تو بر همه اعمال امت من رجحان دارد. [۶۳۵] عبد الله بن محمد بن عمر بن علی علیه السّلام از پدرش و پدر او از پدرش نقل کرد که علی علیه السّلام فرمود: «عمرو بن عبدود در جنگ خندق با جمعی از قریش باریکه‌ای از خندق را پیدا و با اسبان خویش از آن تنگه عبور کردند و در مقابل لشکر نبی صلی الله علیه و آله ایستادند. عمرو بن عبدود که از همه مغرورتر بود رجز می‌خواند و مبارز می‌طلبید. در آن موقع کسی را جرأت و قدرت مقابله با او نبود. من برای مقابله با او برخاستم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی آن مبارز، عمرو بن عبدود است گفتم یا رسول الله من هم علی بن ابی طالبم هیچ خوفی و ترسی از او ندارم پس به سویش رفتم و دعایی که رسول الله صلی الله علیه و آله به من تعلیم داده بود خواندم و آن دعا چنین بود اللهم بک أصول و بک اجول و بک أدرء فی نحره -روایت- ۱-۵۵ چون به نبرد مشغول شدم ضربتی بر سرم حواله کرد. من هم او را با ضربتی محکم‌تر بر خاک انداختم همراهان او پراکنده شده گریختند. [۶۳۶] بهز بن حکیم از پدرش و او از جدش نقل کرده است که نبی صلی الله علیه و آله فرمود: لمبارزة علی بن ابی طالب علیه السّلام لعمر بن عبدود یوم الخندق أفضل من عمل أمتی الی یوم القيامة. -روایت- ۱-۱۲۱ یعنی پاداش مبارزه و فضیلت نبرد علی علیه السّلام با عمرو بن عبدود در جنگ خندق از همه اعمال امت من تا روز قیامت با فضیلت‌تر و برتر است «۱۱۰ -پاورقی- ۱۶۷-۱۶۹ [صفحه ۲۲۵] [۱۳۰] آنما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرم تطهیرا. [احزاب ۳۳] خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. -قرآن- ۷-۷۵ [۶۳۷] أنس بن مالک ۱۱۱» -پاورقی- ۲۳-۲۵ «الصّلاة یا أهل البیت -روایت- ۱-۳۱، یعنی ای اهل بیت وقت نماز صبح است سپس آیه کریمه آنما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرم تطهیرا. را قرائت می‌کرد. -قرآن- ۱۹-۸۷ یعنی اراده خدای سبحان بر اینکه است که رجس و ناپاکی را از اهل بیت من دور کند و شما را طاهر و مطهّر گرداند. [۶۳۸] علی بن زید از أنس بن مالک نقل کرد: نبی صلی الله علیه و آله مدّت شش ماه برای نماز صبح از در خانه فاطمه علیها السّلام عبور می‌کرد، چون به نزدیک خانه می‌رسید خطاب به اهل آن سه بار می‌فرمود: «الصّلاة یا أهل البیت -روایت- ۱-۳۱ یعنی «ای اهل منزل برای نماز برخیزید و بدانید» آنما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرم تطهیرا در شأن شما نازل شد. -قرآن- ۵۴-۱۲۲ [۶۴۵] از براء بن عازب نقل شد: امیر المؤمنین علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام در خانه مصطفی صلی الله علیه و آله حاضر [صفحه ۲۲۶] شدند. چون عدّه پنج تن کامل شد، رسول الله فرمود رداء مرا بیاورید، همگی را در زیر عبا و رداء قرار داد آن گاه فرمود؟ خدایا؟ اینها عترت و اهل بیت من هستند. [۶۴۶] روات از جابر بن عبد الله انصاری نقل کردند: مصطفی صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را فرا خواند و جامه خویش را بر روی آنان انداخت و فرمود: «اللّهم هؤلاء اهلی هؤلاء اهلی. -روایت- ۱-۳۸ خدایا اینها اهل بیت من هستند. [۶۴۸] محمد بن منکدر از جابر بن عبد الله نقل کرد وقتی آیه کریمه آنما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت و یطهّرم تطهیرا بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد، در سرای آن حضرت علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام حضور داشتند. -قرآن- ۷۷-۱۴۵ نبی صلی الله علیه و آله فرمود: «اللّهم هؤلاء اهلی -روایت- ۱-۲۵. خدایا اینکه چهار تن اهل بیت من هستند که مورد لطف بیکران تو قرار گرفتند. [۶۴۹] ابی یقظان از زاذان و او از حسن بن علی علیه السّلام روایت کرد هنگامی که آیه شریفه آنما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس أهل البیت -قرآن- ۱۱۱-۱۶۱ نازل شد، جدّ بزرگوار ما، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله ما را فراخواند و در زیر کساء خیبری که متعلق به امّ سلمه بود جمع کرد و فرمود: «اللّهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرّجس و طهّرم تطهیرا». -روایت- ۱-۸۰

خدایا؟ اینها اهل بیت و عترت پاک من هستند. رجس و ناپاکی را از ایشان زایل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده [۶۵۰] از ابی جمیل روایتی بدین مضمون نقل شده است «۱۱۲» -پاورقی- ۶۳-۶۵ [صفحه ۲۲۷] در کوفه با مردم نماز جماعت اقامه می‌کرد، ناهلی از خوارج خنجری در ران آن جناب فرو کرد. که بر اثر جراحت دو ماه بستری شد. حضرت پس از بهبودی به مسجد آمد و بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: ای اهل عراق تقوا داشته باشید و اینکه قدر بی‌پروا نباشید. ما امرا و میهمان سرزمین شما و اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله شما هستیم که خدای سبحان در شأن ما فرمود: اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. -قرآن- ۱-۶۸ [۶۵۴] عامر بن سعد حکایت کرد، پدرم سعد در مدینه به معاویه گفت ای معاویه از رسول الله صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام سه فضیلت شنیدم که اگر یکی از آنها برایم بود از شتران سرخ موی در نزد من محبوب‌تر و با ارزش‌تر بود ای معاویه روزی شاهد بودم که نبی صلی الله علیه و آله دست فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام و فاطمه علیها السلام را گرفته و خدای خویش را صدا زد و فرمود: خدایا؟ اینها اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان [۱۱۳]. -پاورقی- ۱۰۷-۱۰۹ [۶۵۶] عامر بن سعد از پدرش سعد نقل کرد روزی معاویه پدرم را دید و گفت چرا ابو تراب علی علیه السلام را ناسزا و لعنت نمی‌گویی پدرم گفت چون از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت و بزرگواری علی علیه السلام سه روایت شنیدم که مرا مانع از سب و ناسزا گفتن به او شده است و بدان اگر یکی از آنها درباره من بود برایم از شتران سرخ موی محبوب‌تر و گران‌بهارتر بود [۶۵۷] عطیه از ابو سعید خدری در توضیح و تفسیر آیه کریمه اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا بیان کرد، روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله علی -قرآن- ۶۵-۱۳۳ [صفحه ۲۲۸] فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و کساء خود را بر شانه آنان انداخت و فرمود: خدایا؟ اینکه جمع اهل بیت من هستند. اللهم اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا. -روایت- ۱-۴۸ خدایا ناپاکی را از آنان دور کن و به آنان طهارت روح و روان عنایت فرما. [۶۵۹] عمران بن مسلم می‌گوید از عطیه عوفی در توضیح آیه اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. سؤال کردم عطیه در جواب گفت از ابو سعید خدری صحابه معروف رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم گفت -قرآن- ۶۷-۱۳۵ اینکه آیه کریمه در شأن و منزلت نبی صلی الله علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام نازل شد. و هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله اینک آیه شریفه را شنید، آن چهار تن را جمع کرد و فرمود: اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا. -روایت- ۱-۷۶ ام سلمه که در مقابل در خانه ایستاده بود چون اینکه سخن رسول الله صلی الله علیه و آله را شنید عرض کرد: یا نبی الله آیا من هم از اهل بیت هستم حضرت فرمود: ای ام سلمه تو از زنان خوب خیرخواه و نیکی هستی اما از اهل بیت و اینکه جماعت پنج تن نیستی [۶۶۰] ابو عبد الرحمن مسعودی از کثیر النوا از عطیه عوفی و او از ابو سعید خدری نقل کرد آیه کریمه اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. -قرآن- ۱۱۸-۱۸۶ در پاکی روح و طهارت نفس پنج تن یعنی نبی صلی الله علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام نازل شد [۱۱۴]. -پاورقی- ۱۳۴-۱۳۶ -قرآن- ۱۱۱-۱۲۸ -قرآن- ۱۰۵-۱۲۲ -قرآن- ۱۲۷-۱۴۴ [صفحه ۲۲۹] [۶۶۵] عبد الله بن مسلم ملائی از ابو جحاف از عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله مدّت چهل روز هنگام سحر به در خانه علی علیه السلام می‌آمد و وقتی فاطمه علیها السلام را می‌دید می‌فرمود: السلام علیکم یا اهل بیت مصطفی و رحمه الله و برکاته -روایت- ۱-۶۶ وقت نماز و زمان اقامه نماز است خدایتان رحمت کند. سپس آیه کریمه اَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا را قرائت می‌کرد. -قرآن- ۱۸-۸۶ و مجدداً می‌فرمود: انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم. -روایت- ۱-۴۷ من دشمن کسی که با شما دشمن باشد هستم و در صلح و سلامت با کسانی که شما با آنان در صلح و سلم باشید، هستم [۱۱۵] -پاورقی- ۱۴۰-۱۴۲ [۶۶۷] عطیه عوفی از ابو سعید خدری روایت کرد هنگامی که آیه کریمه و امر -قرآن- ۷۷-۸۲ [صفحه ۲۳۰] اهلک بالصلاة نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله مدّت هشت ماه در سحرگاهان به در خانه علی علیه السلام می‌آمد و می‌فرمود: -قرآن- ۱-۱۴

«الصلاة رحمکم الله -روایت- ۱-۲۶. ای اهل بیت مصطفی هنگام نماز است خدایتان رحمت کند. سپس آیه شریفه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا را با صدای بلند قرائت می کرد، تا همگان بشنوند.» [۱۱۶ -قرآن- ۱۸-۸۶-پاورقی- ۱۴۳-۱۴۵] [۷۰۶] عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرده است ام سلمه بیان کرد هنگامی که آیه کریمه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ... نازل شد من کنار در خانه نشسته بودم عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا من هم از اهل بیت شما هستم -قرآن- ۱۰۳-۱۵۳ نبی صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ام سلمه تو از زنان خوب و از همسران نیک پیامبر خدا هستی اما از اهل بیت نیستی .» [۷۰۷] عطیه عوفی از ابو سعید خدری حکایت کرده ام سلمه بیان کرد وقتی آیه شریفه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس ... نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه من حضور داشت -قرآن- ۹۱-۱۲۹ علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام نیز در منزل من بودند و من در کنار در منزل نشسته بودم گفتم یا رسول الله آیا من هم از اهل بیت آن حضرت هستم [صفحه ۲۳۱] مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: تو از همسران نبی و از زنان خوب و با تقوا هستی اما از اهل بیت نیستی و فقط اینکه چهار تن اهل بیت من هستند.» [۱۱۷-پاورقی- ۱۷۲-۱۷۰] [۷۲۰] عبد الله بن ربیعہ غلام ام سلمه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده است که ام سلمه بیان کرد هنگامی که آیه کریمه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس ... نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله به من امر فرمود علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را دعوت کنم تا حاضر شوند. -قرآن- ۱۶۱-۱۹۹ چون همگی به حضور نبی صلی الله علیه و آله رسیدند، علی علیه السلام را در سمت راست خویش قرار داد و حسن علیه السلام را در سمت چپ و حسین علیه السلام را روی سینه و در بغل خود گرفت و فاطمه علیها السلام را روی پایش نشانید. آن گاه دست به آسمان بلند کرد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً». -روایت- ۱-۸۰ خدایا! اینها اهل بیت و عترت من هستند، ناپاکی و پلیدی را از آنان زایل و طهارت روح و صفای باطن به آنان عنایت فرما. پیامبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه اینکه دعا را تکرار کرد. ام سلمه می گوید عرض کردم یا رسول الله آیا من هم از اهل بیت هستم نبی صلی الله علیه و آله فرمود: تو از زنان خوب و خیراندیش هستی ولی از اهل بیت نیستی «۱۱۸-پاورقی- ۱۰۵-۱۰۷» [۷۳۴] محمد بن سیرین از ابی هریره از ام سلمه نقل کرد فاطمه علیها السلام با ظرفی از غذا به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و آن را مقابل پدرش گذاشت [صفحه ۲۳۲] نبی صلی الله علیه و آله پرسید: یا فاطمه پسر عم تو علی و دو فرزندت حسن و حسین کجا هستند! فاطمه علیها السلام گفت در خانه هستند، نبی صلی الله علیه و آله فرمود: آنان را به نزد من فرا بخوان فاطمه علیها السلام به خانه خویش رفت و گفت یا علی پیامبر تو و دو فرزندت حسن و حسین را طلبیده او را اجابت کنید. علی علیه السلام دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفته در حالی که فاطمه علیها السلام در پشت سر آنان بود همگی به سوی رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند. هنگامی که آن حضرت آنان را دید، کسائی که در موقع خواب از آن استفاده می کرد، برداشت و آن چهار نفر را در زیر آن قرار داد و فرمود: «۱۱۹» -روایت- ۳-۸۲ [۷۴۷] علی بن زید از شهر بن حوشب از ام سلمه حکایت کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود: همسرت علی و فرزندان حسن و حسین را به نزد من فراخوان فاطمه علیها السلام به منزل خود رفت و آنان را فراخواند و همگی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدند. نبی صلی الله علیه و آله کساء فدکی را برداشته بر شانه آنان انداخت و زیر دستان خود جمع کرد و فرمود: «اللهم ان هؤلاء آل محمد فاجعل صلواتک علی محمد و آل محمد، فأنک حمید مجید» -روایت- ۱-۹۱. خدایا! اینها آل محمد هستند، صلوات خود را بر آنان قرار ده به درستی که تو حمید و مجید هستی -قرآن- ۱۱۹-۱۳۶ [صفحه ۲۳۳] ام سلمه می افزاید من گوشه کساء را کنار زدم تا در زیر آن جای گیرم اما رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من نهیبی زد و گوشه کساء را از دستم گرفت و فرمود تو از اهل بیت و آل محمد نیستی اما از زنان خوب هستی «۱۲۰-پاورقی- ۲۵۵-۲۵۷» [۷۵۷] عمره بنت افعی از ام سلمه نقل کرد: آیه شریفه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس ... در سرای من نازل شد و آن هنگام در خانه هفت نفر حضور داشتند، که عبارت از جبرئیل و میکائیل و رسول الله صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و

حسن و حسین علیهم السّلام بودند و من بر در خانه ایستاده بودم چون اینکه صحنه با عظمت را دیدم به رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کردم -قرآن- ۱۱-۴۹ یا رسول الله آیا من هم از اهل بیت آن حضرت هستم فرمود: ای ام سلمه تو از زنان خوب و از همسران نیک نبی هستی و لیکن از اهل بیت و آل محمد صلی الله علیه و آله نیستی «۱۲۱- پاورقی- ۱۴۵-۱۴۷ [صفحه ۲۳۴] [۱۳۱] أن الذّین يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدّنیاء و الاخره و أعدّ لهم عذابا مهینا. و الذّین يؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتئا و أثما مبینا. [احزاب ۵۸ ۵۷] بی گمان کسانی که به خدا و پیامبر او آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و بر ایشان عذابی خفّ‌بار آماده ساخته است -قرآن- ۷-۱۹۳ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل] زشتی شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند. [۷۷۵] مقاتل بن سلیمان بلخی در تفسیر آیه شریفه و الذّین يؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما اکتسبوا گفت -قرآن- ۱-۵۵ یعنی کسانی که مؤمنین و مؤمنات را بدون جرم و تقصیر می‌آزارند لعنت خداوند بر آنان باد. فقد احتملوا بهتئا و أثما مبینا و اینکه آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السّلام نازل شد که سر کرده و امیر مؤمنان است -قرآن- ۱-۳۱ شأن نزول آیه فوق بدین قرار است که عدّه‌ای از منافقان در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله علی علیه السّلام را با زبان و سخن آزار و اذیت می‌کردند و آیه شریفه آنان را به سبب اینکه کار مذمت کرد. [۷۷۶] زید بن علی از پدرش علی بن حسین علیهما السّلام و او از پدرش حسین بن علی علیهما السّلام و او از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که با دست موی خود را گرفته بود فرمود: من آذی شعرة منک فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله و من آذی الله فعليه لعنة الله -روایت- ۱-۱۰۲ یا علی هر کسی به اندازه سر مویی تو را بیازارد، مرا آزرده است و هر کسی مرا آزرده باشد خدای مرا به خشم آورده است و لعنت خدا بر او باد که چنین کند و تو را بیازارد. [صفحه ۲۳۵] [۷۷۷] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد، از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم آن حضرت به علی علیه السّلام فرمود: من آذاک فقد آذانی -روایت- ۱-۲۶ یا علی هر کسی تو را بیازارد مرا آزرده است [۷۷۸] سلمه بن عبد الله بن ابی سلمه از پدرش و او از امّ سلمه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت کرد: از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: أنت أخی و حبیبی من آذاک فقد آذانی . -روایت- ۱-۴۵ یا علی تو برادر باوفا و دوست بی‌ریای من هستی هر کسی تو را اذیت و آزار دهد مرا آزرده است و رنجش تو موجب رنجش من است [۱۳۲] أنما یخشی الله من عباده العلماء. [فاطر ۲۸] از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند. -قرآن- ۷-۴۵ [۷۷۹] مقاتل بن سلیمان از قول ضحاک نقل کرده است که عبد الله بن عباس در شرح و تفسیر آیه کریمه أنما یخشی الله من عباده العلماء بیان کرد: -قرآن- ۱۱۹-۱۵۷ منظور از علما در آیه شریفه علی بن ابی طالب علیه السّلام است که در مقابل خدای سبحان خاشع و خاضع است و مراقب کردار و گفتار خویش در همه حالات است [۷۸۰] ابن عباس در توضیح و تفسیر آیه أنما یخشی الله من عباده العلماء گفت منظور از علما در اینکه آیه شریفه عالمانی هستند که معرفت به خدای جبار و خوف از مقام ربوبی حضرت حق دارند. -قرآن- ۴۳-۸۱ علی علیه السّلام عارف‌ترین و عالم‌ترین فرد به مقام ربوبی است که آیه شریفه در حق او جریان دارد. [صفحه ۲۳۶] [۱۳۳] و ما یتّوٰی الاعمی و البصیر. و لا الظّلمات و لا النّور. و لا الظّلّ و لا الحرور و ما یتّوٰی الاحیاء و لا الاموت [فاطر ۲۲ ۱۹] و نابینا و بینا یکسان نیستند. و نه تیرگیها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب و زندگان و مردگان یکسان نیستند. -قرآن- ۷-۱۳۵ [۷۸۱] ابی صالح نقل کرد، ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه فوق بیان کرد. و ما یتّوٰی الاعمی و البصیر منظور از اعمی ابو جهل است که کوری در بصر و بصیرت او راه یافته بود و حق و باطل را باز نمی‌شناخت و منظور از [و البصیر] علی بن ابی طالب علیه السّلام است -قرآن- ۸۷-۱۱۶ -قرآن- ۲۴۸-۲۵۸ و لا الظّلمات یعنی ابو جهل تاریک دل که شرک و کفر، باطن او را نابینا و کور کرده است -قرآن- ۱-۱۶ و لا النّور یعنی قلب علی علیه السّلام که نور ایمان دلش را منور کرده و با بصیرت کامل پیرو قرآن و تابع فرمان یزدان بود -قرآن- ۱-۱۳ و لا الظّلّ سایه‌های درختان بهشتی که زیر آن جایگاه علی علیه السّلام است هرگز با «الحرور» یعنی حرارت آتش جهنم که منزل و مأوی ابو جهل

است برابر نیستند. -قرآن-۱-۱۴-قرآن-۱۰۰-۱۰۸ و ما یستوی الاحیاء و زندگانی مانند علی علیه السلام حمزه جعفر، حسن حسین فاطمه خدیجه علیهم السلام هم با کفار مکه [الاموت برابر نیستند. -قرآن-۱-۲۰-قرآن-۱۴۰-۱۴۹] ۱۳۴] ثم أورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات [فاطر / ۳۲] سپس اینکه کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را برگزیده بودیم به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگام‌اند. -قرآن-۷-۱۱۴ [صفحه ۲۳۷] ۷۸۲] ابو حمزه ثمالی حکایت کرد در حضور علی بن حسین علیه السلام نشسته بودم دو نفر از اهل عراق به نزد آن جناب آمدند و گفتند: یا بن رسول الله به خدمت شما رسیدیم تا از تفسیر آیات قرآنی ما را با خبر فرمایی علی بن حسین علیه السلام پرسید از کدام آیه قرآن گفتند: از معنی آیه ثم أورثنا الكتاب الذین اصطفینا ... -قرآن-۲۴-۵۹ علی بن حسین علیه السلام پرسید: ای اهل عراق اول بگویید تا بدانم عراقیان درباره اینکه آیه شریفه چه می‌گویند! گفتند: در عراق می‌گویند اینکه آیه درباره امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است که وارثان قرآن هستند. علی بن حسین علیه السلام فرمود: در اینکه صورت باید همه امت محمد صلی الله علیه و آله به بهشت وارد شوند و از صالحان باشند و احدی مجازات نشود. ابو حمزه ثمالی می‌گوید چون سخن آن حضرت به اینکه جا رسید، از میان جمعیت برخاستم و گفتم یا بن رسول الله پس اینکه آیه کریمه در حق چه کسی یا کسانی نازل شده بیان فرماید تا با خبر شویم علی بن حسین علیه السلام فرمود: «نزلت فینا اهل البیت -روایت- ۱-۲۷. و سه بار تکرار کرد یعنی آیه شریفه فوق در حق ما اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله نازل شده است پرسیدم پس چه کسی ظالم به خویشان است فرمود: آن کسی که حسنات و سیئاتش برابر و مساوی باشد هر چند جاییش در جنت و بهشت است سپس پرسیدم مقتصد و میانه‌رو چه کسی است فرمود: عابدی که در خانه‌اش عبادت خدا را به جای آورد تا به ملاقات حق رود و دارفانی را وداع کند. پرسیدم سابقین در خیرات چه کسانی هستند! [صفحه ۲۳۸] فرمود: کسی که در راه خدا شمشیر را از نیام کشیده و پیوسته مردم را به راه خدا دعوت کند. [۷۸۳] ابی خالد نقل کرده زید بن علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ثم أورثنا الكتب ... -قرآن-۸۳-۱۰۵ بیان کرد: ظالم لنفسه یعنی کسی که به خویشان ظلم کند و و المقتصد یعنی عابدی که به عبادت ربّ پردازد. -قرآن-۱-۱۲-قرآن-۵۴-۶۳ سابق بالخیرات یعنی کسی که شمشیر از نیام کشیده است و برای دعوت به دین حق و در راه خدا مبارزه و مجاهدت کند. -قرآن-۱-۱۵ [۷۸۴] سدی از عبد خیر روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: از رسول الله صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه کریمه ثم أورثنا الكتب الذین ... پرسیدم منظور چه کسانی هستند! -قرآن-۷۰-۱۰۰ مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندان و ذریه تو که وارثان کتاب خدا هستند. وقتی روز رستاخیز فرارسد مردم در حالی که سه دسته هستند، از قبورشان برانگیخته می‌شوند. دسته اول ظالم لنفسه کسانی هستند که بدون توبه مردند. -قرآن-۱۴-۲۶ دسته دوم منهم مقتصد کسانی از ذریه تو که حسنات و سیئات آنان مساوی است -قرآن-۱۴-۲۵ دسته سوم سابق بالخیرات آن دسته از ذریه تو که حسناتشان بر سیئاتشان غالب باشد که اهل رستگاری و نجات‌اند. -قرآن-۱۴-۲۹ [صفحه ۲۳۹] ۱۳۵] وقفوهم انهم مسؤولون [صافات ۲۴] و بازداشتشان کنید که آنان مسئول‌اند. -قرآن-۷-۲۹ [۷۸۵] مندل عزری در روایت مرفوعه‌ای از نبی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند مصطفی صلی الله علیه و آله در توضیح آیه کریمه وقفوهم انهم مسؤولون فرمود مردم در صراط متوقف می‌شوند و از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام از آنان سؤال می‌شود که در حق ولایت مرتضی علیه السلام چه کردند؟! [۷۸۶] ابو سعید خدری در توضیح آیه شریفه وقفوهم انهم مسؤولون گفت در قیامت از امامت علی بن ابی طالب علیه السلام بازخواست و سؤال می‌شود که با امامت و ولایت علی علیه السلام چگونه رفتار کردند. -قرآن-۱۴۸-۱۷۰-قرآن-۳۸۵-۴۰۷ [۷۸۷] ابو هارون از ابو سعید خدری در شرح آیه وقفوهم انهم مسؤولون بیان کرد: -قرآن-۵۴-۷۶ مأموران الهی مردم را در رستاخیز نگه می‌دارند و از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال می‌کنند تا روشن شود نسبت به ولایت علی علیه السلام چگونه اعتقاد و رفتاری داشتند. [۷۸۸] عطیه از ابو سعید خدری نقل کرد: مصطفی صلی الله علیه و آله در تبیین آیه شریفه وقفوهم انهم مسؤولون فرمود: مردم در

مقابل ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام مسئول هستند و در قیامت متوقف می‌شوند تا از ولایت علی علیه السلام سؤال شوند که با ولایت او چگونه رفتار کردند. -قرآن- ۵۸-۸۰ [۷۸۹] سعید بن جبیر از قول عبد الله بن عباس روایت کرد: رسول الله صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه کریمه وقفوهم اُنهم مسئولون فرمود: چون روز قیامت و رستاخیز کبری فرارسد من و علی علیه السلام بر صراط می‌ایستیم و هر کسی که از مقابل ما عبور کند از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال می‌کنیم اگر با ولایت علی علیه السلام زیسته باشد نجات یابد و خندان بگذرد و اگر با ولایت علی علیه السلام بیگانه یا منکر و معاند باشد اجازه عبور نخواهد یافت و در آتش جهنم سرنگون خواهد شد. -قرآن- ۶۵-۸۷ [۷۹۰] شعبی نقل کرد ابن عباس مفسر مشهور قرآن در توضیح آیه وقفوهم اُنهم -قرآن- ۷۰-۸۶ [صفحه ۲۴۰] مسئولون بیان کرد: -قرآن- ۱-۹ مردم در قیامت در مقابل ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام مسئول‌اند و مورد پرسش قرار می‌گیرند. همچنین ابی جعفر علیه السلام در تفسیر کلام خدا وقفوهم اُنهم مسئولون فرمود: -قرآن- ۵۷-۷۹ در قیامت خدای سبحان از خلائق نسبت به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال و پرس و جو می‌کند که اگر ولایت آن بزرگوار را ضایع کرده باشند مورد تنبیه و توبیخ سخت قرار می‌گیرند. [۱۳۶] سلام علی ال یاسین [صافات ۱۳۰] درود بر پیروان ال یاسین -قرآن- ۷-۳۰ [۷۹۱۲۲] ابی صالح نقل کرده ابن عباس در توضیح آیه کریمه سلام علی ال یاسین بیان کرد، آل یاسین یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله [۱۲۲]. -قرآن- ۶۶-۸۸-پاورقی- ۱۵۷-۱۵۵ [۷۹۲] حدیثی را کادح از جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و آن جناب از پدر و پدرانیش تا می‌رسد به امیر المؤمنین علی علیه السلام که آن سید و سرور در معنی و تفسیر آیه شریفه سلام علی ال یاسین فرمود: -قرآن- ۲۱۲-۲۳۴ یاسین نام مبارک محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است و ما آل محمد صلی الله علیه و آله آل یاسین هستیم [۱۲۳]. -پاورقی- ۱۳۱-۱۳۳ [۷۹۵] میمون بن مهران حکایت کرد ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و اَنْ اَلیاسَ لَمَنِ الْمُرْسَلِینَ ... سلام علی ال یاسین بیان داشت -قرآن- ۸۲-۱۱۰-قرآن- ۱۱۵-۱۳۷ [صفحه ۲۴۱] سلام علی ال یاسین یعنی سلام علی آل محمد صلی الله علیه و آله [۱۲۴] -قرآن- ۱-۲۲-پاورقی- ۸۲-۸۴ [۷۹۷] حکم بن ظهیر از سدی نقل کرد که ابی مالک غفاری کوفی در شرح آیه کریمه سلام علی ال یاسین بیان کرد. منظور از آل یاسین محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن جناب است -قرآن- ۹۴-۱۱۶ [۱۳۷] اَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ کَالْفُجَّارِ. [ص ۲۸] یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین می‌گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیدان قرار می‌دهیم -قرآن- ۷-۱۰۱ [۷۹۸] ابی صالح حکایت کرد ابن عباس مفسر مشهور قرآن در تفسیر و توضیح آیه کریمه اَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... بیان کرد: -قرآن- ۹۲-۱۳۴ اینکه آیه در تحسین سه نفر از مسلمین صاحب نام که از متقین و صالحان سابقه‌دار و فداکار هستند، همچنین در مذمت سه تن از کفار لجوج که جزء اشرار و مفسد و فجار بودند نازل شده است اما سه نفر مسلمان فداکار علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه بن عبد المطلب و عبیده بن حارث بن عبد المطلب که در جنگ بدر به مبارزه و نبرد با سه تن از مشرکان به نام‌های ولید، عتب و شیبیه برخاستند و علی علیه السلام ابتدا ولید را به خاک انداخت و حمزه به قتل عتب و پرداخت و عبیده هم شیبیه را هلاک کرد. [۷۹۹] محمد بن عبید الله از پدرش و او از عمویش نقل کرد امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خدای سبحان آیه کریمه اَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ کَالْفُجَّارِ را در شأن من و حمزه -قرآن- ۱۳۵-۲۲۹ -قرآن- ۹۱-۱۱۳ [صفحه ۲۴۲] سید الشهداء و عبیده بن حارث بعد از اینکه که نام ما را با عنوان‌های مؤمنین و متقین مزین فرمود نازل کرد. و سه نفر از کفار را که به وسیله ما به هلاکت رسیدند به فجار نام برد. [۸۰۰] ابی صالح از ابی عباس در تفسیر اینکه قسمت از آیه اَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ نقل کرده است -قرآن- ۷۰-۱۱۲ مصداق اینکه آیه علی علیه السلام و حمزه و عبیده بن حارث هستند و کالمفسدین فی الارض مفسدین در مقابل آنان شیبیه و عتب و ولید بن مغیره هستند. اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ اَیَّامَ الْمُتَّقِینَ مانند علی علیه السلام و حمزه و عبیده کالفجار مثل فجارند هرگز آن سه نفر مفسد و فاجر به نام‌های عتب و شیبیه و ولید که در جنگ بدر به مبارزه با مسلمانان مبادرت کردند با متقین مساوی

و یکسان نیستند. -قرآن- ۷۹-۱۰۱-قرآن- ۱۶۸-۱۸۷-قرآن- ۲۴۳-۲۵۱ و حال اینکه که در آن روز علی علیه السلام ولید بن مغیره را به هلاکت رسانید و حمزه عتبه را کشت و عیبده شیهه را به خاک هلاکت انداخت (۱۲۵). -پاورقی- ۱۶۸-۱۷۰ [۸۰۳] کلبی از ابی صالح روایت کرده که ابن عباس در توضیح آیه أم نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات گفت منظور از صالحان علی علیه السلام حمزه و عیبده بن حارث هستند. -قرآن- ۷۷-۱۱۹ و کالمفسدین فی الارض عتبه شیهه و ولید بن مغیره هستند. که در صف مشرکان و کافران قرار داشتند. -قرآن- ۲-۲۴ أم نجعل المتقین آیا علی علیه السلام و اصحابش را مانند فجاری مثل عتبه و یارانش قرار می‌دهیم قطعاً چنین نیست -قرآن- ۱-۱۹ [۸۰۴] ضحاک از جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدرش و جدش روایت کرد، آیه شریفه أم نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات ... در شأن و تحسین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۱۰۱-۱۴۳ [صفحه ۲۴۳] [۱۳۸] قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکر أولوا الالب [زمر/ ۹] آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند! تنها خردمندان‌اند که پند پذیرند. -قرآن- ۷-۸۸ [۸۰۵] یعقوب جعفری از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرد: ابو جعفر علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه قل هل یتسوی الذین یعلمون ... فرمود: -قرآن- ۱۲۶-۱۵۶ الذین یعلمون یعنی عالمان ربّانی که ما اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله هستیم و الذین لا یعلمون دشمنان ما که نادانان و جاهلان‌اند و انما یتذکر أولوا الالب صاحبان خرد و اندیشه و دارندگان عقل شیعیان ما هستند. -قرآن- ۱-۱۵ -قرآن- ۹۸-۱۲۰ -قرآن- ۱۶۲-۱۸۹ [۸۰۶] در تفسیر عتیق ضحاک از ابن عباس در توضیح آیه شریفه هل یتسوی الذین یعلمون نقل کرد الذین یعلمون یعنی علی علیه السلام و اهل بیت آن بزرگوار از طایفه بنی هاشم که دانایان امت‌اند. -قرآن- ۷۴-۱۰۰ -قرآن- ۱۱۰-۱۲۵ و الذین لا یعلمون یعنی بنی امیه که از نادانان و جاهلان‌اند. -قرآن- ۱-۲۲ و اینکه دو هرگز با هم مساوی نیستند و همچنین به شیعیان علی و پیروان اهل بیت صاحبان خرد و دارندگان عقل می‌گویند که اولی الالباب هستند. -قرآن- ۱۳۵-۱۴۹ [۱۳۹] ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشاکسون و رجلاً سلماً لرجل هل یتسویان مثلاً. [زمر/ ۲۹] خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت او شرکت دارند] و هر یک او را به کاری می‌گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا اینکه دو در مثل یکسان‌اند! -قرآن- ۷-۹۱ [صفحه ۲۴۴] [۸۰۷] در تفسیر و توضیح اینکه آیه شریفه محمد بن حنفیه فرزند علی علیه السلام از آن حضرت روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: و رجلاً سلماً لرجل من آن یگانه رجل سلیمی برای رسول الله صلی الله علیه و آله هستم که آیه کریمه در توصیف من نازل شد. «۱۲۶ -قرآن- ۱۵۹-۱۷۷ -پاورقی- ۳۰۶-۳۰۸ [۸۰۸] قتاده از عطاء نقل کرد ابن عباس در شرح آیه ضرب الله مثلاً رجلاً فیه شرکاء متشاکسون گفت مرد مشرک ابو جهل است و شرکای او آن بتهای بی‌جان و بی‌خاصیت که مورد پرستش او و امثال او قرار می‌گرفتند. -قرآن- ۶۰-۱۰۶ و رجلاً سلماً مرد سلیم و رجل سالمی که دین و ایمانش سالم و قلبش سلیم بود علی بن ابی طالب علیه السلام است که تنها خدا را معبود خود می‌دانست و فقط او را می‌پرستید. -قرآن- ۱-۱۱ هل یتسویان مثلاً آیا اینکه دو شخص در طاعت و عبادت پروردگار و دریافت پاداش و ثواب مساوی‌اند. -قرآن- ۱-۱۸ [۱۴۰] و الذی جاء بالصدق و صدق به أولئک هم المتقون [زمر/ ۳۳] و آن کس که راستی آورد و آن را باور کند آنان‌اند که خود پرهیزگاران‌اند. -قرآن- ۷-۶۳ [۸۱۰] عبد الوهاب بن مجاهد از پدرش در تفسیر اینکه آیه شریفه بیان کرد: و الذی جاء بالصدق رسول الله صلی الله علیه و آله است که کلام صادق و قرآن ناطق را برای هدایت بندگان خدا آورده است و صدق به علی بن ابی طالب علیه السلام است که بلافاصله نبی صلی الله علیه و آله را تأیید و به آنچه او آورد با یقین قلبی تصدیق فرمود. -قرآن- ۸۷-۱۰۸ -قرآن- ۲۳۴-۲۴۶ [۸۱۱] مجاهد در تفسیر و تبیین آیه شریفه بیان کرد و الذی جاء بالصدق یعنی آن کسی که به صدق و صداقت مبعوث شد و آن محمد صلی الله علیه و آله است -قرآن- ۵۶-۷۷ [صفحه ۲۴۵] و الذی ... صدق به و آن کسی که به تصدیق نبی صلی الله علیه و آله پرداخت علی بن ابی طالب علیه السلام است که در نخستین لحظه اعلام نبوت آن حضرت را تصدیق و تأیید کرد و تا آخرین روز هم وفادار ماند «۱۲۷» -قرآن- ۱-۲۳ -پاورقی- ۲۴۶-۲۴۸ -قرآن- ۲۹۶-۳۳۰ -قرآن- ۳۵۲-۳۶۴ -قرآن- ۴۱۸-۴۲۸ [۸۱۳] در کتاب تفسیر

عتیق ضحاک از ابن عباس مفسر معروف در توضیح کلام خدای سبحان و الذی جاء بالصدق و صدق به بیان کرد: -قرآن- ۹۸-۱۳۲ و الذی جاء بالصدق مصطفی صلی الله علیه و آله است که به صداقت و راستی قدم در میدان گذاشته و به ارشاد و هدایت مردم پرداخته است و منظور از صدق به یار وفادار او علی بن ابی طالب علیه السلام است که پیوسته یاور صدیق و صادق او بود «۱۲۸- قرآن- ۱-۲۱-قرآن- ۱۶۹-۱۷۹-پاورقی- ۲۸۴-۲۸۶ [۸۱۵] ابو عیاش از ابو طفیل و او از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: و الذی جاء بالصدق رسول الله صلی الله علیه و آله است و الذی ... صدق به من هستم که پیوسته او را تصدیق و تأیید می کردم و بقیه مردم از جمله کافران و تکذیب کنندگان بودند و آن زمان غیر از من و او کسی قرآن و اسلام را تصدیق نمی کرد. -قرآن- ۱-۲۱-قرآن- ۷۰-۹۳ [۱۴۱] الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یتستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربنا و ادخلهم جنات -قرآن- ۷-۲۲۳ [صفحه ۲۴۶] عدن الّتی وعدتہم و من صلح من ءابائہم و أزوجہم و ذریاتہم أنک أنت العزیز الحکیم و قهم السّیئات و من تق السّیئات یومئذ فقد رحمته و ذلک هو الفوز العظیم [غافر / ۹] کسانی که عرش خدا را حمل می کنند و آنان که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند: پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخشای و آنان را از عذاب آتش دور نگاهدار. -قرآن- ۱-۱۸۰ پروردگارا، آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای با هر که از پدران و همسران و فرزندان شان که به صلاح آمده اند، داخل کن زیرا تو خود ارجمند و حکیمی و آنان را از بدیها نگاهدار، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی البتہ رحمتش کرده ای و اینکه همان کامیابی بزرگ است [۸۱۶] ابو الاسود الدؤلی از پدرش نقل کرد، علی علیه السلام درباره آیه شریفه فوق فرمود: ملائکه و فرشتگان آسمانی مدت چند سال و چند ماه فقط برای رسول الله صلی الله علیه و آله و من استغفار می کردند، و درباره ما دو نفر اینکه آیه کریمه الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یتستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربنا و ادخلهم جنات عدن الّتی وعدتہم و من صلح من ءابائہم و أزوجہم و ذریاتہم أنک أنت العزیز الحکیم نازل شد. -قرآن- ۱-۳۱۲ طایفه ای از منافقین پس از نزول اینکه آیه گفتند: چه کسانی جزء پدران و ذریه علی علیه السلام هستند که اینکه آیه مبارکه درباره آنان نازل شد! علی علیه السلام فرمود: «سبحان الله» -روایت- ۱-۱۹ آیا نمی دانند پدران ما، ابراهیم اسماعیل اسحاق و یعقوب اند، آیا آنان آباء و اجداد ما نیستند! [۸۱۷] ابو جارود از ابو معتمر و او از پدرش نقل کرد، از علی علیه السلام شنیدم فرمود: [صفحه ۲۴۷] فرشتگان آسمانی هفت سال و چند ماه استغفار نمی کردند مگر برای من و رسول الله صلی الله علیه و آله و درباره ما دو نفر آیه شریفه و یتستغفرون للذین ءامنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما ... نازل شد. -قرآن- ۱۵۰-۲۱۲ وقتی اینکه آیه در شأن ما نازل شد، منافقین گفتند: آباء و اجداد آنان چه کسانی هستند! سپس علی علیه السلام ادامه داد و فرمود: «سبحان الله مگر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق آباء و اجداد ما نیستند؟» [۸۱۸] ابو ظبیان از ابو ذر نقل کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أنّ الملائکة صلّت علیّ و علی علیّ سبع سنین قبل ان یسلم بشر. -روایت- ۱-۷۵ هفت سال قبل از اینکه که بشری مسلمان شود، فرشتگان آسمان به من و علی علیه السلام درود و صلوات می فرستادند. [۸۱۹] انس بن مالک از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرد: صلّت الملائکة علیّ و علی علیّ سبع سنین و ذلک أنّه لم یرفع شهادة ان لا اله الا الله الا منی و من علیّ. -روایت- ۱-۱۳۰ فرشتگان الهی مدّت هفت سال بر من و علی علیه السلام درود و صلوات می فرستادند آن هنگام که شعار توحید و کلمه لا اله الا الله -روایت- ۱-۲۳ جز از خانه من و علی بر نمی خاست [۸۲۰] محمّد بن عبید الله از پدرش و پدر او از جدّش ابو رافع اینکه روایت را بیان کرد: نبی صلی الله علیه و آله اول روز دوشنبه نماز را بپاداشت و خدیجه علیها السلام آخر روز دوشنبه نماز گزارد و علی علیه السلام روز سه شنبه نماز گزاردن را آشکار کرد. البتہ قبلاً مدت هفت سال و چند ماه علی علیه السلام در پنهانی با نبی صلی الله علیه و آله نماز را اقامه می کرد. [صفحه

[۲۴۸] [۱۴۲] أَمِنْ يَلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّنْ يَأْتِي آمَنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [فصلت ۴۰] آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده خاطر می‌آید. قرآن-۷-۶۸ [۸۲۱] مجاهد از ابن عباس مفسّر معروف در تفسیر آیه کریمه بیان کرد أَمِنْ يَلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِّنْ يَأْتِي آمَنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ در حالی که امنیت از عذاب و مصونیت از غضب خدا دارد و به حضور رب العالمین می‌رسد. قرآن-۷۵-۱۰۳-قرآن-۲۵۶-۲۷۹ [۱۴۳] قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى [شوری ۲۳] بگو: به ازای آن رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی درباره خویشاوندان قرآن-۷-۶۱ [۸۲۲] سعید بن جبیر از ابن عباس حکایت کرد وقتی آیه کریمه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى نازل شد، عده‌ای از اصحاب پرسیدند یا رسول الله اینکه «قربى چه کسانی هستند که خدای عزّ و جلّ ما را امر به مودّت آنان فرمود. قرآن-۶۹-۱۲۳-قرآن-۱۹۳-۲۰۰ مصطفی صلی الله علیه و آله گفت اهل بیت من علی فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین هستند که باید آنان را دوست بدارید و محبت کنید.» [۱۲۹-پاورقی-۱۵۲-۱۵۴] [۸۲۴] اعمش از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرد: هنگامی که آیه کریمه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى بر قرآن-۲۶-۸۰ [صفحه ۲۴۹] رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد اصحاب و یاران پرسیدند: یا رسول الله قرابت تو که خدای سبحان مودّت آنان را بر ما واجب گردانید چه کسانی هستند! نبی صلی الله علیه و آله فرمود: علی فاطمه و دو فرزند آنان حسن و حسین از خویشاوندان و اهل بیت من هستند که خدای رحمان مودّشان را واجب کرد. [۱۳۰-پاورقی-۱۶۸-۱۷۰] [۸۲۸] قیس بن ربیع از اعمش و او از سعید بن جبیر نقل کرد ابن عباس مفسّر مشهور قرآن در توضیح آیه شریفه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى گفت خویشاوندانی که مودّت آنان در قرآن تأکید و واجب شد علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام هستند. قرآن-۱۲۵-۱۷۹ [۸۲۹] عثمان بن ابی یقظان از سعید بن جبیر نقل می‌کند: ابن عباس روایتی را حکایت کرد و گفت انصار رسول الله صلی الله علیه و آله در مدینه بین خود جلسه خصوصی تشکیل دادند و به مشورت نشستند و گفتند: صلاح است اموالی جمع کنیم و تقدیم پیامبر صلی الله علیه و آله کنیم تا گشاده‌دست و متمکّن شود و محتاج کسی نباشد، سپس به حضور مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: یا رسول الله ما تصمیم گرفته‌ایم اموالی برای شما از مال خود جمع کنیم تا به احدی وابسته نباشی چون تصمیم و قصد خود را با آن حضرت در میان گذاشتند، آیه کریمه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى بر نبی صلی الله علیه و آله نازل شد و تکلیف آنان را روشن کرد و جواب صریح و روشن به انصار رسول الله صلی الله علیه و آله داده شد که اینکه کار را نکنند و به جای آن مودّت و دوستی اهل بیت او را بپذیرند. قرآن-۷۸-۱۳۲ [۸۳۰] عبد الملك میسره از طاووس نقل کرد که ابن عباس بیان کرد هیچ بنی هاشمی نیست که خویشاوند رسول الله صلی الله علیه و آله نباشد و چون آیه شریفه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ قرآن-۱۷۷-۲۰۵ [صفحه ۲۵۰] أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى نازل شد رسول خدا فرمود: به خویشان و نزدیکانم پیوندید و آنان را دوست بدارید. قرآن-۱-۲۵ [۸۳۱] عبد الملك بن میسره گفت از طاووس شنیدم گفت مردی از ابن عباس سؤال کرد قربی در آیه أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى چه کسانی هستند! قرآن-۹۷-۱۰۲-قرآن-۱۱۴-۱۳۹ سعید بن جبیر که در آن جا حضور داشت در جواب سؤال کننده گفت فقط خویشاوندان آل محمد صلی الله علیه و آله مورد نظر آیه شریفه است عبد الله بن عباس گفت ای ابو سعید؟ در جواب تعجیل کردی بدان منظور اقبای رسول الله صلی الله علیه و آله از قریش است «۱۳۱-پاورقی-۱۴۹-۱۵۱» [۸۳۲] یوسف بن مهران نقل کرد، ابن عباس در تفسیر آیه قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى بیان کرد پیامبر فرمود: قرآن-۶۴-۱۱۸ ان تودّونی فی قرابتی و لا تودّونی -روایت-۱-۴۳ یعنی به خویشان من مودّت کنید و به آنان اذیت و آزار نرسانید «۱۳۲». -پاورقی-۷۱-۷۳ [۸۳۴] شعبی می‌گوید: اهل کوفه در معنای آیه شریفه فوق با من اختلاف کردند، نامه‌ای به ابن عباس مفسّر مشهور قرآن نوشتیم تا مفهوم و تفسیر کلام خدا را مشخص کند. ابن عباس در جواب نوشت قُلْ لَّيْسَ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ أَلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى قرآن-۳۰-۸۴ اراده و قصد خدای تعالی از اینکه آیه شریفه مواصلت و پیوند با خویشاوندان رسول الله

صلی الله علیه و آله است که به اهل بیت آن حضرت اکرام و احترام کنید. [۸۳۵] ابی صالح از قول ابن عباس نقل کرد: وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله به شهر مدینه مهاجرت کرد، دستش از مال و اموال خالی بود چون همه دارایی و اموال را در مکه به جا گذاشته در حالی که در مدینه مخارج و [صفحه ۲۵۱] تکالیفی به عهده آن حضرت بود اما دستش خالی بود طایفه‌ای از انصار به مشورت نشستند و گفتند اینکه مرد الهی ما را هدایت و راهنمایی کرد و شایسته است از دارایی خود اموالی را جمع‌آوری کرده او را مساعدت و یاری دهیم سپس به حضور مصطفی صلی الله علیه و آله رسیدند تا اموالی را تقدیم آن حضرت کنند. در آن هنگام آیه کریمه قل لا أسئلكم علیه أجرًا الا المودة فی القربی بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد یعنی ای نبی الله به آنان بگو برای راهنمایی و هدایت و آوردن قرآن از شما مزدی دریافت نمی‌کنم مگر اینکه که مودت خویشاوندان مرا به دل بگیرید و آنان را اذیت نکنید و آزار ندهید. -قرآن- ۲۸-۸۲ [۸۳۶] حدیثی را قتاده از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی به مدینه مهاجرت کرد، انصار مدینه با هم مشورت کردند و گفتند: خدای تعالی ما را به دست اینکه مرد ربّانی هدایت کرد و اکنون از مال دنیا چیزی ندارد، چون همه دارایی خود را در مکه به جا گذاشت شایسته است از اموال خویش او را کمک کنیم در نتیجه هشتصد دینار جمع کرده به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: یا رسول الله تو برادر ما هستی و خدای سبحان ما را به دست تو هدایت کرد و اموری به عهده شماست که نیاز به درهم و دینار است و حال اینکه که دست شما هم خالی است و از خانه و کاشانه خود دور شده‌اید، بر ما منت بگذار و اینکه مبلغ را از ما بپذیر. چون سخن بدین جا رسید، آیه قل لا أسئلكم علیه أجرًا الا المودة فی القربی نازل شد. یعنی برای تعلیم قرآن و هدایت شما اجر و مزدی را طلب نمی‌کنم مگر اینکه که مرا و فرزندانم و اهل بیتم را دوست بدارید. -قرآن- ۲۹-۸۳ [۸۳۷] طالوت بن عقیل از فضل بن جبیر از ابی امامه باهلی روایت کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ان الله خلق الانبیاء من اشجار شتی و خلقت أنا و علی من شجرة واحدة -روایت- ۱- ادامه دارد [صفحه ۲۵۲] فانا اصلها و علی و الحسن و الحسین ثمارها و اشیاعنا اوراقها و من تعلق بغصن من اغصانها نجی و من زاغ هوی ... -روایت- از قبل ۱۲۲ خدای سبحان انبیا و رسولان خود را از درختان مختلف خلق کرد. اما من و علی از یک درخت خلق شدیم من اصل درخت و علی علیه السلام فرع آن است حسن و حسین ثمره و میوه شیرین آن درخت و شیعیان ما، برگ‌های سبز و زیبای اینکه درخت‌اند، هر کسی به شاخه‌ای از شاخه‌های اینکه درخت بچسبد نجات می‌یابد و هر کسی از اینکه درخت دوری جوید به هوی و هوس و گمراهی می‌افتد. ای یاران بدانید اگر بنده‌ای دو هزار سال در بین صفا و مروه به عبادت خالق یکتا بپردازد و محبت ما اهل بیت را درک نکند خدای سبحان او را با صورت در آتش جهنم سرنگون می‌کند. سپس آیه شریفه قل لا أسئلكم علیه أجرًا الا المودة فی القربی را تلاوت فرمود. -قرآن- ۱۸-۷۲ [۸۳۸] ابی هاشم رمانی از زاذان نقل کرد علی علیه السلام فرمود: در شأن ما اهل بیت در قرآن آیه‌ای هست و آن اینکه که مودت و محبت ما را فقط مؤمنین حفظ و رعایت می‌کنند آن گاه آیه شریفه قل لا أسئلكم علیه أجرًا الا المودة فی القربی را تلاوت کرد، و فرمود: اینکه کلام خدای تعالی در حق ماست «۱۳۳- قرآن- ۱۴۹-۲۰۳-پاورقی- ۲۷۴-۲۷۶ [۸۳۹] ابن بکیر از عکرمه در توضیح آیه شریفه قل لا أسئلكم علیه أجرًا الا المودة فی القربی گفت -قرآن- ۵۴-۱۰۸ هر قرابت و خویشاوندی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از قریش داشته باشد از اقربای رسول الله صلی الله علیه و آله هستند. «۱۳۴-پاورقی- ۱۵۷-۱۵۹ [۸۴۲] ابی نجیح از مجاهد در توضیح آیه شریفه الا المودة فی القربی بیان کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مرا اطاعت و متابعت کنید و به فرزندان من ببینید و آنان را احترام و اکرام کنید. -قرآن- ۵۴-۷۹ [صفحه ۲۵۳] [۸۴۳] جعفر از سعید بن جبیر در توضیح قول خدای سبحان الا المودة فی القربی نقل کرد: -قرآن- ۶۲-۸۷ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با اذیت و آزار اقربا و خویشاوندانم مرا آزار ندهید. «۱۳۵-پاورقی- ۹۶-۹۸ [۱۴۴] و من یقترف حسنة نزد له فیها حسنا. [شوری ۲۳] هر کسی عمل نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزایم -قرآن- ۷-۴۷ [۸۴۵] حکیم بن ظهیر نقل کرد سدی در توضیح آیه شریفه و من یقترف حسنة بیان کرد، هر کسی مودت و محبت آل محمد صلی الله علیه و آله را کسب

کند، خداوند بزرگ بر حسناش می‌افزاید. ۱۳۶- قرآن- ۶۳- ۸۱- پاورقی- ۲۱۰- ۲۱۲ [۸۴۷] ابی مالک از ابن عباس روایت کرد و من یقترب حسنه یعنی هر کسی دوستی و مودت آل محمد صلی الله علیه و آله را کسب کند نزد له فیها حسنا بر حسنا و خوبی‌هایش افزوده می‌شود. ۱۳۷- قرآن- ۴۶- ۶۴- قرآن- ۱۵۱- ۱۷۱- پاورقی- ۲۱۳- ۲۱۵ [۸۵۰] ابی مالک از ابی صالح روایت کرده ابن عباس مفسر مشهور در تفسیر و توضیح آیه و من یقترب حسنه گفت هر کسی مودت اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله را کسب کند، خدای تعالی بر ثواب و پاداش او می‌افزاید. ۱۳۸- قرآن- ۹۸- ۱۱۶- پاورقی- ۲۴۹- ۲۵۱- قرآن- ۷۹- ۱۰۴ [صفحه ۲۵۴]

[۱۴۵] فَأَمَّا نَذِهْنُ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ أَوْ نَرِيَنَّكَ الْبَذَى وَعَدْنَاهُمْ فَأَنَا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوْحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنَّهُ لَذِكْرُ لَمَكٍ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ [زخرف ۴۴ ۴۱] پس اگر ما تو را از دنیا [بیریم قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم یا اگر آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم حتماً ما بر آنان قدرت داریم پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ زن که تو بر راهی راست قرار داری و به راستی که [قرآن برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است و به زودی در مورد آن پرسیده خواهید شد. -قرآن- ۷- ۱۹۸ [۸۵۱] علی ابن موسی الرضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر و او از پدرش ابی جعفر و او از پدرش ابی محمد بن علی الباقر علیه السلام نقل کرده است که جابر بن عبد الله انصاری حکایت کرد. در آخرین مراسم حج یعنی حَجَّه الْوَدَاعِ در نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بودم که آن حضرت فرمود: لَا الْفَيْنَكُم تَرْجَعُونَ بَعْدِي كَفَّاراً يُضْرَبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ وَأَيْمُ اللَّهِ لَنْ فَعَلْتُمُوهَا لَتَعْرِفَنِي فِي الْكِتَابِ الَّتِي تَضَارِبُكُمْ -روایت- ۱- ۱۳۰ ای یاران شما را توصیه می‌کنم بعد از من به کفر و بی‌دینی نگرایید که با شمشیر به جان یکدیگر بیفتید و گردن همدیگر را بزنید. به خدا سوگند اگر چنین کنید مرا از کسانی خواهید یافت که شما را با شمشیر برانم سپس به پشت سرش نگاه کرد و فرمود: عَلِيٌّ يَا عَلِيٌّ يَا عَلِيٌّ؟ چون سه بار نام علی علیه السلام را به زبان آورد، دیدیم جبرئیل بر آن حضرت فرود آمد و گفت فَأَمَّا نَذِهْنُ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ -روایت- ۱- ۴۱ بعلی بن ابی طالب علیه السلام فاستمسک بالذی اوحی الیک من امر علی علیه السلام اَنَّک علی صراط مستقیم -قرآن- ۳۹- ۶۷- قرآن- ۹۹- ۱۲۴ خدای سبحان می‌فرماید: به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از آنان انتقام می‌گیرم ای [صفحه ۲۵۵] رسول من آنچه از امر علی بن ابی طالب علیه السلام بر تو وحی می‌کنم تمسک کن اَنَّک علی صراط مستقیم که تو بر صراط مستقیم و طریق حقیقت هستی -قرآن- ۹۹- ۱۲۳ [۸۵۲] ابو بکر بن عیاش از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد که جابر بن عبد الله انصاری صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر و توضیح آیه فَأَمَّا نَذِهْنُ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ گفت یعنی خدای قادر از آنان به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام انتقام می‌گیرد. -قرآن- ۱۷۹- ۲۱۷ [۸۵۳] ابی زبیر از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد، هنگامی که آیه شریفه فَأَمَّا نَذِهْنُ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ... بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. آن حضرت بیان کرد خدای قادر در کلام خود فرمود: از آنان به وسیله علی علیه السلام انتقام می‌گیرم -قرآن- ۸۹- ۱۲۸ [۸۵۴] زریق بن مرزوق از حکم بن ظهیر و او از سدی نقل کرد فَأَمَّا نَذِهْنُ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ خدای سبحان می‌فرماید به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از آنان انتقام می‌گیرم -قرآن- ۷۱- ۱۰۸ [۱۴۶] و سئل من أرسلنا من قبلک من رسلنا أ جعلنا من دون الرحمن ءالهةً یعبدون [زخرف ۴۵] و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو آیا در برابر [خدای رحمان خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرر داشته‌ایم -قرآن- ۷- ۹۰ [۸۵۵] علقمه و اسود از عبد الله بن عباس روایت کردند روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا عبد الله جبرئیل به نزد من آمد و گفت یا محمد و سئل من أرسلنا من قبلک من رسلنا علی ما بعثوا! -قرآن- ۱۹۵- ۲۳۶ ای مصطفی صلی الله علیه و آله از رسولان گذشته و پیامبران پیشین از رسالتی که بر آن مبعوث شدند پیرس تا بیان کنند. به جبرئیل گفتم انبیای گذشته بر چه رسالتی مبعوث و مأمور شدند! [صفحه ۲۵۶] گفت بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام مبعوث شدند. ۱۳۹- پاورقی- ۸۳- ۸۵ [۸۵۷] محمد بن سوجه از علقمه و اسود حکایت کرد عبد الله بن مسعود قاری معروف قرآن و صحابی مشهور مصطفی صلی الله علیه و آله گفت رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود شبی که به سفر آسمانی رفته بودم ملکی کریم و با

منزلت به نزد من آمد و گفت یا محمد از انبیای گذشته و پیامبران سلف پیرس بر چه عهد و پیمانی مبعوث شدند. گفتیم یا معاشر الرسل و التبین علی ما بعثکم الله -روایت- ۱-۶۰ ای رسولان الهی و انبیای گذشته بر چه چیزی خدای رحمان شما را مبعوث و مأمور فرمود! انبیا در جواب گفتند: یا رسول الله ما بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام مبعوث شدیم «۱۴۰ - پاورقی- ۱۲۶-۱۲۸ [۱۴۷] و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون [زخرف ۵۷] و هنگامی که در مورد [پسر مریم مثالی آورده شد، به ناگاه قوم تو از آن [سخن لهله در انداختند] و اعراض کردند]. -قرآن- ۷-۶۰ [۸۵۹] عبد الرحمان بن ابی نعم نقل کرد علی علیه السلام فرمود: آیه کریمه و لما ضرب ابن مریم مثلاً ... درباره من نازل شد. -قرآن- ۸۷-۱۱۶ [۸۶۰] عیسی بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام از پدرش علی علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: [صفحه ۲۵۷] روزی پیامبر در میان جمعیتی از قریش نشسته بود من به حضور آن بزرگوار رسیدم پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی معنادار به من کرد و فرمود یا علی مثل تو در میان اینکه امت مانند عیسی بن مریم است طایفه‌ای در دوستی با او افراط روا داشتند و عده‌ای هم در دشمنی و کینه راه تفریط را پیمودند. جماعتی که در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله بودند، خندیدند، گفتند: بنگرید و ببینید چگونه پسر عم خود را با عیسی بن مریم علیه السلام مقایسه می کند؟ جبرئیل فرود آمد و آیه کریمه و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون را نازل کرد تا جوابی کوبنده بر استهزا و خنده نابجای آن جماعت جاهل باشد ۱۴۱. -قرآن- ۲۱۶-۲۶۹- پاورقی- ۳۵۷-۳۵۹ [۸۶۲] ابی صادق از ربیع بن ناجذ روایتی را نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: روزی مصطفی صلی الله علیه و آله مرا فراخواند و گفت یا علی شخصیت وجودی تو مثل عیسی بن مریم علیه السلام است یهودیان او را دشمن شدند و در دشمنی و بغض و کینه تا آنجا پیش رفتند که به مادرش مریم بهتان زدند و افترا بستند، از طرف دیگر نصاری چنان در دوستی افراط کردند تا او را به جایگاه خدایی نشانند. علی علیه السلام در ادامه سخن گفت ۱۴۲. -روایت- ۳-۲۴۶ [صفحه ۲۵۸] دو طایفه به واسطه من هلاک شدند محبی که افراط کرد و دشمنی که عناد بی اندازه ورزید، ای دوستان آگاه باشید که من پیامبر مرسل و نبی مکرم نیستم ولی عامل به کتاب خداوند بزرگ هستم اطاعت و پیروی من در آنچه اکراه یا اشتیاق دارید بر شما واجب شد پس با امر و نهی من مخالفت نکنید. [۸۶۶] صالح بن میثم از عبایه بن ربیع نقل کرد ۱۴۳. -پاورقی- ۵۵-۵۷ منافقین با شنیدن کلام پیامبر صلی الله علیه و آله در حق من گفتند: ببینید چه قدر محمد صلی الله علیه و آله از پسر عم خود راضی است که او را به منزله عیسی بن مریم قرار داده و مقام او را تا مقام عیسی بن مریم علیه السلام بالا برده است چون اینکه سخنان ناروا از منافقین منتشر شد، آیه شریفه و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون ... نازل شد. -قرآن- ۲۷۸-۳۳۱ علی علیه السلام پس از نقل اینکه حکایت فرمود به سبب همین فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله است ۱۴۴. -روایت- ۳-۱۱۴ [۸۶۸] محمد بن عبید الله بن ابی رافع از پدر و جدش ابی رافع نقل کرد که آن دو گفتند: رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود دو خصلت در توست که در عیسی بن مریم علیه السلام بود بعضی از صحابه پرسیدند: یا رسول الله آیا پیامبران خدا را به علی علیه السلام تشبیه می کنی؟ در اینکه اثنا علی علیه السلام سؤال کرد: آن دو خصلت چیست [صفحه ۲۵۹] رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: حب نصاری تا آن جا که به هلاکت رسیدند و بغض یهود تا حدی که هلاک شدند. اما درباره تو افراط در دوستی و محبت تا جایی که موجب هلاکت آنان می شود و زیاده روی در بغض و کینه و دشمنی تو که باعث هلاک آنان می شود. چون اینکه بیانات مصطفی صلی الله علیه و آله منتشر شد، طایفه‌ای از منافقین و جمعی از قریش گفتند چگونه ممکن است علی علیه السلام مانند عیسی بن مریم باشد در آن هنگام آیه شریفه و لما ضرب ابن مریم مثلاً اذا قومک منه یصدون ۱۴۵ نازل شد تا دهان مخالفان و معاندان بسته شود. ۱۴۶. -قرآن- ۲۱۵-۲۶۷- پاورقی- ۲۶۸-۲۷۰- پاورقی- ۳۲۲-۳۲۴ [۱۴۸] أم حسب الذین اجترحوا السیئات أن نجعلهم کالذین ءامنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون [جاثیه ۲۱] آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به طوری که زندگی آنان و مرگشان یکسان باشد

چه بد داوری می‌کنند؟ [۸۷۲] عطاء و ضحاک از مجاهد نقل کردند که ابن عباس در توضیح و شرح آیه کریمه أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون بیان کرد -قرآن- ۷-۱۳۱- قرآن- ۴۵۹-۵۸۳ [صفحه ۲۶۰] آیه در مقایسه بین سه نفر از مؤمنان خالص علی علیه السلام حمزه سید الشهداء و عبیده بن حارث با سه تن از مشرکان فاجر مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه نازل شد. الذین اجترحوا السيئات یعنی کسانی که شرک و بی‌دینی را کسب کردند. -قرآن- ۱-۲۵ و قضیه از اینکه قرار بود که سه تن از مشرکین پلید مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه در مکه با سه نفر از مؤمنین یاد شده به مجادله و منازعه پرداختند و گفتند شما را فاضل‌تر و برتر از خود نمی‌دانیم و شما مسلمانان و مؤمنین بر مبنای درست و صحیحی نیستید، اگر هم بر فرض قیامت و آخرتی در کار باشد باز هم ما از شما برتر و بالاتریم و در جایگاه والا تر و بهتری جای داده می‌شویم خدای سبحان که دانای سرّ و نهان است آیه شریفه أم حسب الذین اجترحوا السيئات ... را درباره آنان نازل کرد و فرمود: مؤمنان صالح با کافران ناصالح هرگز در نزد ما مساوی نیستند. اگر چنین سخنانی بگویید، قضاوت نادرست و ناحقّی کرده‌اید. «۱۴۷ -قرآن- ۵۷-۹۱-پاورقی- ۲۶۵-۲۶۷ [۸۷۴] کلبی از ابی صالح نقل کرد ابن عباس در شرح آیه کریمه بیان کرد أم حسب الذین اجترحوا السيئات یعنی بنی عبد شمس که دنبال کسب بدی‌ها و سیئات بودند كالذین ءامنوا و عملوا الصالحات بنی هاشم و بنی عبد المطلب هستند که به ایمان و عمل صالح گرایش و اهتمام داشتند. -قرآن- ۸۳-۱۱۷-قرآن- ۱۸۰-۲۱۴ [۸۷۵] مقاتل بن سلیمان از ضحاک روایتی را نقل کرد که ابن عباس در توضیح آیه شریفه گفت أم حسب الذین اجترحوا السيئات یعنی بنی امیه که پیوسته دنبال سیئات و ضدّیت و مخالفت با قرآن و اسلام بودند و أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصالحات یعنی مؤمنین صالح که پیوسته گوش به فرمان یزدان و مطیع قرآن بودند و آنان نبی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام حمزه سید الشهداء، جعفر طیار، حسن حسین و فاطمه علیهم السلام -قرآن- ۱۱۰-۱۴۴-قرآن- ۲۳۷-۲۸۵ [صفحه ۲۶۱] هستند که اینکه آیه در شأن آنان نازل شد و اینکه بزرگان را مورد تمجید و تحسین قرار داد. [۸۷۶] ابو صادق از ربیعۀ بن ناجذ نقل کرد: علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: در سوره محمّد صلی الله علیه و آله آیه‌ای هست که در فضیلت و تحسین ما و مذمت بنی امیه نازل شد. «۱۴۸ -پاورقی- ۲۱۰-۲۱۲ [۸۷۷] عبد الله بن حزن نقل کرد، در مکه در میان جمعی در حضور حسین بن علی علیهما السلام نشسته بودیم آیه کریمه الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله أضلّ اعمالهم و الذین آمنوا و عملوا الصالحات و آمنوا بما نزل علی محمّد و هو الحقّ من ربّهم ۱۴۹» -قرآن- ۱۳۹-۲۸۶-پاورقی- ۲۸۷-۲۸۹ آن بزرگوار فرمود: اینکه آیه شریفه در شأن ما اهل بیت و بی‌دینی و مخالفت و سدّ راه بنی امیه نازل شد. «۱۵۰ -پاورقی- ۱۱۸-۱۲۰ [۱۴۹] و الذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضلّ أعمالهم سیهدهم و یصلح بالهم و یدخلهم الجنّة عرفها لهم محمّد ۴۶] و کسانی که در راه خدا کشته شدند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند. به زودی آنان را راه می‌نماید و حالشان را نیکو می‌گرداند، و در بهشتی که برای آنان وصف کرده می‌برد. -قرآن- ۷- ۱۱۵ [۸۷۸] قتاده از عطاء نقل کرد ابن عباس در تفسیر و توضیح کلام خدای عزّ و جلّ گفت و الذین قتلوا فی سبیل الله یعنی کسانی که در راه خدا و ترویج دین شهید شدند -قرآن- ۱-۳۳ [صفحه ۲۶۲] مثل حمزه سید الشهداء و جعفر طیار هرگز حسنت و مجاهدت‌های آنان فراموش نمی‌شود و پاداش آنان جنّت و بهشت رضوان است و سیهدهم یعنی خدای سبحان به اینکه مجاهدان توفیق انجام اعمال صالح و کارهای خیر را عنایت می‌فرماید. -قرآن- ۱-۱۰ و یصلح بالهم و همچنین نیات و حالات و اعمال آنان را اصلاح می‌کند. -قرآن- ۱-۱۴ و یدخلهم الجنّة عرفها لهم آن هنگامی که در بهشت داخل شوند، آدرس منازل و جایگاه ابدی آنان را نشان داده معرفی می‌کند. -قرآن- ۱-۲۹ [۱۵۰] ذلک بأنّ الله مولى الذین ءامنوا و أنّ الکفرین لا مولى لهم محمّد ۱۱] چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست [و یاری نیست -قرآن- ۷-۷۹ [۸۷۹] قتاده از سعید بن جبیر نقل کرد ابن عباس مفسّر مشهور در توضیح آیه کریمه بیان کرد، ذلک بأنّ الله مولى الذین ءامنوا یعنی خدای سبحان ولیّ مؤمنانی مثل محمّد صلی الله علیه و آله علی علیه السلام حمزه جعفر طیار، فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است

و آنان را بر دشمنان نصرت و غلبه می‌دهد و عاقبت از آن متقین و مؤمنین است -قرآن- ۱۰۲-۱۴۱ و آن کافرین و برای کافران مثل ابو سفیان بن حرب و اعوان و انصارش هیچ ولی نیست تا عذاب دنیا و آخرت را از آنان دفع کند. -قرآن- ۱-۱۶ [صفحه ۲۶۳]

[۱۵۱] اَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سَوَاءٌ عَمَلُهُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ -قرآن- ۷-۸۸ محمد [۱۴] آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده‌اند! [۸۸۰] مقاتل از عطاء نقل کرد ابن عباس در تفسیر آیه فوق بیان کرد، اَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ -قرآن- ۷۸-۱۱۴ آیه برای رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام آن زمان که شهادت آن لا اله الا الله وحده لا شریک له و شعار توحید سر دادند نازل شد. کمن زین له سوء عمله آیا اینکه چنین انسان موحد و خداشناسی با مثل ابو جهل بن هشام و ابو سفیان بن حرب که هوای نفس و شیطان مال دنیا را برای آنان زینت داده است برابر و مساوی‌اند. -قرآن- ۱۸۵-۲۱۰ و حال اینکه که ابو سفیان و ابو جهل تابع هوی و نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بنده خدا هستند. [۱۵۲] فاذا عزم الامر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الارض و تقطعوا ارحامكم محمد ۲۲ ۲۱] و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در اینکه است که با خدا راست [دل باشند. -قرآن- ۷-۱۲۷ پس [ای منافقان آیا امید بستید که چون از خدا برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگلسید! [۸۸۱] سفیان ثوری از ابن جریج و او از عطاء نقل کرد ابن عباس بیان کرد: آیه فلو صدقوا الله درباره بنی امیه نازل شد، اگر بنی امیه ایمان می‌آوردند و در راه طاعت و متابعت گام بر می‌داشتند و اجابت دستورهای دین و قرآن را می‌کردند، برای -قرآن- ۴-۲۰ [صفحه ۲۶۴] آنان بهتر و نیکوتر از معصیت و عصیان و نافرمانی که در حق قرآن و یزدان داشتند، بود و تقطعوا ارحامکم اینکه طایفه از نبی صلی الله علیه و آله و اهل بیت او بریدند و به مخالفت با آنان پرداخته در دشمنی کمال بی‌رحمی و سنگ دلی را روا داشتند. -قرآن- ۱-۱۸ [۱۵۳] و لتعرفنهم في لحن القول محمد ۳۰] آنان که در دل‌هایشان مرض است از طرز سخن گفتنشان می‌توانی آنها را بشناسی -قرآن- ۷-۳۶ [۸۸۲] هارون عبدی از ابو سعید خدری در شرح و تفسیر آیه کریمه نقل کرد لتعرفنهم في لحن القول یعنی منافقان و بیمار دلان را از لحن گفتار و سخنانی که در بغض و کینه نسبت به علی علیه السلام ابراز و اعلام می‌دارند می‌توان شناخت «۱۵۱ -قرآن- ۸۰-۱۰۷-پاورقی- ۲۶۶-۲۶۸ [۱۵۴] محمد رسول الله و الذين معه أشداء على الكفار رحماء بينهم ترهم ركعاً سجداً يبتغون فضلاً من الله و رضونا سيماهم في وجوههم من أثر السجود ذلك مثلهم في التوراة و مثلهم في الانجيل كزرع أخرج شطئه و فئازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجراً عظيماً. [فتح ۲۹] -قرآن- ۷-۳۷۶ [صفحه ۲۶۵] محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربان‌اند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است اینکه صفت ایشان است در تورات و مثل آنان در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان خدا کافران را به خشم در اندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است [۸۸۶] سفیان ثوری از ابن جریج و او از عطاء نقل کرد که ابن عباس مفسر مشهور در تفسیر و توضیح آیه کریمه بیان کرد محمد رسول الله و الذين معه محمد صلی الله علیه و آله و اصحاب مؤمنش از سابقین ترهم ركعاً سجداً یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام یبتغون فضلاً من الله یعنی طلحه و زبیر سیماهم فی وجوههم من أثر السجود یعنی عبد الرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص ذلك مثلهم في التوراة و مثلهم في الانجيل یعنی ابو عبيده جراح كزرع أخرج شطئه فأزره یعنی ابو بكر فاستغلظ یعنی عمر فاستوى على سوقه یعنی عثمان يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات منهم یعنی تمامی اصحاب محمد صلی الله علیه و آله «۱۵۲ -قرآن- ۱۳۵-۱۶۹-قرآن- ۲۳۴-۲۵۲-قرآن- ۲۹۸-۳۲۳-قرآن- ۳۴۴-۳۸۱-قرآن- ۴۳۷-۴۸۵-قرآن- ۵۱۱-۵۳۵-قرآن- ۵۵۱-۵۵۸-

قرآن-۵۷۰-۵۸۹-قرآن-۶۰۴-۶۳۸-قرآن-۶۸۴-۷۳۴-پاورقی-۷۹۲-۷۹۴ [۸۸۷] عبد الکریم جزری از سعید بن جبیر نقل کرد از عبد الله بن عباس در توضیح و تفسیر کلام خدا وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرةً و أجراً عظیماً سؤال شد. گفت روزی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم جمعی از آن حضرت پرسیدند یا رسول الله اینکه کلام الهی درباره چه کسی نازل شد! -قرآن-۱۱۸-۱۹۰ [صفحه ۲۶۶] مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: چون قیامت کبری برپا شود، پرچی سفید و نورانی را می آورند و نادای از جانب پروردگار ندا می دهد: سید مؤمنان و کسانی که با او بعد از بعثت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردند برخیزند و به پیش تازند. علی بن ابی طالب علیه السلام به سرعت برمی خیزد و لوای نورانی و پرچم سفید به دستش داده می شود. همه مهاجران و انصار سابقه دار زیر اینکه لوای نورانی جمع می شوند و غیر از مهاجر و انصار نخستین و سابقه دار کسی با آنان همراه نخواهد بود تا اینکه که علی علیه السلام بر منبری از نور ربّانی قرار می گیرد. آن گاه بندگان خدا یکی یکی به نزد آن سید و سرور می آیند و پاداش خویش را دریافت می کنند، وقتی جمعیت زیادی پاداش خود را دریافت کردند به آنان گفته می شود، همه شما جایگاه خود را در بهشت شناختید، خدای سبحان به شما می فرماید: عندی مغفرةً و اجر عظیم -روایت- ۱-۲۵. علی علیه السلام و طوایفی که زیر لوای او هستند برخاسته و علی علیه السلام آنان را به داخل بهشت می برد، سپس بر منبر خود می نشیند و پیوسته مؤمنان و صالحانی را که نصیب خود را دریافت کرده اند به داخل بهشت می برد و طوایف دیگری که اهل جهنم و آتش اند به آتش سپرده می شوند. و اینکه کار به سبب قول خدای سبحان و الذین ءامنوا و عملوا الصالحات لهم أجرهم و نورهم است که مؤمنان سابقه دار و اهل ولایت را چنین پاداش نیکو و جایگاه رفیعی عنایت می فرماید. -قرآن-۴۴-۷۷-قرآن-۷۸-۹۹ و الذین کفروا و کذبوا بایاتنا آنان که ولایت علی علیه السلام و حق او را که حق مسلم و واجب بر همه عالمین است زیر پا گذاشتند. -قرآن-۱-۳۲ أولئک أصحاب الجحیم اینان کسانی هستند که علی علیه السلام جهنم را برای آنان قسمت کرده و مستحق جهنم هم هستند. -قرآن-۱-۲۱ [۸۹۱] انس بن مالک می گوید رسول الله صلی الله علیه و آله آیه کریمه محمد رسول الله و الذین -قرآن-۸۳-۱۱۴ [صفحه ۲۶۷] معه أشدّاء علی الکفار رحماء بینهم ... را قرائت فرمود و گفت منظور از کزرع أخرج شطئه محمد صلی الله علیه و آله و آله فئازره ابو بکر فاستغلظ عمر فاستوی علی سوجه عثمان و یعجب الزّراع لیغیظ بهم الکفار علی بن ابی طالب علیه السلام است «۱۵۳ - قرآن-۱-۴۴-قرآن-۸۲-۹۹-قرآن-۱۳۵-۱۴۲-قرآن-۱۵۱-۱۵۸-قرآن-۱۶۳-۱۸۲-قرآن-۱۹۲-۲۲۶-پاورقی-۲۷۲-۲۷۴ [۱۵۵] أنما المؤمنون الذین ءامنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله أولئک هم الصادقون [حجرات ۱۵] در حقیقت مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند اینها هستند که راست کردارند. -قرآن-۷-۱۴۲ [۸۹۳] عمرو بن دینار از عطاء حکایت کرد ابن عباس در تفسیر آیه شریفه أنما المؤمنون الذین ءامنوا گفت یعنی کسانی که خدای سبحان و رسولش را تصدیق کردند و شک و شبهه ای در ایمان نداشتند. -قرآن-۸۰-۱۱۰ و اینکه آیه در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزه سید الشهداء و جعفر طیار نازل شد. که از مؤمنان راستین به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن بودند. و جاهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله أولئک هم الصادقون که از سر صدق و خلوص با جان و مال با دشمنان خدا و در راه طاعت الله پیکار و مجاهدت کردند و اینان مؤمنان صادق و وفادارند که خدای سبحان آنان را به صداقت و راستی در اینکه آیه شریفه ستوده و نام برده است -قرآن-۱-۶۹ [صفحه ۲۶۸] [۱۵۶] و جاءت کل نفس معها سائق و شهید. [ق ۲۱] هر انسانی وارد محشر می شود، در حالی که همراه او سوق دهنده و گواهی هست -قرآن-۷-۴۳ [۸۹۴] جعفر بن حکیم از ام سلمه در شرح آیه کریمه و جاءت کل نفس معها سائق و شهید نقل کرد: -قرآن-۶۰-۹۶ رسول الله صلی الله علیه و آله در قیامت به عنوان سائق [سوق دهنده مردم است و علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان شهید و گواه بر بندگان است [۱۵۷] ألقیا فی جهنم کل کفار عنید. [ق ۲۴] [خداوند فرمان می دهد] هر کافر متکبر و لجوج را در جهنم بیفکنید. -قرآن-۷-۴۰ [۸۹۵] محمد بن طفیل از شریک بن عبد الله اینکه روایت را نقل کرده است که در حضور اعمش که مریض بود به رسم عیادت نشسته بودم که

ابو حنیفه و ابن شبرمه و ابن ابی لیلی وارد مجلس شدند. و رو به اعمش کردند و گفتند: یا ابا محمد تو در آخرین روزهای عمر و در آستانه آخرت هستی و درباره علی بن ابی طالب علیه السلام احادیث مبالغه آمیزی نقل کرده‌ای سزاوار است در پایان عمر از گفته‌های خویش توبه کنی اعمش گفت سند احادیثی را که در شأن و منزلت علی علیه السلام گفتم بیان کنید تا بدانم کدام حدیث را می‌گویید. آنان بعضی از احادیث را اشاره کردند. اعمش گفت بلی ابو متوکل ناجی حدیثی را ابو سعید خدری برایم نقل کرد و گفت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چون قیامت کبری برپا شود، خدای سبحان به من و [صفحه ۲۶۹] علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلْقِيا فِي النَّارِ مِنْ أَبْغَضَكُمَا وَأَدْخِلِ الْجَنَّةَ مِنْ أَحَبَّكُمَا». -روایت ۱-۶۴ هر کسی دشمن کینه‌توز تو و علی است در آتش جهنم اندازید و هر کسی محب و مطیع شماست در بهشت داخل کنید و اینکه به جهت آیه شریفه أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ است -قرآن ۱۵۲-۱۸۵ ابو حنیفه با عصبانیت برخاست و به دوستانش گفت برخیزید از اینکه بدتر و شدیدتر کلامی گفته نمی‌شود. [۸۹۶] اعمش از ابو متوکل ناجی و او از ابو سعید خدری حدیثی را روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، خدای قادر به من و علی علیه السلام دستور می‌فرماید، برخیزید هر کسی که از دوستان و محبان و پیروان شماست به بهشت داخل کنید و هر کسی دشمن و مخالف شماست به جهنم اندازید. علی علیه السلام بر شفیق و لبه جهنم می‌ایستد و می‌گوید، اینکه برای من و آن برای تو. معنای کلام سبحان در قرآن أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ هم همین است که اجازه اینکه کار به ما دو نفر داده می‌شود. -قرآن ۳۱-۶۴ [۸۹۷] محمد بن حسین از پدرش و او از جدش از علی علیه السلام در توضیح و تفسیر آیه کریمه أَلْقِيا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ بیان کرد. -قرآن ۱۱۲-۱۴۵ علی علیه السلام فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله برایم بیان فرمود: آن هنگامی که مردم در روز قیامت اجتماع کنند، من و تو در سمت راست عرش ساکن می‌شویم آن گاه به من و تو گفته می‌شود: «قوما فالقيا من ابغضكما وخالفكما وكذبكما في النار». -روایت ۱-۶۲ یا محمد تو و علی برخیزید و دشمنان و مخالفان و تکذیب کنندگان خود را به جهنم اندازید. [۱۵۴] -پاورقی ۱۰۵-۱۰۷ [صفحه ۲۷۰] [۱۵۸] أَنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ. [ق ۳۷] قطعاً در اینکه [عقوبتها] برای هر صاحب دل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است -قرآن ۷-۸۱ [۸۹۹] منذر ثوری از محمد بن حنفیه [فرزند علی علیه السلام نقل کرد علی علیه السلام در توضیح کلام خدا أَنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ فرمود: من آن صاحب قلب سلیمی هستم که ربّ جلیل در آیه فوق به آن اشاره فرمود. -قرآن ۱۲۹-۲۰۳ [۹۰۰] سفیان ثوری از سدی از عطاء نقل کرد ابن عباس مفسّر مشهور بیان کرد روزی دو شتر بزرگ به رسول الله صلی الله علیه و آله هدیه شد، آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عزّ و جلّ به جای آورد و قلبش فقط متوجه الله باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم علی علیه السلام برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید، جبرئیل به رسول الله گفت یکی از دو شتر را به او عنایت فرما. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود، او در تشهّد درنگ و توقف کوتاهی نمود و تفکّر کرد تا کدام یک را انتخاب کند. جبرئیل گفت تفکّرش برای اینکه بود که کدام یک را انتخاب کند که چاق‌تر باشد تا در راه خدا بکشد و صدقه بدهد و تفکّر او برای وجه الله بود نه برای خود و دنیای خود پس رسول الله صلی الله علیه و آله هر دو شتر را به علی علیه السلام داد. در آن هنگام خدای سبحان آیه شریفه أَنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ -قرآن ۴۲-۹۲ [صفحه ۲۷۱] أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ را بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل فرمود. -قرآن ۱-۲۷ یعنی در نماز علی علیه السلام پند و اندرز نیکو برای کسانی است که قلبی سالم و عقلی کامل دارند یا آن کسانی که در نماز آنچه با زبان می‌گویند با گوش می‌شنوند. و اینکه چنین فردی شهید و حاضر القلب نامیده می‌شود. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی دو رکعت نماز با صفا بخواند که امور دنیا در آن نماز به قلب و ذهنش خطور نکند، خدای تعالی از او راضی می‌شود و همه گناهانش را عفو می‌کند. [۱۵۹] كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ

[ذاریات ۱۹-۱۷] و از شب اندکی را می‌غنودند، و در سحرگاهان از خدا طلب آمرزش می‌کردند و در اموالشان برای سائل و محروم حقّی [معین بود - قرآن- ۷-۱۱۱] [۹۰۱] قناده از سعید بن جبیر نقل کرد که ابن عباس در توضیح آیه کریمه کانوا قلیلاً منّ اللیل ما یهجعون ... گفت اینکه آیه در حقّ علی حسن حسین و فاطمه علیهم السّلام نازل شد. - قرآن- ۸۴-۱۲۵ علی ابن ابی طالب علیه السّلام چنان بود که دو ثلث آخر شب را به نماز و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و ثلث اول شب را استراحت می‌کرد. چون سحرگاهان فرا می‌رسید آن حضرت به دعا و استغفار مبادرت می‌کرد. در سیره علی علیه السّلام وارد شده است که در هر شب هفتاد رکعت نماز و یک ختم قرآن در پایان آن نماز انجام می‌داد. [صفحه ۲۷۲] [۱۶۰] اَنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ [طور/ ۱۷] پرهیزگاران در باغهایی هستند و در ناز و نعمت‌اند. - قرآن- ۷-۴۱ [۹۰۲] سفیان بن عیینّه از منصور و او از مجاهد نقل کرد که ابن عباس در شأن نزول و تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد، اَنَّ الْمُتَّقِينَ دَرَبَارَهُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السّلام حمزه فاطمه علیها السّلام و جعفر طیار نازل شد که مصداق بارز متقین در نزد خدا هستند و اینان در آخرت به بوستان‌هایی زیبا دست می‌یابند. - قرآن- ۱۳۱-۱۴۵ ابن عباس در ادامه می‌گوید: در هر بوستان از بهشت علیا، در وسطش خیمه‌ای از لؤلؤ وجود دارد و در داخل هر خیمه‌ای تختی از طلا نصب است و در هر تختی هفتاد بستر و فرش مهیاست که از آن متقین هست [۱۶۱] و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِْمْنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ. [طور/ ۲۱] و کسانی که گرویده و فرزندان‌شان آنان را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندان‌شان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها] شان نمی‌کاهیم - قرآن- ۷-۱۱۱ [۹۰۳] حکم بن ظهیر از سدی و او از ابی مالک و او از ابی مالک و او از ابن عباس نقل کرده است که آیه کریمه و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ ... در شأن نبی صلی الله علیه و آله علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. - قرآن- ۱۳۶-۱۷۸ [۹۰۴] عبد الرحمن بن عمر حکایت کرد که هر گاه بزرگان را می‌شمردیم از ابو بکر و عمر و عثمان نام می‌بردیم مردی برخاست و گفت یا بن عمر؟ پس علی علیه السّلام را چرا نام نمی‌بری [صفحه ۲۷۳] در جواب گفتم وای بر تو؟ علی علیه السّلام از اهل بیت است و هیچ کسی را نمی‌توان با او مقایسه کرد، علی علیه السّلام با نبی صلی الله علیه و آله در یک درجه و رتبه هستند. خدای سبحان در قرآن فرموده است و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ - قرآن- ۳۹-۷۷ و همچنین فاطمه علیها السّلام با رسول الله صلی الله علیه و آله در یک درجه است و علی علیه السّلام با آن دو بزرگوار نیز در یک درجه هستند. [۹۰۵] زراره و حمران از محمد بن مسلم و او از ابو جعفر علیه السّلام و ابی عبد الله در توضیح آیه و اتّبعتم ذرّیتهم بایمن نقل کرده‌اند: - قرآن- ۱۲۰-۱۴۸ اطفال و فرزندان به واسطه اعمال صالح پدران محافظت می‌شوند و مورد لطف و عنایت پروردگار قرار می‌گیرند. کما اینکه که خدای تعالی مال و دفینه دو فرزند را به جهت ایمان و تقوا و صلاح پدر به دست خضر علیه السّلام محافظت کرد. [۹۰۷] سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است خدای سبحان ذریّه مسلمانان را به پدرانشان ملحق می‌کند، هر چند از نظر اعمال پایین‌تر از پدران خود باشند برای اینکه که موجب شادی و روشنی چشم پدران را فراهم فرماید. ابن عباس آن گاه برای تأیید گفتار خویش آیه اَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ... را قرائت کرد. «۱۵۵ - قرآن- ۵۱-۷۲-پاورقی- ۹۴-۹۶ [صفحه ۲۷۴] [۱۶۲] و النّجم اذا هوى ما ضلّ صاحبکم و ما غوى و ما ينطق عن الهوى اَن هو اَلّا وحي يوحى [نجم ۱۳] سوگند به اختر [قرآن چون فرود می‌آید، که یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده است و از سر هوس سخن نمی‌گوید. اینکه سخن به جز وحی که وحی می‌شود نیست - قرآن- ۷-۱۰۶] [۹۱۰] مالک بن غسان نهشلی از ثابت و او از انس بن مالک نقل کرد: در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه ستاره را بنگرید، در خانه هر کسی فرود آید او خلیفه و جانشین من است همه حاضران به نظاره پرداختند و دیدند آن کوكب درخشان در منزل علی بن ابی طالب علیه السّلام فرود آمد. جماعتی از حضار گفتند: محمد صلی الله علیه و آله از شدت علاقه و زیادی محبت به علی علیه السّلام به گمراهی کشیده شد. جبرئیل آیه شریفه و النّجم اذا هوى ما ضلّ صاحبکم و ما غوى و ما ينطق عن الهوى اَن هو اَلّا وحي يوحى را بر مصطفی صلی الله علیه و آله نازل کرد و پاسخ محکمی به آن یاهو گویان داد. «۱۵۶ - قرآن-

۲۰-۱۲۱-پاورقی-۲۱۹-۲۲۱ [۹۱۲] ابی بشر از سعید بن جبیر نقل کرد ابن عباس گفت در محفلی در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله با عده‌ای از جوانان بنی هاشم نشسته بودیم ستاره‌ای از جای خود حرکت کرد، مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه ستاره در منزل هر کسی فرود آید او وصی و جانشین من است جوانی از بنی هاشم برخاست و به تماشای آن کوکب درخشان پرداخت تا اینکه که آن ستاره در خانه علی علیه السلام فرود آمد. [صفحه ۲۷۵] عده‌ای از آن جماعت گفتند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله حب وافر و علاقه فراوان تو نسبت به علی علیه السلام تو را به غایت و گمراهی کشانده و در شأن او مبالغه می‌کنی بلافاصله آیه شریفه و النجم اذا هوی ... و هو بالافق الاعلی بر پیامبر نازل شد. «۱۵۷-قرآن-۲۴۰-۲۵۸-قرآن-۲۵۹-۲۸۵-پاورقی-۳۰۸-۳۱۰ [۹۱۴] منصور بن ابی اسود از جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدرش تا می‌رسد به علی علیه السلام که آن حضرت حکایت کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه ستاره‌ای از آسمان به منزل یکی از اصحابم فرود آید آن صحابی خلیفه وصی و جانشین من است فردای آن روز دیدند، ستاره‌ای نورانی و درخشان که نورش همه جا را فرا گرفته بود به حرکت درآمد، تا در بیت و حجره علی علیه السلام فرود آمد. جماعتی از مخالفان و معاندین و منافقان به هیجان آمده گفتند: اینکه مرد، رسول الله صلی الله علیه و آله گمراه شده و در ضلالت افتاده است در آن هنگام خدای سبحان آیه و النجم اذا هوی ما ضل صاحبکم و ما غوی ... را بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نازل فرمود تا مشیت محکمی بر دهان آن ژاژخواهان و بیهوده‌گویان کم‌خرد نواخته شود. -قرآن-۳۴-۸۳ [۹۱۶] سفیان ثوری از سدی و او از مجاهد نقل کرده است که از ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه و النجم اذا هوی گفت -قرآن-۱۱۴-۱۳۴ هنگامی که مردم مدینه از انصار رسول الله صلی الله علیه و آله هفت صد دینار نقد جمع‌آوری کردند و به حضور نبی صلی الله علیه و آله رسیدند، گفتند: یا رسول الله اینکه دینارها را برای شما جمع‌آوری کردیم از ما پذیرید. خدای سبحان آیه قل لا أسئلكم علیه أجراً إلاً المودة فی القربی را در جواب آنان فرستاد. -قرآن-۲۸۱-۳۳۵ [صفحه ۲۷۶] یعنی برای تبلیغ رسالت و تعلیم قرآن اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم و اگر هم مزدی در کار باشد مودت و محبت اهل بیت را به عنوان پاداش آن قرار می‌دهم گروهی از منافقین مسلمان‌نما گفتند: چه تقاضای نابجایی از ما دارد، از ما می‌خواهد که اهل بیت او را دوست بداریم در آن هنگام آیات سوره نجم نازل شد و فرمود: و النجم اذا هوی ... زمانی که قرآن را به صورت نجماً نجماً بر محمد صلی الله علیه و آله فرستادیم ما ضل صاحبکم او رسولی راستین و راست گفتار است و هرگز گمراه نشد و در ضلالت نیفتاد. -قرآن-۱۸۴-۲۰۲-قرآن-۳۰۴-۳۲۰ و ما غوی از اینکه که اهل بیتش را تفضیل و برتری داده است به فرمان ما بود -قرآن-۱-۱۰ ما ينطق عن الهوی در آنچه مصطفی صلی الله علیه و آله می‌گوید از سر هوی و هوس نیست -قرآن-۱-۲۱ أن هو ألاً وحی یوحی بلکه از منبع وحی و منشأ الهی سخن می‌گوید. -قرآن-۱-۲۵ [۱۶۳] و أنه هو أضحک و أبکی [نجم ۴۳] و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند. -قرآن-۷-۳۳ [۹۱۷] قتاده از عطاء نقل کرد که ابن عباس صحابی نوجوان رسول الله صلی الله علیه و آله در شرح آیه کریمه و أنه هو أضحک و أبکی گفت -قرآن-۱۲۸-۱۵۴ خدای سبحان علی علیه السلام و حمزه و جعفر طیار را در جنگ بدر به واسطه کشتن بعضی از سران لجوج کفار مثل عتبه و شیبه و ولید بن عتبه خندان و شاد و مسرور گردانید و در مقابل بعضی از کفار مکه را با سرنگون کردن در آتش جهنم گریان و نالان کرد. [صفحه ۲۷۷] [۱۶۴] مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لما يبيغان فبأي الأء ربكما تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان [رحمن ۲۱ ۱۹] دو دریا را به گونه‌ای روان کرد که با هم برخورد کنند. میان آن دو، حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید! از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید. -قرآن-۷-۱۱۵ [۹۱۸] زیاد بن منذر از جویبر و او از ضحاک در توضیح اینکه آیه کریمه نقل کرد مرج البحرين يلتقيان دو بحر که به هم ملاقات کردند علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند. -قرآن-۹۴-۱۱۶ يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان که از الحاق و ازدواج آن دو بزرگوار حسن و حسین علیهما السلام به عنوان لؤلؤ و مرجان ایجاد شدند. «۱۵۸-قرآن-۱-۳۰-پاورقی-۱۴۱-۱۴۳ [۹۲۰] سعید بن جبیر از ابن عباس در تفسیر قول خدای تعالی نقل کرد: مرج البحرين يلتقيان دو بحر علی و

فاطمه علیهما السلام هستند که با هم ازدواج کردند. -قرآن- ۱-۲۲ بینهما برزخ لآ یبغیان بین آن دو علاقه‌ای وافر و محبتی دائم است که هرگز جدا نشود و فانی نگردد. -قرآن- ۱-۲۴ یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان نتیجه اینکه پیوند و ارتباط دو گوهر ارجمند و در گرانبها به نامهای حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است «۱۵۹ -قرآن- ۱-۳۰-پاورقی- ۱۵۵-۱۵۷ [۹۲۲] ابی عبد الرحمن سلمی از قول انس بن مالک نقل کرد: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اذا فقدتم الشمس فاتوا القمر، و اذا فقدتم القمر فاتوا الزهرة فاذا فقدتم الزهرة فاتوا الفرقدين -روایت- ۱-۱۰۳ اگر خورشید را از دست دادید به سوی ماه بشتابید و اگر ماه پنهان شد به جانب [صفحه ۲۷۸] زهره بروید. اگر به زهره نتوانستید دست پیدا کنید به جانب فرقدین روید. فردی سؤال کرد یا رسول الله شمس و قمر و زهره و فرقدان چیستند! بیان فرمایید. آن حضرت فرمود: شمس آسمان هدایت من هستم قمر عالم تاب آسمان ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است ستاره زهره در شب تاریک و ظلمانی فاطمه علیها السلام است و فرقدان دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام هستند. [۱۶۵] و السابقون السابقون أولئك المقربون [واقعه ۱۰] و سبقت گیرندگان مقدم‌اند. آنان‌اند همان مقربان خدا. -قرآن- ۷-۴۹ [۹۲۴] ابی نجیح از مجاهد و او از ابن عباس نقل کرده است سابقون سه نفر بودند یوشع بن نون سابق به سوی موسی بن عمران علیه السلام است صاحب یاسین به جانب عیسی علیه السلام و سابق سوم علی بن ابی طالب علیه السلام به سوی نبی صلی الله علیه و آله است «۱۶۰ -پاورقی- ۱۴۶-۱۴۸ [۹۲۵] ابی نجیح از مجاهد و او از ابن عباس روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: سابقین جهان چهار نفر بودند، یوشع بن نون به موسی علیه السلام سبقت صاحب یاسین به عیسی علیه السلام سبقت علی علیه السلام به محمد صلی الله علیه و آله و سبقت ابراهیم «۱۶۱ -پاورقی- ۲۰۷-۲۰۹ [۹۲۷] مقاتل بن سلیمان از ضحاک نقل کرد ابن عباس گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آیه شریفه و السابقون السابقون أولئك المقربون پرسیدم -قرآن- ۶۷-۱۰۹ [صفحه ۲۷۹] آن حضرت فرمود: از جبرئیل تفسیر آیه را سؤال کردم بیان کرد سابقون در آیه شریفه علی علیه السلام و شیعیانش هستند که از همه مردم در رفتن به بهشت سبقت می‌گیرند. [۹۲۸] حکم بن ظهیر از سدی نقل کرد آیه و السابقون السابقون در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. «۱۶۲ -قرآن- ۴۸-۷۱-پاورقی- ۱۳۰-۱۳۲ [۹۲۹] سدی از ابی مالک غفاری و او از ابن عباس در شرح آیه و السابقون السابقون نقل کرد سابقون امت محمد صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۷۶-۹۹ [۹۳۱] عطاء بن ابی رباح از قول عبد الله بن عباس در تفسیر آیه شریفه و السابقون السابقون گفت سابقون سه تن بودند، یوشع بن نون به سوی موسی علیه السلام شمعون بن یوحنا به جانب عیسی علیه السلام و علی علیه السلام به نبی صلی الله علیه و آله «۱۶۳ -قرآن- ۸۶-۱۰۹-پاورقی- ۳۱۰-۳۱۲ [۱۶۶] و ثلثة من الاولین و قلیل من الاخرین [واقعه ۱۳] گروهی از پیشینیان و اندکی از متأخران -قرآن- ۷-۵۱ [۹۳۲] حسین انصاری از قول محمد بن فرات نقل کرد در حضور جعفر بن محمد علیه السلام مردی از تفسیر و معنای آیه شریفه ثلثة من الاولین و قلیل من الاخرین سؤال کرد. -قرآن- ۱۳۸-۱۷۹ آن جناب فرمود: ثلثة من الاولین سه نفر بودند فرزند آدم علیه السلام هابیل که به دست برادرش کشته شد و مؤمن آل فرعون و صاحب یاسین جانشین عیسی علیه السلام -قرآن- ۱۸-۳۷ [صفحه ۲۸۰] امّا قلیل من الاخرین فقط علی بن ابی طالب علیه السلام است «۱۶۴ -قرآن- ۵-۲۴-پاورقی- ۷۴-۷۶ [۹۳۴] شعیب بن واقد از محمد بن سهل و او از جعفر بن محمد علیه السلام نقل کرده است که آن بزرگوار فرمود: ثلثة من الاولین فرزند آدم علیه السلام به نام هابیل است که به دست برادرش کشته شد و لیکن قلیل من الاخرین علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۱۳۰-۱۴۹-قرآن- ۲۴۰-۲۵۹ [۱۶۷] و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین [واقعه ۲۷] و یاران راست یاران راست کدام‌اند! -قرآن- ۷-۴۲ [۹۳۶] جابر جعفی از ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام نقل کرد که علی علیه السلام فرمود: نبوت و رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه ابلاغ و اعلام گردید و من روز سه‌شنبه از رسالت نبوی مطلع شدم و مسلمانی خود را اعلام کردم هرگاه نبی صلی الله علیه و آله نماز می‌گزارد، من در سمت راست آن حضرت نماز را به جماعت اقتدا می‌کردم و احدی از مردان با ما نبود، خدای سبحان هم آیه و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین ... را برای من

نازل فرمود. -قرآن- ۱۸۰-۲۱۵ [۹۳۷] عثمان بن مغیره از زید بن وهب نقل کرد که عبد الله بن مسعود گفت نخستین حرکتی که بعد از مبعوث شدن رسول الله صلی الله علیه و آله دیدم اینکه بود یک زمانی برای تجارت و خرید کالا به مکه سفر کردم عباس بن عبد المطلب که با من دوست بود در کنار چاه زمزم نشسته بود به سوی او رفتم و در کنارش نشستم طولی نکشید، دیدم مردی خوش سیما با چهره‌ای نورانی در حالی که دو جامه سفید بر تن داشت و نوجوانی زیباروی در سمت راست و بانویی با وقار همراه او بود آنان از باب الصفا وارد مسجد الحرام شدند. [صفحه ۲۸۱] او ابتدا در مقابل رکن ایستاد، دست‌ها را بلند کرد و تکبیر گفت سپس آن نوجوان در سمت راست وی ایستاد و با بلند کردن دست‌ها تکبیر گفت بعد آن بانو که در پشت سر آن دو ایستاده بود تکبیر گفت و آنان سپس قنوت را طولانی کردند. از عباس بن عبد المطلب پرسیدم اینان کیستند! گفت آن نفر اول برادرزاده‌ام محمد بن عبد الله است و آن نوجوان علی بن ابی طالب علیه السلام و آن بانو خدیجه همسر محمد صلی الله علیه و آله است دینی را که اینکه سه نفر برگزیدند و بر اساس آن عبادت می‌کنند در روی زمین احدی غیر از اینکه سه تن ندارد. [۱۶۸] و الذين ءامنوا بالله و رسوله أولئك هم الصديقون و الشهداء عند ربهم لهم أجرهم و نورهم [حدید/ ۱۹] و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان -قرآن- ۷-۱۰۷ [۹۳۸] این ابی لیلی از برادرش عیسی و او از عبد الرحمن بن ابی لیلی و او از پدرش نقل کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: صدیقین سه نفرند، حبیب بن نجار که مؤمن آل یاسین است و حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب علیه السلام سومین مؤمن که با فضیلت‌ترین و برترین همه آنان است [۹۳۹] محمد بن ابی لیلی از عیسی بن عبد الرحمن و او از پدرش و جدش به نام داود بن بلال بن أحيه از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود: صدیقین عالم سه نفرند حبیب بن نجار، مؤمن آل یاسین که در قرآن از زبان او گفته شد: یا قوم اتبعوا المرسلین و حزقیل مؤمن آل فرعون که گفت -قرآن- ۱۰۲-۱۱۳۱ تقتلون رجلاً -قرآن- ۱-۱۶ [صفحه ۲۸۲] أن يقول ربی الله و قد جاءكم بالبینات من ربکم و علی بن ابی طالب علیه السلام سومین مؤمن که بهترین و فاضل‌ترین آنان است ۱۶۵. -قرآن- ۱-۶۲-پاورقی- ۱۵۴-۱۵۶ [۱۶۹] یا أيها الذين ءامنوا اتقوا الله و ءامنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته و يجعل لكم نوراً تمشون به و يغفر لكم و الله غفور رحيم [حدید/ ۲۸] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است -قرآن- ۷-۱۵۱ [۹۴۳] محمد بن مروان از کلبی و او از ابو صالح نقل کرد ابن عباس مفسر قرآن در توضیح و تفسیر آیه کریمه گفت یوتکم کفلین من رحمته یعنی حسن و حسین علیهما السلام را به شما عنایت کردم -قرآن- ۱۲۹-۱۵۵ و يجعل لكم نوراً تمشون به منظور از نور در اینکه آیه علی بن ابی طالب علیه السلام است که در پناه علم او هدایت می‌شوید. «۱۶۶ -قرآن- ۱-۳۱-پاورقی- ۱۵۳-۱۵۵ [۹۴۵] محمد بن ابی شعیب از جابر بن عبد الله انصاری و از ابو جعفر علیه السلام روایت کرد که آن جناب در تفسیر آیه شریفه یوتکم کفلین من رحمته فرمود، کفلین یعنی حسن و حسین علیهما السلام -قرآن- ۱۴۶-۱۷۲-قرآن- ۱۸۰-۱۸۶ و يجعل لكم نوراً تمشون به یعنی برای شما امام عادل قرار دادم تا در سایه امامت او به راه حق و صراط مستقیم هدایت یابید و آن امام هادی علی بن ابی طالب علیه السلام است -قرآن- ۱-۳۱ [۹۴۶] عبد الله بن واصل از سعد بن طریف نقل کرد که ابو جعفر علیه السلام در توضیح آیه [صفحه ۲۸۳] یا أيها الذين ءامنوا اتقوا الله و ءامنوا برسوله یوتکم کفلین من رحمته و يجعل لكم نوراً تمشون به فرمود: هر کسی به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام تمسک کند برایش نوری حاصل شود و قلبش نورانی گردد. «۱۶۷ -قرآن- ۱-۱۱۱-پاورقی- ۲۳۵-۲۳۷ [۹۴۸] مالک بن انس از زهری از سالم و او از پدرش نقل کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اکثرکم نوراً يوم القيامة اکثرکم حياء لآل محمد صلی الله علیه و آله» -روایت- ۱-۸۲ نورانی‌ترین شما در روز قیامت آن کسی است که عاشق‌ترین افراد به آل محمد صلی الله علیه و آله باشد [۱۷۰] یا أيها الذين ءامنوا اذا ناجيتم الرسول فقدموا بين يدي نجوكم صدقة ذلك خير لكم و أظهر فأَنْ لَمْ تجدوا فأَنْ الله غفور رحيم ء أشفقتم أن تقدموا بين

یدی نجویکم صدقات فأذلم تفعلوا و تاب الله علیکم فأقیموا الصلوة و ءاتوا الزکوة و أطیعوا الله و رسولہ و الله خبیر بما تعملون [مجادله ۱۴ ۱۲] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر خدا گفت و گوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید. اینکه [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است - قرآن-۷-۳۱۵ آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید! و چون نکردید و خدا هم بر شما بخشود، پس نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است -روایت-۱- ۱۵۸ [صفحه ۲۸۴] [۹۴۹] ابن ابی نجیح از مجاهد نقل کرد، بر طبق آیات بالا مناجات رایگان با رسول الله صلی الله علیه و آله ممنوع شد و سخن گفتن و نجوا کردن با مصطفی صلی الله علیه و آله منوط به صدقه دادن شد، جز علی علیه السلام همه اصحاب خود را پنهان کردند و از سخن گفتن با رسول الله صلی الله علیه و آله بازماندند اما علی علیه السلام دیناری نقد داشت آن را در راه خدا صدقه داد و به نجوای خود با نبی صلی الله علیه و آله ادامه داد. تا اینکه که آیات رخصت نازل شد و نجوای بدون صدقه را آزاد گذاشت [۹۵۰] سلیمان احوال از مجاهد در شرح آیه یأئها الذین ءامنوا اذا نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقه... گفت -قرآن-۴۸-۱۲۶ به مسلمانان از مهاجر و انصار امر شد هر کسی قصد سخن گفتن و نجوا با رسول الله صلی الله علیه و آله را داشته باشد ابتدا صدقه را به اهلس برساند، سپس با نبی صلی الله علیه و آله سخن بگوید. نخستین کسی که صدقه داد و با مصطفی صلی الله علیه و آله سخن گفت علی بن ابی طالب علیه السلام بود احدی غیر او با صدقه دادن با آن حضرت سخن نگفت آن گاه آیه دیگری نازل شد و اینکه حکم را برداشت و اجازه نجوا با رسول الله صلی الله علیه و آله را بدون صدقه صادر فرمود. [۹۵۱] لیث از مجاهد نقل کرد، علی علیه السلام فرمود: در قرآن آیه‌ای وجود دارد که هیچ کسی قبل از من به آن عمل نکرد و بعد از من هم احدی به آن آیه عمل نخواهد کرد و آن آیه نجواست چون آن آیه نجوا با نبی صلی الله علیه و آله را بدون صدقه ممنوع کرد، من یک دینار داشتم آن را به ده درهم تبدیل کردم و هرگاه اراده سخن گفتن یا نجوا و پرسش با آن حضرت را می‌کردم درمی صدقه می‌دادم تا اینکه که درهم‌ها تمام شد و آیه فأن لم تجدوا فأن الله غفور رحیم نازل شد و آن حکم را نسخ کرد. -قرآن- ۴۵۰-۴۹۰ [۹۵۴] علی بن علقمه از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است که چون آیه شریفه اذا -قرآن-۱۰۸-۱۱۳ [صفحه ۲۸۵] نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقه نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله مرا احضار کرد و فرمود: یا علی آیا یک دینار برای مکالمه و نجوا کافی است -قرآن-۱-۵۰ گفتم یا رسول الله یک دینار زیاد است و کسی را توانایی اینکه مقدار نیست فرمود: چه مقدار برای اینکه کار کافی است گفتم شعیره. آن حضرت فرمود: آنک لزهید -روایت-۱-۱۳ [تو خیلی زاهد هستی . بلافاصله آیه ء اشفقتم أن تقدموا بین یدی نجویکم صدقات نازل شد و حکم تکلم با پرداخت صدقه را لغو کرد. -قرآن- ۱۴-۶۲ سپس علی علیه السلام فرمود: به سبب من به اینکه امت تخفیف داده شد. چنین آیه‌ای برای هیچ کسی قبل از من نازل نشد و برای هیچ کسی بعد از من هم نازل نخواهد شد. [۱۶۸ -پاورقی-۱۹۷-۱۹۹ [۹۵۸] لیث از مجاهد نقل کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: در کتاب خدا آیه‌ای است که احدی قبل از من به آن عمل نکرد و هیچ کسی بعد از من هم نمی‌تواند به آن عمل کند و آن آیه نجواست یا أئها الذین ءامنوا اذا نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقه در آن هنگام از مال دنیا فقط یک دینار نقد داشتم آن را به ده درهم تبدیل کردم هرگاه با رسول الله صلی الله علیه و آله نجوا می‌کردم یا پرسشی داشتم قبل از آن یک درهم در راه خدا صدقه می‌دادم -قرآن-۱-۸۱ تا اینکه که آیه کریمه نسخ شد، در حالی که هیچ کسی قبل از من به آن آیه شریفه عمل نکرد و نخواهد کرد. [۱۶۹ -پاورقی-۱۲۸-۱۳۰ [صفحه ۲۸۶] [۹۶۲] عثمان بن محمّد از جریر و او از لیث و او از مجاهد روایتی را نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: در قرآن آیه‌ای است که احدی غیر از من به آن آیه کریمه عمل نکرده و عمل نخواهد کرد و آن آیه نجوا یا أئها الذین ءامنوا اذا نجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقه است -قرآن- ۱۱۹-۱۹۴ چون اینکه فرمان یزدان صادر شد، همگان پیامبر را تنها گذاشته ترک کلام و سخن با آن حضرت کردند، اما من دیناری

نقد همراه بود آن را به ده درهم تبدیل کردم و در هر نجوایی درهمی را انفاق کرده با رسول الله به نجوا و گفت و گو نشستم چون خدای سبحان تنهایی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و عقب نشینی مسلمانان را مشاهده کرد، فرمان خویش را نسخ فرمود و آیه ء اشفقتم ان تقدّموا بین یدی نجویکم صدقات ... را نازل کرد واحدی غیر از من به اینکه آیه عمل نکرد. «۱۷۰-قرآن-۱۴۴-۱۹۶-پاورقی-۲۶۵-۲۶۷ [۹۶۴] محمد بن فضیل از کلبی از ابی صالح نقل کرد، ابن عباس در توضیح و شرح آیه نجوا بیان کرده است در بین مسلمانان صدر اول مشهور شد نخستین کسی که بعد از آیه نجوا با رسول الله صلی الله علیه و آله سخن گفت علی بن ابی طالب علیه السلام بود او دیناری در اختیار داشت آن را در راه خدا انفاق کرد، سپس با نبی صلی الله علیه و آله به نجوا و سخن گفتن پرداخت امّا سایر مردم چنین کاری نکردند در حالی که تنها گذاشتن رسول الله برای آنان مشقت داشت و هم خرج کردن پول و انفاق کردن بر آنان سخت و ناگوار بود «۱۷۱-پاورقی-۴۹۹-۵۰۱ [۹۶۶] ابو ایوب انصاری نقل کرده است آیه یأیها الذین ءامنوا اذا نجیتم الرسول -قرآن- ۴۸-۸۹ [صفحه ۲۸۷] فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه دربارۀ علی علیه السلام نازل شد. آن زمان که همه مسلمانان از ترس انفاق به گوشه‌ای پنهان شدند، علی علیه السلام ده بار با رسول الله صلی الله علیه و آله نجوا کرد و در هر نجوایی یک دینار در راه خدا انفاق کرد. [۹۶۷] ابو زبیر از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد، «۱۷۲» -پاورقی- ۶۲-۶۴ من با او نجوا نمی کردم بلکه خدای سبحان با او نجوا و گفت و گو می کرد «۱۷۳». -پاورقی- ۸۴-۸۶ [۱۷۱] لا تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوآذون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا ءاباءهم أو أبناءهم أو أخوانهم أو عشیرتهم أولئک کتب فی قلوبهم الایمان و أیدهم بروح منه و یدخلهم جنّ تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئک حزب الله ألا- أن حزب الله هم المفلحون [مجادله ۲۲] قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشد [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست بدانند. در دل اینهاست که خدا ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشتیایی که از زیر [درختان آن جویهای] -قرآن- ۷-۳۴۶-روایت-۱- ۳۶ [صفحه ۲۸۸] روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا آری حزب خداست که رستگارانند. [۹۷۰] حکم بن ظهیر از حسین بن زید از جعفر بن محمد علیه السلام و آن حضرت از پدرش نقل کرده است آیه کریمه لا- تجد قوماً يؤمنون بالله و الیوم الآخر یوآذون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا ءاباءهم أو أبناءهم أو أخوانهم أو عشیرتهم أولئک کتب فی قلوبهم الایمان و أیدهم بروح منه و یدخلهم جنّ تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئک حزب الله ألا- أن حزب الله هم المفلحون -قرآن- ۱۰-۳۵۱ در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. [۹۷۱] ابان بن تغلب نقل کرده است علی بن محمد بن بشر گفت روزی در حضور محمد بن علی علیه السلام نشسته بودم مردی سوار بر شتر وارد شد و نامه‌ای را تقدیم کرد آن حضرت چون نامه را خواند گفت مهلب از ما چه چیزی می‌خواهد! در جواب گفت دنیا و آخرت را از شما می‌خواهد، چون در نزد شما اهل بیت هم دنیا و هم آخرت است آن جناب گفت ما شاء الله هر کسی ما را برای خدا دوست بدارد نفع می‌برد و حب ما اهل بیت چیزی است که خدای سبحان بر قلب‌های بندگان می‌نگارد و تثبیت می‌کند. هر کسی در قلبش مهر و محبت ما نگاشته شود، احدی قادر به محو آن نیست آیا نشنیدی که خدای تعالی در قرآن فرمود: أولئک کتب فی قلوبهم الایمن و أیدهم بروح منه و یدخلهم جنّات تجری من تحتها الانهر خلدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئک حزب الله ألا- أن حزب الله هم المفلحون و حب و دوستی ما اهل بیت نه تنها از ایمان است بلکه از اصل ایمان است -قرآن- ۱-۱۹۴ [صفحه ۲۸۹] [۱۷۲] و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة. [حشر/ ۹] و هر چند در خودشان احتیاجی [میرم] باشد آنان را بر خودشان مقدم می‌دارند. -قرآن- ۷-۵۴ [۹۷۲] عاصم بن کلب از پدرش و او از ابی هریره حکایت کرد: در اوایل شب مردی به حضور نبی صلی الله علیه و آله رسید و از گرسنگی شکوه و ناله می‌کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه همسرانش پیغام فرستاد، گفتند: جز آب چیز دیگری در خانه نیست رسول الله صلی الله علیه و آله در تاریکی صدای پایی را

شنید و پرسید، کیست علی علیه السّلام گفت من هستم یا رسول الله علی علیه السّلام چون از ماجرا خبردار شد به خانه رفت و از فاطمه علیها السّلام پرسید: آیا در خانه چیزی هست فاطمه علیها السّلام گفت فقط غذای کودکان موجود است ولی میهمان گرسنه را ترجیح می‌دهم علی علیه السّلام فرمود: پس کودکان را بخوابان تا تقاضای غذا نکنند، من هم چراغ را خاموش می‌کنم تا میهمان خجالت نکشد. و آنان از میهمان اینکه چنین پذیرایی کردند چون صبح فرا رسید، خدای سبحان آیه شریفه و یثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة. را برای آنان نازل کرد. -قرآن- ۹۳-۱۴۰ [۹۷۳] مجاهد از ابن عباس نقل کرد آیه کریمه و یثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة. در تحسین علی فاطمه حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. -قرآن- ۵۱-۹۸ [صفحه ۲۹۰] [۱۷۳] و الذّین جاءوا من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لأخونا الذّین سبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذّین ءامنوا ربّنا اُنک ربّ عوالم ربّهم [حشر / ۱۰] و [نیز] کسانی که بعد از آنان مهاجران و انصار آمده‌اند [و] می‌گویند: پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه کینه‌ای نگذار. پروردگارا، به راستی که تو رؤوف و مهربانی -قرآن- ۷-۱۶۲ [۹۷۴] مکی بن ابراهیم گفت عثمان شّحام برایم نقل کرد، سلمه بن اکوع حکایت کرد نبی صلی الله علیه و آله در کنار قبرستان بقیع برای نماز حاضر شد و علی علیه السّلام او را همراهی می‌کرد، جعفر بن ابی طالب هم به آن حضرت پیوست رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا جعفر؟ در کنار برادرت علی علیه السّلام بایست هر سه به نماز ایستادند، در پایان نماز، رسول الله به جعفر بن ابی طالب فرمود: یا جعفر؟ هم اکنون جبرئیل از جانب ربّ العالمین خبر آورد که برای تو در بهشت دو بال سبز رنگ از زبرجد و یاقوت قرار داده است که در صبح و شب به هر مکانی که بخواهی می‌توانی پرواز کنی علی علیه السّلام گفت یا رسول الله اینکه کرامت برای برادرم جعفر است امّا برای من چه چیزی است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی خدای عزّ و جلّ طایفه‌ای از امت را خلق کرده که تا روز قیامت برایت استغفار و طلب رحمت می‌کنند. علی علیه السّلام پرسید: آنان چه کسانی هستند! نبی صلی الله علیه و آله فرمود: خدای رحمان در کتاب منزل فرمود و الذّین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لأخونا الذّین سبقونا بالایمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا -قرآن- ۷۵-۱۹۱ [صفحه ۲۹۱] للذّین ءامنوا ربّنا اُنک ربّ عوالم ربّهم -قرآن- ۱-۴۲ یا علی آیا احدی در ایمان از تو سبقت گرفته است؟ تنها تو سابق در ایمان و اسلام هستی و مؤمنان تا قیامت برای تو دعا و استغفار می‌کنند. [۹۷۵] ابی بصیر از عکرمه نقل کرد ابن عباس در شرح و توضیح اینکه آیه شریفه بیان کرد: خدای سبحان در قرآن شریف استغفار برای علی علیه السّلام را بر هر مسلمانی فرض و واجب قرار داد و آن آیه کریمه و الذّین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لأخونا الذّین سبقونا بالایمن است -قرآن- ۲۳۱-۳۱۳ و علی علیه السّلام از اولین مؤمنان و با سابقه‌ترین فرد در ایمان و مسلمانی است [۹۷۶] عبد الله بن عباس داستانی را از علی علیه السّلام حکایت می‌کند و می‌گوید، همراه علی علیه السّلام از کوچه‌ای عبور می‌کردم گروهی مشغول دعا بودند، علی علیه السّلام فرمود: برای من دعا و استغفار کنید. چون مأمور به دعا در حقّ من هستید و خدای عزّ و جلّ فرمود: و الذّین جاؤا من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لأخونا الذّین سبقونا بالایمان -قرآن- ۱-۸۳ و من نخستین ایمان آورنده به کتاب خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و از سابقه‌داران در ایمان هستم [۱۷۴] اَنَّ الله یحبّ الذّین یقاتلون فی سبیلہ صفا کأنّهم بنیان مَرصوص [صف ۴] در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند. -قرآن- ۷-۸۱ [۹۷۷] زبیر بن عدی از ضحاک نقل کرد، از ابن عباس درباره آیه کریمه اَنَّ الله یحبّ الذّین یقاتلون فی سبیلہ صفا کأنّهم بنیان مَرصوص -قرآن- ۸۳-۱۵۷ سؤال شد که آنان چه کسانی هستند! [صفحه ۲۹۲] ابن عباس گفت علی بن ابی طالب علیه السّلام حمزه اسد الله و اسد رسول صلی الله علیه و آله عبیده بن حارث و مقداد بن اسود، از اینکه قبیل مردان‌اند که خدای سبحان در آیه شریفه آنان را توصیف و مورد محبت خویش قرار داده است «۱۷۴ -پاورقی- ۲۷۴-۲۷۶ [۹۷۸] ضحاک از ابن عباس روایت کرد علی علیه السّلام وقتی به قتال و نبرد می‌پرداخت چون بنیان مَرصوص و سدّ آهنین بود و خدای سبحان آیه اَنَّ الله یحبّ الذّین یقاتلون فی سبیلہ صفا کأنّهم بنیان

مَرصوص را در تحسین و تمجید او نازل کرد. -قرآن- ۱۵۸-۲۳۲ [۱۷۵] هو الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمَمِیْنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ یَتْلُوَ عَلَیْهِمْ ءَایَةَ وَ یُزَکِّیْهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ. [جمعه ۲] اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد. -قرآن- ۷-۱۱۱ [۹۸۰] عبد الملک مروان از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، ابن عباس مفسّر مشهور در تفسیر و توضیح آیه هو الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمَمِیْنَ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ یَتْلُوَ عَلَیْهِمْ ءَایَةَ وَ یُزَکِّیْهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ. بیان کرد: -قرآن- ۱۲۱-۲۲۵ الکتب یعنی قرآن منزل و الحکمة یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام -قرآن- ۱-۶ -قرآن- ۲۶-۳۴ معنای آیه چنین می‌شود: رسالت نبی صلی الله علیه و آله تعلیم کتاب خدا و تعلیم ولایت علی علیه السّلام به بندگان خداست [صفحه ۲۹۳] [۱۷۶] فَأَنَّ اللَّهَ هُوَ مُوَلِّیْهِ وَ جَبْرِیْلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمَلٰٓئِکَةُ بَعْدَ ذٰلِکَ ظَهِرُوْا. -قرآن- ۷-۸۵ [تحریم ۴] در حقیقت خدا خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور او هستند] و گذشته از اینکه فرشتگان هم پشتیبان او خواهند بود [۹۸۱] حدیث مرفوع از علی علیه السّلام روایت شد که آن حضرت فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در توضیح آیه کریمه و بیان مصداق صالح المؤمنین فرمود: -قرآن- ۸۱-۹۶ صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است [۹۸۲] ابو علی احمد بن محمد بن علی قاشانی از عمری و او از علی بن موسی علیه السّلام و او از جدّش نقل کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: منظور از صالح المؤمنین در آیه کریمه فَأَنَّ اللَّهَ هُوَ مُوَلِّیْهِ وَ جَبْرِیْلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمَلٰٓئِکَةُ ... -قرآن- ۱۹۷-۲۱۲ -قرآن- ۲۳۱-۲۹۶ علی بن ابی طالب علیه السّلام است «۱۷۵ -پاورقی- ۴۵-۴۷ -قرآن- ۱۹۵-۲۱۰ [صفحه ۲۹۴] [۹۸۹] عَمَّار یاسر حکایت می‌کند که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله مرا فراخواند و فرمود: یا علی آیا دوست داری بشارتی به تو بدهم عرض کردم یا رسول الله تو پیوسته بشارت دهنده به خیر و خیرات بودی و هستی آن گاه پیامبر فرمود: یا علی در شأن تو آیه‌ای در قرآن نازل شد. عرض کردم کدام آیه است بفرماید تا بشنوم فرمود: جبرئیل نزد من آمد و آیه و جبرئیل و صالح المؤمنین را قرائت کرد. -قرآن- ۳۶-۶۲ شادباش که تو و فرزندان مؤمن پدرت از صالحین اند. [۹۹۲] حکم بن ظهیر از سدی و او از ابی مالک نقل کرد ابن عباس در شرح آیه فوق بیان کرده است که صالح المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام است و ملائکه الهی پشتیبان و یاور او هستند. -قرآن- ۱۲۲-۱۳۷ [۹۹۵] حَبَّانُ از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد عبد الله بن عباس در تفسیر آیه بیان کرد: اَنْ تَظَاهِرَا عَلَیْهِ دِرْبَارَهٗ عَیْشَهٗ وَ حَفْصَهٗ نَازِلٌ شَدَّ. -قرآن- ۱-۱۸ فان الله هو مولاة و جبریل فقط برای رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. -قرآن- ۱-۳۳ و صالح المؤمنین درباره علی بن ابی طالب علیه السّلام اختصاصاً نازل شد. -قرآن- ۱-۱۷ [۹۹۶] حسین بن سلیمان از سدید صیرفی و او از ابی جعفر علیه السّلام نقل کرد رسول الله صلی الله علیه و آله دوبار علی علیه السّلام را به یاران و اصحابش معرفی کرد، بار اول در غدیر خم که به حاضران فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه -روایت- ۱-۳۲ اما مرتبه دوم وقتی که آیه کریمه فَأَنَّ اللَّهَ هُوَ مُوَلِّیْهِ وَ جَبْرِیْلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ -قرآن- ۴۲-۹۳ [صفحه ۲۹۵] و الْمَلٰٓئِکَةُ ... نازل شد. -قرآن- ۱-۱۴ آن حضرت دست علی علیه السّلام را گرفته به میان جمعیت حاضر در مسجد آورد و فرمود: ای مردم اینکه علی بن ابی طالب علیه السّلام و صالح المؤمنین است پس حق او را فراموش نکنید. [۱۷۷] فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا. [ملک ۲۷] و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک بینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند درهم رود، و گفته شود: اینکه است همان چیزی که آن را فرا می‌خواندید؟. -قرآن- ۷-۵۰ [۹۹۷] سهل بن عامر از شریک و هر دو از اعمش در توضیح آیه کریمه فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا. گفتند: هنگامی که مقام و منزلت و جایگاه بلند علی علیه السّلام را در نزد خدای سبحان مشاهده کنند، چهره کافران تیره و تار می‌گردد و بر صورت آنان سیاهی غالب می‌شود. «۱۷۶ -قرآن- ۷۹-۱۲۲ -پاورقی- ۳۱۱-۳۱۳ [۹۹۸] در تفسیر عتیق از عمرو بن ابی بکار تمیمی از ابی جعفر محمد بن علی علیهما السّلام در توضیح آیه کریمه فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً نقل شد: -قرآن- ۱۳۲-۱۴۹ کافر دلان وقتی جایگاه ارزشی و منزلت والای علی علیه السّلام را در نزد نبی صلی الله علیه و آله بنگرند به تکذیب فضایل او می‌پردازند و سعی در کتمان آن می‌کنند. [۹۹۹] حَمَّادُ بْنُ اِبْرَاهِیْمَ از مغیره نقل کرد، که ابو جعفر

علیه السلام در تفسیر و شرح آیه کریمه فلما رأوه زلفه... وقتی علی علیه السلام را در کنار حوض کوثر با نبی صلی الله علیه و آله بینند آتش خشم و شرمندگی آنان افزون شده سیئت وجوه الدین کفروا و چهره آنان تیره و تار می شود. -قرآن- ۱۰۹-۱۳۰-قرآن- ۲۶۸-۲۹۳ [صفحه ۲۹۶] [۱۷۸] فستبصر و یبصرون بآیکم المفتون [قلم ۵۶] به زودی خواهی دید و خواهند دید که کدام یک از شما دستخوش جنونید. -قرآن- ۷-۴۱ [۱۰۰۲] کعب بن عجره از عبد الله بن مسعود نقل کرد عده‌ای از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال کردند که در نزد شما چگونه مردی است؟ نبی صلی الله علیه و آله فرمود: علی اقدمکم اسلاماً و اوفرکم ایماناً و اکثرکم علماً و ارجحکم حِلماً و اشدکم فی الله غضباً، علّمته علمی و استودعته سرّی و وکّلته بشأنی فهو خلیفتی فی اهلی و امینی فی امتی -روایت- ۱-۱۹۶ علی سابقه‌دارترین و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماس است در حق الله سخت گیر، وارث علم من و محرم اسرارم و کیل در کارم است خلیفه و جانشین در اهل و عیالم و در میان ائمه امین من است بعضی از افراد قریش گفتند: علی علیه السلام نبی صلی الله علیه و آله را فریفته و مفتون خود کرده است که هیچ عیبی از او نمی گوید و فقط خوبی‌های او را ذکر می کند. خدای سبحان آیه فستبصر و یبصرون بآیکم المفتون را نازل فرمود. -قرآن- ۱۹-۵۳ یعنی قیامت نزدیک است و آن گاه مشخص می شود کدام یک مفتون و فتنه گردند. [۱۰۰۳] ابی عبد الله جدلی از عبد الله بن مسعود قاری مشهور قرآن نقل کرد که عبد الله مسعود می گوید: صبحگاهی با رسول الله صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدیم مردم مبهوت ماندند، تا اینکه که علی علیه السلام وارد مسجد شد و بر نبی صلی الله علیه و آله سلام و ادب کرد. عده‌ای از افراد چون علی علیه السلام را دیدند چهره درهم کشیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان نگاه کرد و فرمود: آیا نمی‌پرسید بهترین و ارسته‌ترین میان شما چه کسی است گفتند: بلی یا رسول الله بفرماید چه کسی است [صفحه ۲۹۷] نبی صلی الله علیه و آله فرمود: افضلکم علی بن ابی طالب علیه السلام اقدمکم اسلاماً و اوفرکم ایماناً و اکثرکم علماً و ارجحکم حِلماً و اشدکم لله غضباً، و اشدکم نکایه فی العدو فهو عبد الله و اخو رسوله فقد علّمته علمی و استودعته سرّی و هو امینی علی امتی -روایت- ۱-۲۵۹ علی بن ابی طالب علیه السلام با فضیلت‌ترین فرد در میان شماس است او از سابقه‌دارترین مسلمانان و برترین مسلمان و برترین مؤمن و عالم‌ترین انسان و حلیم‌ترین شماس است در حق الله سخت گیر و در مقابل دشمن کوبنده است او عبد الله و برادر مصطفی صلی الله علیه و آله است من معلّم او و او صحابی وفادار پسر عم و امین بر ائمه است بعضی از حاضران در مسجد که از مقام والای علی علیه السلام ناخرسند بودند، گفتند: علی بن ابی طالب علیه السلام رسول الله صلی الله علیه و آله را فریفته که هیچ عیبی از او نمی‌بیند و همیشه از خوبی‌های او سخن می گوید. در همان لحظه آیه شریفه فستبصر و یبصرون بآیکم المفتون نازل شد. -قرآن- ۳۰-۶۴ یعنی به زودی مفتون و فریب خورده مشخص می شود که کدام یک از ما هستیم [۱۷۹] و هو أعلم بالمهتدین [قلم ۷] و او به راه یافتگان داناتر است -قرآن- ۷-۳۰ [۱۰۰۶] عمرو بن شمر از دلهم بن صالح نقل کرد ضحاک بن مزاحم حکایت کرد: وقتی قریش مقام و منزلت و جایگاه رفیع علی علیه السلام را نزد نبی صلی الله علیه و آله می‌دیدند که پیوسته رسول الله صلی الله علیه و آله او را اکرام و احترام خاصی روا می‌داشت و بی‌اندازه تجلیل و تعظیم و تکریم می‌نمود. بر آنان سخت و گران می‌آمد، لذا از علی علیه السلام شکوه و رنجش داشتند و چون تحمل آن همه محبت و عظمت را نداشتند لب به اعتراض گشوده و [صفحه ۲۹۸] گفتند: نبی صلی الله علیه و آله به وسیله علی علیه السلام مفتون و فریفته شد. در جواب آن جاهلان خدای ناظر و قادر آیات سوره قلم را بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل فرمود: ن والقلم و ما یسطرون ما أنت بنعمه ربک بمجنون و أنّ لک لاجراً غیر ممنون و أنّک لعلی خلق عظیم فستبصر و یبصرون بآیکم المفتون أنّ ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیلہ و هو أعلم بالمهتدین -قرآن- ۱-۲۱۸ یعنی خدای سبحان آگاه به آن گمراهان بی‌منطق است که سخن ناروا و اعتراض آمیز در حق علی علیه السلام و نبی صلی الله علیه و آله می‌گویند. و هو أعلم بالمهتدین و همچنین خدای دانا، عالم به مهتدین که علی بن ابی طالب علیه السلام باشد هست «۱۷۷ -قرآن- ۲۳-۲۳-پاورقی- ۱۲۲-۱۲۴ [۱۸۰] لنجعلها لکم تذکره و تعیها أذن واعیه» [۱۷۸]. -قرآن- ۷-۴۵-پاورقی- ۴۶-۴۸ [۱۰۰۷] ابو عمرو بن

ابی زکریا شعرانی و دیگران گفتند ابو بکر مفید از ابو الدنیا اشج برای ما نقل کرد که از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدیم فرمود: هنگامی که آیه شریفه و تعیها اذن و عیة نازل شد. -قرآن- ۲۶-۴۳ مصطفی صلی الله علیه و آله مرا به حضور طلبید و فرمود: یا علی از خدای حکیم مسئلت کردم گوشهای تو را اذن و اعیة قرار دهد. -قرآن- ۱۲۳-۱۳۳ [۱۰۰۸] اعمش از عدی بن ثابت و او از زر بن حبیش نقل کرده است که علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: [صفحه ۲۹۹] روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سینه‌اش چسبانید و فرمود: امرنی ربی ان ادنیک و لا أقصیک و ان تسمع و تعی و حق علی الله ان تعی -روایت- ۱-۹۱ خدای بزرگ مرا فرمان داد تو را به خویشتن نزدیک سازم و از خود دور نسازم تا سخنان مرا بشنوی و شنوا گردی و بر خداوند مقرر گردید که گوش تو را شنوا گرداند. آن گاه آیه شریفه و تعیها اذن و عیة نازل شد. -قرآن- ۲۳-۴۰ [۱۰۰۹] محمّد بن عمرو بن علی بن ابی طالب علیه السلام از پدرش و پدر او از علی بن ابی طالب علیه السلام حکایت کرد روزی مصطفی صلی الله علیه و آله به من فرمود: ۱۷۹ -روایت- ۳-۸۱ و اینکه آیه شریفه و تعیها اذن و عیة نازل شد. -قرآن- ۲۳-۴۰ یا علی تو اذن و اعیة و گوش شنوا برای دریای بیکران علم من هستی یا علی؟ انا المدینة و انت الباب و لا یوتی المدینة الا من بابها. -روایت- ۱-۷۹ من شهر علم و تو باب او هستی همیشه شهر از در آن گشوده می گردد. و ورود به شهر از در آن آغاز می شود «۱۸۰». -پاورقی- ۱۲۳-۱۲۱ [۱۰۱۱] علی بن حوشب از مکحول نقل کرد که علی علیه السلام فرمود وقتی آیه و تعیها اذن و عیة نازل شد مصطفی صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی از خدای علیم و حکیم خواستم گوش تو را اذن و عیة و شنوا قرار دهد «۱۸۱». -قرآن- ۹۱-۱۰۸ -قرآن- ۲۲۹-۲۳۸ -پاورقی- ۲۵۵-۲۵۷ [۱۰۱۴] ولید بن مسلم از مکحول و او از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است آن هنگام که آیه شریفه و تعیها اذن و عیة نازل شد. -قرآن- ۱۳۳-۱۵۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی از خدای مّان خواستم گوش تو را اذن و اعیة [گوش شنوا] قرار دهد. [صفحه ۳۰۰] و ربّ جلیل نیز درخواست مرا پذیرفت و چنان که خواسته بودم اجابت کرد «۱۸۲». -پاورقی- ۷۶-۷۸ [۱۰۱۵] ولید بن مسلم از علی بن حوشب فزاری نقل کرد که مکحول گفته است از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم آیه شریفه و تعیها اذن و عیة را قرائت کرد، سپس توجّه و التفاتی به علی بن ابی طالب علیه السلام نمود و گفت -قرآن- ۱۵۱-۱۶۸ یا علی سألت الله ان يجعلها اذنک -روایت- ۱-۴۶ از خدای کریم خواستم گوشهای تو را اذن و اعیة و شنوا قرار دهد. و علی علیه السلام همیشه می فرمود: بعد از دعای رسول الله صلی الله علیه و آله هرگز کلامی را که از آن حضرت می شنیدم فراموش نکردم «۱۸۳». -پاورقی- ۱۶۳-۱۶۵ [۱۰۱۶] یحیی بن صالح از علی بن حوشب و او از مکحول درباره آیه و تعیها اذن و عیة نقل کرد مصطفی صلی الله علیه و آله آیه شریفه فوق را قرائت کرد و آن گاه فرمود: از خدای خویش خواستم گوشهای علی بن ابی طالب علیه السلام را اذن و عیة و شنوا قرار دهد. -قرآن- ۸۰-۹۷ -قرآن- ۲۷۱-۲۸۰ علی علیه السلام بعد از آن پیوسته می گفت ما سمعت من رسول الله صلی الله علیه و آله کلاماً الا و عیة و حفظه فلم انسه -روایت- ۱-۹۶ هر سخن و گفتاری از مصطفی صلی الله علیه و آله شنیدم آن را ضبط و ثبت کردم و هرگز مبتلی به نسیان نشدم و حدیثی را فراموش نکردم «۱۸۴». -پاورقی- ۱۵۵-۱۵۷ [۱۰۲۰] عبد الله بن زبیر اسدی از صالح بن میثم و او از بریده اسلمی شنید که گفت مصطفی صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود «۱۸۵»: -پاورقی- ۱۸۴-۱۸۶ ان الله امرنی ان ادنیک و لا اقصیک و ان اعلمک و ان تعی و حق علی الله ان تعی -روایت- ۱-۱۰۴ خدای سبحان مرا فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و به تو علم و دانش بیاموزم تا شنوا گردی و خداوند بر خود مقرر فرمود که گوش تو را شنوا قرار دهد. [صفحه ۳۰۱] [۱۰۲۷] اعمش از مسلم بطنین از سعید بن جبیر و او از ابن عباس نقل کرده است روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی؟ ان الله امرنی ان ادنیک و لا اقصیک و ان احب من یحیک و ان اعلمک و تعی و حق علی الله ان تعی -روایت- ۱-۱۳۹ یا علی خدای بزرگ به من فرمان داد، تو را به خویشتن نزدیک سازم و لحظه‌ای از خود دور نکنم دوستدار تو را دوست بدارم تو را علم و حکمت بیاموزم تا گوش تو شنوا گردد، و خدای توانا نیز چنین کرد و گوش تو را شنوا گردانید. پس خدای سبحان آیه شریفه و

تعبها اذن وعیه را نازل کرد. -قرآن- ۳۱-۴۸ آن گاه مصطفی صلی الله علیه و آله خطاب به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی از پروردگارم خواستم گوش تو را از گوشهای شنوا و اذن وعیه قرار دهد. -قرآن- ۱۷۲-۱۸۱ از آن پس علی علیه السلام پیوسته می گفت ما سمعت اذنای شیئاً من الخیر و العلم و القرآن الا وعیته و حفظته -روایت- ۱-۷۶ یعنی پس از نزول آیه شریفه و دعای خیر مصطفی صلی الله علیه و آله در حق من هر چیزی از خیر و علم و قرآن به سمع و اذن من اصابت کرد همه را ضبط و ثبت کردم و هرگز فراموش نکردم [۱۸۱] سأل سائل بعذاب واقع للكفرین لیس له دافع [معارج ۱۲] پرسنده‌ای از عذاب واقع شونده‌ای پرسید که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده‌ای نیست -قرآن- ۷-۵۷ [۱۸۶۰۳۰] سفیان بن عیینه از جعفر بن محمد علیهما السلام و او از پدرش روایت کرد علی علیه السلام ۱۸۶ -پاورقی- ۱۱۷-۱۱۹ [صفحه ۳۰۲] نصب کرد و فرمود: ایها التیاس من كنت مولاہ فعلی مولاہ -روایت- ۱-۴۷ و اینکه خبر در اطراف و اکناف منتشر شد. نعمان بن حرث فهری وقتی خبر غدیر را شنید به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا محمد ما را امر کردی بگویم لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله تو را اطاعت کردیم آن گاه دستور دادی جهاد و حج و نماز و زکات و روزه به جای آوریم همه اینها را قبول کردیم ولی تو به اینکه همه راضی نشدی سپس اینکه غلام علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان جانشین خود نصب کردی و گفתי من كنت مولاہ فهذا مولاہ -روایت- ۱-۳۱ اما از تو سؤالی می کنم آیا اینکه کار از طرف توست یا از جانب خدای تو! مصطفی صلی الله علیه و آله دوباره تکرار فرمود: به آن خدایی که غیر او معبودی نیست انتخاب علی علیه السلام از جانب خدای بی همتا بود نعمان از نزد رسول الله بازگشت در حالی که عصبانی و ناراضی بود و با خود می گفت خدایا اگر اینکه کار و نصب علی علیه السلام بر حق است مرا طاقت پذیرش آن نیست از آسمان سنگی یا عذابی دردناک بر من بفرست بیدرنگ خدای جبار سنگی آتشین بر سرش کوید و هلاکش کرد. آن گاه آیه سأل سائل بعذاب واقع للكفرین لیس له دافع بر نبی صلی الله علیه و آله نازل شد. [۱۸۷] -قرآن- ۷۹-۱۲۹ -پاورقی- ۱۷۸-۱۸۰ [۱۰۳۳] سفیان بن سعید از منصور از ربیع و او از حذیفه بن یمان روایت کرده است وقتی نبی صلی الله علیه و آله برای جانشینی علی علیه السلام در غدیر خم فرمود: من كنت مولاہ فهذا مولاہ نعمان بن منذر فهری از جای برخاست و گفت یا محمد آیا اینکه انتصاب به دستور پروردگار است یا از جانب توست [صفحه ۳۰۳] رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: البته خدای قادر و علیم مرا دستور فرمود تا علی علیه السلام را در میان شما نصب کنم نعمان بن منذر که از اینکه انتصاب ناراضی و ناراحت بود با عصبانیت به طرف شتر خود رفت و گفت اللهم أنزل علينا حجارة من السماء. خدایا؟ مرا تاب و تحمل ولایت علی علیه السلام نیست پس سنگی از آسمان بر من فرود آر. هنوز به نزدیک شتر خود نرسیده بود که سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و در دم هلاک شد. آن گاه آیه کریمه سأل سائل بعذاب واقع للكفرین لیس له دافع -قرآن- ۲۳-۷۳ برای پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و اینکه حادثه را اینکه گونه بیان کرد. [۱۰۳۴] سعید بن ابی سعید مقبری از ابی هریره نقل کرد برد و چون مصطفی صلی الله علیه و آله در غدیر خم بازوی مرتضی علیه السلام را گرفته در میان جمعیت حاضر فرمود: من كنت مولاہ فهذا مولاہ -روایت- ۱-۳۱ در آن هنگام مردی اعرابی برخاست و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله ما را دعوت کردی بگویم اشهد ان لا اله الا الله و محمداً رسول الله تو را تصدیق کردیم دوباره امر به نماز و روزه کردی اجابت کردیم سپس به زکات فرمان دادی آن را هم پذیرفتیم و تسلیم شدیم اما تو به اینها قانع نشدی و اکنون پسر عم خود را بر ما ولی گردانیدی سؤالی دارم آیا اینکه کار به فرمان یزدان و خدای سبحان است یا از پیش خود او را بر ما ولایت دادی رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اینکه کار از جانب خداست نه از طرف من به آن خدایی که شریک و همتا ندارد اینکه امر مهم به دستور خداوند سبحان است نه از جانب من و سه بار اینکه جمله را تکرار کرد. [صفحه ۳۰۴] اعرابی که از اینکه گفتار سخت عصبانی شده بود به سرعت به سوی شتر خود رفت و گفت اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك -روایت- ۱-۵۸ خدایا؟ اگر انتصاب ولایت علی علیه السلام حق است از آسمان عذابی دردناک یا سنگی آتشین بر من فرود آور. هنوز اینکه کلمات تمام نشده بود که آتشی سوزنده از آسمان فرو ریخت و او را

هلاک کرد. و به دنبال آن آیه کریمه سأل سائل بعداب واقع للکفرین لیس له دافع نازل شد. -قرآن- ۲۶۰-۳۱۰ [۱۸۲] و من تعرض عن ذکر ربّه یسلکه عذاباً صعباً. [جن ۱۷] و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون درآورد. -قرآن- ۵۴-۷ [۱۰۳۵] حسین بن علوان از علی بن غراب و او از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، ابن عباس مفسّر مشهور در تفسیر آیه کریمه و من تعرض عن ذکر ربّه ... -قرآن- ۱۴۸-۱۷۵ گفت ذکر ربّ یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و ولایت اولاد گرامی‌اش و هر کسی از ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام روی بگرداند او را عذابی شدید فرا خواهد رسید. [۱۸۳] اَنْ رَبِّکَ یَعْلَمُ اَنْکَ تَقُومُ اَدْنٰی مِنْ ثَلٰثِ اللّٰیْلِ وَ نِصْفِهِ وَ ثَلٰثَ وَ طَآئِفَۃٍ مِّنَ الَّذِیْنَ مَعَكَ [مزمّل ۲۰] در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به نماز [برمی‌خیزی. -قرآن- ۷-۱۰۱ [۱۰۳۶] عبیده بن حمید از کلبی و او از ابی صالح نقل کرد، که ابن عباس در تفسیر و [صفحه ۳۰۵] توضیح آیه کریمه اَنْ رَبِّکَ یَعْلَمُ اَنْکَ تَقُومُ اَدْنٰی مِنْ ثَلٰثِ اللّٰیْلِ وَ نِصْفِهِ وَ ثَلٰثَ وَ طَآئِفَۃٍ مِّنَ الَّذِیْنَ مَعَكَ گفت -قرآن- ۲۱-۱۱۶ طائفه من الذين معك یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام و ابوذر که مثل رسول الله نیمی از شب یا یک سوم شب را به نماز و مناجات و قرائت قرآن بیدار بودند. -قرآن- ۱-۲۳ [۱۰۳۷] محمد بن مروان سدی از قتاده و او از عطاء نقل کرد ابن عباس در تفسیر و توضیح اینکه آیه شریفه گفت اَنْ رَبِّکَ یَعْلَمُ اَنْکَ یعنی یا محمد؟ خدای تو می‌داند که برای اقامه نماز و تلاوت قرآن کمتر از نصف یا یک سوم یا دو سوم شب را بیدار می‌مانی و همچنین خدا می‌داند طائفه من الذين معك یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام که همیشه و پیوسته همراه توست مثل تو شب زنده‌داری می‌کند. -قرآن- ۱-۲۲ -قرآن- ۱۹۴-۲۱۷ سپس ابن عباس ادامه داد و گفت نخستین کسی که با رسول الله صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد علی علیه السلام بود نخستین کسی که اسلام آورد علی علیه السلام بود نخستین کسی که با رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت کرد علی بود نخستین مهاجر فی سبیل الله همراه مصطفی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام بود نخستین کسی که همراه رسول الله شب‌ها بیدار بود و به نماز و تلاوت قرآن می‌پرداخت علی علیه السلام بود و اینکه آیه شریفه برای او نازل شد. [۱۸۴] کُلْ نَفْسٌ مَّا کَسَبَتْ رَهِیْنَةً. اَلْمَا اَصْحَابِ الْیَمِیْنِ فِی جَنَّاتٍ یَّتَسَاءَلُوْنَ [مدثر / ۴۰ ۳۸] هر کسی در گرو دستاورد خویش است به جز یاران دست راست که در میان باغها از یکدیگر می‌پرسند. -قرآن- ۷-۷۹ [۱۰۳۸] جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد ابو جعفر علیه السلام در شرح آیه کریمه اَلْمَا اَصْحَابِ الْیَمِیْنِ ... بیان فرمود: -قرآن- ۹۶-۱۱۸ [صفحه ۳۰۶] ما و شیعیانمان اصحاب یمین هستیم که در جَنّاتِ منزل و مأوی داریم «۱۸۸ -پاورقی- ۷۹-۷۷ [۱۸۵] فلا صدّق ولا صلی و لکن کذب و تولّی [قیامت ۳۱ ۳۲] پس [گویند] تصدیق نکرد و نماز برپا نداشت بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. -قرآن- ۷-۵۴ [۱۰۴۰] در شأن نزول آیه شریفه فوق عمار یاسر حکایت کرد: من و ابوذر غفاری در زیر خیمه‌ای که ابن عباس با مردم سخن می‌گفت حضور داشتیم ابوذر برخاست و گفت ای مردم مرا جندب بن جناده [ابوذر غفاری می‌گویند، هرگز دروغ نگفتم آیا صدق و صداقت مرا قبول دارید! حاضران در مجلس گفتند: بلی یا ابوذر؟ گفت ای مردم آیا می‌دانید، در روز غدیر خم رسول الله صلی الله علیه و آله هزار و سیصد نفر را و در روز سمرات پانصد نفر از خواص را جمع‌آوری کرد و فرمود: اللّٰهُمَّ مَنْ کُنْتَ مَوْلَاهُ فَانْ عَلِیًّا مَوْلَاهُ اَللّٰهُمَّ وال من والاه و عاد من عاداه -روایت- ۱-۹۱ و در آن هنگام عمر بن خطّاب نخستین کسی بود که برخاست و گفت بخ بخ ای فرزند ابو طالب بر تو مبارک باد که مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای شدی در همان وقت هنگامی که معاویه بن ابی سفیان اعلام ولایت علی علیه السلام را شنید به مغیره بن شعبه رو آورد و گفت هرگز به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام اعتراف نمی‌کنم و محمد صلی الله علیه و آله را در اینکه گفتارش تصدیق و تأیید نمی‌کنم چون اینکه سخنان بیهوده از معاویه شنیده شد، خدای سبحان آیات زیر را بر نبی صلی الله علیه و آله نازل فرمود: فلا صدّق ولا صلی و لکن کذب و تولّی ثم ذهب الی اهلہ یتَمَطّٰی اُولٰی لَکَ فَاُولٰی -قرآن- ۱۳۰-۲۲۴ [صفحه ۳۰۷] و آنان را تهدید کرد. ای دوستان و یاران آیا اینکه چنین نبود! همگی گفتند: بلی یا ابوذر؟ راست می‌گویی چنین بود [۱۰۴۱] ابی مریم از یونس بن حسیان و او از عطیه نقل کرد، که حذیفه بن یمان

حکایت کرد در غدیر خم در کنار مصطفی صلی الله علیه و آله نشسته بودم و اکثر مهاجر و انصار در مجلس حضور داشتند، رسول الله صلی الله علیه و آله رو به روی همه ایستاد و فرمود: ای مردم خدای سبحان به من فرمانی جدید صادر کرد و فرمود: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک سپس علی علیه السلام را صدا زد و در سمت راست خود قرار داد و گفت ای مردم آیا می‌دانید من به شما از شما اولی ترم -قرآن- ۶۵-۱۱۹ گفتند: بلی یا رسول الله فرمود: پس بدانید، من کنت مولاه فعلی- مولاه اللهم- وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله -روایت- ۱-۱۱۳. حذیفه در ادامه سخن گفت به خدا سوگند در آن روز معاویه را دیدم با حالت غضبناکی از جایش برخاسته و از مجلس خارج شد، در حالی که در سمت راستش عبد الله بن قیس اشعری و در سمت چپش مغیره بن شعبه بودند با تکبر و غرور خاصی به جایگاه خود می‌رفت و با خود زمزمه می‌کرد و می‌گفت هرگز محمّد صلی الله علیه و آله را در آنچه گفته تصدیق نمی‌کنم و ولایت علی علیه السلام را هیچ وقت نمی‌پذیرم خدای تعالی آیات فلا صدق ولا صلی و لکن کذب و تولی ثم ذهب الی اهلته یتعطی را بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل فرمود. -قرآن- ۲۰-۹۶ چون مصطفی صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت او را برگرداند و تنبیه و مجازات کند، بار [صفحه ۳۰۸] دیگر جبرئیل فرود آمد و گفت یا محمّد؟ در اینکه کار تعجیل نکن او دشمن سرسخت اهل بیت توست و آن حضرت ساکت و آرام شد. [۱۸۶] اَنْ الْاَبْرَارِ یَشْرَبُونَ مِنْ کَأْسٍ کَانَ مَزَاجُهَا کَافُورًا. عیناً یَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا. یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ یُخَافُونَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا. وَ یُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حَبِّهِ مُسْکِنًا وَ یتِمَّامًا وَ أُسِیرًا. -قرآن- ۷-۲۱۶ [انسان ۵۸] همانا نیکان از جامی نوشند که آمیزه‌ای از کافور دارد. چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و به دلخواه خویش جاریش می‌کنند. [همان بندگان] که به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. و به [پاس دوستی خدا، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. [۱۰۴۲] هِیثم بن عبد الله رَمَانِی نقل کرد، علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدرش محمد باقر علیه السلام و او از پدرش علی بن حسین علیه السلام و او از علی بن ابی طالب علیه السلام روایتی را چنین حکایت کرد: روزی حسن و حسین علیهما السلام را بیماری عارض شد، آن دو را به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله بردم آن جناب فرمود: یا ابا الحسن اگر نذری به پیشگاه خداوند انجام دهی امید است خدایم زودتر شفا عنایت فرماید. علی علیه السلام نذر کرد برای بهبودی دو فرزند، سه روز پشت سر هم روزه بگیرد. به دنبال او فاطمه علیها السلام هم سه روز نذر را بر خود تکلیف کرد. فضّه خدمتکار فاطمه علیها السلام هم به پیروی از آن حضرت سه روز نذر را بر خود واجب کرد. [صفحه ۳۰۹] همان روز خدای تعالی آن دو را لباس عافیت پوشانید. چون فردای آن روز شد، همه اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله به روزه‌داری پرداختند. و علی علیه السلام در بازار به نزد شمعون یهودی که از قبل با وی سابقه آشنایی داشت رفت و گفت مقداری جو و اندکی پشم مورد نیاز است شمعون آنچه علی علیه السلام می‌خواست به او داد و حضرت آنها را در زیر ردا قرار داد و به منزل آورد. فاطمه علیها السلام جو را آسیاب کرده خمیر کرد و پنج قرص نان پخت علی علیه السلام بعد از مغرب برای افطار به منزل آمد. فاطمه علیها السلام افطاری را که شامل چند قرص نان جو و یک ظرف جریش [بلغور] و مقداری آب بود بر سر سفره نهاد. چون می‌خواستند افطار کنند ناگاه مسکینی در منزل را به صدا درآورد و گفت سلام علیکم یا اهل بیت مصطفی من مسکین فرزند مسکینم از گرسنگی بی‌تابم مرا اطعام کنید تا خدای رحمان شما را در بهشت میهمان کند. وقتی اهل منزل صدای حزین و ناله عاجزانه آن مسکین را شنیدند، همگی افطاری را که همان چند قرص نان و مقداری جریش بود به او دادند و خود فقط با آب افطار کردند. روز بعد هم فاطمه علیها السلام مجدداً پنج قرص نان جو طبخ کرد. علی علیه السلام بعد از نماز از مسجد به منزل آمد. سفره افطاری آماده شده و پنج قرص نان و مقداری جریش روی سفره حاضر بود اما تا خواستند دست به غذا ببرند، یتیمی در خانه را به صدا درآورد و گفت السلام علیکم یا اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله یتیمی از اولاد مسلمین هستم پدرم در جنگ احد در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله شهید شد. گرسنه‌ام مرا اطعام کنید تا خدای سبحان شما را در بهشت اطعام فرماید.]

صفحه ۳۱۰] همگی غذای آن شب را به یتیم دادند و خود با آب افطار کردند. روز سوم نیز فاطمه علیها السلام پنج نان گرم پخته و همراه با مقداری جریش و آب روی سفره گذاشت تا افطار کنند. ناگاه اسیری در خانه را به صدا درآورد و گفت السلام علیکم یا اهل بیت نبوت ای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مرا اطعام کنید، خدای بزرگ شما را در جنت اکرام و اطعام فرماید. آن شب نیز همگی غذای افطار را به آن اسیر دادند و بدون افطار سر بر بالین گذاشتند و شب را گرسنه خوابیدند. چون روز چهارم شد، علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام که از گرسنگی توان و نیرویی نداشتند به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدند. آن حضرت دست به آسمان بلند کرد و گفت الهی هؤلاء اهل بیتی یموتون جوعاً، فارحمهم یا ربّ و اغفر لهم هؤلاء اهل بیتی فاحفظهم ولا تنسهم -روایت- ۱-۱۱۴ خدایا؟ اینان اهل بیت من هستند و از شدت گرسنگی بی تاب شده‌اند، رحمی بفرما و آنان را مورد مغفرت قرار ده خدایا؟ آنان را حفظ فرما و فراموششان مفرما. چون سخن رسول خدا پایان یافت جبرئیل نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله خدایت سلام می‌فرستد و می‌فرماید، دعایت را مستجاب کردم از اهل بیت تو تشکر می‌کنم و از کارشان راضی هستم و آیه اَنْ الْاَبْرَارَ یَشْرَبُونَ مِنْ کَأْسٍ کَانَ مِزَاجُهَا کَافُوراً... تا آیه هَذَا کَانَ لَکُمْ جِزْءاً وَ کَانَ سَعِیْکُمْ مُشْکُوراً را بر آن حضرت قرائت کرد [۱۸۹]. -قرآن- ۸-۵۹-قرآن- ۷۵-۱۱۹-پاورقی- ۱۵۲-۱۵۴-قرآن- ۱۷۶-۱۸۹- [صفحه ۳۱۱] [۱۰۵۳] کلبی از ابی صالح نقل کرد، ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه و یطعمون الطّعام علی حَبّه ... -قرآن- ۸۶-۱۱۶ گفت آیه فوق در تحسین علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است وقتی که سه قرص نان بیشتر نداشتند و آن را به مسکین و یتیم و اسیر اطعام کردند و شب را گرسنه خوابیدند. [۱۰۵۴] اسحاق بن نجیح از عطاء و او از ابن عباس در توضیح آیه شریفه و یطعمون الطّعام علی حَبّه .. گفت -قرآن- ۸۶-۱۱۶ حسن و حسین علیهما السلام به بیماری شدیدی مبتلا شدند. همه اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله از آن دو عیادت کردند، بعضی از اصحاب گفتند: یا ابا الحسن اگر نذر کنی امید است شفا زودتر حاصل شود. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضّه نذر کردند که اگر دو سبط پیامبر صلی الله علیه و آله شفا یابند، سه روز، روزه بگیرند. چون حسن و حسین علیهما السلام از پدر و مادر کیفیت نذر را شنیدند گفتند، ما هم نذر [صفحه ۳۱۲] می‌کنیم که روزه بگیریم خدای سبحان به برکت نذر، آن دو سید را شفا عنایت فرمود. فردای آن روز همه اهل خانه روزه‌دار بودند، علی علیه السلام از همسایه‌اش مقداری پشم و سه صاع جو قرض کرد، سه روز پشت سر هم روزه گرفتند و هر روز افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و فقط با آب افطار کردند. تا در روز چهارم جبرئیل به زمین آمد و به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و گفت یا محمد؟ خدای تعالی به تو و اهل بیت تهنیت و تبریک می‌گوید. سپس آیه اَنْ الْاَبْرَارَ یَشْرَبُونَ مِنْ کَأْسٍ... را بر پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت کرد. -قرآن- ۱۱-۴۱ مصطفی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فراخواند و آیه کریمه را برایش تلاوت کرد و علی علیه السلام به گریه افتاد و گفت «الحمد لله الذی خَصَّنَا بِذَٰلِکَ» -روایت- ۱-۳۵ حمد و سپاس خدای را که اینک آیات را به ما اختصاص داد و اینکه نعمت‌ها را به ما عنایت فرمود. [۱۹۰] -پاورقی- ۱۱۴-۱۱۶ [۱۰۵۶] ابن جریج از عطاء و او از ابن عباس در تفسیر آیه و یطعمون الطّعام علی حَبّه ... -قرآن- ۷۲-۱۰۲ نقل کرد: علی علیه السلام بابت آبیاری نخلستان اهل مدینه مقداری جو اجرت گرفت ثلث آن را آسیاب کرده نان پختند. مسکینی به در خانه آمد، آن روز همه نان‌ها را به مسکین بخشیدند، روز دیگر یتیمی به در خانه آمد و سهمیه نان آن روز را گرفت و روز سوم اسیری از مشرکین به در خانه آمد، نان روز سوم را هم به آن اسیر دادند. آیه شریفه فوق برای عمل آن سه روز علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شد. که مسکین و اسیر و یتیم را اطعام کرده سیر کردند. [۱۹۱] -پاورقی- ۵۷-۵۹-قرآن- ۱۲۹-۱۴۹-قرآن- ۱۰۳-۱۳۱- [صفحه ۳۱۳] [۱۸۷] اَنْ الْمُتَّقِیْنَ فِی ظِلَالٍ وَ عِیُونَ [مرسلات ۴۱] اهل تقوا در زیر سایه‌ها و برکنار چشمه‌ساران‌اند. -قرآن- ۷-۴۰ [۱۰۷۱] مجاهد از ابن عباس نقل کرد معنای اَنْ الْمُتَّقِیْنَ یعنی کسانی که از شرک و گناهان کبیره پرهیز کنند و صاحب تقوا و دارای پروا باشند. -قرآن- ۴۸-۶۲ و سرآمد همه متّقین علی حسن و حسین علیهم السلام هستند که دارای مقامات والای بهشتی هستند و در زیر سایه

درختان و خیمه‌های ساخته شده از لؤلؤ در کنار چشمه‌های زلال آرمیده از انواع میوه‌ها متنعم می‌شوند. و به آنان گفته می‌شود نوشیدنی‌های مطبوع و غذاهای متنوع بر شما گوارا باشد اینها پاداش اطاعت و متابعت شما در دنیا است [اَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ مُحْسِنِينَ رَا نِيزَ اَيْنَكِهْ كُونِهْ پاداش نيكو مي‌دهيم و محسنين اهل بيت محمد صلى الله عليه و آله هستند كه در جَنَّتْ مأوى دارند. - قرآن- ۵۲-۷۷ [۱۸۸] عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ [نبا/ ۲۱] درباره چه چيز از يكدیگر مي‌پرسند! از آن خبر بزرگ قرآن- ۷-۴۴ [۱۰۷۲] ابو حمزه ثمالی حکایت کرد از ابو جعفر عليه السلام در تفسیر عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ سؤال کردم قرآن- ۷۷-۱۱۳ در جواب فرمود: علی بن ابی طالب عليه السلام به اصحاب خود می‌گفت به خدا سوگند من نباء عظیم هستم كه تمامی اُمّت درباره من اختلاف کردند. به خدا سوگند، خدای سبحان را نبی عظیم‌تر و بزرگتر از من نیست و هیچ آیه‌ای از من بزرگتر برای ربّ العالمین نیست «۱۹۲ -پاورقی- ۱۳۶-۱۳۸ [صفحه ۳۱۴] [۱۰۷۵] سفیان ثوری از سدی از عبد خیر و او از علی بن ابی طالب عليه السلام نقل کرد صخر بن حرب به حضور رسول الله صلى الله عليه و آله رسید و در کنارش نشست و سؤال کرد حکومت و خلافت بعد از تو به عهده کیست نبی صلی الله عليه و آله فرمود: آن کس كه برای من به منزله هارون برای موسی عليه السلام بود او جانشین من است در همین حین آیه کریمه عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ بر رسول الله فرود آمد. آن هنگام كه اهل مكّه از خلافت علی عليه السلام می‌پرسیدند. بعضی ولایت او را تصدیق و بعضی دیگر تكذیب می‌کردند. قرآن- ۲۹-۴۳ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ اَيْنَكِهْ آیه شریفه انكار و اعتراض بر گفتار آنانی است كه ولایت علی عليه السلام را نمی‌پذیرند، در آینده نزدیک می‌فهمند كه خلافت او بر حق بود چون در قبر از آنان سؤال می‌شود من ربّيك و ما دینك و من نبّيك و من امامك قرآن- ۱-۳۳ نكیر و منكر دو فرشته مخصوص در قبر می‌پرسند، پروردگار كیست دینت چیست نبی‌ات كیست و امام خود را معرفی كن [۱۸۹] اَنْ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا. حَدَائِقُ و اَعْنَابًا. و كَوَاعِبُ اُتْرَابًا. و كَأْسًا دِهَاقًا. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا و لَا كَذِبًا. جزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حَسَابًا. [نبا ۳۶ ۳۱] مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است باغچه‌ها و تاكستانها و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته و پیاله‌های لبالب در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند و نه یكدیگر را تكذیب كنند. اینهكه است پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب قرآن- ۷-۱۵۲ [۱۰۷۶] قَتَادَةُ از حسن نقل کرد ابن عباس در توضیح و تفسیر اَنْ لِّلْمُتَّقِينَ مَفَازًا بیان كرد. قرآن- ۶۶-۸۷ [صفحه ۳۱۵] منظور از متقین در آیه کریمه علی بن ابی طالب عليه السلام است كه سید اتقیا و سرور پرهیزکاران است از ارتكاب به فواحش دوری كرده و از نزدیکی به كبائر بر حذر بوده است پاداش او فوز و رستگاری و نجات از آتش جهنّم است اوست كه در منازل قرب الله جای می‌گیرد و به نعمت‌های بهشتی متنعم می‌شود. [۱۹۰] لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مِّنْ اُذْنِ لِّهِ الرَّحْمَنُ و قَالَ صَوَابًا. [نبا/ ۳۸] و [مردم سخن نگویند، مگر کسی كه] خدای رحمان به او رخصت دهد، و سخن راست گوید. قرآن- ۷-۶۵ [۱۰۷۷] مُحَمَّد بن سنان حکایت کرد ابو حمزه ثمالی گفت روزی به حضور رسول الله صلى الله عليه و آله رسیدم آن حضرت فرمود: یا ابا حمزه همه مردم در قیامت وارد بهشت می‌شوند مگر آن کسانی كه خودشان ابا داشته باشند. گفتم آیا کسی پیدا می‌شود از رفتن به بهشت ابا كند! فرمود: بلی هر كه شعار لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ و مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ -روایت- ۱-۴۵ را از قلب و جان نگوید، بویی از بهشت نبرد. گفتم یا رسول الله مرجئه و قدریه و حروریّه و بنی امیه از گویندگان لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ و مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ هستند. فرمود: هیئات هیئات چون قیامت فرا رسد، شهادتین از آنان سلب می‌شود و بدانید جز ما اهل بیت و شیعیانمان کسی به بهشت راه داده نمی‌شود. آیا آیه کریمه یوم یقوم الزّوج و الملائكة صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مِّنْ اُذْنِ لِّهِ الرَّحْمَنُ و قَالَ صَوَابًا. را شنیده‌ای قرآن- ۱۷-۱۰۸ بدان آن کسانی كه لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ و مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ -روایت- ۱-۴۵ را از سر صدق و با اخلاص بگویند كه آن قول صواب است داخل بهشت می‌شوند. [صفحه ۳۱۶] [۱۰۷۸] صالح بن سهل از ابو جارود نقل كرد، ابو جعفر عليه السلام در تفسیر آیه کریمه یوم یقوم الزّوج و الملائكة صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ اِلَّا مِّنْ اُذْنِ لِّهِ الرَّحْمَنُ و قَالَ صَوَابًا بیان كرد چون روز قیامت فرا رسد شعار لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ و مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ عليه و آله از قلب‌ها همه محو می‌گردد مگر کسانی كه اقرار به ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام داشته باشند. و اینهكه به سبب قول خدای سبحان «اَلَا

من أذن له الرحمن است که خدای رحمان به آن کسانی که به ولایت علی علیه السلام اقرار داشته باشند، اجازه دخول به بهشت می‌دهد. -قرآن- ۹۸-۱۸۹-قرآن- ۴۵۵-۴۸۲ [۱۹۱] و أمّا من خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى فإنّ الجنة هي المأوى [نازعات ۴۱ ۴۰] و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس خود را از هوس بازداشت پس جایگاه او همان بهشت است -قرآن- ۷-۸۸ [۱۰۷۹] سفیان بن عیینة از زهری از مجاهد و او از ابن عباس در تفسیر و توضیح آیه کریمه فاما من طغى بیان کرد: -قرآن- ۱۰۶-۱۲۱ منظور از طغیان گر، علقمة بن حرث بن عبد الله بن قصی بود که با تکبر و غرور، دنیا را بر آخرت ترجیح داده و جهنّم را جایگاه ابدی خویش برگزید. ولی و أمّا من خاف مقام ربّه علی بن ابی طالب علیه السلام آن عبد صالح و بنده نیکوکاری است که از مقام ربّ، خائف و از حساب و محاسبه پروردگار بیمناک است و نهى النفس عن الهوى بر اثر بیم خدای سبحان نفس خویش را همیشه موعظه و نهی از هوی پرستی می‌کرد تا گرایش به محارم و لذّات نامشروع پیدا نکند. -قرآن- ۵-۳۳-قرآن- ۱۸۸-۲۱۴ فإنّ الجنة هي المأوى جنّت جایگاه کسی است که اینکه چنین از خدای تعالی خائف و از هوای نفس و وسوسه شیطان گریزان باشد -قرآن- ۱-۲۴ [صفحه ۳۱۷] [۱۹۲] وجوه يومئذ مفسّرة. ضاحكهُ مُستبشرة. [عبس ۳۹ ۳۸] در آن روز، چهره‌هایی درخشاند، خندان [و] شادان‌اند. -قرآن- ۷-۴۱ [۱۰۸۰] انس بن مالک حکایت می‌کند از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آیه کریمه وجوه يومئذ مفسّرة سؤال کردم -قرآن- ۵-۱۰۵-۱۲۳ آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس چهره‌های خندان و دل‌های شاد متعلق به فرزندان عبد المطلب است که شامل من و علی بن ابی طالب علیه السلام حمزه جعفر طیار، حسن علیه السلام حسین علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستیم در قیامت از قبرها برمی‌خیزیم در حالی که چهره‌های ما مثل آفتاب نورانی است و از اینکه که خدای سبحان از ما راضی است بسیار خوشحال و شاد هستیم و خنده‌های شادی بر لبان ماست و یکدیگر را به اجر جزیل و ثواب جمیل بشارت و نوید می‌دهیم [۱۹۳] و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون [مطففین ۲۶] و در اینکه [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند. -قرآن- ۷-۴۱ [۱۹۳۰۸۱۹۳] جعفر بن علی حریری از قول معاویة بن عمّار دهنی از ابی زبیر و او از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله در غزوه ۱۹۳ «-پاورقی- ۱۹۹-۲۰۱ أنکم تقولون أنّی انتجیت علیا، ما انا انتجیته أنّ الله انتجاه و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون -روایت- ۱-۱۱۱ [صفحه ۳۱۸] سخن شما اینکه است که من با علی علیه السلام به نجوا پرداختم ولی بدانید من تنها با او نجوا نمی‌کردم بلکه خدای رحمان نیز با علی علیه السلام نجوا می‌کرد. و به اینکه کار هر مشتاق و راغبی میل و علاقه دارد.» ۱۹۴ -پاورقی- ۲۵۴-۲۵۶ [۱۹۴] و مزاجه من تسنیم عیناً یشرّب بها المقربون [مطففین ۲۸ ۲۷] و ترکیبش از [تسنیم است چشمه‌ای که مقربان خدا از آن نوشند. -قرآن- ۷-۵۵ [۱۰۸۲] ابو حمزه از ابو جعفر علیه السلام از پدرش علی بن حسین علیه السلام از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرد رسول الله صلی الله علیه و آله در توضیح و تبیین آیه کریمه و مزاجه من تسنیم فرمود: -قرآن- ۲۱۴-۲۳۴ یعنی شرابی گوارا که بهترین نوشیدنی و شراب در بهشت است که آل محمد صلی الله علیه و آله از آن می‌نوشند. و آنان از مقربان سابقه‌دار هستند که شامل رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خدیجه و ذریه آنان که در ایمان و عمل به نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام اقتدا کردند. [۱۹۵] أن الذّین أجرموا کانوا من الذّین ءامنوا یضحکون و اذا مرّوا بهم یتغامزون [مطففین ۲۹] [آری در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند. -قرآن- ۷-۸۷ [۱۰۸۳] محمد بن عیسی از یونس بن عبد الرحمن و او از عبد الرحمن بن سالم و او از [صفحه ۳۱۹] ابی عبد الله نقل کرد: آیه أن الذّین أجرموا کانوا من الذّین ءامنوا یضحکون و اذا مرّوا بهم یتغامزون در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. -قرآن- ۳۴-۱۱۴ روزی علی علیه السلام از کنار جمعی از بنی امیه و منافقین عبور می‌کرد. آن گروه به استهزاء آن حضرت پرداختند و سخن‌های او را به تمسخر گرفتند، چون چنین حرکات زشتی را ادامه دادند، آیه کریمه در مذمت آنان نازل شد. «۱۹۵ -پاورقی- ۲۵۳-۲۵۵ [۱۰۸۵] کلّی از ابی صالح از ابن عباس در توضیح آیه کریمه نقل کرد الذّین ءامنوا یضحکون علی بن ابی طالب علیه السلام و اصحاب آن بزرگوارند. -قرآن- ۸۱-۱۰۳ الذّین أجرموا، گروه منافقین از طایفه قریش

هستند. -قرآن- ۱-۱۴ [۱۹۶] یَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ. ارجعی اَلِی رَبِّک راضیةً مَرْضِیَّةً. فادخلی فی عبادی و ادخلی جَنَّتِ [فجر/ ۲۷۳۰]

ای نفس مطمئنّه خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت باز گرد و در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو. -قرآن-

۷-۱۰۵ [۱۰۸۹] حسن بن محبوب از عبد الرحمن بن سالم و او از ابو عبد الله جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله در شأن نزول آیه کریمه یَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ. ارجعی اَلِی رَبِّک راضیةً مَرْضِیَّةً. فادخلی فی عبادی و ادخلی جَنَّتِ نقل کرد: آیه شریفه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد و خدای سبحان نفس آن حضرت را نفس مطمئنّه نامید. -قرآن- ۱۶۰-۲۵۸ [صفحه ۳۲۰] [۱۹۷] و والد و ما ولد [بلد/ ۳] سوگند به پدری [چنان و آن کسی را که به وجود آورد. -قرآن- ۷-۲۳] [۱۹۶۰۹۰] اسماعیل بن عباد از حسین بن ابی یعفر و او از بعضی از اصحاب نقل کرد، ابو جعفر علیه السلام در تفسیر و تطبیق والد و ما ولد فرمود: منظور از والد امیر المؤمنین علی علیه السلام و منظور از ولد حسن علیه السلام و حسین علیه السلام است که در آیه کریمه از آن بزرگواران نام برده شد. «۱۹۶ -قرآن- ۱۴۰-۱۵۴ -قرآن- ۱۷۳-۱۷۷ -قرآن- ۲۲۸-۲۳۱ -پاورقی- ۳۴۲-۳۴۴ [۱۹۸] فلا اقتحم العقبة. [بلد/ ۱۱] ولی نخواست از گردنه [عاقبت نگری بالا رود؟] [۱۰۹۲] محمد بن فضیل از ابان بن تغلب حکایت کرد وقتی از ابو جعفر علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه فلا اقتحم العقبة سؤال شد، آن حضرت با دست به سینه اش اشاره کرد و فرمود: -قرآن- ۷-۲۷ -قرآن- ۲۱۳-۲۳۲ ما آن گردنه و عقبه ای هستیم که هر کسی از آن گردنه عبور کند، نجات یابد و از رستگاران خواهد شد. «۱۹۷ -پاورقی- ۱۱۴-۱۱۶ [۱۹۹] و الشمس و ضحیها، و القمر اذا تلیها، و النهار اذا جلیها. [شمس ۱۳] سوگند به خورشید و تابندگی اش سوگند به مه چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را روشن گرداند. -قرآن- ۷-۶۵] [صفحه ۳۲۱] [۱۰۹۴] محمد بن فرات از جعفر و او از پدرش نقل کرد عبد الله بن عباس مفسّر مشهور قرآن در تفسیر آیه کریمه فوق بیان کرد و الشمس و ضحیها یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله که شمس و آفتاب در بین مردم است -قرآن- ۱۴۴-۱۶۱ و القمر اذا تلیها یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام که قمر و مهتاب در کنار خورشید است -قرآن- ۱-۱۷ و النهار اذا جلیها منظور از [النهار] در آیه شریفه حسن و حسین علیهما السلام هستند. -قرآن- ۱-۱۹ و الیل اذا یغشاها یعنی بنی امیه که شب تاریک و ظلمانی هستند و در ظلمات جهل و گمراهی ماندند. «۱۹۸ -قرآن- ۱-۱۹ -پاورقی- ۱۰۸-۱۱۰ [۲۰۰] اذ انبعث أشقاها [شمس ۱۲] آن گاه که شقی ترین آنان به پا خاست -قرآن- ۷-۲۳ [۱۰۹۶] مسلم اعور از حذیة بن عدی حکایت کرد علی بن ابی طالب علیه السلام گفت روزی رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی علیه السلام شقی ترین اولین چه کسی بود گفتم آن کس که شتر صالح را از پای درآورد. او اولین شقی عالم است سپس فرمود آیا می دانی شقی ترین آخرین کیست گفتم یا رسول الله بیان فرماید تا بدانم کیست فرمود: آن کسی که با شمشیر فرق سرت را بشکافد او شقی ترین آخرین است مثل کشنده شتر صالح علیه السلام که شقی ترین اولین بود «۱۹۹ -پاورقی- ۶۷-۶۹ [صفحه ۳۲۲] [۱۰۹۹] سعید بن ابی هلال از زید بن اسلم روایت کرد ابا سنان دوئلی گفت به خدمت علی علیه السلام رسیدم و گفتم ما برای جان تو بیمناک و نگران هستیم علی علیه السلام فرمود: من هرگز برای خویشتن خوف و هراسی ندارم چون از رسول صادق صلی الله علیه و آله شنیدم ضربتی بر فرق سرم فرود می آید و محاسنم را رنگین می کند و قاتل من شقی ترین مردم است همچنان که شقی ترین اولین شتر صالح علیه السلام را پی کرد. «۲۰۰ -پاورقی- ۲۲۹-۲۳۱ [۱۱۰۱] ابی مضر نقل کرده است از علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال شد، شقی ترین مردم چه زمانی آشکار و هویدا می شود! و چه کسی شقی ترین است علی علیه السلام فرمود: آن کسی که مرا به شهادت برساند، او شقی و بدبخت ترین است «۲۰۱ -پاورقی- ۹۹-۱۰۱ [۱۱۰۶] عبد الله بن عمرو نقل کرد از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: الا ان شفاعتی لاهل الکبائر من امتی الا من قتل علی بن ابی طالب علیه السلام -روایت- ۱-۹۶ شفاعت من شامل گناهکاران و اهل کبائر از امتم می شود، مگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام که هرگز مورد عفو و شفاعت قرار نمی گیرد. [۱۱۰۷] ابن عباس نقل کرد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: شقی ترین مردم قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام است سپس ابن عباس اضافه کرد چون علی علیه السلام شهید شد، دو روز متوالی از آسمان خون بارید. [صفحه ۳۲۳]

[۲۰۱] و لسوف يعطیک ربک فترضی [ضحی ۵] و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند شوی -قرآن- ۷-۳۴ [۱۱۱۰] حماد جهنی از جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد، روزی رسول الله صلی الله علیه و آله وارد منزل فاطمه علیها السلام شد، در حالی که کسائی از پوست شتر بر شانه فاطمه علیها السلام بود به آسیاب کردن گندم مشغول بود تا برای بچه‌ها نان تهیه کند. وقتی نبی صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را در آن حالت مشاهده کرد، اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: یا فاطمه سختی و تلخی دنیا را برای رسیدن به حلاوت و آسایش آخرت تحمل کن آن گاه آیه کریمه و لسوف يعطیک ربک فترضی برای خشنودی رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد. «۲۰۲ -قرآن- ۲۳-۵۰-پاورقی- ۱۱۷-۱۱۹ [۱۱۱۱] کلبی از ابو صالح از ابن عباس در تفسیر و توضیح و لسوف يعطیک ربک فترضی بیان کرد. -قرآن- ۶۶-۹۳ خدای سبحان ذریه مصطفی صلی الله علیه و آله را داخل بهشت می کند به گونه‌ای که آن حضرت از عنایت رب کریم راضی و خشنود شود. [۱۱۱۲] محمد بن حنفیه از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام در توضیح آیه کریمه و لسوف يعطیک ربک فترضی بیان کرد. -قرآن- ۱۰۳-۱۳۰ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: آن قدر برای اتم شفاعت می کنم تا منادی ندا سر دهد، یا محمد آیا راضی شدی می گویم یا رب؟ راضی شدم و تو را سپاسگزارم سپس علی علیه السلام به اهل عراق رو کرد و فرمود: آن گاه شما اهل عراق می گوید به آیه -قرآن- ۱۷۸-۲۰۵ [صفحه ۳۲۴] کریمه یا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمۃ الله امیدواریم -قرآن- ۷-۷۸ اما ما اهل بیت می گوئیم به آیه کریمه و لسوف يعطیک ربک فترضی امیدوارتر هستیم که شفاعت برای امت محمد صلی الله علیه و آله قرار داده شد. -قرآن- ۴۵-۷۲ [۱۱۱۳] سدی از ابن عباس در تفسیر آیه کریمه و لسوف يعطیک ربک فترضی نقل کرد رضایت محمد صلی الله علیه و آله به اینکه است که احدی از اهل بیتش در آتش جهنم سرنگون نشود. -قرآن- ۵۵-۸۲ [۲۰۲] و اما بنعمه ربک فحدث [ضحی ۱۱] و از نعمت پروردگار خویش با مردم سخن گوی -قرآن- ۷-۳۲ [۱۱۱۵] عیسی بن عبد الله از پدرش و پدرش از جدش و او از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرد، آن حضرت فرمود: زمین برای هفت نفر خلق شد. شما به واسطه اینکه هفت نفر رزق و روزی داده می شوید و باران باریده می شود. به خاطر آنان نصرت و ظفر الهی فرو فرستاده می شود و آن هفت تن عبارت از عبد الله بن مسعود، ابوذر، عمار، سلمان مقداد، حذیفه و من که امام اینک جماعت هستم سپس آیه کریمه و اما بنعمه ربک فحدث را تلاوت کرد. «۲۰۳ -قرآن- ۱۱۹-۱۴۴-پاورقی- ۱۶۲-۱۶۴ [۲۰۳] فاذا فرغت فانصب [شرح ۷] پس چون فراغت یافتی به طاعت در گوش -قرآن- ۷-۲۴ [۱۱۱۶] سماعه از ابو بصیر و او از ابو عبد الله علیه السلام در تفسیر و توضیح آیه کریمه فاذا -قرآن- ۱۰۶-۱۱۰ [صفحه ۳۲۵] فرغت فانصب نقل کرد: خدای سبحان به نبی صلی الله علیه و آله فرمود: یا رسول الله چون فراغت یافتی علی بن ابی طالب علیه السلام را برای ولایت منصوب کن «۲۰۴ -پاورقی- ۱۶۸-۱۷۰ [۲۰۴] و التین و الزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددنه اسفل سافلین الا الذين امنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون فما یكذبک بعد بالذين أليس الله بأحكم الحاكمين [تین ۱۸] سوگند به [کوه تین و زیتون «دو کوه در شام و طور سینا و اینکه شهر امن [و امان که براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم سپس او را به پست ترین [مراتب پستی بازگردانیدیم مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که پاداشی بی منت خواهند داشت پس چه چیز، تو را بعد از اینکه به تکذیب جزا می دارد! آیا خدا نیکوترین داوران نیست -قرآن- ۷-۲۵۲ [۱۱۲۰] عبد الرحمن بن مهدی از مالک بن انس از زهری نقل کرد انس بن مالک گفت وقتی سوره تین بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شد، آن حضرت بسیار شاد و خوشحال شد به گونه‌ای که همه ما اصحاب شادی و خوشحالی آن حضرت را مشاهده کردیم از ابن عباس درباره علت سرور و شادی نبی صلی الله علیه و آله و تفسیر سوره تین سؤال کردم ابن عباس بیان کرد و التین یعنی سرزمین شام و الزیتون یعنی سرزمین زیتون -قرآن- ۲۲-۳۱-قرآن- ۵۳-۶۴ [صفحه ۳۲۶] و ارض فلسطين و و طور سینین یعنی طور سینا که جایگاه تکلم موسی علیه السلام با خداست -قرآن- ۱۷-۲۹ و هذا البلد الامین منظور شهر مقدس مکه است لقد خلقنا الانسان یعنی محمد صلی الله علیه و آله

را که انسان کامل است در احسن تقویم خلق کردیم -قرآن- ۱-۲۱-قرآن- ۵۲-۶۹-ثم رددنه أسفل سفلین یعنی عبادت کنندگان بت که در نازل‌ترین و پست‌ترین مرتبه قرار می‌گیرند. أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ یعنی عثمان فما يكذبك بعد بالدين یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام ۲۰۵، -قرآن- ۱-۲۴-قرآن- ۱۰۷-۱۴۵-قرآن- ۱۶۱-۱۸۳-قرآن- ۱۹۹-۲۲۵-پاورقی- ۲۷۱-۲۷۳-قرآن- ۲۷۴-۳۰۳ [۱۱۲۱] محمّد بن حاتم از محمّد بن فضیل بن یسار روایت کرد از ابا الحسن علیه السّلام درباره تفسیر سوره تین سؤال کردم آن حضرت فرمود: وَالتَّيْنِ یعنی حسن علیه السّلام وَالتَّيْتُونَ یعنی حسین علیه السّلام و طور سینین همان طور سینا و آن امیر المؤمنین علی علیه السّلام است -قرآن- ۱-۹-قرآن- ۳۹-۵۰-قرآن- ۸۱-۹۳ و هذا البلد الامین رسول الله صلى الله عليه وآله بلد امین است -قرآن- ۱-۲۱ أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یعنی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، که آن امیر المؤمنین علیه السّلام و شیعیان حقیقی او هستند و به آنان اجر و پاداش غیر ممنون داده می‌شود. «۲۰۶» -قرآن- ۱-۳۸-پاورقی- ۲۲۱-۲۲۳-قرآن- ۷۸-۱۰۴ [صفحه ۳۲۷] [۲۰۵] أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. [بینه/ ۶] کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می‌مانند اینان‌اند که بدترین آفریدگان‌اند. -قرآن- ۷-۶۹ [۱۱۲۵] یزید بن شراحیل انصاری کاتب علی علیه السّلام روایتی نقل کرد و گفت از علی علیه السّلام شنیدم بیان کرد رسول الله صلى الله عليه وآله و آله به من فرمود: يا علي كلام خدای سبحان أَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ را شنیدی بدان که خیر البریّه [بهترین بندگان خدا، تو و شیعیان حقیقی‌ات هستی و وعده گاه من و شما در حوض کوثر است هنگامی که همه مردم برای حساب و کتاب تجمّع کنند. شما در قیامت با نام غرّ محجّلین دعوت می‌شوید. «۲۰۷» -قرآن- ۳۳-۹۵-پاورقی- ۳۴۷-۳۴۹ [۱۱۲۶] جابر از محمّد بن علی و تمیم بن حذلم از ابن عباس نقل کردند. هنگامی که آیه کریمه أَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بر رسول الله صلى الله عليه وآله و آله نازل شد، آن حضرت به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: يا علي -قرآن- ۱۰۹-۱۷۱ هو أنت و شيعتك تاتي انت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين و ياتي عدوك غضاباً مقمحين «-روایت- ۱-۱۰۳ یا علی تو و شیعیان واقعی‌ات خیر البریّه یعنی بهترین بندگان خدا هستی، چون روز قیامت فرا رسد شما راضی و مرضی در صف محشر حاضر می‌شوید و دشمنان تو غضبناک و سرکوب شده باشند. علی علیه السّلام گفت یا رسول الله دشمنان من کیستند! آن حضرت صلى الله عليه وآله و آله فرمود: کسانی که از تو تبری جویند و تو را لعنت کنند «و من قال رحم الله علياً يرحمه الله» -روایت- ۱-۵۱ یعنی هر کسی بگوید: خداوند علی علیه السّلام را رحمت کند، خدای سبحان او را رحمت می‌کند. «۲۰۸» -پاورقی- ۱۰۶-۱۰۸ [صفحه ۳۲۸] [۱۱۳۱] جابر جعفی از ابن بریده و او از پدرش نقل کرد: رسول الله صلى الله عليه وآله و آله کریمه أَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ را تلاوت کرد و دستش را بر کتف علی علیه السّلام گذاشت و فرمود: -قرآن- ۵۴-۱۱۶ یا علی تو و شیعیان مصداق اینکه آیه شریفه و خیر البریّه هستی. یا علی در قیامت تو و شیعیان سیراب وارد صحرای محشر می‌شوید، اما دشمنان تشنه مقهور و ذلیل وارد محشر شوند. [۲۰۹۲۰۹۳۲] از جابر بن یزید جعفی از ابو جعفر محمّد بن علی علیه السّلام نقل شده است که رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: منظور از أَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... علی علیه السّلام و شیعیان حقیقی او هستند. «۲۰۹» -قرآن- ۱۶۵-۲۰۷-پاورقی- ۲۵۹-۲۶۱ [۱۱۳۹] ابی زیر حکایت کرد جابر بن عبد الله انصاری گفت روزی در حضور رسول الله صلى الله عليه وآله و آله نشسته بودیم علی بن ابی طالب علیه السّلام به خدمت آن حضرت رسید. هنگامی که چشم نبی صلى الله عليه وآله و آله به رخسار علی علیه السّلام افتاد، فرمود: برادرم علی علیه السّلام به نزد شما آمد، سپس رو به کعبه کرد و گفت به خدای اینکه خانه سوگند، اینکه مرد و شیعیانش در قیامت از فائزان و رستگاران‌اند. [صفحه ۳۲۹] آن گاه رو به ما کرد و فرمود: ای یاران بدانید: «أَنَّهُ أَوْلَكُمْ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَأَقْوَمَكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَأَوْفَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَقْضَاكُمْ بِحُكْمِ اللَّهِ وَأَقْسَمَكُمْ بِالسُّوْبَةِ وَأَعْدَلَكُمْ فِي الرَّعِيَةِ وَأَعْظَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَزِيَّةً». -روایت- ۱-۱۷۳ علی اولین مؤمن و پایدارترین شما در امر الله و با وفاترین در عهد الله و عالم‌ترین در حکم الله با انصاف‌ترین در تقسیم بیت المال و عادل‌ترین در

حفظ حقوق رعیت و با مزایاترین شخص در نزد خداست بعد از اینکه بیانات آیه شریفه أَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ بر نبی صلی الله علیه و آله نازل شد. -قرآن- ۳۹-۱۰۱ سپس جابر بن عبد الله ادامه داد و گفت هرگاه در جمعی بودیم و علی علیه السلام از راه می‌رسید، اصحاب مصطفی صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ای مردم بهترین بندگان خدا بعد از محمد صلی الله علیه و آله به سوی شما می‌آید. «۲۱۰- پاورقی- ۲۷۰-۲۷۲ [۱۱۴۱] عاصم بن ضمره روایت کرده جابر بن عبد الله انصاری نقل کرد در مسجد مدینه نشسته بودیم و رسول الله صلی الله علیه و آله در میان ما بود فرمود: اِنَّ لِلَّهِ لَوَاءً مِنْ نُورٍ وَ عَمُوداً مِنْ زَبْرَجَدٍ خَلَقَهَا قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَ السَّيِّئَاتِ بِالْفِي سَنَةِ، مَكْتُوبٌ عَلٰی رِءَا ذٰلِكَ اللّٰوِءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ اَلَّ مُحَمَّدٌ خَيْرُ الْبَرِّیَّةِ، صَاحِبُ اللّٰوِءِ اِمَامُ الْقَوْمِ -روایت- ۱-۲۱۸ خدای سبحان را لوائی از نور و عمودی از زبرجد است که هزار سال قبل از خلقت آسمان آن را خلق کرد، بر روی آن رداء نوشته است لا-اله الا الله محمد رسول الله آل محمد بهترین مردم‌اند و صاحب پرچم امام آن جماعت و طایفه است پس علی بن ابی طالب علیه السلام رو به مصطفی صلی الله علیه و آله کرد و گفت حمد و سپاس خدای عز و جل را که ما را به وسیله تو هدایت کرده و کرامت و شرافت عنایت فرمود. سپس نبی صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی آیا می‌دانی هر کسی ما را دوست داشته باشد خدای [صفحه ۳۳۰] سبحان او را همراه ما، داخل بهشت می‌کند و آن گاه آیه شریفه فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر را تلاوت کرد. -قرآن- ۷۳-۱۰۳ [۱۱۴۲] عطیه عوفی می‌گوید روزی به حضور جابر بن عبد الله انصاری رسیدم زمانی که از کبر سن ابروهای او بر روی چشمانش افتاده بود به او گفتم از علی بن ابی طالب علیه السلام برایم سخن بگو. جابر، ابروان خویش را به کناری زد و گفت علی علیه السلام از بهترین خلائق و والاترین انسان است که قرآن شریف او را خیر البریة نامید. «۲۱۱ -قرآن- ۱۴۳-۱۵۴-پاورقی- ۱۶۲-۱۶۴ [۱۱۴۶] مقاتل بن سلیمان از ضحاک و او از ابن عباس درباره اولئک هم خیر البریة نقل کرد، اینکه آیه کریمه در حق علی علیه السلام و اهل بیتش نازل شد که بهترین بندگان خدا و والاترین انسان‌ها هستند. «۲۱۲ -قرآن- ۷۳-۹۶-پاورقی- ۲۳۵-۲۳۷ [۲۰۶] فَأَمَّا اَنْ تَقْلَتْ مَوْزِیْنَه فِهْو فِی عِیْشَه رَاضِیَه. [قارعه ۶ ۷] اَمَّا هِرْ که سنجیده‌هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود -قرآن- ۷-۵۳ [۱۱۴۹] ابی صالح از ابن عباس در توضیح آیه شریفه فَأَمَّا اَنْ تَقْلَتْ مَوْزِیْنَه ... نقل کرد تنها کسی که در قیامت کفّه حسناتش بر همگان رجحان دارد، علی بن ابی طالب علیه السلام است و اینکه به سبب آن است که در نامه عمل آن حضرت جز حسنات چیز دیگری وجود ندارد و کفّه دیگر خالی از سیئات و خطاست و خدای سبحان را حتی در طرفه -قرآن- ۵۹-۸۷ [صفحه ۳۳۱] عینی عصیان و نافرمانی نکرده است پس به دلیل آیه فَأَمَّا اَنْ تَقْلَتْ مَوْزِیْنَه فِهْو فِی عِیْشَه رَاضِیَه آن حضرت دارای شخصیتی ارجمند و اعمالی وزین است و از زندگی و حیات اخروی راضی و خشنود است -قرآن- ۲۲-۶۸ [۲۰۷] ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ [تکثیر/ ۸] سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پر سیده خواهید شد. -قرآن- ۷-۴۰ [۱۱۵۰] حَسَنُ بْنُ حُسَیْنٍ ابُو حَفْصٍ صَانِعٌ رَوٰیثَ اَبُو جَعْفَرٍ بَنِ مُحَمَّدٍ عَلِیهِ السَّلَامُ در تفسیر و توضیح آیه کریمه ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ بیان فرمود: -قرآن- ۱۲۶-۱۵۹ نعیم ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله هستیم سپس آیه و اذ تقول للهدی انعم الله علیه و انعمت علیه را قرائت کرد. «۲۱۳ -قرآن- ۷۵-۱۲۸-پاورقی- ۱۴۶-۱۴۸ [۱۱۵۲] ابو حفص صانع حکایت کرد، عبد الله بن حسن در توضیح آیه کریمه لَتَسْتَلْنَ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ بیان کرد ای ابا حفص به خدا سوگند در قیامت از شما درباره ولایت ما اهل بیت سؤال می‌کنند. که در حق ما چگونه رفتار کردید ... -قرآن- ۸۳-۱۱۱ [صفحه ۳۳۲] [۲۰۸] وَالْعَصْر. اَنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ. اَلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ. [عصر/ ۳] سوگند به عصر، که واقعاً انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که به خدا گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. -قرآن- ۷-۱۱۲ [۱۱۵۳] ابو هشام محمد بن یزید بن رفاعه از عمویش علی بن رفاعه و او از پدرش نقل کرد که با علی بن عبد الله بن عباس قصد سفر حج را داشتم او در مدینه برای خواندن خطبه به منبر رسول الله صلی الله علیه و آله نشست و سوره مبارکه عصر را قرائت کرد و در توضیح و تبیین اینکه سوره چنین گفت وَالْعَصْر. اَنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ

یعنی ابو جهل بن هشام و انسان‌های هم کیش او در خسران بوده و از زیان کاران‌اند. -قرآن- ۱-۳۱ أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا یعنی مؤمنان و از جمله آنان ابو بکر است و عملوا الصّالحات یعنی کسانی که اعمال صالح انجام دهند که از اینکه قبیل بود عمر بن خطاب و تواسوا بالحق و تواسوا بالصبر یعنی علی بن ابی طالب علیه السّلام که توصیه به حق و سفارش به صبر و استواری کرده و می‌کند. -قرآن- ۱-۱۹-قرآن- ۶۸-۸۶-قرآن- ۱۷۷-۲۱۰ [۱۱۵۴] ابی بن کعب حکایت کرد، برای رسول الله صلی الله علیه و آله سوره عصر را قرائت کردم و عرض کردم پدر و مادرم فدایت شوند، تفسیر اینکه سوره را برایم بیان فرماید. نبی صلی الله علیه و آله «فرمود: و العصر انّ الانسان لفي خسر قسم به عصر که انسان در خسران و زیان است و بالاخص ابو جهل بن هشام که زیان بارترین آنان است -قرآن- ۴۰-۷۰ و تواسوا بالصبر بدانید توصیه کننده به صبر، علی بن ابی طالب علیه السّلام است ۲۱۴» -قرآن- ۱-۱۶-پاورقی- ۹۲-۹۴ [۱۱۵۶] زبیر بن عدی از ضحاک نقل کرد ابن عباس در تبیین سوره عصر بیان کرد [صفحه ۳۳۳] و العصر. انّ الانسان لفي خسر یعنی ابو جهل و أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصّالحات عبارت‌اند از علی علیه السّلام و سلمان و عبد الله بن مسعود. «۲۱۵» -قرآن- ۱-۳۰-قرآن- ۴۹-۸۷-پاورقی- ۱۶۱-۱۶۳ [۱۱۵۸] سفیان از ابن جریج از عطاء نقل کرد ابن عباس مفسّر مشهور قرآن درباره علی علیه السّلام بیان کرد. خدای سبحان همه خصلت‌های نیک را در سیمای علی علیه السّلام جمع کرد. و طبق آیه أَلَا الَّذِينَ ءَامَنُوا علی علیه السّلام نخستین مؤمن و سابقه‌دارترین مسلمان بود -قرآن- ۹۵-۱۱۴ و عملوا الصّالحات از نظر اعمال صالح سرآمد روزگار بود نخستین نمازگزار هم او بود که در بین همه اهل زمین به عبادت ربّ جلیل پرداخت -قرآن- ۱-۱۸ و تواسوا بالحق علی علیه السّلام توصیه کننده به قرآن بود قرآنی که آن را از رسول الله صلی الله علیه و آله تعلیم گرفت -قرآن- ۱-۱۶ و تواسوا بالصبر پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السّلام را سفارش به صبر در دنیا و حفظ و نگهداری فاطمه علیها السّلام و جمع آوری قرآن و همچنین او را به قضای دین و غسل بدن و دیوار کشیدن بر دور قبرش تا به واسطه جمع شدن و نشستن زنان بر روی آن مورد اذیت قرار نگیرد و او را به حفظ و پرستاری حسن و حسین علیهما السّلام توصیه کرد. -قرآن- ۱-۱۶ [۲۰۹] أَنَا أُعْطِينِكَ الْكُوثِرَ. [کوثر / ۱] ما تو را [چشمه] کوثر دادیم -قرآن- ۷-۲۶ [۱۱۶۰] زبیر بن ابی بکر از محمد بن یحیی حکایت کرد: حسین بن علی علیه السّلام کسی را به خواستگاری عانده، دختر شعیب بن بکار بن -قرآن- ۱۷۱-۱۹۶ [صفحه ۳۳۴] عبد الملک فرستاد. او در جواب گفت چگونه با مردی که ثروت ندارد ازدواج کنم حسین بن علی علیه السّلام فرمود: وای بر او چگونه مرا به ناداری عیب‌جویی می‌کند! و حال اینکه که خدای سبحان کوثر را به ما اهل بیت بخشیده است [۱۱۶۱] عمرو بن خالد از زید بن علی و او از پدرانش تا می‌رسد به علی بن ابی طالب علیه السّلام که آن جناب بیان کرد: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خدای کریم جایگاه من و اهل بیتم را در کوثر به من نشان داده است «۲۱۶» -پاورقی- ۱۳۰-۱۳۲ [۱۱۶۳] عطیه عوفی نقل کرد، انس بن مالک گفت روزی به حضور رسول الله صلی الله علیه و آله رسیدم فرمود: قد أعطیت الکوثر -روایت- ۱-۲۰ خدای سبحان کوثر را به من عنایت فرمود. سؤال کردم یا رسول الله کوثر چیست فرمود: نهر فی الجنّة عرضه و طولہ ما بین المشرق و المغرب لا یشرب احد منه فیظماء، و لا یتوضّی منه احد ابداً فیشعث لا یشربه انسان خفر ذمتی و لا من قتل اهل بیتی « -روایت- ۱-۱۸۶ کوثر نهری در بهشت است که عرض و طول آن به اندازه فاصله بین مشرق تا مغرب است هر کسی از آن بنوشد هرگز تشنه نشود و هر کسی با آن آب وضو سازد محدث نگردد. ولی بدانید هر کسی قاتل اهل بیت من باشد یا ذمه مرا نادیده بگیرد، هرگز از آن آب نمی‌نوشد. احمد روحانی بهار ۱۳۸۰

ه. ش

پاورقی

- [۱] همین روایت را جماعتی از عبد الکرم نقل کردند. [۳] روایت ۴۳/ شواهد التنزیل از عامر شعبی به همین معنی نقل شد. [۴] روایت ۴۵/ شواهد التنزیل از عبد الملک به همین معنی نقل شد. [۵] روایت ۴۸/ شواهد التنزیل از عبد الله حسین اشعر به همین معنا

نقل شده است [۶] روایت ۵۲/ شواهد التنزیل مجدداً از مجاهد با همین متن و لفظ نقل شد. [۷] اینکه حدیث را جماعتی دیگر از محمد بن حسن روایت کردند [همان طوری که از زکریا بن میسره نقل شد]. [۸] روایت ۶۱/ شواهد التنزیل از نصر بن مزاحم از اصبع نباته با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۹] روایت شماره ۶۴/ شواهد التنزیل از ابو عبد الله حسین بن حکم خبری در کتاب تفسیرش از مالک بن اسماعیل به همین معنی نقل شد. [۱۰] روایت ۶۶/ شواهد التنزیل در مورد کثرت آیات نازل شده است و بیان می‌کند در قرآن برای هر حادثه‌ای آیه‌ای نازل شد. [۱۱] روات رقم ۶۸ و ۶۹/ شواهد التنزیل از قول راویان دیگری مثل روایت ۶۷ از حذیفه بن یمان نقل شد. [۱۲] روایت رقم ۷۳، ۷۲، ۷۱/ شواهد التنزیل مثل همین روایت از ابن عباس نقل شده است [۱۳] ترجمه اینکه گفتار مشابه ترجمه روایت شماره ۷۶/ شواهد التنزیل است [۱۴] روایت شماره ۷۹، ۸۰/ شواهد التنزیل هم از ابن عباس با همین الفاظ نقل شد. [۱۵] فجر/ ۴۰ [۱۶] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۷۸. [۱۷] روایت رقم ۹۴/ شواهد التنزیل از قول ابی جعفر علیه السلام نقل شد که آل محمد صلی الله علیه و آله صراط مستقیم الهی هستند که خداوند بندگانش را به اینکه صراط راهنمایی کرده است [۱۸] روایت‌های ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰/ شواهد التنزیل با الفاظ مختلف ولی به یک مفهوم و مضمون نقل شده است [۱۹] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۳ [۲۰] روایت ۱۰۳ و ۱۰۴/ شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون نقل شد. [۲۱] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۶ [۲۲] شواهد التنزیل ج ۱ ص ۸۹ [۲۳] سوره ص ۲۶ [۲۴] نور/ ۵۵ [۲۵] روایت رقم ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹/ شواهد التنزیل به همین معنی نقل شده است [۲۶] اینکه روایت از طریق عایشه و معقل بن یسار و غیر اینکه دو نیز وارد شده است [۲۷] مؤلف کتاب مستقلاً در باب علم علی علیه السلام تالیف کرده است علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع بیشتر به آن کتاب مراجعه کنند. [۲۸] اینکه روایت به طریق مختلف نقل شده است مینائی در کتاب خصائص ص ۴۴، ابن عساکر در تاریخ دمشق حدیث ۹۳۵، ابن سعد در کتاب طبقات ج ۸ ص ۱۷، عبد الباقي در کتاب معجم صحابه ج ۵ ص ۱۳۵. [۲۹] حسین خبری همین روایت را در کتاب تفسیرش آورده است [۳۰] اینکه روایت را جماعتی دیگر از عکرمه و جماعتی از ابن عباس نقل کردند. [۳۱] روایت ۱۳۴/ شواهد التنزیل تقریباً به مضمون همین روایت است [۳۲] روایت ۱۳۸/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۳۳] روایت رقم ۱۴۰/ شواهد التنزیل از حکیم بن جبیر از علی بن حسین با همین لفظ و متن نقل شد. [۳۴] روایت رقم ۱۵۰/ شواهد التنزیل از سعید بن مسروق از منذر به همین معنی نقل شده است [۳۵] روایت رقم ۱۵۴/ شواهد التنزیل از ربیع بن خثیم در همین معنی با اندک اختلافی نقل شد. [۳۶] روایت رقم ۱۵۷/ شواهد التنزیل از طریق احمد بن محمد بن محمد بن نصر از محمد بن مروان با اندکی اختلاف نقل شده است و روایت رقم ۱۵۸/ شواهد التنزیل از ابن عباس با همین متن و الفاظ در شأن علی علیه السلام نقل شد. [۳۷] روایت رقم ۱۶۰/ شواهد التنزیل از مجاهد از ابن عباس به همین معنی نقل شد. [۳۸] بقره ۲۷۳ [۳۹] روایت رقم ۱۶۶/ شواهد التنزیل از ابو جناده سلولی از اعمش مثل همین روایت رقم ۱۶۵ نقل شد. [۴۰] آل عمران ۵۹. [۴۱] آل عمران ۵۹. [۴۲] اینکه مختصری از روایات است که در اینکه جا آوردیم که مفصل آن در کتابهای تفسیری در ذیل آیه شریفه ذکر شده است [۴۳] روایت رقم ۱۷۹/ شواهد التنزیل از حسن بن حسین از یحیی بن علی در همین معنی نقل شد. [۴۴] آل عمران ۱۴۴ ۱۴۲. [۴۵] آل عمران ۱۴۶. [۴۶] روایت دیگری از طریق اشخاص دیگری از اصبع بن نباته به همین نقل شده است [۴۷] روایت رقم ۲۰۱/ شواهد التنزیل نیز با همین لفظ و معنی از مالک بن عطیه از ابن خالد نقل شد. [۴۸] روایت رقم ۲۰۸/ شواهد التنزیل از اصبع بن نباته از ابن عباس با همین متن و الفاظ نقل شده است [۴۹] روایت رقم ۲۱۲/ شواهد التنزیل از ابو سعید خدری با همین متن و محتوا نقل شده است [۵۰] روایت رقم ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰/ شواهد التنزیل از ابن عباس نقل شد، آیه شریفه در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد. [۵۱] باز هم از محمد بن حنفیه روایت رقم ۲۲۵/ شواهد التنزیل مثل روایت ۲۲۴ نقل شد. [۵۲] روایت رقم ۲۲۹ و ۲۳۰/ شواهد التنزیل با همین متن و الفاظ نقل شد. [۵۳] سوره طه ۲۵. [۵۴] مائده ۵۶ [۵۵] روایت رقم ۲۳۸ فقط چند بیت شعر عربی بود که ذکر نکردم [۵۶] حمانی از محمد بن فضیل همین روایت را در تفسیر عتیق نقل کرده است که در شواهد التنزیل با رقم ۲۴۳ ذکر شد. [۵۷] روایت ۲۴۶/ شواهد التنزیل

تقریباً مشابه همین روایت است [۵۸] مؤلف کتاب می‌گوید اینکه حدیث طولانی بود آن را مختصر کرده است [۵۹] آل عمران ۷۱.

[۶۰] روایت رقم ۲۵۸/ شواهد التنزیل از ابن عباس با همین معنی و لفظ نقل شد. [۶۱] روایت رقم ۲۶۴/ شواهد التنزیل از ابن اذینه و او از حمران به همین معنی و لفظ نقل شد. [۶۲] روایت رقم ۲۷۸/ شواهد التنزیل تقریباً به معنی است که از قول زبیر بن عوام بیان شد. [۶۳] روایت رقم ۲۸۲/ شواهد التنزیل تقریباً مشابه همین روایت است [۶۴] روایت رقم ۲۸۵/ شواهد التنزیل از ابن عباس در همین معنی نقل شد. [۶۵] روایت رقم ۲۹۷ و ۲۹۸/ شواهد التنزیل از ابن عباس به همین معنی نقل شد. [۶۶] روایت رقم ۳۰۳/ شواهد التنزیل از ابی حمراء با همین متن و لفظ در توضیح و تفسیر آیه شریفه نقل شده است [۶۷] روایت رقم ۳۱۶ و ۳۱۷/ شواهد التنزیل از انس بن مالک با همین متن و الفاظ نقل شده است [۶۸] روایت رقم ۳۱۱ و ۳۱۳ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸/ شواهد التنزیل از انس بن مالک تقریباً به همین معنی نقل شد. [۶۹] روایت رقم ۳۲۱/ شواهد التنزیل تقریباً به همین معنی نقل شده است [۷۰] روایت رقم ۳۲۹/ شواهد التنزیل از شعبی با همین متن و لفظ نقل شده است [۷۱] روایت رقم ۳۳۱/ شواهد التنزیل از شعبی همین گونه نقل شده است [۷۲] روایت رقم ۳۳۹/ شواهد التنزیل از جابر ابن عبد الله انصاری با همین محتوا و معنی نقل شد. [۷۳] روایت رقم ۳۴۴/ شواهد التنزیل از ابن عباس به همین معنی نقل شد. [۷۴] روایت رقم ۳۶۰/ شواهد التنزیل با همین لفظ و محتوی نقل شده است [۷۵] عیاشی در تفسیرش روایت ۳۶۴/ شواهد التنزیل را از طریق محمد کاشانی از قاسم بن محمد قرشی اصفهانی از سلیمان منقری نقل کرده است [۷۶] از محمد باقر علیه السلام نیز مثل همین روایت نقل شده است [۷۷] روایت رقم ۳۷۶/ شواهد التنزیل با همین لفظ و متن از علی بن ابی مغیره نقل شده است [۷۸] روایت رقم ۳۸۰/ شواهد التنزیل با همین لفظ و معنی از اسباط بن نصر نقل شد. [۷۹] روایت ۳۹۲/ شواهد التنزیل از ابی جعفر علیه السلام با همین متن و لفظ نقل شد. [۸۰] روایت رقم ۴۰۰/ شواهد التنزیل از ابن عباس در همین معنی نقل شد. [۸۱] روایت رقم ۴۰۲/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۸۲] روایت رقم ۴۱۶/ شواهد التنزیل از مجاهد در همین معنی نقل شد. [۸۳] روایت ۴۰۸/ شواهد التنزیل به همین معنی است [۸۴] و همچنین روایت ۴۱۱ و ۴۱۲ به همین معنی آمده است [۸۵] روایت ۴۱۹/ شواهد التنزیل از تفسیر عتیق از قول محمد بن حسن کوفی همین روایت نقل شده است و همچنین روایت ۴۲۰/ شواهد التنزیل از محمد قرشی با سلسله روایت آن باز هم همین روایت بالا نقل شده است [۸۶] روایت رقم ۴۳۱/ شواهد التنزیل از قول مینا، غلام عبد الرحمان بن عوف با اندک اختلافی نقل شده است [۸۷] روایت رقم ۴۴۸/ شواهد التنزیل از ابراهیم بن ایوب از جابر بن عبد الله با همین لفظ و محتوی نقل شد. [۸۸] روایت رقم ۴۶۱ و ۴۶۲/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۸۹] روایت رقم ۴۷۰/ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ از ابی سعید خدری نقل شد. [۹۰] مؤلف می‌گوید روایت در اینکه باب بسیار زیاد است که در کتاب طیب الفطره فی حب العتره مشروحاً ذکر شد. [۹۱] روایت ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ از روایت مختلف و به الفاظ و مضمون روایت ۴۹۰ نقل شد. [۹۲] روایت ۴۹۹ و ۵۰۲/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۹۳] روایت ۵۰۷/ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۹۴] روایت ۵۰۸/ شواهد التنزیل مشابه همین روایت است [۹۵] مثل همین روایت از صباح بن یحیی از حرث در کتاب تفسیر عیاشی نقل شد. [۹۶] انبیاء/ ۱۰۳. [۹۷] روایت ۵۳۱/ شواهد التنزیل از ابو القاسم بغوی از طریق عبید الله بن عمر با همین متن و لفظ نقل شد. [۹۸] روایت رقم ۵۳۵ و ۵۳۶/ شواهد التنزیل منقول از قیس ابن عبادۀ مثل همین روایت است [۹۹] روایت رقم ۵۳۹ و ۵۴۰/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتوی و مضمون نقل شد. [۱۰۰] روایت رقم ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵/ شواهد التنزیل تقریباً با همین محتوی و مضمون در شأن علی علیه السلام و دو هم‌رمزش نقل شد. [۱۰۱] برای ترجمه به روایت شماره ۵۴۹/ شواهد التنزیل مراجعه شود. [۱۰۲] مؤمنون ۹۵. [۱۰۳] زخرف ۴۴. [۱۰۴] روایت رقم ۵۶۲ و ۵۶۳/ شواهد التنزیل تقریباً به همین محتوی است [۱۰۵] ابن عبد الله پسر محمد بن حنفیه است [۱۰۶] روایت رقم ۵۷۹/ شواهد التنزیل به همین مضمون و محتوی نقل شد. [۱۰۷] روایت رقم ۵۹۳ و ۵۹۴/ شواهد التنزیل تقریباً به یک معنی است که با همین مضمون نقل شد. [۱۰۸] روایت رقم ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، و ۶۱۲/ شواهد التنزیل با همین مضمون و معنی نقل شد. که تکراری است

[۱۰۹] همین روایت از عبد الله بن مسعود از طریق روات دیگری نیز نقل شده است که روایت شماره ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ از اینکه قبیل است که متن روایت واحد است ولی راویان آن متعددند. [۱۱۰] مؤلف در ذیل روایت بیان کرده روایت اینکه باب را تحت عنوان «باب شجاعت در کتابی به نام «الخصائص جمع آوری و تدوین کرده است [۱۱۱]. ۱. روایت شماره ۶۳۹/ شواهد التنزیل از انس بن مالک از رسول الله صلی الله علیه و آله با همین مضمون نقل شده است ۲. روایت شماره ۶۴۰/ شواهد التنزیل از انس بن مالک از رسول الله صلی الله علیه و آله با همین متن و مضمون نقل شد. ۳. روایت شماره ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۲، ۶۴۱/ شواهد التنزیل به همین مضمون است که در روایت متن کتاب ذکر شد. [۱۱۲] روایت شماره ۶۵۱ و ۶۵۲/ شواهد التنزیل از هلال بن یساف با همین متن و مضمون نقل شده است روایت رقم ۶۵۳/ شواهد التنزیل از طریق یزید بن هارون به همین معنی نقل شد. [۱۱۳] روایت شماره ۶۵۵/ شواهد التنزیل باز هم از طریق عامر بن سعد با همین مضمون و محتوا درباره اهل بیت نقل شده است [۱۱۴]. ۱. روایت شماره ۶۶۱/ شواهد التنزیل به نقل از سفیان ثوری از ابی حجاج داود بن ابی عوف از عطیه عوفی از ابو سعید خدری روایت شد، آیه شریفه در شأن پنج تن آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است ۲. روایت رقم ۶۶۲/ شواهد التنزیل به نقل از عمار بن محمد ثوری از نظر الفاظ روایت و متن مثل روایت رقم ۶۶۰/ شواهد التنزیل است ۳. روایت رقم ۶۶۳/ شواهد التنزیل به نقل از هارون عجلی از عطیه از ابو سعید خدری حکایت شد آیه آنما یرید الله .. درباره نبی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است ۴. روایت رقم ۶۶۴/ شواهد التنزیل به نقل از اعمش از ابو سعید خدری گفته شده آیه آنما یرید الله .. در طهارت و تطهیر نبی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است ۵. روایت رقم ۶۷۱/ شواهد التنزیل از طریق حبان بن علی عنزی از کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل آیه آنما یرید الله .. در شأن رسول الله صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است ۶. روایت رقم ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷/ شواهد التنزیل از ام سلمه روایت شد در شأن اهل بیت نازل شده است ۷. روایت رقم ۷۵۶/ شواهد التنزیل از حکیم بن سعید از ام سلمه نقل شد آیه شریفه در شأن اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است ۸. روایت رقم ۷۶۷/ شواهد التنزیل از عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل شد. آیه کریمه در شأن نبی صلی الله علیه و آله علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شده است ۹. روایت رقم ۷۶۹/ شواهد التنزیل از اعمش از عطیه عوفی از ابو سعید خدری با همین لفظ و متن نقل شده است ۱۰. روایت رقم ۷۷۰/ شواهد التنزیل از ابو سعید خدری نقل شد آیه کریمه در شأن اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله که پنج تن هستند نازل شده است [۱۱۵]. ۱. روایت ۶۶۶/ شواهد التنزیل از عطیه عوفی از ابو سعید خدری نظیر روایت متن نقل شده است ۲. روایت رقم ۷۰۰/ شواهد التنزیل از سالم بن ابی حفصه از ابی حمراء در همین معنی نقل شد. [۱۱۶]. ۱. روایت ۶۶۸/ شواهد التنزیل از عطیه عوفی از ابو سعید خدری با همین متن و لفظ نقل شده ولی به جای هشت ماه مدت شش ماه ذکر شده است ۲. روایت رقم ۶۹۵/ شواهد التنزیل از ابو حمراء در همین معنی نقل شده است ۳. روایت رقم ۶۹۶/ شواهد التنزیل از ابو نعیم از یونس همین روایت را نقل کرده است ۴. روایت رقم ۶۹۷/ شواهد التنزیل ابو داود از ابی حمراء با اندک اختلافی همین روایت را نقل کرده است ۵. روایت رقم ۶۹۸/ شواهد التنزیل از نافع از ابی حمراء همین روایت نقل شده است ۶. روایت رقم ۶۹۹/ شواهد التنزیل از ابی شیبہ از یحیی همین روایت نقل شده است ۷. روایت رقم ۷۰۱/ شواهد التنزیل نافع از ابی حمراء به همین معنی و مضمون نقل کرده است ۸. روایت رقم ۷۰۲/ شواهد التنزیل ابو داود از ابی حمراء همین روایت را نقل کرده است ۹. روایت رقم ۷۶۶ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳/ شواهد التنزیل با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است [۱۱۷]. ۱. روایت ۷۰۸/ شواهد التنزیل از عبید الله بن موسی همین روایت نقل شده است ۲. روایت ۷۰۹ و ۷۰۱ و روایت رقم ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴/ شواهد التنزیل از راویان متعدد از ام سلمه با همین متن و مضمون نقل شده است ۳. روایت ۷۳۱/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب از ام سلمه همین روایت نقل شده است ۴. روایت ۷۵۳/ شواهد التنزیل از یحیی بن عبید از عمر بن

ابی سلمه همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است [۵] روایت ۷۵۴ و ۷۵۵/ شواهد التنزیل از عمر بن ابی سلمه با همین مضمون و محتوا درباره آیه کریمه نقل شده است [۱۱۸] روایت رقم ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴/ شواهد التنزیل از ام سلمه با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۱۱۹]. ۱] روایت ۷۴۰/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب همین روایت با اندک اختلافی نقل شده است [۲] روایت ۷۴۱/ شواهد التنزیل و ۷۴۲/ شواهد التنزیل از شهر بن حوشب از ام سلمه همین روایت نقل شده است [۳] روایت ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶/ شواهد التنزیل با اندک اختلافی با همین مضمون و محتوا در توضیح آیه کریمه اَنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ .. نقل شده است [۱۲۰]. ۱] روایت ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲/ شواهد التنزیل به نقل از راویان متعدد از ام سلمه با اندک تغییری در الفاظ در همین مورد نقل شده است [۲] روایت ۷۶۸/ شواهد التنزیل از عطیة عوفی از ابو سعید خدری با اندک اختلافی با همین مضمون نقل شده است [۱۲۱]. ۱] روایت ۷۶۱/ شواهد التنزیل از ابی لیلی کندی از ام سلمه در همین معنی است [۲] روایت ۷۶۲/ شواهد التنزیل از عمار دهنی از عقب از ام سلمه در همین معنی نقل شده است [۳] روایت ۷۶۳/ شواهد التنزیل از عمره همدانی از ام سلمه در همین مضمون نقل شده است [۴] روایت رقم ۷۶۴/ شواهد التنزیل از ابی معاویه بجلی از عمره همدانی از ام سلمه همین روایت نقل شد. [۵] روایت رقم ۷۵۸/ شواهد التنزیل در همین معنی نقل شده است [۶] روایت رقم ۷۵۹/ شواهد التنزیل از ام سلمه در همین معنی نقل شده است [۱۲۲] اعمش از مجاهد از ابن عباس همین روایت را با شماره ۷۹۳/ شواهد التنزیل نقل کرده است [۱۲۳] سلیم بن قیس عامری هم از علی علیه السلام همین روایت را نقل کرد و گفت از علی علیه السلام شنیدم فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به یاسین نامگذاری شد و ما آل او آل یاسین هستیم [۱۲۴] سفیان ثوری از منصور از مجاهد از قول ابن عباس همین روایت را ذیل آیه سلام علی آل یاسین در شماره ۷۹۶/ شواهد التنزیل نقل کرد. [۱۲۵] همین روایت در شماره ۸۰۱/ شواهد التنزیل از طریق روایت دیگری مثل ابن سائب از ابی صالح از ابن عباس نقل شده است و همچنین سفیان ثوری از منصور از مجاهد از ابن عباس همین روایت را در روایت ۸۰۲ نقل کرده است [۱۲۶] ابی خالد کابلی از ابی جعفر در روایت شماره ۸۰۹/ شواهد التنزیل نقل کرد الرجل السالم لرجل علی و شیعه یعنی مرد سلیم النفس برای رجل دیگر، علی علیه السلام و شیعیان او هستند. [۱۲۷] اینکه روایت را محمد بن یحیی بن ضریس از نصر نیز نقل کرده است [۱۲۸] روایت شماره ۸۱۴/ شواهد التنزیل هم از ابی صالح از ابن عباس در همین معنی نقل شد. [۱۲۹] همین روایت را عده‌ای از راویان از قول یحیی نقل کرده‌اند و همچنین قنفذ بزاز از حمّانی نیز همین روایت را در شماره ۸۲۳/ شواهد التنزیل از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرد. [۱۳۰] محمد بن عیسی واسطی و احمد بن غفار از ابن عباس در شماره ۸۲۵/ شواهد التنزیل همین روایت را نقل کرده‌اند و همچنین روایت ۸۲۶ و ۸۲۷/ شواهد التنزیل با همین الفاظ و عبارت نقل شد. [۱۳۱] ابن راهویه از عبد الله بن حمید همین روایت را در سندش نقل کرده است [۱۳۲] همین روایت را عامر شعبی نیز از ابن عباس نقل کرده فقط به جای لا تؤذونی نوشته بود لا تکذبونی روایت ۸۳۳/ شواهد التنزیل همین کتاب [۱۳۳] همین روایت را مصبح بن هلقام از عبد الغفور با سندش از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده است [۱۳۴] روایت ۸۴۰ و ۸۴۱/ شواهد التنزیل که به وسیله عمرو بن شعیب نقل شده با همین مضمون است [۱۳۵] روایت ۸۴۴/ شواهد التنزیل اشعاری است به مضمون و معنی آیه شریفه لا استلکم علیه اجرا... است [۱۳۶] حکام حسان می گوید: روایت ۸۴۶/ شواهد التنزیل از ابن عباس همین گونه نقل شده است [۱۳۷] روایت ۸۴۸ و ۸۴۹ از طریق ابی مالک از ابن عباس با همین معنی و مضمون نقل شده است [۱۳۸] همین روایت از طریق ابو ذر غفاری از ابن عباس نقل شده است [۱۳۹] روایت ۸۵۶/ شواهد التنزیل از روات دیگری از طریق عبد العزیز بن محمد بن عمران از علی بن جابر با همین الفاظ و مضمون نقل شده است [۱۴۰] اینکه روایت از طریق محمد بن خالد واسطی نیز نقل شده است و روایت ۸۵۸/ شواهد التنزیل از طریق عبد الله بن عباس از نبی صلی الله علیه و آله با همین الفاظ و عبارات نقل شده است [۱۴۱] همین روایت از عباد بن یعقوب از عیسی بن عبد الله در رقم ۸۶۱/ شواهد التنزیل نقل شد و الفاظ و مضمونش با اینکه روایت یکی است [۱۴۲] روایت ۸۶۳/ شواهد التنزیل از حکم بن عبد الملک از علی علیه السلام همین گونه نقل

شده است - و روایت ۸۶۴/ شواهد التنزیل از قیس بن میسره از ابی صادق همین گونه روایت شده است - و روایت ۸۶۵/ شواهد التنزیل از ابی حفص با الفاظ و مضمون اینکه روایت یکی است [۱۴۳] روایت ۸۶۷/ شواهد التنزیل از ابی عبد الرحمن مسعودی از حارث اصبع بن نباته از علی علیه السلام با همین متن و الفاظ نقل شده است [۱۴۴] برای ترجمه به روایت شماره ۸۶۲ مراجعه شود. [۱۴۵] قرأت جعفر بن محمد از پدرش و از جدش از علی علیه السلام به جای یصدون یضحکون قرائت شد. [۱۴۶] مثل همین روایت در تفسیر عیاشی نقل شد. و همچنین روایت رقم ۸۶۹/ شواهد التنزیل که از اصبع نباته از علی علیه السلام حکایت شد با همین عبارت و الفاظ است و همچنین روایت رقم ۸۷۰/ شواهد التنزیل از طریق ابی یقظان از زاذان از علی علیه السلام با کمی اختلاف الفاظ روایت شده است و روایت رقم ۸۷۱/ شواهد التنزیل از تفسیر عتیق از طریق ابی سعید خدری با همین مضمون نقل شده است [۱۴۷] روایت ۸۷۳/ شواهد التنزیل از طریق ابی صالح از ابن عباس با اندک اختلافی مثل همین روایت مبسوط نقل شده است [۱۴۸] حاکم حسکانی توضیح داده است که اینکه روایت منقول از علی علیه السلام را فقط با همین اسناد در کتب روانی دیدم [۱۴۹] محمد ۱ [۱۵۰] از طریق علی بن هاشم از فطر از جعفر بن حسین هاشمی روایتی به همین معنی و مضمون نقل شده است و همچنین از سیعی از ابی جعفر الباقر علیه السلام همین روایت ذکر شده است [۱۵۱] روایت ۸۸۴/ شواهد التنزیل از طریق ابی الحسن مدائنی از هارون عبدی از ابو سعید خدری با همین الفاظ و محتوا نقل شده است روایت ۸۸۵/ شواهد التنزیل از جعفر بن سلیمان از ابی هارون عبدی از ابو سعید خدری در همین معنی نقل شده است [۱۵۲] روایت ۸۸۸/ شواهد التنزیل از طریق عمرو بن زیاد باهلی از موسی بن جعفر با همین الفاظ و متن نقل شده است توضیح اینکه که اینک روایت درباره اصحاب و یاران پیامبر شاید مقداری مبالغه آمیز باشد و روایت ۸۹۲، ۸۹۱، ۸۹۰/ شواهد التنزیل از طریق مبارک بن فضاله از حسن همین روایت را نقل کرده است و همچنین روایت رقم ۸۸۹/ شواهد التنزیل با اندکی اختلاف از اسلم بن جنید از حسن همین گونه نقل شده است [۱۵۳] ابو عمران موسی بن احمد بن عمر بن غیلان هم اینکه روایت را نقل کرده و مؤلف کتاب فقط روایت آن را تحت شماره ۸۹۲/ شواهد التنزیل ذکر کرده است [۱۵۴] روایت ۸۹۸/ شواهد التنزیل از سعد بن ظریف از عکرمه با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است [۱۵۵] روایت ۹۰۹ و ۹۰۸/ شواهد التنزیل از طریق راوی دیگری از ابن عباس با همین مضمون و محتوا نقل شده است [۱۵۶] روایت ۹۱۱/ شواهد التنزیل با اندکی اختلاف از ثابت بنانی از انس بن مالک با همین محتوا نقل شده است [۱۵۷] اینکه روایت در شماره ۹۱۳/ شواهد التنزیل از طریق ابن عباس زین العابدین و ضحاک و ربیع و همچنین در امالی صدوق نقل شده و همچنین از عایشه و بریده اسلمی در تفسیر فرائد نقل شده است و همچنین اینکه روایت از طریق زراره بن اوفی از ابن عباس نقل شد که مصنف در روایت ۹۱۵/ شواهد التنزیل به طور کامل آن را ذکر کرده است [۱۵۸] روایت ۹۱۹/ شواهد التنزیل از طریق محمد بن رستم از زاذان از سلمان فارسی با همین الفاظ و متن در شرح آیه کریمه فوق ذکر شده است [۱۵۹] روایت ۹۲۱ و ۹۲۳/ شواهد التنزیل از طریق ابن ابی نجیح از مجاهد از ابن عباس عین همین روایت است [۱۶۰] روایت ۹۱۵/۹۲۶/ شواهد التنزیل که عده‌ای دیگر از روایت از ابن عباس نقل کردند که با متن و عبارت همین روایت یکی است [۱۶۱] سبقت ابراهیم به چه کسی بوده را ذکر نکرده است [۱۶۲] روایت ۹۳۰/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگری از ابن عباس به همین معنی نقل شده است [۱۶۳] اینکه روایت در تفسیر عتیق هم ذکر شده است [۱۶۴] روایت ۹۳۵/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از جعفر بن محمد علیه السلام با همین الفاظ و متن نقل شده است [۱۶۵] روایت ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲/ شواهد التنزیل از طریق راویان دیگر از رسول الله صلی الله علیه و آله با همین الفاظ و محتوا نقل شده است [۱۶۶] روایت ۹۴۴/ شواهد التنزیل که از جابر بن عبد الله انصاری از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد، با همین الفاظ و متن است [۱۶۷] مؤید اینکه کلام ابو جعفر علیه السلام روایت رقم ۹۴۷/ شواهد التنزیل است که ابو سعید خدری از قول رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نقل کرد: أما والله لا يحب اهل بيتي عبد الله اعطاه الله نوراً حتى يرد على الحوض ولا يبغض اهل بيتي عبد الله احتجب الله عنه يوم القيامة. [۱۶۸] روایت ۹۵۵/ شواهد التنزیل از روات دیگری

از علی بن علقمه از علی علیه السلام نقل شد که متن دو روایت یکی است همچنین یحیی حمّانی از اشجعی از سفیان ثوری همین روایت را نقل کرده است و همچنین روایت ۹۵۷/ شواهد التنزیل از یحیی بن آدم از عبید الله بن اشجعی از سفیان بن سعید ثوری از عثمان بن مغیره از سالم از علی بن علقمه از علی علیه السلام با همین متن و الفاظ نقل شده است [۱۶۹] روایت ۹۵۹/ شواهد التنزیل از روات دیگری از طریق لیث از مجاهد از علی علیه السلام با همین الفاظ روایت شده است و روایت ۹۶۰/ شواهد التنزیل هم از طریق لیث از مجاهد از علی علیه السلام نقل شد جز اینکه که روایت مختصر و کوتاهتر نقل شده است و همچنین روایت ۹۶۱/ شواهد التنزیل از طریق شریک از مجاهد نقل شده که مختصر و ملخص همین روایت است [۱۷۰] روایت رقم ۹۶۳/ شواهد التنزیل صالح بن عبد الله کرمزی در کتاب تفسیر از قول جریر از لیث از مجاهد از علی علیه السلام نقل کرد که الفاظ و متن روایت با اینکه روایت یکی است [۱۷۱] روایت رقم ۹۶۵/ شواهد التنزیل از طریق سفیان از سلیمان احوّل از مجاهد با همین متن و الفاظ نقل گردید. و همچنین روایان دیگری از لیث مطابق همین روایت را نقل کردند و همچنین شبل بن عباد از ابی نجیح اینکه روایت را نقل کرد و همچنین حبان از لیث از مجاهد هم اینکه روایت را نقل کرد. [۱۷۲] روایت فوق در توضیح و تفسیر نجوا نیست بلکه نقل یک فضیلت از فضایل بی‌شمار علی علیه السلام است که به مناسبت در اینجا ذکر شد. [۱۷۳] روایت ۹۶۸/ شواهد التنزیل از جابر بن عبد الله انصاری همین گونه نقل شده است فقط تغییراتی جزئی در متن روایت است که ابو بکر و عمر وقتی مناجات آن دو طولانی شد، سؤال کردند و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ما انا ناجيته بل الله ناجاه [۱۷۴] روایت ۹۷۹/ شواهد التنزیل از طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل شد که تقریباً همین روایت است فقط افرادی مثل سهل بن حنیف و حارث بن صمّه و ابی دجّانه را به علی علیه السلام و حمزه و مقداد اضافه کرده است [۱۷۵]. ۱] روایت ۹۸۳/ شواهد التنزیل از طریق علی بن جعفر علیه السلام از برادرش از پدرش از جدش از علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۲] روایت ۹۸۴/ شواهد التنزیل از اسماء بنت عمیس از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام است ۳] روایت ۹۸۵/ شواهد التنزیل از روات دیگری از اسماء بنت عمیس از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد. صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۴] روایت ۹۸۶/ شواهد التنزیل به نقل از اسماء بنت عمیس که از رسول الله صلی الله علیه و آله که آن حضرت فرمود صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۵] روایت ۹۸۷/ شواهد التنزیل از طریق جعفر بن محمد از پدر و جدش و پدرانسان از رسول الله روایت شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۶] روایت ۹۸۸/ شواهد التنزیل از طریق ام جعفر از جدش اسماء بنت عمیس از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۷] روایت ۹۹۰/ شواهد التنزیل از طریق وکیع از اعمش از زید بن وهب از حذیفه از رسول الله نقل شد صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۸] روایت ۹۹۱/ شواهد التنزیل از طریق زبیر بن عدی از ضحاک از ابن عباس نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام است ۹] روایت ۹۹۳/ شواهد التنزیل از طریق ابو حمزه ثمالی از عبد الله بن عطاء از ابی جعفر علیه السلام نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام ۱۰] روایت ۹۹۴/ شواهد التنزیل از قول ابو قتیبّه از ابن سیرین نقل شد، صالح المؤمنین یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام [۱۷۶] روایت ۱۰۰۰/ شواهد التنزیل از طریق داود بن سرحان از جعفر بن محمد [ع با اندک اختلافی در همین معنی روایت شده است و همچنین روایت ۱۰۰۱/ شواهد التنزیل از طریق عیسی بن هشام از داود بن سرحان با همین الفاظ نقل شده است [۱۷۷] مثل همین روایت را طاووس از امام باقر علیه السلام نقل کرد. [۱۷۸] حاقه ۱۲. [۱۷۹] برای ترجمه سخن رسول خدا [ص به روایت شماره ۱۰۰۸ مراجعه شود. [۱۸۰] روایت ۱۰۱۲ و ۱۰۱/ شواهد التنزیل از رسول خدا صلی الله علیه و آله به همین معنی نقل شد. [۱۸۱] روایت ۱۰۱۳/ شواهد التنزیل به همین معنی و مضمون است [۱۸۲] روایت ۱۰۱۹/ شواهد التنزیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۱۸۳] در روایت ۱۰۲۶/ شواهد التنزیل جعفر بن برقان از میمون بن مهران از ابن عباس و او از نبی صلی الله علیه و آله با همین لفظ و محتوا

نقل کرده است [۱۸۴] روایت ۱۰۱۷، ۱۰۱۸ / شواهد التنزیل از قول رسول الله صلی الله علیه و آله به همین لفظ و محتوا نقل شده است [۱۸۵] روایت ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ / شواهد التنزیل از محدثان مختلف به همین لفظ، و محتوا نقل شده است که به علت تکراری بودن ذکر نکردیم [۱۸۶] باید علی بن حسین علیه السلام باشد [۱۸۷] روایت ۱۰۳۱ / شواهد التنزیل از طریق شریح بن نعمان از سفیان بن عیینه از پدرش از علی بن حسین علیه السلام نقل شد و عین روایت ۱۰۳۰ / شواهد التنزیل را حکایت نمود. و روایت ۱۰۳۲ / شواهد التنزیل از طریق جابر جعفی از محمد بن علی نقل شد و به جای نعمان بن حرث فهری حارث بن عمرو فهری ذکر شده و بقیه متن خبر با روایت ۱۰۳۰ / شواهد التنزیل یکی است [۱۸۸] روایت ۱۰۳۹ / شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از جابر بن عبد الله از ابو جعفر علیه السلام نقل شده است جز اینکه که در اینکه روایت فرمود شیعیان ما، اصحاب یمین هستند. [۱۸۹]. ۱] روایت ۱۰۴۳ / شواهد التنزیل از طریق حسن بن مهران از مسلمة بن جابر از امام جعفر صادق علیه السلام در همین معنی نقل شده است ۲] روایت ۱۰۴۴ / شواهد التنزیل از طریق روح بن عبد الله از جعفر صادق علیه السلام نقل شده است ۳] روایت ۱۰۴۵ / شواهد التنزیل همین روایت از معاویه بن عمیر از جعفر صادق علیه السلام با همین محتوا و الفاظ و موضوع نقل شده است ۴] روایت ۱۰۴۶ / شواهد التنزیل همین روایت از طریق احمد بن معاویه از محمد بن بحر از روح بن عبد الله از جعفر بن محمد علیه السلام از پدر و جدش از علی علیه السلام نقل شده است ۵] روایت ۱۰۴۷ / شواهد التنزیل از طریق لیث بن ابی سلیم از مجاهد از ابن عباس با همین متن و محتوا نقل شده است ۶] روایت ۱۰۴۸ / شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲ / شواهد التنزیل است که از طریق روات دیگری از طریق مجاهد از ابن عباس نقل شد که داستان نذر و سه روز، روزه بودن علی و خانواده‌اش را ذکر کرده است ۷] روایت ۱۰۴۹ / شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲ / شواهد التنزیل است که از طریق عبد الله بن محمد بن احمد بن نصر مقری از عبد الله بن عبد الوهاب نقل شده است ۸] روایت ۱۰۵۰ / شواهد التنزیل همان روایت رقم ۱۰۴۲ / شواهد التنزیل است که جماعتی از ابی حامد و جماعتی از احمد مروزی از لیث بن ابی سلیم نقل کرده‌اند. ۹] روایت ۱۰۵۱ / شواهد التنزیل همان روایت ۱۰۴۲ / شواهد التنزیل است که از طریق قعقاع بن عبد الله سعدی از لیث از مجاهد از ابن عباس در توضیح آیه یوفون بالنذر داستان سه روز روزه‌دار بودن علی علیه السلام و خانواده‌اش مفصل نقل شده است ۱۰] روایت ۱۰۵۲ / شواهد التنزیل از طریق حبان علی ابو علی عنزی از کلبی از ابی صالح از ابن عباس در مورد داستان نذر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نقل شده است [۱۹۰] روایت ۱۰۵۵ / شواهد التنزیل از طریق مقاتل از اصبع بن نباتة از سعید بن جبیر از ابن عباس در توضیح آیه اَنْ الابرار یشرّبون .. نقل شد. که آیه درباره علی علیه السلام فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهما السلام نازل شد که در آخرت شراب بهشتی و مخصوص می‌نوشند. [۱۹۱] روایت ۱۰۵۷ / شواهد التنزیل از طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل شد که آیه یطعمون الطعام علی حبه .. درباره علی علیه السلام نازل شده است [۱۹۲] روایت ۱۰۷۳ / شواهد التنزیل از طریق یکی از اصحاب نبی صلی الله علیه و آله از ابو حمزه ثمالی با همین الفاظ و متن نقل شده است - روایت ۱۰۷۴ / شواهد التنزیل از ابان بن تغلب از ابو جعفر در توضیح نباء العظیم نقل شد، که گفت علی علیه السلام آن نبأ عظیمی است که درباره‌اش اختلاف کردند. [۱۹۳] جنگ طائف [۱۹۴] اینکه روایت را سبعی در تفسیرش از طریق معاویه بن عمّار از ابی زبیر از جابر بن عبد الله انصاری نیز ذکر کرده است [۱۹۵] روایت ۱۰۸۶ و ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸ / شواهد التنزیل در همین معنی و از روات دیگری نقل شد. [۱۹۶] روایت ۱۰۹۱ / شواهد التنزیل از جابر بن عبد الله انصاری از ابو جعفر علیه السلام به همین معنا نقل شده است [۱۹۷] روایت ۱۰۹۳ / شواهد التنزیل از محمد بن خالد برقی از محمد بن فضیل با همین متن و لفظ نقل شده است [۱۹۸] روایت ۱۰۹۵ / شواهد التنزیل از طریق سفیان ثوری از منصور از مجاهد از ابن عباس شبیه همین روایت بدون هیچ تغییری نقل شده است [۱۹۹] روایت ۱۰۹۷ / شواهد التنزیل از قول زید بن اسلم از نباتة بن اسد از علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله با همین مضمون و عبارت نقل شده است روایت ۱۰۹۸ / شواهد التنزیل از طریق عمر بن صهیب از پدرش از رسول الله صلی الله علیه و آله در همین معنی روایت شده جز اینکه که در آخر روایت

ذکر کرده است علی علیه السلام به اهل عراق گفت ای اهل عراق به خدا سوگند، دوست دارم که شقی ترین شما برخیزد و محاسنم را با خونم رنگین نماید. - روایت رقم ۱۱۰۳/ شواهد التنزیل در همین معنی است - و روایت رقم ۱۱۰۴/ شواهد التنزیل از عمار یاسر با همین مضمون نقل شد. - و همچنین روایت رقم ۱۱۰۸/ شواهد التنزیل از ضحاک بن مزاحم از رسول الله صلی الله علیه و آله به همین مضمون نقل کرد. [۲۰۰] روایت ۱۱۰۰/ شواهد التنزیل از عمیر بن عبد الملك مثل همین روایت نقل شد. [۲۰۱] روایت ۱۱۰۲/ شواهد التنزیل از ابو طفیل چنین نقل شد. چون عبد الرحمان بن ملجم برای بیعت به حضور علی علیه السلام آمد، آن حضرت او را دوبار برگرداند و گفت او آن شقی است که محاسنم را به خونم رنگین می کند. [۲۰۲] روایت ۱۱۰۹/ شواهد التنزیل از طریق جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش و او از جابر بن عبد الله با همین متن و الفاظ در شأن نزول آیه کریمه و لسوف يعطيك ربك فترضى نقل شد. [۲۰۳] روایت ۱۱۱۴/ شواهد التنزیل از علی بن ابی طالب علیه السلام در همین معنی نقل شده است [۲۰۴] روایت ۱۱۱۷/ شواهد التنزیل از عبد الله بن سنان از ابو عبد الله علیه السلام با همین متن و لفظ روایت شده است و روایت ۱۱۱۸/ شواهد التنزیل از طریق روات دیگر از ابو عبد الله علیه السلام در همین معنی ذکر شده است و همچنین روایت ۱۱۱۹/ شواهد التنزیل از طریق عبد الرحمن بن حماد از فضل از ابو عبد الله علیه السلام در تفسیر آیه کریمه در همین معنی نقل شد. [۲۰۵] روایت ۱۱۲۴/ شواهد التنزیل از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شد فما يكذبك بعد بالدين یعنی ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام [۲۰۶] روایت ۱۱۲۲/ شواهد التنزیل از طریق محمد بن فضیل صیرفی از موسی بن جعفر علیه السلام در همین معنی و متن نقل شده است و همچنین روایت ۱۱۲۳/ شواهد التنزیل از داود بن محمد سهندی از محمد بن فضیل صیرفی از موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر سوره مبارکه تین همین گونه بیان شد. [۲۰۷] روایت ۱۱۳۰/ شواهد التنزیل از ابو داود از ابو برزه در همین معنی نقل شده است [۲۰۸] روایت ۱۱۲۸/ شواهد التنزیل از عمر بن هارون از جابر بن عبد الله با همین محتوا نقل شده است - روایت ۱۱۲۹/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر بن عبد الله و همچنین از شداد بن رشید از جابر بن عبد الله از باقر العلوم علیه السلام نقل شده است و همچنین روایت ۱۱۳۰/ شواهد التنزیل به همین معنی است [۲۰۹] و روایت ۱۱۳۳/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر بن عبد الله از ابو جعفر از رسول الله صلی الله علیه و آله همین گونه نقل شده است - روایت ۱۱۳۴/ شواهد التنزیل از عمرو بن شمر از جابر از ابو جعفر از رسول الله صلی الله علیه و آله همین روایت است فقط در آخر روایت اضافه شده است « یا علی علیه السلام تو و شیعیانت در حالی که راضی و مرضی هستید در قیامت بر من وارد می شوید. » - روایت ۱۱۳۵/ شواهد التنزیل از طریق شداد از جعفری از جابر بن عبد الله از ابو جعفر از رسول الله صلی الله علیه و آله به همین متن و لفظ نقل شده است - روایت ۱۱۳۶ و ۱۱۳۷ و ۱۱۳۸ از روات مختلف از جابر از ابو جعفر علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله در همین معنی نقل شده است - روایت ۱۱۴۵/ شواهد التنزیل کلبی از ابی صالح از ابن عباس بیان کرد خیر البریه، علی و شیعیانش هستند. [۲۱۰] روایت ۱۱۴۰/ شواهد التنزیل از عبد الله لهیعه با همین لفظ و متن نقل شده است [۲۱۱] روایت ۱۱۴۳/ شواهد التنزیل از عطیه عوفی از ابو سعید خدری از رسول الله صلی الله علیه و آله در همین معنی نقل شده است [۲۱۲] روایت ۱۱۴۸/ شواهد التنزیل از کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل شده که آیه کریمه درباره علی علیه السلام و شیعیانش نازل شده است و همچنین روایت ۱۱۴۷/ شواهد التنزیل از ابن عباس نقل شده که آیه شریفه فقط درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و او را به عنوان بهترین انسان معرفی فرمود. [۲۱۳] روایت ۱۱۵۱/ شواهد التنزیل از طریق علی بن عباس از حسن بن محمد مزنی از حسن بن حسین از ابو حفص از جعفر بن محمد علیه السلام با همین محتوا نقل شد. [۲۱۴] روایت ۱۱۵۵/ شواهد التنزیل از قول ابی امامه از ابی بن کعب از رسول الله صلی الله علیه و آله با همین معنی ذکر شده است [۲۱۵] روایت رقم ۱۱۵۷/ شواهد التنزیل از طریق ابی هریره از رسول الله صلی الله علیه و آله در همین معنی نقل شده است فقط اینکه که در معنی اَلَا الَّذِینَ ءَامَنُوا و ... نقل شده علی علیه السلام و شیعیانش هستند که مصداق اینکه آیه شریفه هستند. [۲۱۶] روایت ۱۱۶۲/ شواهد التنزیل از ابی حمزه از علی بن حسین علیه السلام از پدرش و جدش از

رسول الله صلی الله علیه و آله همین روایت را نقل کرده است [۲۱۶] روایت ۱۱۶۲/ شواهد التنزیل از ابی حمزه از علی بن حسین علیه السلام از پدرش و جدش از رسول الله صلی الله علیه و آله همین روایت را نقل کرده است

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دالود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاه ها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه

بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».